

بهر برکات سپاس
آفرینش دهد سپاس
فرشتگان خوانند سپاس
بر اب و ابن و روح سپاس

* * *

۱- خدا ملجاء و قوت من است
صخره قوی من اوست
سپر و شاخ نجاتم خداست
قلعه بلند من اوست

بند گردان

شکر ای پدر، شکر ای پسر
شکر بر تو ای روح القدس (۲)

۲- بیایید خدا را بسراییم
آواز شادمانی دهیم
صخره نجات را بستاییم
در حضورش با حمد آییم

بند گردان

شکر ای پدر، شکر ای پسر
شکر بر تو ای روح القدس (۲)

۳- در نام قدوسش فخر نمایید
رویش را دایم طلبید
کارهای عجیبش را ذکر کنید
نام یهوه را خوانید

بند گردان

شکر ای پدر، شکر ای پسر
شکر بر تو ای روح القدس (۲)

۴- تسبیح بخوانید تسبیح بخوانید
خدا را تسبیح بخوانید
جمیع لشکرهای خداوند
نام او را تسبیح خوانید

بند گردان

شکر ای پدر، شکر ای پسر
شکر بر تو ای روح القدس (۲)

۱- خدایا سراییم سرود نجات
 که رهاندی از موت بدادی حیات
 زدست تو گشته ظفرها پدید
 به خون مسیحا که ما را خرید

بندگردان

لباس عدالت نمودی عطا
 سلاح تمام خدا نزد ما
 بضد شریر جنگ نیکو کنم
 که تاج حیات را بدست آورم

۲- خدایا تویی حافظ مؤمنین
 ز تیرها و دام شریر در کمین
 کلامت به ما درس زیستن دهد
 ز حکمت شویم پر چو روح دمد

بندگردان

لباس عدالت نمودی عطا
 سلاح تمام خدا نزد ما
 بضد شریر جنگ نیکو کنم
 که تاج حیات را بدست آورم

۳- خدایا تو چشم دلم باز نما
که تشخیص دهم راه راست و خطا
ز مکرهای ابلیس شوم با خبر
رهایی دهی تو مرا از خطر

بندگردان

لباس عدالت نمودی عطا
سلاح تمام خدا نزد ما
بضد شریر جنگ نیکو کنیم
که تاج حیات را بدست آورم

۱- دارم در قلب خود سرودی
 سرود شادمانی
 چونکه عصیانم را بخشیدی
 حال در تو شادم

بندگردان

حال در تو شادم شادم
 حال در تو شادم
 مسیحا چون آمدی به قلبم
 حال در تو شادم

۲- مهر عجیبت در دل دارم
 هرگز غم ندارم
 در وادی تاریک نیز خوانم
 حال در تو شادم

بندگردان

حال در تو شادم شادم
 حال در تو شادم
 مسیحا چون آمدی به قلبم
 حال در تو شادم

۱- ایمان ما درزندگی ، جنگی است دائم سربسر
عیسی بود نیروی ما ، نیکو بجنگ و کن گذر

۲- چشمان بیفکن سوی او ، در جستجوی روی او
قوت بگیر از کوی او ، هم راه اوست هم راهبر

۳- ترس هرچه باشد دور کن ، ز عشقش سرت پر شور کن
دل را از او پر نور کن ، گردد حیاتت پر ثمر

۴- هستی عزیز و مهربان ، نزد مسیح آرام جان
پیوسته هر جا هر زمان ، جز او نخواهی تو دگر

۱- به که پناه برم چون غمها در رسند
 به که پناه برم چون قلبم بشکند
 از بهر این حال زارم اکنون پناهی می جویم
 در پی شادی می گردم اما اندوه آید سویم

بندگردان

عیسی بخشد نجات با خون پر بها
 شفا و آزادی ز هر درد و جفا
 نزدش رو با ایمان دور ز شک و عصیان
 او تو را پذیرد بخشد روح و توان

۲- به که پناه برم چون در گناه افتم
 به که پناه برم چون روحم زجر کشد
 عدل و بخشش از که جویم پاکی و نور در وجودم
 در پی شادی می گردم اما اندوه آید سویم

بندگردان

عیسی بخشد نجات با خون پر بها
 شفا و آزادی ز هر درد و جفا
 نزدش رو با ایمان دور ز شک و عصیان
 او تو را پذیرد بخشد روح و توان

۱- به لطف و به نرمی عیسی می خواند
 گوید نزد من بیا
 بر در قلبت ایستاده می خواند
 گوید نزد من بیا

بندگردان

بیا بیا ای پریشان دل بیا
 به لطف عظیمش عیسی می خواند
 هان ای گنهکار بیا

۲- تأخیرروا نیست چون عیسی می خواند
 گوید نزد من بیا
 رحمتش رد مکن تو را می جوید
 گوید نزد من بیا

بندگردان

بیا بیا ای پریشان دل بیا
 به لطف عظیمش عیسی می خواند
 هان ای گنهکار بیا

۳- فرصت می رود وقت تمام می شود
 گوید نزد من بیا

تاریکی می رسد هم مرگ بر دراست
عیسی گویدت بیا

بندگردان

بیا بیا ای پریشان دل بیا
به لطف عظیمش عیسی می خواند
هان ای گنهکار بیا

۴- به مهری بس عجیب وعده داده است
بخشد گناهانت را
گرچه گنهکاری رحمتش عظیم است
بشوید قلب تو را

بندگردان

بیا بیا ای پریشان دل بیا
به لطف عظیمش عیسی می خواند
هان ای گنهکار بیا

۱- بشنو صدای عیسی را
 که می خواند تو را
 نزد من بیای خسته
 آرامش دهم تو را

بندگردان

بر در قلبت ایستاده
 در را همی کوبد
 بگشای تا داخل شوم
 می گویدت عیسی

۲- ای که مرده ای در گناه
 عمرت گشته تباه
 گشته از راه حق گمراه
 می جویدت عیسی

بندگردان

بر در قلبت ایستاده
 در را همی کوبد
 بگشای تا داخل شوم
 می گویدت عیسی

۳- " من راه وراستی ونورم "
" من نان حیاتم "
" من منجی و من شفیعم "
" من آب زندگی ام "

بندگردان

بر در قلبت ایستاده
در را همی کوبد
بگشای تا داخل شوم
می گویدت عیسی

۴- هان روز نجات است الان
برخی از مردگان
به قلبت عیسی را بخوان
کند تو را رخشان

بندگردان

بر در قلبت ایستاده
در را همی کوبد
بگشای تا داخل شوم
می گویدت عیسی

۱- بر خاکیان بادا نوید
 خیل بشر آگه کنید
 هرسو ندایی در دهید
 مژده ز حق مژده رسید

۲- عیسی مسیح از آسمان
 کرده جمال خود عیان
 در کسوت انسانیان
 خلاق عالم شد پدید

۳- اندر پی گم گشتگان
 چوپان نیکو شد عیان
 حتی به مرگ و بذل جان
 آلام و زحمت را کشید

۴- عدل خدایی را نمود
 عصیان مؤمن را زدود
 ای عاصیان زود آییند زود
 گنج عظیم دست آورید

۵- روز نجات است ای جوان
 فرصت مده از کف تو هان

عیسی دهد خط امان
بر گفته اش تکیه کنید

۱- آه چقدر پشیمانم
 از گذشته تـارم
 سرگردان و آواره
 نداشتم هرگز چاره (۲)

بندگردان

لیکن خدای عادل
 گذشته از آسمان (۲)
 خود شد انسانی
 چون ما انسانها
 دارد محبت
 برای جانها

۲- آری عیسی نزول کرد
 تا دست ما را گیرد
 شکنجه صلیب را
 تنها بر خود بگیرد (۲)

بندگردان

لیکن خدای عادل
 گذشته از آسمان (۲)
 خود شد انسانی

چون ما انسانها
دارد محبت
برای جانها

۳- روز سوم سر رسید
عیسی از قبر کرد قیام
به آسمانها رسید
شد شفیع برای ما (۲)

بندگردان

لیکن خدای عادل
گذشته از آسمان (۲)
خود شد انسانی
چون ما انسانها
دارد محبت
برای جانها

۱- امروز چه روزیست روز شادی
 غمها ز جانها می گریزند
 چون عیسی خود را کرده عیان
 دلها ز مهر او لبریزند

بندگردان

عیسی امیدم امید جانم
 عیسی مونس شیرین زبانم (۲)

۲- عیسی سلطان مهر و وفا
 آمده از جانب خدا
 امروز دعوت می کند تورا
 ای دوست بشنو صدای او را

بندگردان

عیسی امیدم امید جانم
 عیسی مونس شیرین زبانم (۲)

۳- ای آنکه مرده ای درگناه
 برخیز و بیا نزد عیسی
 بگو خداوند ببخش مرا
 به ایمان پاک و بی ریا

بندگردان

عیسی امیدم امید جانم

عیسی مونس شیرین زبانم (۲)

۱- اندر این جهان مملو از
 گناه
 دور ز آب حیات و راستی و
 راه
 سرگردان و بی پناه و ناامید
 به انتظار که چاره ای گردد
 پدید

بندگردان

ای منجی ام تویی خدای من
 ای سرورم تویی شفای من
 ای رهبرم تویی امید من
 مسیح ای تنها منجی جهان (۲)

۲- اینک از گناه و غم آزادم
 من
 بین چگونه در حضورش شادم
 من
 دائما " قلبم در جستجوی
 اوست
 دانم که این همه از فیض و رحم
 اوست

بندگردان

ای منجی ام تویی خدای من
ای سرورم تویی شفای من
ای رهبرم تویی امید من
مسیح ای تنها منجی جهان (۲)

۳- قلب توای دوست گردد در فغان

بود

عیسی را بخوان تا شیطان دور

شود

در روح و وجودت حکمرانی

کند

آرامش مسیح در تو پدید

آید

بندگردان

ای منجی ام تویی خدای من
ای سرورم تویی شفای من
ای رهبرم تویی امید من
مسیح ای تنها منجی جهان (۲)

۱- ای محبان خدا
 با هم شادی کنیم
 با قلبی شاد سرود خوانیم
 با قلبی شاد سرود خوانیم
 بسوی خداوند
 بسوی خداوند

بند گردان

سوی سما رویم
 بهشت زیبا پر جلال
 سوی بهشت سماوی
 شهر زیبای خدایی

۲- بگذار بی ایمانان
 او را حمد نگویند
 ولی فرزندان خدا
 ولی فرزندان خدا
 نیکوست حمدش کنند
 نیکوست حمدش کنند

بند گردان

سوی سما رویم

بهشت زیبا پر جلال
سوی بهشت سماوی
شهر زیبای خدایی

۳- حال از شادی سما
نصیبی می یابیم
لیک چون به آسمان رسیدم
لیک چون به آسمان رسیدم
جلالش را بینیم
جلالش را بینیم

بند گردان

سوی سما رویم
بهشت زیبا پر جلال
سوی بهشت سماوی
شهر زیبای خدایی

۴- پس ما شادان باشیم
هرگز غم نخوریم
از زمین عمانوئیل
از زمین عمانوئیل
به آسمان رویم
به آسمان رویم

بند گردان

سوی سما رویم

بهشت زیبا پر جلال

سوی بهشت سماوی

شهر زیبای خدایی

۱- دنیا گمره بود در ظلمت عصیان
 نور جهان است عیسی
 چه روشن نوری که بر من است تابان
 نور جهان است عیسی

بندگردان

چه خوش نوری که باشد رخشان
 به آرامی به رویم تابان
 کوری بودم بینایم الآن
 نور جهان است عیسی

۲- ظلمت نداریم چون هستیم در عیسی
 نور جهان است عیسی
 روشنیم چون پیرویم هادی مان را
 نور جهان است عیسی

بندگردان

چه خوش نوری که باشد رخشان
 به آرامی به رویم تابان
 کوری بودم بینایم الآن
 نور جهان است عیسی

۳- ای ساکن ظلمت درگناه اعمی

نور جهان است عیسی

به نورش بنگر تا که گردی بینا

نور جهان است عیسی

بندگردان

چه خوش نوری که باشد رخشان

به آرامی به رویم تابان

کوری بودم بینایم الآن

نور جهان است عیسی

۱- چون ایمان آریم پیغام انجیل شیرین است
 دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
 پاک نماید گناهان را هم دهد شفا
 تسلی دهد گریان را جلال برنامش

بندگردان

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
 غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش
 جلال برنامش ، جلال برنامش
 غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش

۲- دوست گناهکاران اکنون تو را می جوید
 در حضورش شو فروتن تو را پذیرد
 " نکنم تو را محکوم دیگر گناه مکن"
 گوید تو را با محبت پس قبولش کن

بندگردان

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
 غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش
 جلال برنامش ، جلال برنامش
 غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش

۳- با دست پر قدرتش داد شفا بیماران
درد و اندوه ما رود چون دهد فرمان
او که بخشید شفا محض لمس ردایش
هر که ایمان آرد به او دهد شفایش

بندگردان

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش
جلال برنامش ، جلال برنامش
غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش

۴- سوی عموآس خرامید با دو شاگردش
هر روزه با ما خرامد بینیم جلالش
بزودی او را خواهیم دید زود آ مسیحا
همان عیسی خواهد آمد که رفت به سما

بندگردان

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش
جلال برنامش ، جلال برنامش
غیر از او همه چیز فانیست جلال برنامش

* * *

۱- چون شرارت و گناه کرده دنیا را تباه
زندگی آدمی گشته بی نور و سیاه

بندگردان

مظهر ذات خدا ترک نمود جلال خود را
در میان مردمان چون انسانی شد عیان
بار سنگین گناه را عیسی برداشته ز ما
صلح و آشتی داده ما را با خالق ما خدا

۲- روح او در مؤمنین بخشد ایمان و یقین
هر خطای نهان را پاک کند از قلب ما

بندگردان

مظهر ذات خدا ترک نمود جلال خود را
در میان مردمان چون انسانی شد عیان
بار سنگین گناه را عیسی برداشته ز ما
صلح و آشتی داده ما را با خالق ما خدا

۳- حمد و تسبیحش کنیم فیضش را بسراییم
اوست امید این جهان تنها راه آسمان

بندگردان

مظهر ذات خدا ترک نمود جلال خود را
در میان مردمان چون انسانی شد عیان
بار سنگین گناه را عیسی برداشته ز ما
صلح و آشتی داده ما را با خالق ما خدا

* * *

نزد عیسی ، نزد عیسی ،
 نزد عیسی ییا
 امروز نزد عیسی نزد عیسی ییا

قادر است او ، حاضر است او ،
 بخشدت او امروز
 امروز بخشدت او بخشدت او امروز

جستجو کن ، هان دعا کن ،
 می پذیرد امروز
 امروز می پذیرد می پذیرد امروز

می کند رحم ، می کند عفو ،
 می کند پاک امروز
 امروز می کند پاک می کند پاک امروز

دوستت دارد ، تو را خواهد ،
 ردش مکن امروز
 امروز ردش مکن ردش مکن امروز

۱- قلب من درگرو مهر مسیحا است
 از که ترسم حامی و غمخوارم اوست
 دل آلوده من پاک ز گناه شد
 روح افسرده ام شاد و آرام شد

بندگردان

کیست مانند خداوندم عیسی
 پر ز رحمت و مهر و صفا
 غیر از اونیست کسی دارو و درمانم
 دائم او را سـرایم

۲- در فساد و تباهی آواره بودم
 شادی رخت بر بسته بود از وجودم
 آنکه عیسی بر من مسکین نظر کرد
 ناپدید شد از وجودم غم و درد

بندگردان

کیست مانند خداوندم عیسی
 پر ز رحمت و مهر و صفا
 غیر از اونیست کسی دارو و درمانم
 دائم او را سـرایم

۳- اعتماد بر او افزون شود هر آن
وعده‌هایش دهد قوت و ایمان
اکنون جان و وجودم مسکن عیسی است
قلبم پر از مهر فرزند خداست

بندگردان

کیست مانند خداوند عیسی
پر ز رحمت و مهر و صفا
غیر از اونیست کسی دارو و درمانم
دائم او را ســـــرایم

۱- عیسی مسیح آمد، بر صلیب جان بداد
خون پاکش بریخت، از گناه کرد آزاد

او را ستاییم، از دل سراییم، معبودم عیسی

۲- با دست مقدس، کوران را بینا ساخت
ابصران را طاهر، مردگان را زنده

او را ستاییم، از دل سراییم، معبودم عیسی

۳- زندگیم عوض کرد، تولدی نو داد
روح القدس بخشید، از ظلمت رهانید

او را ستاییم، از دل سراییم، معبودم عیسی

۱- ندانم چرا خداوند فیضش را عیان کرد
ندانم چرا مسیحا جانش را فدا کرد

بندگردان

دانم به که ایمان آوردم
یقین می دانم که او تواند
حفظ کند امانتم را
بهر آن روز عظیم

۲- ندانم چگونه ایمان را در قلبم دمید
نور کلامش غم را زدود روشنی تابید

بندگردان

دانم به که ایمان آوردم
یقین می دانم که او تواند
حفظ کند امانتم را
بهر آن روز عظیم

۳- ندانم چون روح القدس ملزم کند دل را
ندانم چون ظاهر کند خداوند عیسی را

بندگردان

دانه به که ایمان آوردم
یقین می دانه که او تواند
حفظ کند امانت را
بهر آن روز عظیم

۱- پیرو مسیح خداوند در جهان
پیام آور نجات بهر هالکان

بندگردان

بهر همه رهایی است از تاریکی بسوی نور
تعجیل نما کنون دیر باشد فردای دور

۲- تابه کی بی تفاوت ادامه دهی
مسیح بازگشت کند نمانده وقت باقی

بندگردان

بهر همه رهایی است از تاریکی بسوی نور
تعجیل نما کنون دیر باشد فردای دور

۳- در بیابان عمر زمزمه اش شنو
آخرین مهلت است سوی عیسی برو

بندگردان

بهر همه رهایی است از تاریکی بسوی نور
تعجیل نما کنون دیر باشد فردای دور

* * *

۱- گر از گناه آزادی می خواهی
 در خون عیسی این قدرت هست
 گر بر شیطان تسلط می خواهی
 در خون عیسی قدرت هست

بندگردان

قدرتی است بی حد معجز آسا
 در خون مسیحا
 قدرتی است بی حد معجز آسا
 در خون بره خدا

۲- گر از غرور آزادی می خواهی
 در خون پاکش این قدرت هست
 از عادات زشت آزادی یابی
 در خون عیسی قدرت هست

بندگردان

قدرتی است بی حد معجز آسا
 در خون مسیحا
 قدرتی است بی حد معجز آسا

در خون بره خدا

۳- گر خواهی از برف سفیدتر شوی
در خون عیسی این قدرت هست
شفا از مرضه‌ایت می خواهی
در خون عیسی قدرت هست

بندگردان

قدرتی است بی حد معجز آسا
در خون مسیحا
قدرتی است بی حد معجز آسا
در خون بره خدا

۴- گر می خواهی او را خدمت کنی
در خون پاکش این قدرت هست
در زندگی ات تمجیدش کنی
در خون عیسی قدرت هست

بندگردان

قدرتی است بی حد معجز آسا
در خون مسیحا
قدرتی است بی حد معجز آسا

در خون بره خدا

۱- چون در گناه مرده بودم
 قلبم پر از ظلمت
 با کلامش روشنم کرد
 حال مسیح باشد در من

بندگردان

مسیح باشد در من
 مسیح باشد در من
 وه چه نجاتی عظیم
 که مسیح باشد در من

۲- چون انوار آفتاب دهد
 حیات به هر گلی
 دهد نور و مهر و حیات
 مسیح که باشد در من

بندگردان

مسیح باشد در من
 مسیح باشد در من
 وه چه نجاتی عظیم

که مسیح باشد در من

۳- حیات همه گله‌ها
در تخم گیاه است
همانگونه روح خدا
چون بذر باشد در من

بندگردان

مسیح باشد در من
مسیح باشد در من
وہ چه نجاتی عظیم
که مسیح باشد در من

۴- خواهم چون او رفتار کنم
چه شادی عظیم
روحم در من به وجد آید
چون مسیح باشد در من

بندگردان

مسیح باشد در من
مسیح باشد در من
وہ چه نجاتی عظیم

که مسیح باشد در من

۱- ای تمامی زمین خداوند را
 آواز شادمانی دهید
 خداوند را با شادی عبادت نمایید
 به حضورش با ترنم آید

بندگردان

خداوند نیکوست
 خداوند نیکوست
 رحمت او تا ابدالآباد (۲)

۲- به دروازه های او با حمد بیاید
 به صحن های او با تسبیح
 او را حمد گوید و متبارک خوانید
 زیرا که خداوند ما نیکوست

بندگردان

خداوند نیکوست
 خداوند نیکوست
 رحمت او تا ابدالآباد (۲)

۱- مرده بودم در گناه
 نمی دانستم عیسی
 گشته بهرم او فدا
 بر صلیب جلجتا

بندگردان

جانم را تو خریدی
 به خونت مرا شستی
 قلبم را تازه کردی
 در من روحت نهادی

۲- ظاهر من نیکو بود
 لیکن قلبم سیه بود
 خونت مرا پاک نمود
 از صلیب جلجتا

بندگردان

جانم را تو خریدی
 به خونت مرا شستی
 قلبم را تازه کردی

در من روح ت نهادی

۳- پس کنون حمدت کنم
پیوسته می سرایم
پاک نمایی اشک من
شفا دهی درد من

بندگردان

جانم را تو خریدی
به خونت مرا شستی
قلبم را تازه کردی
در من روح ت نهادی

۱- ای ساکنان ربع مسکون
 مسیح را بنگرید با شکوه و جلال
 می آید تا ما را نیز برد
 به جایگاه آسمانی پدر

بندگردان

" نزد من آید ای گرانباران
 من خود شما را آرامی خواهم بخشید
 من راه و راستی و حیات هستم
 من منبع شادی الهی هستم "

۲- بیاید خدا را حمد گوئیم
 زیرا جهان را اینقدر محبت نمود
 پسر یگانه خود را
 داد تا هر که ایمان آورد نجات یابد

بندگردان

" نزد من آید ای گرانباران
 من خود شما را آرامی خواهم بخشید
 من راه و راستی و حیات هستم

من منبع شادی الهی هستم"

۳- زیرا که با مرگش بر صلیب
نجات همگی ما آماده شد
کافیست نام عیسی را خوانیم
حیات جاودانی را از امروز یابیم

بندگردان

"نزد من آید ای گرانباران
من خود شما را آرامی خواهم بخشید
من راه و راستی و حیات هستم
من منبع شادی الهی هستم"

۱- در پای صلیب منجی ام
غرق در گناهان و عصیانم
خون مسیح پاک نمود قلبم
جلال بر نامش

بندگردان

جلال بر نامش
جلال بر نامش
خون مسیح پاک نمود قلبم
جلال بر نامش

۲- بار گنه ز دوشم غلطید
قلبم خانه مسیح گردید
شکر کنم و سراپم هر دم
جلال بر نامش

بندگردان

جلال بر نامش
جلال بر نامش
خون مسیح پاک نمود قلبم

جلال بر نامش

۳- منبع رحم و کرم عیسی
مدیون خود کرده است مرا
روح او هادی ام در هر جا
جلال بر نامش

بندگردان

جلال بر نامش
جلال بر نامش
خون مسیح پاک نمود قلبم
جلال بر نامش

۱- نزد منجی آ ای دوست الان
 در کلامش راه گشته عیان
 میان ما حاضر است کنون
 گوید تو را "ییا"

بندگردان

چه شادی و وجد باشد آن دم
 چون گرد آییم نزد منجی مان
 با دلی پاک و آزاد ز غم
 تا ابد در سما

۲- " بگذارید بچه ها بیایند
 جمله مردم به وی گرایند
 آنکه ز شادی بسرایند
 گوید تو را "ییا"

بندگردان

چه شادی و وجد باشد آن دم
 چون گرد آییم نزد منجی مان
 با دلی پاک و آزاد ز غم

تا ابد در سما

۳- باشد او با ما یقین بدان
انجام دهیم چون دهد فرمان
بشنو صدایش خواند الان
گوید تو را " بیا "

بندگردان

چه شادی و وجد باشد آن دم
چون گرد آییم نزد منجی مان
با دلی پاک و آزاد ز غم
تا ابد در سما

۱- گر پشتت به بار گران خم گشته
 در سفر خسته ای ، بخت برگشته
 دلیر باش و بشنو امر منجی ات
 عیسی داند ضعف ، او دهد جرأت

بندگردان

عیسی می داند ، راههایش نیکوست
 تو را می خواند ، آرامش در اوست
 بسیار آینده ات به دست استاد
 گر شادی یا محزون عیسی می داند

۲- هر بار گران را او بر می دارد
 در غم و اندیشه ترا دوست دارد
 در صحرای سوزان راه را می داند
 دلیر باش ای خسته عیسی می داند

بندگردان

عیسی می داند ، راههایش نیکوست
 تو را می خواند ، آرامش در اوست
 بسیار آینده ات به دست استاد
 گر شادی یا محزون عیسی می داند

۳- گر امتحانت آید عیسی داند
مشکل زندگی را او حل کند
رو خدمتش کن هر جا می فرماید
شک را از خود دور کن عیسی می داند

بندگردان

عیسی می داند , راههایش نیکوست
تو را می خواند , آرامش در اوست
بسیار آینده ات به دست استاد
گر شادی یا محزون عیسی می داند

۴- " آرامی بخشم تو را " گوید عیسی
گر چه دشوار گردد راحت در دنیا
بسیار آینده ات به دست استاد
گر شادی یا محزون عیسی می داند

بندگردان

عیسی می داند , راههایش نیکوست
تو را می خواند , آرامش در اوست
بسیار آینده ات به دست استاد
گر شادی یا محزون عیسی می داند

* * *

۱- گر خسته ای دلت پر ز اندوه
 به عیسی بگو, به عیسی بگو
 گر شادی و وجد گریخته از تو
 فقط به عیسی بگو

بندگردان

به عیسی بگو, به عیسی بگو
 بهترین دوست تو اوست
 نیست در جهان
 دوستی بهتر از او
 فقط به عیسی بگو

۲- گر ز چشمانت اشک غم جاریست
 به عیسی بگو, به عیسی بگو
 گر گناهایی در دلت مخفی است
 فقط به عیسی بگو

بندگردان

به عیسی بگو, به عیسی بگو
 بهترین دوست تو اوست

نیست در جهان
دوستی بهتر از او
فقط به عیسی بگو

۳- از ابر تیره غم ترسانی
به عیسی بگو, به عیسی بگو
گر ز فردای خود هراسانی
فقط به عیسی بگو

بندگردان

به عیسی بگو, به عیسی بگو
بهترین دوست تو اوست
نیست در جهان
دوستی بهتر از او
فقط به عیسی بگو

۴- گر از اندیشه مرگ لرزانی
به عیسی بگو, به عیسی بگو
گر بازگشت مسیح را خواهانی
فقط به عیسی بگو

بندگردان

به عیسی بگو, به عیسی بگو
بهترین دوست تو اوست
نیست در جهان
دوستی بهتر از او
فقط به عیسی بگو

۱- صدای منجی مرا گفت: " فرزندم نزد من بیا "
 سر بر سینه من گذار (آرام ز غم رها) ۲

۲- چون مفلوک و کوروعریان به پایش افتادم
 آرامش حقیقی را (در آنجا چشیدم) ۲

۳- صدای مسیح مرا گفت: " آب حیات منم "
 زین چشمه آب حیات (سیراب بشو هر دم) ۲

۴- تشنگی درونی ام رفع شد در او آنگاه
 رهایی او بخشید مرا (ازهر غم جانکاه) ۲

۵- صدای مسیح مرا گفت: " نور جهان منم "
 ظلمت و تاریکی رود (روزت روشن سازم) ۲

۶- صدایش را بشنیدم نزدش رفتم شادان
 اکنون در نورش راه روم (تا خودشوم تابان) ۲

۱- عمرم در گناه سپری شد
 فکر نکردم او برایم مرد
 فقط برای من بر صلیب
 بر جلجتا

بندگردان

مهر و محبت بی حد بخشید
 همه گناهم را آمرزید
 آزاد شدم بارم فرو ریخت
 در جلجتا

۲- از کلام خدا دانستم
 که شخصی پر از گناه هستم
 آنگاه با دعا نگریستم
 به جلجتا

بندگردان

مهر و محبت بی حد بخشید
 همه گناهم را آمرزید
 آزاد شدم بارم فرو ریخت

در جلجتا

۳- حال هر چیز را به او سپردم
اوست پادشاهم و سلطانم
از دل هلاک می خوانم
بر جلجتا

بندگردان

مهر و محبت بی حد بخشید
همه گناهم را آمرزید
آزاد شدم بارم فرو ریخت
در جلجتا

۴- بنگر محبت خدا را
فیضی که بخشیده عیسی را
باصلیبش آزاد ساخت ما را
در جلجتا

بندگردان

مهر و محبت بی حد بخشید
همه گناهم را آمرزید
آزاد شدم بارم فرو ریخت

در جلجتا

۱- منجی من آن هدیه آسمانی
 نازل شد از بالا به این دنیا
 بر طبق وعده خدا مسیح آمد
 در شکل آدمیان بین ما

بندگردان

اوصاحب قدرت و جلال
 شایسته حمد ثنا است
 پدر سرمدی انسانها
 دانم که فرزند خداست

۲- بس انبیا در حق وی پیش نوشتند
 نقشه نجات او را دیدند
 در حضورش همچون غلامان مشتاق
 بانگ شادمانی برآوردند

بندگردان

اوصاحب قدرت و جلال
 شایسته حمد ثنا است
 پدر سرمدی انسانها
 دانم که فرزند خداست

۳- در حین تعمید عیسی روح نزول کرد
پر نمود تجسم خدا را
ندا رسید از آسمان که اینک
بین پسر یگانه خدا

بندگردان

اوصاحب قدرت و جلال
شایسته حمد ثنا است
پدر سرمدی انسانها
دانم که فرزند خداست

۴- اینک مسیح در آسمان شفیع ماست
داند او دردها و رنجهای ما
آزاد کند ما را از هر گنه و درد
باز کند گره های ما

بندگردان

اوصاحب قدرت و جلال
شایسته حمد ثنا است
پدر سرمدی انسانها
دانم که فرزند خداست

* * *

بندگردان

ستایش ، حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین و بره تا ابدالاباد

۱- بره خدا جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد
لایق است که او باشد صاحب جلال وقوت، حکمت و دولت

بندگردان

ستایش ، حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین و بره تا ابدالاباد

۲- لیاقت داری طومار را از پدرت بگیری مهرش را باز کنی
لیاقت داری آن را بخوانی چونکه جانت را قربانی کردی

بندگردان

ستایش ، حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین و بره تا ابدالاباد

۳- به خون خود مردم را از هر ملت خریده و آزاد کرده ای
ایشان را مثل هدیه ای زیبا بحضور وی تقدیم کرده ای

بندگردان

ستایش ، حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین و بره تا ابدالاباد

۴- ایشان را به سلطنت رساندی مثل کاهنان خدای ما
ستایش می کنیم نام تو را خداوند ما ، خداوند ما

بندگردان

ستایش ، حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین و بره تا ابدالابد

* * *

۱- آیا از بهر عمر پر طوفان
 محکم است لنگر و کشتیان
 وقت رعد و برق باد و جزر و مد
 فوراً" شود غرق یا به پا ماند

بندگردان

سفت و پر زور است لنگر ما
 چه غم که دور است بندر ما
 داریم چون مسیح کشتیانی
 نترسیم از دریای طوفانی

۲- همینکه محکم بسته شد اوتار
 به صخره ای ثابت اعصار
 سفینه پیوست به نیروی رب
 کی آن را شکست عاصفه شر

بندگردان

سفت و پر زور است لنگر ما
 چه غم که دور است بندر ما
 داریم چون مسیح کشتیانی
 نترسیم از دریای طوفانی

۳- از پس باد و امواج حائل
پدیدار شود روزی ساحل
آنگاه با شادی افکنیم لنگر
یافته آزادی اندر آن بندر

بندگردان

سفت و پر زور است لنگر ما
چه غم که دور است بندر ما
داریم چون مسیح کشتیبانی
تـرسیم از دریای طوفانی

۱- آه چه زیباست ، که شوند جمع
 مقدسین یکدل با هم
 در حضور خدای ما
 در خانه پدر ما

بندگردان

ایمانداران بیایید پرستیم یکصدا با هم
 بایکدلی ، مقدسین ، جلال دهیم خداوند را

۲- آه چه زیباست خانه ما
 مسیح ما میان ما
 پدر ما در آسمان
 پر از مهر است کلبه ما

بندگردان

ایمانداران بیایید پرستیم یکصدا با هم
 بایکدلی ، مقدسین ، جلال دهیم خداوند را

۳- آه چه زیباست آن کلیسا
 که سر آن بود عیسی

اعضای آن مقدسین
خانواده پاک خدا

بندگردان

ایمانداران بیایید پرستیم یکصدا با هم
بایکدلی، مقدسین، جلال دهیم خداوند را

۴- آه چه زیباست مسکن ما
به ز قصرهای این دنیا
گرچه حقیر است این کلبه
لیکن عیسی باشد آنجا

بندگردان

ایمانداران بیایید پرستیم یکصدا با هم
بایکدلی، مقدسین، جلال دهیم خداوند را

۱- یادمه آن قدیما که غرق بودم توی گناه
 چه روزهای تاریکی می لولیدم توی گناه
 اما عیسی آمد در دل مرا صدا کرد
 زنجیرهای غم را از دست و پام رها کرد (۲)
 دیگر امروز تنها خدا رامی پرستم
 من این همه شادی را مدیون عیسی هستم
 عیسی سلطان من سلطان مهر و وفاست
 عیسی نجات من ، نجات همه قومهاست

۳- می خوام اکنون او مرا باروح خود لبریز کند
 این دل شکسته را با مهر خود شفا دهد
 اکنون در آسمان فرشته ها خوشحالند
 برای این لحظه جشن بزرگی دارند (۲)
 چرا من نکشم دست از کارهای دنیا
 چرا من نباشم شریک این خوشیها
 باران محبت بر قلب من می بارد
 چه امید شادی به ارمغان می آرد

۱- چون خدا خلق کرد جهان را آدم را از گل ساخت
 انسان با روح الهی خالق خویش را شناخت
 محبتی عمیق صفایی بی دریغ
 همچو دوستی صدیق بود اندر این طریق

حمد و تسبیح و سرودها
 (پرنمود باغ خدا)

۲- چون گناه وارد شد آنکه قطع شد آن صلح و صفا
 زندگی بی روح و سرد شد آدمی گشت بینوا
 تنهایی درون مرضها از برون
 بشر بشد مغبون نزد خدا ملعون

نه سرود و نه محبت
 (دلها پر شد از نفرت)

۳- چاره تنهایی ما پر شدن از روح اوست
 باقبول فیض عیسی خداوند گردد چو دوست
 زندگی جدید در دعا شود پدید
 این است تنها نوید بهر همه امید

زندگی جدید در دعا شود پدید

(در طریق و راه راست)

* * *

۱- نان حیات هشتم ، نان حیات هشتم
به من ایمان بیاورید (۲)

بندگردان

پیش از تولد ابراهیم
من بودم و هشتم (۲)

۲- نورجهان هشتم ، نورجهان هشتم
به من ایمان بیاورید (۲)

بندگردان

پیش از تولد ابراهیم
من بودم و هشتم (۲)

۳- راه و راستی هشتم ، راه و راستی هشتم
به من ایمان بیاورید (۲)

بندگردان

پیش از تولد ابراهیم
من بودم و هشتم (۲)

۴- قیامت و حیات هستم ، قیامت و حیات هستم
به من ایمان بیاورید (۲)

بندگردان

پیش از تولد ابراهیم

من بودم و هستم (۲)

۱- دلی پریشان داشتم دور از خدا
 گناهان زشتم کرده بود جدا
 از لجن فریاد کردم سوی خدا
 از چاهم در آورد از عمق فنا

بندگردان

از گل و لجن نجاتم داد
 روی صخره جاودانی نهاد
 در دلم سرودی تازه گذارد
 برنام خداوند شکرو سپاس باد

۲- اکنون بر روی صخره ایستاده ام
 به مسیح محبوب این دل داده ام
 از بیم و هراس و شک آزاده ام
 به لطف او دل از جهان کننده ام

بندگردان

از گل و لجن نجاتم داد
 روی صخره جاودانی نهاد
 در دلم سرودی تازه گذارد
 برنام خداوند شکرو سپاس باد

۳- پس بیاید خداوند را سراییم
صخره نجات خود را ستاییم
به حضور او با حمد نزدیک شویم
با مزامیر آواز شادمانی دهیم

بندگردان

از گل و لجن نجاتم داد
روی صخره جاودانی نهاد
در دلم سرودی تازه گذارد
بر نام خداوند شکر و سپاس باد

۱- وقتی دل شکسته گرانبار و خسته
 در ظلمت گناه گم گشته
 به پای صلیبش افتادم پشیمان
 و ز آنجا تائید نور ایمان

بندگردان

مسیحا مسیحا نورت بر من تائید
 مرا از گناهان رهانید رهانید
 مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
 مرا بخشید شادی و حیات

۲- گر چه مسکین و کور لیکن پر از غرور
 تا بار گناههم شد آشکار
 آنکه من به پای آن مصلوب افتادم
 آنجا از ظلمت کرد آزادم

بندگردان

مسیحا مسیحا نورت بر من تائید
 مرا از گناهان رهانید رهانید
 مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
 مرا بخشید شادی و حیات

۳- حال ظلمت رخت بسته بندهایم گسسته
طلوع کرده عیسی در قلبم
مسیحانگاهم به نور روی توست
نجاتم ز فیض و رحم توست

بندگردان

مسیحا مسیحا نورت بر من تایید
مرا از گناهان رهانید رهانید
مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
مرا بخشید شادی و حیات

۱- دارم من عجب منجی راحت شده ز و جانم
 و ز فدیة و عدل وی مشکل شده آسانم
 گوید به من " ای مجرم عصیان تو بخشیدم
 شد همره نو دائم احسان فراوانم "

۲- " آیات بدیع بین آیات رفیع بین
 هم کاهن و شاهم ، افضل ز سلیمانم
 ای جمله گمراهان در راه خدا آید
 من راهم و من حقم من مرکز ایمانم "

۳- " ای جان و دل تشنه ، من آب حیات هستم
 هرروح پریشان را دارویم و درمانم
 من نان سماوی ام من امر خدایی ام
 هم واسطه امرم هم آمر فرمانم "

۴- " مرموز ضمائر را مستور خواطر را
 ناگفته همی دانم نشنیده همی خوانم
 از ریشه داودی من اصلم و من نسلم
 من تاک حقیقی ام من حافظ اغصانم "

۱- آرامش و شادی یافتنه ام
 در هر چیزی که می بینم شگفتی است
 نه ابری در آسمان ، نه تیرگی در قلبم
 چون مسیح مرا محبت می کند
 روز و شب با محبت او
 چشمه ای در قلبمان شده جاری
 چشمه آب حیات ، که می بخشد زندگی
 پر از الفت و مهر منجی ما

بندگردان

در اوج شادی و پیروزی ام
 با روح پر جلالش
 مملو از قدرت الهی
 که بخشد توانایی
 در برابر هوسها
 هوسهای زودگذر این دنیا

۲- راههای او چقدر عجیب است
 نتوانم با کلمات بگویم
 کار عظیم او ، بر صلیب جلجتا
 رهانید مرا از بند گناهان

امیدی که من به او دارم
چون پس از مرگ زنده شد از مردگان
تا ابد در حضورش، او را خواهیم پرستید
بخاطر آن نجات عظیمش

بندگردان

در اوج شادی و پیروزی ام
با روح پر جلالش
مملو از قدرت الهی
که بخشد توانایی
در برابر هوسها
هوسهای زودگذر این دنیا

۱- وقتی چون گنهکاری به پایش افتادم
در زیر بار گناه عیسی صدا دادم
منجی شنید فریادم از بند کرد آزادم
چون عیسی برداشت بارم مرا شادی بخشید

بندگردان

آری او برداشت بارم بار گناهانم را
آری او برداشت بارم با مهر بی همتا
عیسی شنید فریادم از بند کرد آزادم
چون عیسی برداشت بارم مرا شادی بخشید

۲- وقتی در غم و اندوه مأیوس و سرگردان
با ضعف و دل شکسته در رنج بی پایان
صدای منجی آمد من با توام دائم
آنگاه او برداشت بارم مرا شادی بخشید

بندگردان

آری او برداشت بارم بار گناهانم را
آری او برداشت بارم با مهر بی همتا
عیسی شنید فریادم از بند کرد آزادم

چون عیسی برداشت بارم مرا شادی بخشید

۳- راه حیات جاوید فقط عیسی داند
اوست رهنما و هادی در قلب من ماند
وقتی به سما رسم با حمد سرود خوانم
گویم او برداشت بارم مرا شادی بخشید

بندگردان

آری او برداشت بارم بار گناهانم را
آری او برداشت بارم با مهر بی همتا
عیسی شنید فریادم از بند کرد آزادم
چون عیسی برداشت بارم مرا شادی بخشید

۱- باشد پناه ما خدا
 نصرت بود او بهر ما
 گر این زمین جنبد ز جا
 لرزد به دریا کوهها
 ترسان نه ایم از موجهها
 اندر سلامت می زییم

۲- نهری بود صاف و روان
 کز شعبه های نیک آن
 شهر خدایی شادمان
 جنبش نخواهد خورد هان
 ز آن رو که خلاق جهان
 در آن همی باشد مقیم

۳- آن را خدا یاری کند
 وقتی سپیده بر دمدم
 اقوام عالم از حسد
 با هم نمایند ار مدد
 صوتش چو آید می شود
 دنیا گدازان مثل سیم

۴- گوید کلام او چنین :
کآخر خداوند مبین
ساکن نماید جنگ و کین
نیزه کمان بشکسته بین
این رب قدوس است و هین
اندر پناهش شو مقیم

۱- فیض عظیم مسیحا نجات داده مرا
سرگردان و کوری بودم اکنون بینم او را

۲- فیض خدا رهایم کرد ز هر ترس و گناه
ظاهر بنمود در مسیحا محبت خود را

۳- فیض خدا در این دنیا هدایتم کند
پاکم سازد ز هر خطا روحم شادان شود

۴- فیض خدا در آسمان تابد بر روح و جان
سرود و حمدش سراییم ، این فیض بیکران

۱- چه سرور و منجی سماوی بر صلیب فدا شد بهرم
تحت قدرت خون قدوسش پاک نمود وجودم و قلبم

بندرگردان

مسیح بهرم مصلوب گردید مسیح بهرم مصلوب گردید
بهر من بر صلیب فدا گردید مسیح بهرم مصلوب گردید

۲- او جلال آسمانی را ترک کرد همشکل آدمیان گردید
اراده پدر را انجام داد محبت او گشت پدید

بندرگردان

مسیح بهرم مصلوب گردید مسیح بهرم مصلوب گردید
بهر من بر صلیب فدا گردید مسیح بهرم مصلوب گردید

۳- بهر خطایای ما مجروح شد برداشت بار غمهای ما
مرضهای ما را تحمل کرد بخشید جسم ما را شفا

بندرگردان

مسیح بهرم مصلوب گردید مسیح بهرم مصلوب گردید
بهر من بر صلیب فدا گردید مسیح بهرم مصلوب گردید

۴- فدا شد بهر دشمنان خویش بزود گناه و عصیان
صعود کرد تا جایی حاضر کند برد ما را از این جهان

بندرگردان

مسیح بهرم مصلوب گردید مسیح بهرم مصلوب گردید
بهر من بر صلیب فدا گردید مسیح بهرم مصلوب گردید

۱- بـر فـر از تـلی
 بیـرون از اور شـلیم
 بر پا گـشته صلیبی حقیر
 آن بـره خـدا
 بهر گـناه مـا
 شد مصلوب با رنج بی نظیر

بندگردان

آن صلیب افتخار من است
 چون بر آن منجی ام شد، فدا
 در طریق صلیب پیش روم
 تا رسم به جلال سما

۲- آن صلیب کهن
 رکن ایمنان من
 گشته خوار در افکار جهان
 چون فرزند خدا
 ترک کرد فر سما
 تا شود فدیة در جلجتا

بندگردان

آن صلیب افتخار من است
چون بر آن منجی ام شد، فدا
در طریق صلیب پیش روم
تا رسم به جلال سما

۳- آن صلیب کهن
عزت و جاه من
بخشید صلح و صفا به جهان
فیض و رحم خدا
آشکار شد به ما
در صلیب مسیح عیسی

بندگردان

آن صلیب افتخار من است
چون بر آن منجی ام شد، فدا
در طریق صلیب پیش روم
تا رسم به جلال سما

۱- بین بر صلیب عیسی را
 کآن فرزند خدا
 بهر گناهان من
 شد مصلوب از وفا

بندگردان

نام او عزیز است
 جان را کندشادان
 انوار رحمت او
 دل را کند تابان

۲- خونش بشسته جرمم
 از مهر و از رأفت
 نامش دهد تسلی
 از فیض و از رحمت

بندگردان

نام او عزیز است
 جان را کندشادان
 انوار رحمت او
 دل را کند تابان

۳- پشت و پناه من اوست
هم رهبر و معین
دیگر چه غمی مراست
در روز واپسین

بندگردان

نام او عزیز است
جان را کندشادان
انوار رحمت او
دل را کند تابان

۱- آه چه ظلمتی تسخیر نمود دلم
 یاد درد ورنج منجی ام
 چون به قلب سیاهم نظر نمود
 ظلمت غلیظ از من بزدود

بندگردان

راه جلجتا را او پیمود بهرم
 پیمود بهرم پیمود بهرم
 راه جلجتا را او پیمود بهرم
 تا بخشد حیاتم

۲- ترسان ولرزان به پایش افتادم
 درشک و تردید از نجاتم
 آنکه از درونم این ندا رسید
 " مسیح گناہانت آمرزید "

بندگردان

راه جلجتا را او پیمود بهرم
 پیمود بهرم پیمود بهرم
 راه جلجتا را او پیمود بهرم
 تا بخشد حیاتم

۳- عیسیٰ محبتش را ظاهر نمود
راه جلجتا را او پیمود
ترک نمود شکوه آسمانی را
جلال بر نام شایم عیسیٰ

بندگردان

راه جلجتا را او پیمود بهرم
پیمود بهرم پیمود بهرم
راه جلجتا را او پیمود بهرم
تا بخشد حیاتم

۱- بردی محنت بهرم
 بردی زحمت بهرم
 بهر نجات از مرگ
 دادی جانت بهرم
 دادی دادی جانت بهرم
 چه دادم من بهرت؟ (۲)

۲- عرش برین ز احسان
 ملک پدر آن سان
 کردی ترک از بهرم
 گشتی تو چون انسان
 آری ترک کردی از بهرم
 چه ترک کردم بهرت؟ (۲)

۳- کشیدی بس زحمت
 دیدی بس محنت
 رنج و غم و اندوه
 هم خواری و ذلت
 دیدی کشیدی از بهرم
 چه کشیدم بهرت؟ (۲)

۴- آوردی از رحمت
نجات بی منت
برما ز مرحمت
هم عفو و محبت
آری آوردی از بهرم
چه آوردم بهرت؟ (۲)

۱- پناهم شد آن صخره
 در او مسکن گزینم
 خون و آب جاری گشته
 ز پهلوی منجیم
 گناهم راگشت چاره
 بشست قلب سیاهم

۲- احسان و خیر و صواب
 نسازد ظاهر قلبم
 گرچه ریاضت کشم
 روز و شب ریزد اشکم
 هیچ یک نشوید مرا
 تنها تویی چاره‌ام

۳- کنون نزدت می‌آیم
 به صلیب می‌نگرم
 عریان ز نیکویی‌ام
 توپوشان این تنم
 چشمه پهلوی تو
 زداید هر لکه‌ام

۴- چون دم آخر رسد
مرگ ببندد چشمانم
پرواز کنم به سما
تورا بر تخت بینم
پناه هم شوی آنکه
در تو مسکن گزینم

۱- ای منجی و ای شاه من
تویی فقط دلخواه من
خونت ریختی در راه من
کردی رفیع گناه من

۲- هلاک بودم بدون تو
نجات یافتم در خون تو
وجود من مدیون تو
چون ذبح شدی در راه من

۳- از بهر من مصلوب شدی
چون خطا کار محسوب شدی
در قلب من محبوب شدی
صلیب توست نگاه من

۴- هدایتیم کلام توست
عدالتیم قیام توست
سعادتیم در نام توست
در این عمر کوتاه من

۵- در شب تار دیجورم

تویی ستاره نورم
در وادی موت مسرورم
چون تو هستی همراه من

۱- پر از حیرت می نگرم
 بر عیسای ناصری
 من گناهکار را دوست داشت
 جانش را فدا ساخت

بندگردان
 چه عجیب و پرشگفتی است
 باید هر دم سرایم
 چه عجیب و پرشگفتی است
 مهر منجی من عیسی

۲- وقتی در باغ دعا کرد گفت:
 "پدر هر چه خواهی کن"
 بهر من ، نه از بهر خود
 درد کشید و عرق ریخت

بندگردان
 چه عجیب و پرشگفتی است
 باید هر دم سرایم
 چه عجیب و پرشگفتی است
 مهر منجی من عیسی

۳- فرشتگان سماوی
بر او دل بسوزاندند
در رنجها و در غمگینی
تسلی اش دادند

بندگردان
چه عجیب و پرشگفتی است
باید هر دم سرایم
چه عجیب و پرشگفتی است
مهر منجی من عیسی

۴- روزی با همه عادلان
صورتش را خواهیم دید
فقط خواهد بود کار من
ذکر محبت وی

بندگردان
چه عجیب و پرشگفتی است
باید هر دم سرایم
چه عجیب و پرشگفتی است
مهر منجی من عیسی

* * *

۱- وصف محبت منجی را شنیدم و مجذوبش شدم
 چون جلال سماوی را ترک کرد
 قلبش مملو از محبت بود بهرم
 قلبش مملو از رحم بود بهرم

بندگردان

بهرم آری از بهرم، بهر گمراهان
 عیسی با مهر ابدی نازل شد از بالا، منجی عالمیان

۲- وصف بی گناهی او را شنیدم و مدیونش شدم
 بر صلیب جای مرا گرفت
 درد ورنجها کشید قلبا" از بهرم
 درد ورنجها کشید از بهرم

بندگردان

بهرم آری از بهرم، بهر گمراهان
 عیسی با مهر ابدی نازل شد از بالا، منجی عالمیان

۳- نزد که روم ای عیسی ای منشاء و منبع حیات
 صدای دلنوازت به گوشم
 الهام بخش امیدها و تسیحات
 الهام بخش امید و حیات

بندگردان

بهرم آری از بهرم، بهر گمراهان
عیسی با مهر ابدی نازل شد از بالا، منجی عالمیان

۱- خدایا چون با حیرت خیره شوم
بر این عالم که تو خود ساخته ای
در اختران عظیم و رعد و برق
قدرت خود نمایان کرده ای

بندگردان

آنکه زجان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی
آنکه زجان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی

۲- چو بینم درختان سبز و خرم
نواای بلبل آید به گوشم
از فراز کوه بینم دشت و چمن
هان صدای نهر، نسیم وطن

بندگردان

آنکه زجان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی
آنکه زجان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی

۳- چو فکر کنم خالقم فرزند خویش
دریغ نداشت از آن مرگ پریش
که بر صلیب بهر من فدا گردید
بار گناهان ز دوشم غلطید

بندگردان

آنکه ز جان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی
آنکه ز جان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی

۴- چون مسیح آید با صدای شیپور
سوی سما شوم زین جهان دور
به پایش اتم با سپاس و درود
ز سرگیرم آنکه همین سرود

بندگردان

آنکه ز جان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی
آنکه ز جان و دل می سرایم
چه عظیمی چه عظیمی

۱- آزاد شدم با خون او (۲)

آزادشدم با خون او

از روح القدس پر شدم

از هر گناه پاک شدم

آزاد شدم

۲- نجات یافتم به فیض او (۲)

نجات یافتم به فیض او

از روح القدس پر شدم

از هر گناه پاک شدم

نجات یافتم

۳- تعمید یافتم با روح او (۲)

تعمید یافتم با روح او

از روح القدس پر شدم

از هر گناه پاک شدم

تعمید یافتم

۴- شاهد هستم به اسم او (۲)

شاهد هستم به اسم او

از روح القدس پر شدم

از هر گناه پاک شدم
شاهد هستم

۱- باغ جتسیمانی را
 بنگرید ای مؤمنان
 جنگ منجی را بینید
 در آن شب بی پایان
 (دردش را احساس نما
 تادانی طرز دعا) ۲

۲- او را چون محکوم بینید
 مضروب و خوار در جهان
 قلب خدایی او
 مملو از غم نهان
 (از کنارش دور شو
 زین ره صلیب برو) ۲

۳- سوی جلجتا روید
 دست در دست او نهید
 اعجاز خدا بینید
 فرزندش را بشنوید
 (تمام شد فریاد زد او
 مرگت نیز باشد چو او) ۲

۴- سوی قبر شوید روان
که مدفون گشت او در آن
بهر چه بود خالی
جسمش نیست در این مکان
(قیام و صعود فرمود
بهر ما نیز ره گشود) ۲

* * *

۱- ای مسیح ای خداوند هستی
 داده ای بهر ما تن به پستی
 من همان بنده روسیاهم
 خون پاک تو شسته گناهم
 پیروت آن یهودای بدکار
 از ره جهل و دونی پندار

۲- بر صلیبت شدی غرقه در خون
 خسته و بی کس و زار و محزون
 چون تو دیدی چنین رنج و خواری
 تا دهی بر جهان رستگاری
 من دگراز مشقات دنیا
 کی شوم ای خدا ناشکیبا

۳- با زبانم تو را جویم از جان
 قلب من پر بود از گناهان
 جمله اعمال زشتم تو دانی
 باطنم را سراسر تو خوانی
 نزد تو ای خدا شرمسارم
 جز تو یار و پناهی ندارم

۴- تا تن آسان نمایی جهان را
فدیه کردی خدایا تو جان را
پس تو را تا جهان پایدار است
آفرین و ثنا بی شمار است
نزد خود ای خدا ده پناهم
هم بخشا ز رحمت گناهم

۱- چیست علاج گناهم ؟
 خون آن بره خدا
 چیست درمان امراضم ؟
 خون آن بره خدا

بندگردان
 ای نهر پر بها
 طاهر کردی مرا
 قدرتی است بی همتا
 خون آن بره خدا

۲- چیست طهارت جانم ؟
 خون آن بره خدا
 تنها راه نجاتم ؟
 خون آن بره خدا

بندگردان
 ای نهر پر بها
 طاهر کردی مرا
 قدرتی است بی همتا
 خون آن بره خدا

۳- چیست سر ظفر ما ؟
خون آن بره خدا
پیروزی بر هر گناه ؟
خون آن بره خدا

بندگردان
ای نهر پر بها
طاهر کردی مرا
قدرتی است بی همتا
خون آن بره خدا

۴- چیست رمز قدرت ما ؟
خون آن بره خدا
شفیع ما در سما ؟
خون آن بره خدا

بندگردان
ای نهر پر بها
طاهر کردی مرا
قدرتی است بی همتا
خون آن بره خدا

* * *

۱- خداوند نگاهم دار
 در زیر خون بی همتا
 گناهان و ترسم بردار
 با خون پر بها

بندگردان
 در زیر خون پر بها
 که بخشد پاکی و شفا
 هر روز مرا نگاه دار
 با خون پر بها

۲- پناهگاه گناهکاران
 در زیر خون بی همتا
 نجات یابیم محض ایمان
 به خون پر بها

بندگردان
 در زیر خون پر بها
 که بخشد پاکی و شفا
 هر روز مرا نگاه دار

با خون پر بها

۳- خدایا ز روحم پر ساز
در زیر خون پر بها
فیض و قدرت عطا فرما
با خون پر بها

بندگردان

در زیر خون پر بها
که بخشد پاکی و شفا
هر روز مرا نگاه دار
با خون پر بها

۴- پر از آرامش می گردم
در زیر خون بی همتا
قلبم لبریز از شوق اوست
با خون پر بها

بندگردان

در زیر خون پر بها
که بخشد پاکی و شفا
هر روز مرا نگاه دار

با خون پر بها

۱- چون با توجه بنگرم
 اندر صلیبی که بر آن
 شاه جلال از بهر ما
 با میل خود بخشید جان

۲- از افتخاراتم خجل
 کردم همی از جان و دل
 کاخ بزرگی مضمحل
 دانم همه سودم زیان

۳- حاشا که باشد در جهان
 جز در صلیبش فخرمان
 هر چه کند مجذوبمان
 تسلیم تو ای مهربان

۴- بار گناه عالمی
 بفشرد قلبش را همی
 حس کرد اندوه و غمی
 عاجز شرح آن بیان

۵- رنج و محبت از برش

جاری زد دست و هم سرش
از خار کردند افسرش
کی دیده شاهی آنچنان

۶- بهر محبت این چنین
هم آسمان و هم زمین
باشد به چیزی کمترین
خواهد همه جان و روان

۱- خون عیسی قطره قطره از صلیب
می چکد بر روی عصیانهای من
رنگ قرمز می زداید رنگ خشم
رنج بی درمانی و دردهای من

بندگردان

هَلَلِـوِیا هَلَلِـوِیا
شاد شاد شاد شادم
رب مرا کرده ز غم آزادم

۲- خسته خسته می کشد بردوش خود
چوب سنگین ز غم دنیای من
تاج خاری بر سر افسرده اش
تا که دانه مهر آن عیسای من

بندگردان

هَلَلِـوِیا هَلَلِـوِیا
شاد شاد شاد شادم
رب مرا کرده ز غم آزادم

۳- شادم آخر کز پس رنج صلیب

آن یگانه منجی و مأوی من
روز سوم قبر خود خالی نمود
باشد این یک اصل شادیهای من

بندگردان

هَلَلِـوِیا هَلَلِـوِیا

شاد شاد شاد شادم

رب مرا کرده ز غم آزادم

۱- بینم ز دل تو را ای بره خدا
 یکتا منجی
 بشنو دعایم را بشنو گناهم را
 باشم من دایما"
 با تو همی

۲- ده فیضت ای خدا تا بخشدم قوا
 هم قدرتی
 بهرم دادی جان را عشقم فزون فرما
 تا که افروزد
 در دل ناری

۳- عمرم چو شد فنا موت گیردم فرا
 باشی هادی

بزدا تو ظلمت را هر اشک و محنت را
 در نزد تو مرا
 بود جای

۱- اینک بین بره خدا

بر صلیب بر صلیب

خونش بریخت از بهر ما

بر صلیب بر صلیب

کند ندا گوید: " ایلی

ایلی لما سبقتنی

بین مرگ منجی ات همی

بر صلیب بر صلیب

۲- بینید تاج خار بر سرش

بر صلیب بر صلیب

جاری گشته از پهلویش

خون و آب بر صلیب

تبدیل گشت نور به تاریکی

بر بر و بحر گشت مستولی

غالب شد بر شیطان مسیح

بر صلیب بر صلیب

۳- انجام شد کار عجیبش

بر صلیب بر صلیب

فتح عظیم شد نصیبش

بر صلیب بر صلیب
چشمانش دوخته بر سما
آنگاه " تمام شد " کرد ندا
تسلیم کرد روحش به خدا
بر صلیب بر صلیب

۴- هر جا روم سخن رانم
از موتش بر صلیب
شادان گردم از فدیه اش
بر صلیب بر صلیب
بر کلامش دارم ایمان
حال پیوسته تا جاودان
عطا فرموده رایگان
نجات بر صلیب

۱- چون بر او می نگریم با اشک و آه
 او که گفت منم حیات و راستی و راه
 بر صلیبش برداشت اندوه و درد
 به زخمهایش شفا بخشید ز عصیان آزادم کرد

بندگردان

ای دوست بهر تو او جانش فدیة کرد
 تا آزادی بخشد تو را از چنگ غم و درد
 گناهت گناهت بشکست قلبش را
 خون و آب جاری شد بهر پاکی و شفا

۲- چون بر او می نگریم با اشک و آه
 او که مرد بهر انسان گر چه بی گناه
 تاج خار بر سر و مضروب و زار
 ترک شده از انسان و مطرود و هم خوار

بندگردان

ای دوست بهر تو او جانش فدیة کرد
 تا آزادی بخشد تو را از چنگ غم و درد
 گناهت گناهت بشکست قلبش را
 خون و آب جاری شد بهر پاکی و شفا

۳- چون بر او می نگریم با اشک و آه
آن خالق این دنیا و آفتاب و ماه
در برابر فیضی این چنین
تنها معبود قلبم باشد عیسی به یقین

بندگردان

ای دوست بهر تو او جانم فدیة کرد
تا آزادی بخشد تو را از چنگ غم و درد
گناهت گناهت بشکست قلبش را
خون و آب جاری شد بهر پاکی و شفا

۱- خدای پدر تو را می ستاییم
 خدای پدر تو را می ستاییم
 در حضورت زانو زنیم
 و گوییم دوستت داریم
 خدای پدر تو را می ستاییم

۲- پسر خدا جلالت می دهیم
 پسر خدا جلالت می دهیم
 در حضورت زانو زنیم
 و گوییم دوستت داریم
 پسر خدا جلالت می دهیم

۳- ای روح القدس تسلی دهنده ای
 روح القدس تسلی دهنده
 در حضورت زانو زنیم
 و گوییم دوستت داریم
 ای روح القدس تسلی دهنده

۱- نزد مسیح رفتی که پاکت کند؟
 با خون بره شسته شدی؟
 امید کامل به فیض او داری
 با خون بره شسته شدی؟

بندگردان

با خونش پاک شدی؟
 با خون شفا بخش مسیح؟
 رخت خود را چون برف سفید کرده ای؟
 با خون بره شسته شدی؟

۲- هر روز با منجی ات راه می پیمایی؟
 با خون بره شسته شدی؟
 در عیسای مصلوب آرامش یافتی؟
 با خون بره شسته شدی؟

بندگردان

با خونش پاک شدی؟
 با خون شفا بخش مسیح؟
 رخت خود را چون برف سفید کرده ای؟

با خون بره شسته شدی ؟

۳- رخت گناه آلود از خود دور افکن
با خون بره خود را بشوی
چشمه سرخ فام برای تو جاریست
با خون بره خود را بشوی

با خونش پاک شوی
با خون شفا بخش مسیح
رختهایت از برف سفیدتر خواهند شد
با خون بره خود را بشوی

۱- ای روح القدس وعده پدر
 ای روح راستی و وعده پسر
 بیابا آتشت مرا بسوزان
 به نور خدایی گردان فروزان

بندگردان

ای نهر خدا جاری شو الآن
 تا سیراب گردد قلب ما تنشگان

۲- چون آهوی تشنه در کوهسار
 دل من تشنه است ای پروردگار
 چشمه حیاتی ای روح خدا
 ز آسمان بر من اکنون فرود آ

بندگردان

ای نهر خدا جاری شو الآن
 تا سیراب گردد قلب ما تنشگان

۳- برخیز و بوز باد آسمانی
 بر باغ کلیسا چون در جوانی

تا عطرهايش گردد منتشر هر جا
تا عيسى بيايد چيند ميوه را

بندگردان

اي نهر خدا جاري شو الان
تا سيراب گردد قلب ما تنشگان

۱- باشعله روح نزول فرما
 تسخیر کن دلم خداوندا
 تا بهر عیسی بجنبد جان
 بهرش بلرزد تن و روان

بندگردان
 چشمه حیات آرام جان
 مهر بی پایان نور تابان
 روز و شب کنم گریه فغان
 بشنو دعایم باش نگهبان

۲- از بدی حفظم کن ای خدا
 روح حکمت را عطا فرما
 چشم دلم را روشن گردان
 تا راز کلام شود عیان

بندگردان
 چشمه حیات آرام جان
 مهر بی پایان نور تابان
 روز و شب کنم گریه فغان
 بشنو دعایم باش نگهبان

۳- روح و عروس گویند مسیحا
چشم انتظاریم بزودی بیا
جلال خود را نمایان کن
مارا قرین حضورت فرما

بندگردان
چشمه حیات آرام جان
مهر بی پایان نور تابان
روز و شب کنیم گریه فغان
بشنو دعایم باش نگهبان

۱- در ره مسیح با قدرت خدایی
پیش رویم بسوی نور و زندگی
خواست منجی باشد رشد دائم ما
کامل شویم همچو خدا در سما

بندگردان

منبع قدرت و نمو ما
ای مسیح توهستی فرزند خدا
تحت قدرت روح تو رویم
تا شبیه تو از هر جهت شویم

۲- گرچه طالب قدرت و معجزاتیم
ثمرات روح را افضلتر دانیم
رو به کاملیت ترک جاهلیت
با شناخت منجی مان یابیم رجعت

بندگردان

منبع قدرت و نمو ما
ای مسیح توهستی فرزند خدا
تحت قدرت روح تو رویم
تا شبیه تو از هر جهت شویم

۳- در حضور روح و قدرت خدایی

حمد و شکر نماییم بهر رهایی
سر قدرتش را روز به روز بدانیم
تا شبیه بره خدا گردیم

بندگردان

منبع قدرت و نمو ما
ای مسیح توهستی فرزند خدا
تحت قدرت روح تو رویم
تا شبیه تو از هر جهت شویم

۱- روح القدس به ما
 قوت عطا فرما
 تا آنکه نور رحمت
 روشن کند جان را

ایمان نو بخشا
 شک را بیر از ما
 دلهايمان کن مشتعل
 با حب بی فنا

۲- وین قلب جامد را
 بگذار و غالب آ
 بر جمله افکار بدم
 نو خلقتم فرما

ایمان نو بخشا
 شک را بیر از ما
 دلهايمان کن مشتعل
 با حب بی فنا

۳- حمد از زبان من

تسبیح زیید تو را
پس صرف خدمت کنم
باقی عمرم را

ایمان نو بخشا
شک را ببر از ما
دلهایمان کن مشتعل
با حب بی فنا

۱- مسیح گویدت اکنون
 به خدا ایمان آر
 شک را از دلت دور کن
 وعده را یقین بدار

بندگردان

می دهد تعمید به روح القدس هم آتش

۲- روح القدس می آید
 به تو قدرت دهد
 از دلت نهرهای آب
 چون چشمه می جوشد

بندگردان

می دهد تعمید به روح القدس هم آتش

۳- زبانه‌های بیگانه
 بهر تو نشانه
 روح القدس می دهد
 تو را بنا کند

بندگردان

می دهد تعمیرد به روح القدس هم آتش

۱- باران آخر می خواهیم
این است وعده خدا
کز منجی نازل می شود
باران روح خدا

بندگردان

باران آخر باران روح القدس
قطره های فیض می بارد
رگبارش را می خواهیم

۲- باران آخر می خواهیم
که بخشد حیات نو
بر روی باغ کلیسا
ای روح اکنون نازل شو

بندگردان

باران آخر باران روح القدس
قطره های فیض می بارد
رگبارش را می خواهیم

۳- باران آخر می خواهیم

نهرهای آب زنده
تا سیراب شود این دشتها
همه دلهای تشنه

بندگردان

باران آخر باران روح القدس
قطره های فیض می بارد
رگبارش را می خواهیم

۴- باران آخر می خواهیم
از بهر پیر و جوان
نام مسیح را بخوانیم
با دلی پر از ایمان

بندگردان

باران آخر باران روح القدس
قطره های فیض می بارد
رگبارش را می خواهیم

۱- چون روحش در من کار کند

سرایم مانند داوود (۲)

سرایم ، سرایم

سرایم مانند داوود (۲)

۲- چون روحش در من کار کند

شوم مانند سموئیل (۲)

شوم ، شوم

شوم مانند سموئیل (۲)

۳- چون روحش در من کار کند

خواهم گفت مانند دانیال (۲)

خواهم گفت ، خواهم گفت

خواهم گفت مانند دانیال (۲)

۴- چون روحش در من کار کند

محبت کنم چون عیسی (۲)

محبت ، محبت

محبت کنم چون عیسی (۲)

۱- روح القدس در هر زمان
 هادی ما در این جهان
 حضور تو بخشد حیات
 تسلی و فیض نجات

بندگردان
 ای روح شعله ور کن ما را
 ای آتش خدا
 بیدار نما کلیسایت
 بهر کار و خدمت

۲- روح القدس رب جلال
 دور نما هر اشک و ملال
 گر محزون کرده ایم تو را
 از ما مشو دور و بیا

بندگردان
 ای روح شعله ور کن ما را
 ای آتش خدا
 بیدار نما کلیسایت
 بهر کار و خدمت

۳-روح القدس جاری فرما
نهر حیات از بطن ما
احیا شود دل مردگان
چون روح دمد بر قلب و جان

بندگردان

ای روح شعله ور کن ما را
ای آتش خدا
بیدار نما کلیسایت
بهر کار و خدمت

۴-روح القدس شکر تو گوئیم
هر چه هستیم ز تو داریم
در نورت بینیم عیسی را
محبت پدر در ما

بندگردان

ای روح شعله ور کن ما را
ای آتش خدا
بیدار نما کلیسایت
بهر کار و خدمت

۱- گر خواهی از گناه در امان باشی
باید پر از روح قدوسش شوی
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

بندگردان

بگذار روحش پر کند
بگذار روحش پر کند
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

۲- گر خواهی از شادی و وجد پر شوی
عاری از شک و ترس زندگی کنی
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

بندگردان

بگذار روحش پر کند
بگذار روحش پر کند
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

۳- گر خواهی ز آتش روح پر شوی
سوزد هر خطایی و تقدیس گردی

خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

بندگردان

بگذار روحش پر کند
بگذار روحش پر کند
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

۴- گر خواهی ز قدرت روح پر شوی
با دلیری مژده اش را رسانی
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

بندگردان

بگذار روحش پر کند
بگذار روحش پر کند
خود را تسلیمش کن با سرود و حمد
بگذار روحش پر کند

۱- با خود ببر اسم عیسی
 ای فرزند حزن و غم
 زیرا تو را خواهد شد آن
 تسلی اندر ماتم

بندگردان

| | |
|-------------------|-----------------|
| شادان زان دلها ما | نام او چه شیرین |
| شادان زان دلها ما | نام او چه شیرین |

۲- با خود ببر اسم عیسی
 چون سپر به هر خطر
 می شود کمک تو چون
 امتحانت آید بر

بندگردان

| | |
|-------------------|-----------------|
| شادان زان دلها ما | نام او چه شیرین |
| شادان زان دلها ما | نام او چه شیرین |

۳- بسرا آن اسم اعظم را
 مرهم بود هر غم را
 پس با خودت بر نام وی

دافع بود هر هم را

بندگردان

نام او چه شیرین شادان زان دلها ما

نام او چه شیرین شادان زان دلها ما

۴- به اسم عیسی شو ساجد

در حضورش شو راکع

چون سفر همی شود طی

سپاس خوان شو به شافع

بندگردان

نام او چه شیرین شادان زان دلها ما

نام او چه شیرین شادان زان دلها ما

بندگردان

لیکن چون روح القدس بر شما می آید
قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود

۱- هر که ایمان آورده تعمید یابد نجات می یابد
اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد

بندگردان

لیکن چون روح القدس بر شما می آید
قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود

۲- این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من
دیوها را بیرون کنند و به زبانهای تازه حرف زنند

بندگردان

لیکن چون روح القدس بر شما می آید
قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود

۳- هرگاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت
اینک تا انقضای عالم همراه شما می باشم

بندگردان

لیکن چون روح القدس بر شما می آید
قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود

* * *

۱- روح قدوس الهی در قلوب مؤمنین
 موجد حمد و سرور است عاطی فیض و یقین
 با حضور پر جلال روح و راستی خدا
 درک نمودم در وجودم خداوندی عیسی (۲)

۲- چون مسیح منجی عالم سوی سما کرد صعود
 روح قدوسش فرستاد بر تمامی شهود
 تا روند اکناف عالم شاهدان او شوند
 مژده انجیل رساننده هر جا که پای نهند (۲)

۳- روح قدوس الهی مردم را ملزم کند
 هر گناه مخفی نیز در نورش بر ملا شود
 او شکست این قلب سنگم قلبی نو ایجاد نمود
 تا به روح او را پرستم با دعا و با سرود (۲)

۱- شکر ت کنیم ای خداوند بهر عطایات
 بارش روح قدوس تو بر کلیسایت
 قدرت سما همچو آتش مشتعل بنمود
 شاگردان مشتاق را از هر خطا بزود

بندگردان

باران آخر را خواهیم بر طبق وعده ات
 تجهیز نما کلیسایت از اعلی با روح (۲)

۲- گناه و عصیان جهان بسیار فزون گشته
 چاره آن الزام روح توست به هر تشنه
 دلریش نما قلبهای سخت با شمشیر روح
 آنکه شفا ده زخم دلها با محبت

بندگردان

باران آخر را خواهیم بر طبق وعده ات
 تجهیز نما کلیسایت از اعلی با روح (۲)

۳- امداد نما ای خداوند اندر ره عیسی
 با هدایت و تسلی روح ت در هر جا
 تقدیس نما هر روزه این وجود تشنه ام
 تا شبیه عیسی شوم کامل چو او هر دم

بندگردان

باران آخر را خواهیم بر طبق وعده ات
تجهیز نما کلیسایت از اعلی با روحیت (۲)

۱- اگر روز من اگر شب من صرف خدمت خداوند شود

غلام (کنیز) بی منفعت منم (۲)

۲- اگر جان من اگر مال من صرف خدمت خداوند شود

غلام (کنیز) بی منفعت منم (۲)

۳- اگر قوم من اگر خویش من مراد کنند مرا ترک کنند

غلام (کنیز) بی منفعت منم (۲)

۱- ای خداوند پری تو را خواهیم
 ثمرات و عطایای روح
 بر طبق وعده ات افاضه فرما
 چون هستیم همه طالب رویت

بندگردان

روح القدس ای روح پاک عیسی
 ای بخشنده کل نعمتها
 همچون اعضای بدن خداوند
 منتظر قدرتیم از بالا

۲- ای خداوند اراده ات را دانیم
 سر عظیم حکمت خدا
 که می خواهی با حلول روح در ما
 ظاهر کنی مهر و قدرتت را

بندگردان

روح القدس ای روح پاک عیسی
 ای بخشنده کل نعمتها
 همچون اعضای بدن خداوند
 منتظر قدرتیم از بالا

۳- کلیسا اینک می شنود صدایت
به ترجمهٔ زبانهای روح
نبوت نیز بنا کند همه را
با نصیحت و تسلی روح

بندگردان

روح القدس ای روح پاک عیسی
ای بخشندهٔ کل نعمتها
همچون اعضای بدن خداوند
منتظر قدرتیم از بالا

۴- کلام علم و هم کلام حکمت
قطره‌هایی از عالم بالاست
تمییز دهیم ارواح به قوت روح
این عطایا بهر خدمت ماست

بندگردان

روح القدس ای روح پاک عیسی
ای بخشندهٔ کل نعمتها
همچون اعضای بدن خداوند
منتظر قدرتیم از بالا

۵- به ایمان و عطایای شفاها
قدرت ظاهر شود در هر جا

دنیای ما طالب معجزات است
این است اراده تو در عیسی

بندگردان

روح القدس ای روح پاک عیسی

ای بخشنده کل نعمتها

همچون اعضای بدن خداوند

منتظر قدرتیم از بالا

۱- در تمام عالم روید
 مژده انجیل دهید
 به همه ملل گوید
 مسیح نجات می دهد

بندگردان

غفلت نکنید پیش روید
 جهان پر از گناه بینید
 در تمام عالم روید
 مژده انجیل دهید

۲- به گمراهان این را گوید
 مسیح نجات می دهد
 با مرگ خود روی صلیب
 مسیح نجات می دهد

بندگردان

غفلت نکنید پیش روید
 جهان پر از گناه بینید
 در تمام عالم روید
 مژده انجیل دهید

۳- به همسایگان نیز بگوید

مسیح نجات می دهد
فیض و حیات هم می یابد
مسیح نجات می دهد

بندگردان

غفلت نکنید پیش روید
جهان پر از گناه بینید
در تمام عالم روید
مژده انجیل دهید

۴- در خدمتش امین باشید
مسیح نجات می دهد
گر در ضعف و تنگی باشید
مسیح نجات می دهد

بندگردان

غفلت نکنید پیش روید
جهان پر از گناه بینید
در تمام عالم روید
مژده انجیل دهید

۱- لبيك اى خداوند مرا هم بفرست
تا آوارگان را هدايت كنم
آب حیات به تشنگان رسانم
در تاریکی ها نیز درخشان باشم

بندگردان

صدایت را می شنوم مرا خوانی که بروم
فرمان برم مرا بفرست اى خداوند مرا ، مرا
اى منجی عزیز من

۲- لبيك اى خداوند مرا هم بفرست
بهرحصاد پیش از غروب آفتاب
يك روز رود خورشید زندگی ام
سویت پرواز کنم رویت بینم

بندگردان

صدایت را می شنوم مرا خوانی که بروم
فرمان برم مرا بفرست اى خداوند مرا ، مرا
اى منجی عزیز من

۳- لبيك اى خداوند مرا هم بفرست
تا نیروی ظلمت در هم بشکنم

مرا با زره ات یکسر پوشان
چشمه کلامت از دلم جوشان

بندگردان

صدایت را می شنوم مرا خوانی که بروم
فرمان برم مرا بفرست ای خداوند مرا ، مرا
ای منجی عزیز من

سربازان عیسی بجنگیم
 نیروهای شیطان را در هم کوییم
 پیش رویم هر روزه در ایمان
 بر علیه قلعه های شیران

مشعل انجیل را برافرازیم
 در دنیای تاریک نور بیافشانیم
 ای برادر به پیش
 تو ای خواهر به پیش

مشعل انجیل را برافرازیم
 در دنیای تاریک نور بیافشانیم

۱- همقطاران پرچمش را درسما بینید
نیروی امدادی آید پیروز می شوید

بندگردان

" در این نبرد نیکو بجنگ " می گوید عیسی
جوابش ده " مطیعم نیرویم کن عطا "

۲- پرچم جلالش بین که در اهتزاز است
نام عیسی را بخوان بر دشمن پیروز است

بندگردان

" در این نبرد نیکو بجنگ " می گوید عیسی
جوابش ده " مطیعم نیرویم کن عطا "

۳- گرچه نبرد ما طولانی و مخوف است
دلیر باشید چون فرمانده ما مسیح است

بندگردان

" در این نبرد نیکو بجنگ " می گوید عیسی
جوابش ده " مطیعم نیرویم کن عطا "

۱- پیرو منجی ات باش مطیع و غیور
مانند دانیال نما زندگی د رنور

بندگردان

دانیال وار در نبرد به پیش بتاز
با فیض مسیح از خود دانیالی بساز

۲- زورآوران بسیار سقوط کرده اند
خدای دانیال را هرگز نشناخته اند

بندگردان

دانیال وار در نبرد به پیش بتاز
با فیض مسیح از خود دانیالی بساز

۳- در سنگر دعا باش تا پیروز شوی
مانند دانیال بهر شهادت روی

بندگردان

دانیال وار در نبرد به پیش بتاز
با فیض مسیح از خود دانیالی بساز

۴- بشارت مسیح را به هر جارسان

شیطان را سرکوب نما با سعی و ایمان

بندگردان

دانیال وار در نبرد به پیش بتاز

با فیض مسیح از خود دانیالی بساز

۱- ای فروغ جاودان ، ای مسیح نور جهان
خالق ارض و سما ، راحت و امید ما

بندگردان

در نور رویت آیم به سویت
حمدت کنم بهر فیض عظیمت
تویی خدایم مهر و صفایم
تویی نجاتم و تویی شفایم

۲- ای خورشید عالمتاب بر من مسکین بتاب
گرمی انوار تو بخشد مرا قلبی نو

بندگردان

در نور رویت آیم به سویت
حمدت کنم بهر فیض عظیمت
تویی خدایم مهر و صفایم
تویی نجاتم و تویی شفایم

۳- ای خداوند کریم پر ز احسان و رحیم
بشنو این دعایم را شکر تو گویم در هر جا

بندگردان

در نور رویت آیم به سویت
حمدت کنم بهر فیض عظیمت
تویی خدایم مهر و صفایم
تویی نجاتم و تویی شفایم

۱- در موکب ظفر مسیح
پیش رویم با قوت خدا
عطر معرفتش افشانیم
بین انسانهای بینوا

بندگردان

ای مسیح قوت ما ز توست
با شهادت و با خون توست
تو به ما قدرت بخشیده ای
بر شیطان تسلط داده ای
پیروزی حاضر کردی بهر مؤمنین (۲)
ای مسیح در تو دارم یقین (۲)

۲- سراییم سرود پیروزی
با شادی در حضور خدا
با ایمان بر دنیا پیروزیم
تا رویم نزد منجی ما

بندگردان

ای مسیح قوت ما ز توست
با شهادت و با خون توست
تو به ما قدرت بخشیده ای

بر شیطان تسلط داده ای
پیروزی حاضر کردی بهر مؤمنین (۲)
ای مسیح در تو دارم یقین (۲)

۳- قلعه شیطان فرو ریزد
چون آواز شادمانی خیزد
نه به قوت و نه به قدرت
بلکه با روح او به جرأت

بندگردان
ای مسیح قوت ما ز توست
با شهادت و با خون توست
تو به ما قدرت بخشیده ای
بر شیطان تسلط داده ای
پیروزی حاضر کردی بهر مؤمنین (۲)
ای مسیح در تو دارم یقین (۲)

۱- به پیش ای سرباز مسیح بهر جنگ
در این کارزار نباشد روا درنگ
پرچم عیسی را بین در اهتزاز
به نیروی روحش بر دشمن بتاز

بندگردان

بسوی پیشوای ایمانت بنگر
به قدرت روحش شوی پیروزگر

۲- به خون بره شو بر دشمن پیروز
به کلام شهادت خود هر روز
با همقطاران یکدل و یک جان
در سنگر دعا نامش را بخوان

بندگردان

بسوی پیشوای ایمانت بنگر
به قدرت روحش شوی پیروزگر

۳- نیروهای جهان زوال پذیرند
قدرتهای گوناگون فرو ریزند
لیکن بر کلیسا نشود چیره
درهای جهنم بر خون بره

بندگردان

بسوی پیشوای ایمانت بنگر
به قدرت روحش شوی پیروزگر

۴- چون شیپور فرشته کند صدا
شاه آسمانی گردد هویدا
به پیشوازش رویم همه در سما
در آنجا ببینیم جلال خدا

بندگردان

بسوی پیشوای ایمانت بنگر
به قدرت روحش شوی پیروزگر

۱- زرهی که خدا مهیا ساخته برای ما
 زرهی که خدا مهیا ساخته برای ما
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)

۲- کمر ما، کمر بند ما حقیقت و راستی است
 جوشن ما، جوشن ما عدالت و نیکی است
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)

۳- نعلین ما، نعلین ما صلح و سلامتی است
 کلاهخود ما، کلاهخود ما آن نجات عظیم است
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)

۴- شمشیر ما، شمشیر ما کلام خداوند است
 سپر ما، سپر ما ایمان به مسیح است
 کیست که تواند در برابرش بایستد؟ (۲)

۱- از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا
 از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا
 جانها صید کنیم بهر مسیحا
 جانها صید کنیم بهر مسیحا
 از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

۲- از روح پر شویم قدرت بیاییم
 از روح پر شویم قدرت بیاییم
 از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا
 از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

۳- قدرت بیاییم شهادت دهیم
 قدرت بیاییم شهادت دهیم
 از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا
 از دل و جان نبرد کنیم بهر مسیحا

۱- ما سربازان خداوند آسمان و زمینیم
 بهر نام خداوند عیسی از پا نمی نشینیم
 سردار لشکر آسمانی خدا هم با ماست
 با فرمان او می گوییم هلولیاه هلولیاه (۲)
 پیروزیم با نام خداوندمان عیسی
 پیروزیم با نام شاهمان عیسی (۲)

۲- ما ایلچیان خداوند آسمان و زمینیم
 سخنان پدرمان را به گوشها می رسانیم
 می خواهیم او در میان ما همیشه جلال یابد
 ناجیان را خداوند عیسی برای خود بیابد (۲)
 فرو می ریزیم قلعه های شیطان را
 پیروزیم با نام خداوند عیسی (۲)

۱- ای منجی آسمانی ما مسیح
 در راه تو می نهیم جان خود همی
 در راه تنگ صلیب گام به پیش نهیم
 تا زمانیکه روز است باید کار کنیم (۲)

۲- از بهر این دنیای مفلوک و بی جان
 تنها راه نجات است آن نیکو شان
 چونکه شب آید در فیض بسته گردد
 تا زمانیکه روز است باید کار کنیم (۲)

۳- فرصت از کف می رود باید کار کنیم
 مژده انجیل را به هر جا رسانیم
 آب حیات را به تشنگان رسانیم
 تا زمانیکه روز است باید کار کنیم (۲)

۱- فرمان عیسی است باید درخشید
 تابان به هر جا سوزان چو خورشید
 چون شمع روشن در شام تاریک
 باشیم در دهر نورانی و نیک
 در جای خود ما هر جا که باشیم
 هر یک به قسمی باید درخشیم

۲- فرمان عیسی است باید درخشید
 با نور ایمان با مهر و امید
 داند به خوبی ضعف من و تو
 بیند که گاهی کم گشته پرتو
 با اینهمه وی چشم انتظار است
 بیند که نور ما آشکار است

۳- باید درخشید فرمان عیسی است
 این احتیاج هر روز دنیاست
 فقر و گناه و اندوه یارا
 تاریک کرده دنیای ما را
 پس با من و توست از روی ایمان
 هر یک بجایش باشد درخشان

۱- تسلیمت شوم خدا
 در خود ندارم قوا
 خسته ام از مقاومت
 ندارم اتکاء
 محبت شکست مرا
 تا کی مانم نابینا
 تا کی بندم دو گوشم را
 گویی مرا بیا (۲)

۲- می پرستیدم خود را
 علاقه ام به دنیا
 سرد و مأیوس زار و مجروح
 به تو بی اعتنا
 قوت گرفت آن صدا
 تا کی مانی بی وفا
 تا کی باشی از من جدا
 خادم با وفا (۲)

۳- شکر تو گویم مسیحا
 لایق دانستی مرا
 کنم خدمت برم زحمت
 بهر تو خدایا

چه بسا دارم ضعفها
ننیدیشم به آنها
دانم تویی بامن هر جا
خداوندم عیسی (۲)

۱- مزرعه‌ها را بینید
 که سفید شده است
 خدا خادمش می‌خواند
 چون وقت درو است

بندگردان

خداوندا ده شفقت
 تا کنم محبت
 گر شود این مرا قسمت
 صید جان برایت

۲- می‌خواند او مسیحیان
 از بهر گمراهان
 آیا وجودت را دهی
 تا او دهد فرمان

بندگردان

خداوندا ده شفقت
 تا کنم محبت
 گر شود این مرا قسمت
 صید جان برایت

۳- امینم از بهر عیسی
بهرم شده مصلوب
زندگی ام وقف او شد
برای آن محبوب

بندگردان

خداوندا ده شفقت
تا کنم محبت
گر شود این مرا قسمت
صید جان برایت

۱- شـکرت گویم ای مسیحـم
 که بخشیدی گناهم
 از یاد بردی گناهانم
 شادی دادی در قلبم (۲)

بندگردان

شوقی عظیم در دل دارم
 گمشدگان را بجویم
 مژدهٔ نجات او را
 به هر کس اعلام نمایم (۲)

۲- بسیاری از مردمان
 در وادی گناهان
 مضطرب و سرگردانند
 پی آب حیاتند (۲)

بندگردان

شوقی عظیم در دل دارم
 گمشدگان را بجویم
 مژدهٔ نجات او را
 به هر کس اعلام نمایم (۲)

۳- امر عیسی را بشنوید
مژده اش را رسانید
تشنگان را سیراب سازید
سوی چشمه آورید (۲)

بندگردان

شوقی عظیم در دل دارم
گمشدگان را بجویم
مژده نجات او را
به هر کس اعلام نمایم (۲)

۱- مهر مسیح را سراییم
فیضش را اعلان کنیم
بهر مکان پر جلال
که خداوند بنا کرد

بند گردان

چه روز پر جلالی است
وقتی رخس را روبرو بینیم
با شادی حمدش کنیم
آهنگ ظفر را بخوانیم

۲- گر چه راههای ما تنگ است
راه صلیب و زحمت
لیک مسیح همدم ما است
تا آن روز پر جلال

بند گردان

چه روز پر جلالی است
وقتی رخس را روبرو بینیم
با شادی حمدش کنیم
آهنگ ظفر را بخوانیم

۳- دردهای زمان حاضر
محو شود در جلالش
لبخند زیبای مسیح
قلبها را تسکین دهد

بند گردان

چه روز پر جلالی است
وقتی رخس را روبرو بینیم
با شادی حمدش کنیم
آهنگ ظفر را بخوانیم

۴- دروازه های آسمان
به روی ما گشوده
شاه شاهان در جلالش
ما را سوی خود خواند

بند گردان

چه روز پر جلالی است
وقتی رخس را روبرو بینیم
با شادی حمدش کنیم
آهنگ ظفر را بخوانیم

۱- ای مؤمنین شما عالم را نورید
در این زمان تار و پر ظلمت
به انتشار این مژده مأمورید
که خداوند پدری است پر رحمت

بندگردان

دهید مژده سلامتی
مژده عیسی نجات و آزادی

۲- اینک اکنون صدها هزار نفرند
گمراه شده اسیر گناهان
افسوس که این اشخاص بی خبرند
که یکی هست منجی گمراهان

بندگردان

دهید مژده سلامتی
مژده عیسی نجات و آزادی

۳- آگاه کنید هر قوم و هر ملت را
که خداوند ایشان را دوست دارد
مخبرسازید هر شخص و هر امت را
که مسیح مرد تا هر کس زیست کند

بندگردان
دهید مژده سلامتی
مژده عیسی نجات و آزادی

۴- اعزام دارید پس فرزندان خود را
اموال دهید برای این تلاش
فدا کنید در این راه جان خود را
مسیح شما را دهد پاداش

بندگردان
دهید مژده سلامتی
مژده عیسی نجات و آزادی

۱- خداوندا حمدت گوئیم
 بهر نجات از گناه
 از پریات بهره یافتیم
 اندر این مسیر و راه

بندگردان
 قوتت در ضعف انسان
 کامل گردد ای خدا
 نهرهای آب حیات
 جاری است از بطن ما

۲- چون غلامان بی منت
 مطیع امر توئیم
 چون چراغ و نوری تابان
 امداد کن تا درخشیم

بندگردان
 قوتت در ضعف انسان
 کامل گردد ای خدا
 نهرهای آب حیات
 جاری است از بطن ما

۳- شاهدان فیض تویم
مبشیر کلامت
مژده انجیل رسانیم
مظهر فیض و رحمت

بندگردان
قوتت درضعف انسان
کامل گردد ای خدا
نهرهای آب حیات
جاری است از بطن ما

۴- خداوندا پر نما از
روح خود دلهای ما
تا با فیض و قوت روح
خدمت کنیم در هر جا

بندگردان
قوتت درضعف انسان
کامل گردد ای خدا
نهرهای آب حیات
جاری است از بطن ما

۱- اینک چه زیباست پایهای مبشران
 که هر جا ندا کنند
 انجیل سلامتی را مژده دهند
 گویند خدا اوست سلطان
 اوست سلطان (۳) خداوند

۲- لکن او غمهای ما را بر خود گرفت
 مضروب و هم مبتلا
 همچون بره ای بر مذبح قرار گرفت
 دهان خویش نگشود
 اوست سلطان (۳) خداوند

۳- بسبب گناهان ما کوفته شد
 مجروح و هم خوار گردید
 تأدیب سلامتی ما را کشید
 با زخمهایش شفا داد
 اوست سلطان (۳) خداوند

۴- روز سوم از مردگان قیام فرمود
 او زنده است ، زنده است
 اینک دلیل محبت را بنگرید
 بر دست و پایهایش

اوست سلطان (۳) خداوند

۱- سعی و کوشش نما، ای غلام خدا
 پیش بسوی طریقی که اوست رهنما
 نور و مهر مسیحا درخشد ز ما
 ترس و خوف دور کنیم در پناه خدا

بندگردان

هان به پیش ، هان به پیش ای مسیحی به پیش
 با امید و در صبر ، بازگشت او را خواهانیم

۲- سعی و کوشش کنیم ، مژده اش رسانیم
 تشنگان را به نزد مسیح آوریم
 فخر ما صلیب است ، داروی دردمندان
 ز آنکه عیسی بر آن گشت فدیة جهان

بندگردان

هان به پیش ، هان به پیش ای مسیحی به پیش
 با امید و در صبر ، بازگشت او را خواهانیم

۳- هان بکوش ، هان بکوش در حصاد خدا
 چون مسیح خود بود هادی و رهنما
 حمد و تجلیل نما نام رب رحیم
 وانگهی کن ندا آن نجات عظیم

بندگردان

هان به پیش ، هان به پیش ای مسیحی به پیش
با امید و در صبر ، بازگشت او را خواهانیم

* * *

۱- محبت خدا
 در صلیب عیسی
 بهر ما شد عیان
 مهر وی در جهان
 وقتی او را فدا کرد
 تا بهرم بمیرد

بندگردان
 جلال بر نامش
 برای فیضش
 آنقدر دوست داشت جهان را
 که بخشید فرزندش (۲)

۲- بر روی جلجتا
 وقتی او ندا کرد
 همه چیز تمام شد
 نجاتم تضمین شد
 نقشة الهی اش
 در وجودم مهر شد

بندگردان
 جلال بر نامش

برای فیضش
آنقدر دوست داشت جهان را
که بخشید فرزندش (۲)

۱- خداوند آسمانی، ای منشاء محبت
انوار مهر ابدی حاکی از لطف و رحمت

بندگردان

(ده مرا تعمیدی نو ز مهر و محبت
تا شوم شبیه تو کامل ز هر جهت) ۲

۲- رحمت تو ای خداوند، گیرد دست گمراهان
هرچند عدل آسمانی محکوم کند هر عصیان

بندگردان

(ده مرا تعمیدی نو ز مهر و محبت
تا شوم شبیه تو کامل ز هر جهت) ۲

۳- در طوفان زندگانی، در ظلمت آسمان
خورشید محبت توست از پس ابرها عیان

بندگردان

(ده مرا تعمیدی نو ز مهر و محبت
تا شوم شبیه تو کامل ز هر جهت) ۲

۴- بارش محبت تو، هرگز فانی نگردد

گر چه خلقت و جهان به امر تو معدوم شود

بندگردان

(ده مرا تعمیدی نو ز مهر و محبت

تا شوم شبیه تو کامل ز هر جهت) ۲

۱- خداوند از راه فیضش آمرزید گناه ما
به عمقهای دریا انداخته او هر جرم و خطا

بندگردان

منبع محبت اوست
بس رحیم با خصم و دوست
تبرئه کند خاطی را
شود بجایش فدا

۲- سر قدرت کلیسا در دعاست و اتحاد
رحم و بخشش مسیحی می رساند این مراد

بندگردان

منبع محبت اوست
بس رحیم با خصم و دوست
تبرئه کند خاطی را
شود بجایش فدا

۳- چون بسویش با دعاها رویم با حمد و ثنا
گوید او برگردد به آنجا که شکستی قلبی را

بندگردان

منبع محبت اوست
بس رحیم با خصم و دوست
تبرئه کند خاطی را
شود بجایش فدا

۴- گر نبخشیم از ته دل , خطایای مردمان
او نیامرزد گناه را , در جهان بینیم زیان

بندگردان
منبع محبت اوست
بس رحیم با خصم و دوست
تبرئه کند خاطی را
شود بجایش فدا

۱- خدا محب و منجی جانم
خدا محب و رهنمایم

بندگردان

پس باید سرایم
خدایم نیکوست
خدایم نیکوست
دوستم دارد

۲- بسته بودم در قید اسارت
بسته بودم در قید گناه

بندگردان

پس باید سرایم
خدایم نیکوست
خدایم نیکوست
دوستم دارد

۳- خدای پدر او را فرستاد
مسیحا آمد نجاتم داد

بندگردان

پس باید سرایم
خدایم نیکوست
خدایم نیکوست
دوستم دارد

۴- عیسی محبوب جانش فدیہ داد
از هر گناهی کردم آزاد

بندگردان
پس باید سرایم
خدایم نیکوست
خدایم نیکوست
دوستم دارد

۵- تمجیدت کنم مهر ابدی
تنها معبود قلبم تویی

بندگردان
پس باید سرایم
خدایم نیکوست
خدایم نیکوست
دوستم دارد

۱- ای خداوند حمدت سراییم بهر کلیسایت
کهنات ملوکانه و امت و قوم خاصت

بندگردان

عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما
عیسی
ای قدرت سما ای پسر خدا

۲- کلیسا در سختی و جفا شاهد قوت توست
در تسلی روح القدس لبریز از رحمت توست

بندگردان

عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما
عیسی
ای قدرت سما ای پسر خدا

۳- دانیم که حضور تو با ماست در هر زمان و مکان
و عده دادی حفظ کنی ما را از حيله های شیطان

بندگردان

عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما
عیسی

ای قدرت سما ای پسر خدا

۴- ای بانوی و سر کلیسا امید ما تو هستی
در خطرها و در اضطراب , در بالا و پستی

بندگردان

عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما

عیسی

ای قدرت سما ای پسر خدا

۱- جانم به تو چسبیده است برادر عزیزم
 مثل یوناتان و داود در مسیح عهد بسته ام
 باید در وصف تو سخنهای نیکو بگویم
 اعمال نیکوی تو را در هر جا بازگو کنم

بندگردان

از ایمان و نیکویی تو در مسیح عیسی
 دلهای مقدسین استراحت می پذیرد (۲)

۲- تو را با تمام وجودم برادر دوست دارم
 بگو هر چه دلت می خواهد برایت می کنم
 بگذار به گردنت افتاده همی گریه کنم
 در آغوشم تو را گرفته غرق بوسه کنم

بندگردان

از ایمان و نیکویی تو در مسیح عیسی
 دلهای مقدسین استراحت می پذیرد (۲)

۳- آرزویم تقویت دستهای توست در عیسی
 تو اولین باش و من هم دومین تو هر جا
 آه این فیض است که برای تو هر وقت دعا کنم
 در حضور خالقم برایت شفاعت کنم

بندگردان

از ایمان و نیکووی تو در مسیح عیسی
دل‌های مقدسین استراحت می‌پذیرد (۲)

۴- ای همسپاه ذکر محبت تو را شنیدم
پیوسته در دعاهایم تو را روبرو دیدم
ذکر محبت تو در میان مقدسین
تسلی روح را خودم به چشم خود دیده‌ام

بندگردان

از ایمان و نیکووی تو در مسیح عیسی
دل‌های مقدسین استراحت می‌پذیرد (۲)

جاری است ز خالق برکات
حمدش کنید ای مخلوقات
جیش سما حمدش کنید
بر اب و ابن و روح تمجید
آمین

۱- عیسی امید پر جلالم
 به آسمان باشد او رهبرم
 وارث نجات ملک خدا
 مولود روحم شسته مرا

بندگردان

تا دم آخر شاهد هستم
 محبت او را سرایم
 تا دم آخر شاهد هستم
 محبت او را سرایم

۲- تسلیم اویم خوانم سرود
 در انتظارم تا او آید زود
 فرشتگانش نزول کنند
 پیام مهر و فیض آورند

بندگردان

تا دم آخر شاهد هستم
 محبت او را سرایم
 تا دم آخر شاهد هستم
 محبت او را سرایم

۳- آرامش دارم چون مطیعم
در منجی خود شاد و مسرورم
در انتظار بازگشت او
غرق محبت در فیض او

بندگردان

تا دم آخر شاهد هستم
محبت او را سرایم
تا دم آخر شاهد هستم
محبت او را سرایم

۱- وه چه نواهای دلکش
 آید به گوش گردد فزون
 آواز شادی می دهند
 دشت سالیم کوه زیتون

بندگردان

حمد و تجلیش کنید
 به هر سو ندا در دهید
 هوشیعیانای هوشیعیانای
 هوشیعیانای بره خدا

۲- سرایند اطفال کوچک
 هوشیعیانای بر شاه شاهان
 زیرا که شفامی بخشد
 هم نجات بر گناهکاران

بندگردان

حمد و تجلیش کنید
 به هر سو ندا در دهید
 هوشیعیانای هوشیعیانای
 هوشیعیانای بره خدا

۳- اسم مسیح بخشد شادی
بر مؤمن و برامتها
ز آنکه خوش شوید هرکس
از هر گنه سازد رها

بندگردان

حمد و تجلیش کنید
به هر سو ندا در دهید
هوشیانا هوشیانا
هوشیانا بره خدا

۱- خوانیم سرود در وصف آن کلمه حیات
آگاهییم از شکوه آن کلمه حیات

بندگردان

ای پیام ابدی موجد ایمان تویی
تویی کلمه خدا کلمه حیات (۲)

۲- خداوند مسیح است همان کلمه حیات
مژده بهر گنهکاران کلمه حیات

بندگردان

ای پیام ابدی موجد ایمان تویی
تویی کلمه خدا کلمه حیات (۲)

۳- الهام بخش دلهای ماست کلمه حیات
بخشنده صلح و صفاست کلمه حیات

بندگردان

ای پیام ابدی موجد ایمان تویی
تویی کلمه خدا کلمه حیات (۲)

* * *

۱- یهوه هستی خدای خالق
 یهوه هستی خدای قادر
 مسح کننده ای صخره ابدی
 یهوه تویی شفا دهنده

بندگردان

گو هَللویاه , گو هَللویاه
 گو هَللویاه , گو هَللویاه
 یهوه هستی محبوب جانم
 یهوه تویی شفا دهنده

۲- " من هستم " عظیم خدای ابراهیم
 یهوه شالوم خدای سلیم
 خدای مؤمنان صخره جاودان
 یهوه تویی شفا دهنده

بندگردان

گو هَللویاه , گو هَللویاه
 گو هَللویاه , گو هَللویاه
 یهوه هستی محبوب جانم
 یهوه تویی شفا دهنده

۳- مهیا می کند " یهوه یایرا "
نجات عظیم خداوند مسیحا
فرزند یگانه آشکار کرد او را
یهوه تویی شفا دهنده

بندگردان

گو هلولویاه , گو هلولویاه
گو هلولویاه , گو هلولویاه
یهوه هستی محبوب جانم
یهوه تویی شفا دهنده

۱- ای خداوند قوت من تو را محبت می نمایم
دلهم بر تو توکل داشت و مدد یافته ام

بندگردان

خداوند را در هر وقت متبارک خواهیم گفت
نام او را با یکدیگر برافرازیم

۲- تسبیح او دائماً بر زبان من خواهد بود
چون از گناه مرا آزاد کرد هلولیا

بندگردان

خداوند را در هر وقت متبارک خواهیم گفت
نام او را با یکدیگر برافرازیم

۳- پس سرودی تازه برای او با هم بسراییم
چون جهان از رحمت خداوند پر است

بندگردان

خداوند را در هر وقت متبارک خواهیم گفت
نام او را با یکدیگر برافرازیم

* * *

۱- فرزندان خدا خداوند را توصیف کنید
 جلال و قوت را برای خداوند توصیف کنید
 خداوند را به جلال اسم او تمجید کنید
 خداوند را در زینت قدوسیت سجده کنید

بندگردان

بچشید و ببینید که خداوند نیکوست
 خداوند نیکوست، خداوند نیکوست (۲)

۲- ای مقدسان خداوند از او بترسید
 زیرا ترسندگان او را هیچ کمی نیست
 جان من در خداوند فخر خواهد کرد
 مسکینان شنیده شادی خواهند کرد

بندگردان

بچشید و ببینید که خداوند نیکوست
 خداوند نیکوست، خداوند نیکوست (۲)

۱- ای مسیحا شام تویی
 شبان نیک خواهم تویی
 راستی تو راهم تویی
 ای نور هر وادی ز تو
 شادی و آزادی ز تو

۲- دل غرق سودای تو باد
 پیوسته مأوای تو باد
 در گوش غوغای تو باد
 ای نور هر وادی ز تو
 شادی و آزادی ز تو

۳- ای هادی راه صفا
 وی دولت بی منتها
 ما را تو هستی ملجا
 ای نور هر وادی ز تو
 شادی و آزادی ز تو

۴- تاراند فرمانت را قلم

معدوم شد رسم ستم
هان تا بگویم دم به دم
ای نور هر وادی ز تو
شادی و آزادی ز تو

۱- چه پر جلال و زیباست این طبیعت
 زبان قادر به وصف آن نباشد
 گلهای زیبا و سوسن الوان
 همه به یکدل تو را سرایند (۲)

۲- پس ما آدمیان که همشکل تو
 سرشته شدیم تا سلطنت کنیم
 بر تمامی این جلال و شکوه
 همه به یکدل تو را ستاییم (۲)

۳- قابل ستایش تو هستی پدر
 که بدادی به ما عیسای پسر
 تا کامل شویم و مسرورت کنیم
 همه به یکدل تو را ستاییم (۲)

۴- سپاس, سپاس, سپاس خدای قدوس
 دوستت داریم تو را جهت فیضت
 چون روح خود را نیز در ما دمیدی
 جلال جلال باد بر تو ای قدوس (۲)

۱- خداوند را حمد گوید
 زیرا که او نیکو است
 خدای خدایان را
 سرایید و حمد گوید

بندگردان

زیرا که رحمت او تا ابدالابد است (۲)

۲- او را که کارهایش را
 عجیب و عظیم کند
 او را که آسمان را
 به حکمتش آفرید

بندگردان

زیرا که رحمت او تا ابدالابد است (۲)

۳- آفتاب را برای روز
 ماه را نیز برای شب
 نیرهای بزرگ را
 تا گویند از جلالش

بندگردان

زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است (۲)

۴- مذلت ما بیند
از دشمنان رهند
خدای آسمان را
سرایید و حمد گوید

بندگردان

زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است (۲)

۱- ستایش به نام خدا خالق موجودات
ای جان پرستش کن خدا را چون او هست نجات
شادی کنان، با یکدیگر مؤمنان
نمایید با او مناجات

۲- ستایش به نام خدا نیکو پروردگار
حیات به تو بخشیده باشد تو را نگهدار
از کرامت، تمام خواهشهایت
برآورده است آشکار

۳- ستایش به نام خدا سرچشمه قوت
نیکویی می کند هم رحمت و هم محبت
شگفت آور، بود رحمت دادگر
به تو گر کند رفاقت

۴- ستایش به نام خدا از دل و جان کنید
ای تمامی موجودات او را سپاس خوانید
با هم آمین، سرایند همه زمین
با شادی او را سرایید

۱. قدوس قدوس قدوس ای شاه قادر
 بهر شکر نامت آمدیم با سرود
 قدوس قدوس قدوس قادر بخشنده
 حمد ترا شاید هر دم با سرود

۲. قدوس قدوس قدوس نامت مجید است
 محبتت پاک و فیضت بی انتهاست
 تو از ازل بودی تا ابد خواهی بود
 شکر و سپاس بر نام تو سزااست

۳. قدوس قدوس قدوس نورت درخشان
 بر گنهکاران و گمراهان جهان
 تو تنها قدوسی جز تو قدوسی نیست
 کامل و قادر و پاک و مهربان

۴. قدوس قدوس قدوس قادر مطلق
 حمد به نامت خوانند مخلوقات جهان
 قدوس قدوس قدوس تو پر از جلالی
 تثلیث اقدس ذاتت کرد عیان

۱- وه چه زیباست نام عیسی
 چه دلنواز در گوش ما
 قلبم سراید با شادی
 نام زیبای عیسی

بندگردان

عیسی نام پر جلال عیسی شاه بی زوال
 عیسی مؤمنین خوانند شکوهت را سـرایند

۲- دوست می دارم نام عیسی
 چون مرهمی بهر شفا
 ترسهایم گریخته از من
 با قدرت عیسی

بندگردان

عیسی نام پر جلال عیسی شاه بی زوال
 عیسی مؤمنین خوانند شکوهت را سـرایند

۳- هر دم خواهم نامش گویم
 در نام وی لذت جویم
 صدایش آرامی بخشد
 چون او آید سویم

بندگردان

عیسی نام پر جلال عیسی شاه بی زوال
عیسی مؤمنین خوانند شکوهت را سـرایند

۴- زبانم قاصر از حمدت

بیان فیضها و رحمت

در هر جا قلبا " سرایم

سرودها از بهرت

بندگردان

عیسی نام پر جلال عیسی شاه بی زوال
عیسی مؤمنین خوانند شکوهت را سـرایند

۱- ای روز شادمانی
 ای روز با صفا
 ای دافع غم و درد
 رخشان چو خور به ما
 در تو غنی و مسکین
 راکع به پیش تخت
 قدوس قدوس می خوانند
 بر منجی و خدا

۲- امروز به گیتی از مهر
 فیض آید از سما
 بر اهل عالم اکنون
 انجیل کند ندا
 هر کس پذیرد عیسی
 حق را شود پسر
 آب حیات روانست
 چون تشنه ای بیا

۳- توفیق تو فزاید
 این روز نیک ما
 راحت نموده ما را

از رنج و سختی‌ها
در قدرت روح قدس
بر اب و هم بر ابن
سجده کنید کلیسا
بر منجی و خدا

۱- خدایا ز جان می ستایم تو را
 همیشه به هر جای خوانم تو را
 بزرگی تو بینم از آسمان
 از خورشید و ماه و هم از اختران

بندگردان

برای عطایای بی حد تو
 کنم بادل و جان همی حمد تو

۲- به کوه و به صحرا نظر افکنم
 بجز نام تو دیگری نشنوم
 چو باران و برفست بیارد همی
 نخواهم شد از شکر غافل دمی

بندگردان

برای عطایای بی حد تو
 کنم بادل و جان همی حمد تو

۳- هوای لطیف و درختان سبز
 چو مرغان زیبا به آواز نغز
 تو را شکر از بهر یاران ما
 بویژه مسیح کآمدی از سما

بندگردان

برای عطایای بی حد تو
کنم بادل و جان همی حمد تو

۱- ای که تو از بهر دعا آمده ای
 در چنین جای مقدس این را یقین دان
 منجی ما می نگرد، می شنود،
 عرض ما را گر بود از روی ایمان
 چونکه خود فرموده ما را ای محبان،
 با شما بستم ز رحمت عهد و پیمان

گردر عهد و وفا بمانید حکم مرا بدانید
 نام مرا بخوانید با قلب و وجدان
 می کنم هر مشکلی را حل و آسان،
 می رسانم هر دعا را نزد یزدان

۲- طرز دعا را ابن خدا یاد به ما
 داده تا افتد قبول حی سبحان
 هر که خدا را بادل و جان قلب و زبان
 خواند زود یابد جواب از فضل رحمان
 پس بیا تا متحد گردیم و هم راز،
 حاجت خود را بریم نزد سبب ساز

گوییم ای پدر روحانی حاجت ما را دانی
باطن ما را خوانی ای شاه شاهان
قادرا ما را رهان از نفس و شیطان ،
کن عطا ما را از احسان روح ایمان

* * *

۱- هان چه دوست است ما را عیسی

که برده رنجهای ما
باید که طلب نمایم
هرچیز از حق در دعا
چه رنج و غمهای زیاد
هجوم آورده بر ما
از آن رو که نمی خواهیم
هرچیز از حق در دعا

۲- اگر تجربیات داریم

اگر زحمت در هر جا
ما را چه دلتنگی، بریم
جمله نزدش در دعا
آیا کسی باشد چو او
تا بردارد غم ما
عیسی بداند ضعف ما
آریم نزدش در دعا

۳- خسته ضعیفیم جملگی

در زیر بار فکرها
عیسی پناه ما بود
آریم نزدش در دعا

جواب ار چه تأخیر شود
اصرار می کن در دعا
در ظل رأفت او ما
یابیم همی آرام را

۱- یک روز این دنیا برای من
 تاریکتر از هر تاریکی بود
 رنگ سفیدش برای من
 سیاه تر از هر سیاهی بود
 شکر عیسای محبوب من
 که او صدای مرا شنید
 نور او به قلب من تائید
 مرا از چاه گناه کشید
 دستم باشد در دستهای او
 گوشم دائم به فرمان او
 وقتی بر صلیب رفت جان او
 عالمی گردید حیران او

۲- پس کی می آیی شاه شاهان
 تا ما آییم نزدت شتابان
 تو وعده دادی برمی گردی
 پایان خواهی داد به هر دردی
 همین اکنون باش میان ما
 تا همه بینیم در دل تو را
 آنکه بگوییم شکر عیسی
 شکر که دادی نجات ما
 عیسای محبوب دوستت دارم

بهر دیدنت بی قرارم
آرزوی من کنار توست
چون همه شادیا مال توست

۳- همه مؤمنین دعا کنیم
دعا درگاه خدا کنیم
عیسی را خوانیم در جمع خود
دلها را ز غم رها کنیم
عیسی طیب دلهای ماست
عیسی شفای دردهای ماست
چرا نگوئیم با یک صدا
عیسی نجات همه قومهاست
عیسای محبوب دوستت دارم
بهر دیدنت بی قرارم
آرزوی من کنار توست
چون همه شادیا مال توست

۱- وقتی غم این زندگی
پیشانم کند
دعا کنم نزد خدا
روحش شادم کند (۲)

۲- بار قلبم فرو ریزد
روحم سرود خواند
چون آواز شیرین او
در گوش من آید (۲)

۳- آنکه ابر تیره رود
روحم بال بگیرد
همچون عقاب پرواز کنم
دور از هر غم و درد (۲)

۱ - در آزمایشها و تنگی
 خارهای تیز زندگی
 تنها بود این فکر قوی
 که به یادم هستی

بندگردان

تو به یادم هستی
 تو به یادم هستی
 از چه ترسم ای خداوند
 چون به یادم هستی

۲- اندیشه های این جهان
 در روح من کنند طغیان
 چیره شوم بر هر غمی
 چون به یادم هستی

بندگردان

تو به یادم هستی
 تو به یادم هستی
 از چه ترسم ای خداوند
 چون به یادم هستی

۳- ابرهای تار آیند روند
تاریکیها حمله کنند
نومید نگردم در سختی
چون به یادم هستی

بندگردان
تو به یادم هستی
تو به یادم هستی
از چه ترسم ای خداوند
چون به یادم هستی

۱- ای عیسی نـزدم ییـا
 بهر من باش رهنما
 در دستهایت این جانم
 ای هادی نیکـویم

بندگردان

تشنه وجودتـم تشنه حضـورتـم
 درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)

۲- قلبـم را نگشایم
 هیچکس را جاندم
 تنها حضورت خواهم
 ای عیسی مصلوبـم

بندگردان

تشنه وجودتـم تشنه حضـورتـم
 درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)

۳- به تو توکل دارم
 در هر چیز باش رهبرم
 سلطنت کن در قلبم
 ای مسیح محبوبـم

بندگردان

تشنه وجودتـم تشنه حضـورتـم
درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)

۱- روح و جان من مشتاق تو است
طالب حضور توام
تحت قدرت روح تو ای پدر
جسمم را مطیعت کنم

بندگردان

بشکن این پوسته سخت من
ای خدا به روح خود
تا شوم آزاد ز قید جسم
بینمت در عمق وجود

۲- روزه و دعا می شکنند مرا
تا شوم شبیه عیسی
عطر معرفت و شناخت تو
بخشد زندگی را صفا

بندگردان

بشکن این پوسته سخت من
ای خدا به روح خود
تا شوم آزاد ز قید جسم
بینمت در عمق وجود

۳- پیروزی بر جسم خواست روح توست
اندر این نبرد درون
فیض عطا نما تا غالب شوم
گردد این تن من زبون

بندگردان

بشکن این پوسته سخت من
ای خدا به روح خود
تا شوم آزاد ز قید جسم
بینمت در عمق وجود

۱. سپاس ای پدر بهر آن فرزندات
او که مرد و برخاست و ظاهر کرد مهرت

بند گردان

جلالت باد هلولویا جلالت باد آمین
جلالت باد هلولویا ده فیضی نوین

۲. سپاست گوویم روح پاک خدا
ظاهر کردی مسیح را بهر ملتها

بند گردان

جلالت باد هلولویا جلالت باد آمین
جلالت باد هلولویا ده فیضی نوین

۳. سپاست گوویم ای بره خدا
گناهان را برداشتی پاک کردی ما را

بند گردان

جلالت باد هلولویا جلالت باد آمین
جلالت باد هلولویا ده فیضی نوین

۴. ده فیضی نوین پر کن دل از مهرت

هر جان افروخته به آتش روحت

بند گردان

جلالت باد هلولیا جلالیت باد آمین

جلالت باد هلولیا ده فیضی نوین

* * *

۱- ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم
 صدای دعای مرا می شنوی می شنوی (۲)
 تو هستی خدا پدر یتیمان
 تو داور همه ییوه زنان
 تو هستی یار همه اسیران
 تو هستی ملجاء برای بی کسان (۲)

۲- ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم
 به حضور قدوس تو می شتابم می شتابم (۲)
 گر پدر و مادر مرا ترک کنند
 دوست و دشمن مرا از خود رد کنند
 چون آهوی تشنه برای نهرها
 همچنان اشتیاق به تو دارم (۲)

۱- مه‌رت ای عیسی بود در قلب من جز تو پناهی ندارم
جمع مؤمنین تو را می ستایند در حضور تو بس شادند

بندگردان

تا ابد حمد تو باشد بر زبانم تو هستی تنها امیدم
مه‌رت ای عیسی بود در قلب من جز تو پناهی ندارم

۲- مه‌رت ای عیسی بود در قلب من تسخیر کرده وجودم را
عمق محبتت در فکر نگنجد هر روزه مکشوف ساز خود را

بندگردان

تا ابد حمد تو باشد بر زبانم تو هستی تنها امیدم
مه‌رت ای عیسی بود در قلب من جز تو پناهی ندارم

۳- مه‌رت ای عیسی بود در قلب من زندگیم در دست توست
شادی و امید بخشیده ای مرا ای مسیح فخر من در توست

بندگردان

تا ابد حمد تو باشد بر زبانم تو هستی تنها امیدم
مه‌رت ای عیسی بود در قلب من جز تو پناهی ندارم

۱- وقت دعا, وقت دعا که سازد از دنیا جدا
 دعوت کنادم بر پدر تا حاجتم سازد روا
 گر غرق درد و محنتم راحت بود آن دم مرا
 از امتحان کردم رها در وقت ای وقت دعا

۲- وقت دعا, وقت دعا عرضم رسد سوی سما
 بر درگه رب ودود توبه پذیر و رهنما
 از او نمایم من طلب تا فیض خود سازد عطا
 راحت شوم از دردها در وقت ای وقت دعا

۳- وقت دعا, وقت دعا باشی تسلی ده مرا
 تا وقت آخر در رسد یا منجی آید از سما
 این جسم خاکی افکنم فانی شود غرق بقا
 اندر حضور قدس او کامل شود وقت دعا

۱- نزدیک شوم بر تو
 نزدیک شوم بر تو
 هر چند بود بر تو
 مشکل راهم
 باز حمد کنم بر تو
 نزدیک شوم بر تو
 نزدیک شوم بر تو
 نزدیک شوم

۲- هر گاه چو آواره
 در دشت روم
 سر را شب تیره
 بر سنگ نهام
 در خواب رسم بر تو
 نزدیک شوم بر تو
 نزدیک شوم بر تو
 نزدیک شوم

۳- بینم معراجی را
 بگذاشته اند
 بسیار فرشته ها
 ایستاده اند

که خواندم بر تو
نزدیک شوم بر تو
نزدیک شوم بر تو
نزدیک شوم

۴- چون صبح خیزم، کنم
شکر خدا
باید بنا کنم
یک بیت الله
آرد رویم بر تو
نزدیک شوم بر تو
نزدیک شوم بر تو
نزدیک شوم

۱- ای یار جان فشانم
 امید زندگانی
 عیسی محب جانم
 همدرد و مهربانی
 بی تاب و بی قرارم
 جز تو کسی ندارم
 ز آن ره سوی تو آرام
 غمخوار بی کسانی

۲- آنکه که خسته باشم
 یا دل شکسته باشم
 از تو گسته باشم
 آغوش خود گشایی
 آغوش تو پناهم
 درمان اشک و آهم
 بگذار تا بیایم
 آرام جسم و جانی

۳- دریای زندگانی
 طوفانی است دانی
 لکن نترسم آنی
 چون تو بر آن روانی

این روح سرکش من
قلب مشوش من
وین طبع ناخوش من
درمان آن توانی

۴- نیروی ناتوانان
نوای بینوایان
امید ناینایان
تو نور این جهانی
ای راحت دل من
حلال مشکل من
قلب تو منزل من
در پیری و جوانی

۱- نخواهم یاری از کس چونکه با تو
 مرا کافی است کردن زندگانی
 نترسم هیچ چیز و هیچکس را
 چرا که تو کنی بهرم شبانی
 بدست تو همی محفوظ تر زانکه
 (کند لشکر به دورم پاسبانی) ۲

۲- نترسد از خطر فرزند ایزد
 در این دنیا به پیری و جوانی
 به تو ما سرنوشت خویشان را
 سپاریم ای حیات جاودانی
 نباشد راحت ما اتفاقی
 (تو ای شاه شاهان آرام جانی) ۲

۱- محبوبم از آن من است
 و من از آن وی هستم
 چهره خود را بنما
 و آوازت را بشنوان
 ای محبوب مؤمنان ای عیسی

بندگردان

ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
 ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
 محبت تو بی انتهاست

۲- آواز محبوب من است
 در قلبم را می‌کوبد
 با صدای دلنوازش
 مرا بنزدش می‌خواند
 محبوبم عیسی از آن من است

بندگردان

ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
 ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
 محبت تو بی انتهاست

۳- من از آن محبوبم و
اشتیاق وی بر من است
محبوب من برتر ز هر
محبوبی است اندر این جهان
محبوبم عیسی از آن من است

بندگردان

ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
محبت تو بی انتهاست

۴- مرا چون خاتم بر دل و
نگین بر بازویت بگذار
زیرا که محبت تو
تا ابد خاموش نشود
محبوبم عیسی از آن من است

بندگردان

ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
ای منجی آسمانی تو تنها نور جهانی
محبت تو بی انتهاست

بندگردان

ای دوست بیاراحت این قلب حزین باش
تو نور جهانی به دلم جایگزین باش

۱- وقتی که به ظلمت گردیده گرفتار
وقتی که مددکار عاجز شده از کار
وقتی که ز عصیان بر من شده دشوار
باز آی و نجاتم ده وهم رهبر دین باش

بندگردان

ای دوست بیاراحت این قلب حزین باش
تو نور جهانی به دلم جایگزین باش

۲- هستم به تو محتاج هر ساعت و هر آن
فیض تو بکاهد از قدرت شیطان
در تیرگی ابر در نور درخشان
پیوسته به هر جای مرا یار و معین باش

بندگردان

ای دوست بیاراحت این قلب حزین باش
تو نور جهانی به دلم جایگزین باش

۳- چون صبح سعادت طالع ز سما شد

هر سایه عبث بود در نور فنا شد
پیدایش گیتی بر نور بنا شد
ای نور حقیقی تو مرا نور یقین باش

بندگردان

ای دوست بیاراحت این قلب حزین باش
تو نور جهانی به دلم جایگزین باش

۱- آه ای شبان نیکو بیا
 ما گوسفندان مرتع تو
 ما را ببر نزد چشمه ها
 ما را تو شبانی بنما (۲)

۲- گوسفند گمراهی من بودم
 در بیابان سرگردان بودم
 آنکه صدایت بشنیدم
 بسویت شتابان دویدم (۲)

۳- زین پس در حضور تو شادم
 از هیچ چیز وهیچکس نترسم
 چون تو عیسی شبان منی
 مرا از خطر می رهانی (۲)

۱- دو روزه عمرم شده چون نقش بر آبی
 هر جلوه و جاهش ز بصر شد چو سرابی
 در هر چه بینیم فنا هست و خرابی
 (ای آنکه بقا با تو بود، پهلوی ما باش) ۲

۲- در شدت آلام حضور تو بخواهم
 از وسوسه نفس به نزد تو پناهم
 جز تو که بود راست نماینده راهم
 (درخوب و بدای رب کرم، پهلوی ما باش) ۲

۳- کی باک ز دشمن بودم گر تو شوی دوست
 کی ترس حوادث بودم گر به توام دوست
 در نزد تو گر عمر بسر رفت چه نیکوست
 (ای دوست مشو دور و بیا، پهلوی ما باش) ۲

۱- نامت مجید است ای خدا

اندر زمین و در سما

فیضت عیان در قلب ما

هم قدرتت در آسمان (۲)

۲- از لطف و از مهر و وفا

خود کرده ای قوت بنا

اندر دهان بچه ها

هم بر زبان کودکان (۲)

۳- چون بر سما کردم نگه

بر اختر و ناهید و مه

گفتم که انسان تبه

باشد چه اندر این جهان (۲)

۴- بردی تو او را بر فلک

در رتبه کمتر از ملک

لیکن بدادی یک به یک

تاج جلالش رایگان (۲)

۱- به نزد پاک یزدان شو تو خاموش
 نما دنیا و هستی را فراموش
 که تا جان تو را آرام بخشد
 دل غمدیده‌ات را کام بخشد

۲- چو طوفان بلای زندگانی
 تو را سازد از این دنیا فغانی
 در آن دم در دعا می‌خوان خداوند
 ز جان و دل بدو بنمای پیوند

۳- دعا بخشد توان بر قلب ریشت
 نماید شادمان قلب پریش
 شود اندوه و غم یکسر فراری
 اگر یکدم به یزدان روی آری

۴- ز مهر او چو دل سرشار گردد
 همی آسان به دنیا کار گردد
 اگر هستی به قید غم گرفتار
 دعا کن تا شود شادی پدیدار

۵- سوی عیسی دعا کن تا که یابی
 از او شادی و اصل کامیابی

تو ای عیسی حیات جاودانی
بجز در تو نباشد زندگانی

۶- تو را حمد و سپاس بی عدد باد
که جان ما ز محنت کردی آزاد
به ما آموختی طرز دعا را
که ستاییم به نام تو خدا را

۱- از جان و دل خواهم تو را
 عیسی به قلب من در آ
 باشد تو را آنجا سرا
 کن رهبری مرا

۲- غوغا و شور این جهان
 نامت کند از دل نهان
 لیکن تویی نیکو شان
 ظاهر کنی خود را

۳- خودخواهی و کبر و غرور
 از من نما یکباره دور
 گردان تو قلبم پرسرور
 خواهم از دل تو را

۴- این روح سرگردان من
 وین قلب نافرمان من
 در آی و کن درمان من
 فرمان برم جانا

۵- گر این دل از عیسی شود
هر چیز روح افزا شود
زشتی رود , زیبا شود
تازه شود دنیا

۶- سر تا سر قلبم اگر
از آن تو باشد دگر
چیزی نخواهم ای پدر
پس ای خدا بیا

۱- منما از خود جدا
 روح من ای خدا
 با مهر خود تسخیرم کن
 تا جان کنم فدا

۲- تویی دلخواه من
 شستی گناه من
 با نور خود منیرم کن
 ای نور و راه من

۳- مالم از آن توسط
 جانم قربان توسط
 در قید خود اسیرم کن
 دل در فرمان توسط

۴- هان ای خدای من
 نزد تو جای من
 با روح خود بصیرم کن
 بشنو دعای من

۱- ای مظهر لطف خدا
عیسی مسیح پور خدا
روح خدا عین خدا
من آمدم قبول فرما

۲- ای دوست از جان بهترم
من بی پناه و مضطرب
از مرحمت باش یاورم
من آمدم قبول فرما

۳- فرمودی سوی من بیا
تا آرامی بخشم تو را
به درگاہت با التجا
من آمدم قبول فرما

۴- عیسی تویی تکیه گاهم
تو را جویم تو را خواهم
نخواهد لغزید پاهایم
من آمدم قبول فرما

۵- اول تویی آخر تویی
باطن تویی ظاهر تویی
طیب تویی طاهر تویی

من آدم قبول فرما

مسیح حیات و مسیح است نورم
 مسیح هادی شب دیجورم
 مسیح کاهنم ، مسیح و کیلم
 مسیح استاد و مسیح دلیم

مسیح مصلحم ، مسیح هادیم
 مسیح است عدلم ، مسیح منجی ام
 مسیح است رهبر ، کاهن و شاهم
 مسیح است راستی ، مسیح است راهم

مسیح است تاجم ، مسیح جلالم
 مسیح همدردم چون در ملالم
 مسیح در سما گنج اعظمم
 مسیح تسلی هرگاه در غمم

مسیح منجیم ، مسیح آقایم
 مسیح قسمتیم ، مسیح مولایم
 مسیح آرامم ، مسیح غذایم
 مسیح شادی بی انتهایم

مسیح به هر غم ، مسیح در شادی
 مسیح از گناه دادم آزادی
 بهر مرضم مسیح است شفا

در فاقه و فقر مسیح است غنا

* * *

۱- بمان با من , یا رب مهربان
 راهم تاریک است پس با من بمان
 چون دور شوند یاران و یاوران
 ای دوست بی کسان با من بمان

۲- این زندگی رسد زود به پایان
 فانی شود لذات این جهان
 تو امروز و فردا هستی همان
 ای لایتغیر با من بمان

۳- به تو محتاجم هر روز و هر آن
 جز تو نیست کس که دور کند شیطان
 کیست مثل تو که باشد پشتیبان
 در غم و شادی با من بمان

۴- در تاریکی صلیب توست تابان
 در وقت غم مرا کند شادان
 رهبر هستی بسوی آسمان
 در موت و در حیات با من بمان

* * *

۱- در تو جلال در تو بقاست
 ای که پرستش بر تو سزااست
 تو ازلی و تو ابدی
 در تو بقا و بی توفناست

۲- درگاه قدست پر از جلال
 نبیند نامت هرگز زوال
 قدوس ای قدوس خدای پاک
 محبت تو بی انتهاست

۳- نور حقیقت باشد رخشان
 از تو که هستی نور جهان
 بی نور تو ما در ظلمتیم
 از تو منور دلهای ماست

۴- ما مسکینان و گنهکاران
 ما دردمندان و مابی کسان
 از بهر درمان آمده ایم
 چونکه درگاہت دارالشفاست

۱- ای خدا طالب بیداریم
 محو شده آرامی و شادیم
 دانه جدا ز تو نیست قدرتی
 نه آرامش و نه هیچ محبتی

بندگردان

خداوند نورت را بر من بتاب
 حاضرم تا بشنوم هر نوع عتاب
 منتظرم تا دهی مرا جواب

۲- ای مسیح تو دانی ضعف مرا
 پریشانی و هم درد مرا
 روح پاکت مرا احیا کند
 بر وجودم همچو بادی می دمد

بندگردان

خداوند نورت را بر من بتاب
 حاضرم تا بشنوم هر نوع عتاب
 منتظرم تا دهی مرا جواب

۳- آتش روح تو سوزد وجود
 بخشد هم در دلم صوت و سرود

پر نما این ظرف خاکی ام به روح
تا کنم اعلام حقیقت را چو نوح

بندگردان

خداوند نورت را بر من بتاب
حاضرم تا بشنوم هر نوع عتاب
منتظرم تا دهی مرا جواب

۱- مسیحا جانم در تو شادی کند
 تو را در تنگی می خوانم
 هر روز سرودی تازه می سرایم
 تویی امید حیاتم

بندگردان

بامن باش، بامن باش، بامن باش خداوند
 جان را به دستت سپردم

۲- کجا گوسفندان را می چرانی
 اندر چمن محبت
 به وادی مرگ چرا گریان باشم
 چون مسیح باشد شبانم

بندگردان

بامن باش، بامن باش، بامن باش خداوند
 جان را به دستت سپردم

۳- راه مسیح پر از چشمه و آبشار
 راهی است مستقیم و باریک
 جویهای مهرش آن را سیراب کند
 هر که تشنه است بیاید

بندگردان

بامن باش , بامن باش , بامن باش خداوند
جان را به دستت سپردم

۴- صدایت به گوشم می رسد عیسی
چون خوانی مرا می آیم
دائم مرا در حضورت نگهدار
تا ابد تو را ستایم

بندگردان

بامن باش , بامن باش , بامن باش خداوند
جان را به دستت سپردم

۱- خواهم شبیهت گردم ای منجی
 آرزویم اینست هم دعایم
 فدایت سازم گنجهای عالم
 تا که شیهه عیسی شوم

بندگردان

شبیهت گردم , شبیهت گردم
 منجی عزیز پاکم بساز
 با مهترت بیا پر ساز قلبم را
 نقش کن صورتت در قلب من

۲- شبیهت شوم پر از محبت
 عفو و شفقت مهر و الفت
 کنم دستگیری بیچارگان را
 جویم آواره گمشده را

بندگردان

شبیهت گردم , شبیهت گردم
 منجی عزیز پاکم بساز
 با مهترت بیا پر ساز قلبم را
 نقش کن صورتت در قلب من

۳- شبیهت شوم حلیم و قدوس
بی آزار و شجاع و صبور
کنم تحمل ظلم دشمنان
بهر نجات گنهکاران

بندگردان

شبیهت کردم , شبیهت کردم
منجی عزیز پاکم بساز
با مهرت بیا پر ساز قلبم را
نقش کن صورتت در قلب من

۴- نزدت می آیم شبیهت شوم
مسیح روحت را همی خواهم
نزدت آورم هر آنچه دارم
عیسی همه را به تو دهم

بندگردان

شبیهت کردم , شبیهت کردم
منجی عزیز پاکم بساز
با مهرت بیا پر ساز قلبم را
نقش کن صورتت در قلب من

۵- شبیهت شوم در حین دعا
روحت را به من عطا فرما

بهر سکونت ، هیکلم بساز
در سما شوم با تو دم‌ساز

بندگردان

شبهت گردهم ، شبهت گردهم
منجی عزیز پاکم بساز
با مهرت بیا پر ساز قلبم را
نقش کن صورتت در قلب من

۱- نام عیسی چه شیرین است
 کی باشد همچو نامی
 چنانکه قبل از تولد
 داد هاتق آسمانی

بند گردان

خواهیم حضور منجی را
 در خانه مـصفا
 افضل ز هر نامی باشد
 نام عجیب عیسی

۲- آن فرشته سماوی
 گفت: " نامش عیسی بنهی "
 زیرا با موتش بر صلیب
 نجات دهد هر قومی

بند گردان

خواهیم حضور منجی را
 در خانه مـصفا
 افضل ز هر نامی باشد
 نام عجیب عیسی

۳- بر صلیب او نوشته

این اسم بی همتا
نشان آزادی ما
گشت در خونش هویدا

بند گردان
خواهیم حضور منجی را
در خانه مـصفا
افضل ز هر نامی باشد
نام عجیب عیسی

بندگردان

چنانکه آهو برای نهرهای آب
 شدت اشتیاق دارد
 همچنان ای خدا جان من اشتیاق
 شدید برای تو دارد

۱. جان من تشنه خداست تشنه خدای حی
 که کی بیایم به حضور خدا حاضر شوم

بندگردان

چنانکه آهو برای نهرهای آب
 شدت اشتیاق دارد
 همچنان ای خدا جان من اشتیاق
 شدید برای تو دارد

۲. بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهیم گفت (۲)
 که نجات روی من و خدای من است (۲)

بندگردان

چنانکه آهو برای نهرهای آب
 شدت اشتیاق دارد

همچنان ای خدا جان من اشتیاق
شدید برای تو دارد

۱- من تا ابد آرام گردم
 در نزدت ای عیسی
 با زخمهایت شفا یابم
 در تو گیرم مأوا

بندگردان

ایمان دارم ایمان دارم
 که با مرگت عیسی
 با خون گرانبهایت
 کردی آزاد مرا

۲- عیسی مسیح خداوندم
 فدیة شدی بهم
 خون تو شد کفاره ام
 بهر گناهانم

بندگردان

ایمان دارم ایمان دارم
 که با مرگت عیسی
 با خون گرانبهایت
 کردی آزاد مرا

۳- کردی مرا از آن خود
تو را از جان خواهم
بهر آن مهر بی همتا
تنها تو را خواهم

بندگردان

ایمان دارم ایمان دارم
که با مرگت عیسی
با خون گرانبهایت
کردی آزاد مرا

۴- خودخواهی و کبر و غرور
از قلب من دور کن
چشم دلم بینا گردان
تا که شوم ایمن

بندگردان

ایمان دارم ایمان دارم
که با مرگت عیسی
با خون گرانبهایت
کردی آزاد مرا

۱- توبه می کنم ای خدا
 به گفتار و کردار
 خدایا پبذیر مرا
 گناههم عفو فرما

بندگردان

| | |
|------------|----------------|
| ای خداوند | چقدر پشیمانم |
| ای منجی ام | به تو پناه آرم |
| حیاتم بخشا | از خلد برین |

۲- دراین دل تشنه من
 جاری ساز چشمه ات
 به قلبم بیا ای عیسی
 که باشد جایگاهت

بندگردان

| | |
|------------|----------------|
| ای خداوند | چقدر پشیمانم |
| ای منجی ام | به تو پناه آرم |
| حیاتم بخشا | از خلد برین |

۳- چه کس دیده یا شنیده
 چنین محبتی

که ظاهر کرد مسیح آن را
با مرگ جلجتا

بندگردان

ای خداوند چقدر پشیمانم
ای منجی ام به تو پناه آرم
حیاتم بخشا از خلد برین

* * *

بندگردان

ای خداوند تویی منشأ حیات مؤمنان (۲)

۱. راه و راستی و حیاتم شفیع و مالک جانم
شبان اعظم گله خداوندم عیسی (۲)

بندگردان

ای خداوند تویی منشأ حیات مؤمنان (۲)

۲. تویی تاک و ما شاخه ها ز تو یابیم فیض و شفا
تویی ساکن در قلب ما خداوندم عیسی (۲)

بندگردان

ای خداوند تویی منشأ حیات مؤمنان (۲)

۳. ای داماد آسمانی ای سلطان جاودانی
عروس مشتاق دیدارت خداوندم عیسی (۲)

بندگردان

ای خداوند تویی منشأ حیات مؤمنان (۲)

۱. جایگاه آرامش ما در کنار مسیح
خلاصی از درد و گناه در کنار مسیح

بندگردان

ای پدر سماوی مشتاق توهستیم
امداد نما تا باشیم در کنار مسیح

۲. جایگاه شادی و صفا در کنار مسیح
میعادگاه همه ما در کنار مسیح

بندگردان

ای پدر سماوی مشتاق توهستیم
امداد نما تا باشیم در کنار مسیح

۳. جایگاه آزادی ما در کنار مسیح
منبع شادی و امید در کنار مسیح

بندگردان

ای پدر سماوی مشتاق توهستیم
امداد نما تا باشیم در کنار مسیح

۱- ای شافی بشر
 خداوند من ای عیسی
 دلسوز جان من
 شفا ده این تن و روان من
 خداوندم عیسی

۲- شفا عطای توست
 از دستهای تو پذیرم
 این نان فرزندان
 آماده گشته بهر مؤمنان
 خداوندم عیسی

۳- با روغن روحت
 تقدیس نما وجودم را
 هم فکر و روحم را
 جسم ضعیفم را مدد فرما
 خداوندم عیسی

۴- اراده ات دانم
 در کلام تو می خوانم

توی طیب من
سلامتی و آرامی من
خداوندم عیسی

۱. جز تو اندر سما محبوبم عیسی
 نباشدم کسی پور خدا
 چهره ات را بنما نورت تابان فرما
 دائم تو را جویم رهت پویم
 مسیح من خدای من

۲. مرا به میخانه بیاور عیسی
 از آن شراب روح مستم فرما
 تا مهر خدایی سوزد هر گناهی
 نماند به خرمن پر کاهی
 مسیح من خدای من

۳. چون او شود پدید رویش خواهیم دید
 نور آفتاب و ماه شود تباه
 چون جلال خدا ز چهره عیسی
 در فردوس برین شود قرین
 مسیح من محبوب من

۱. صلیبم را برداشته ام
 تو را از دل همی خواهم
 ترک این جهان می گویم
 با فقر و محنت می آیم
 نابود شود خود خواهیم
 خواهش و امید و علمم
 گنج عظیمم در سما
 تنها تویی ای مسیحم

۲. بگذار جهان ترکم کند
 دوست و دشمن تحقیر کند
 گرچه طوفانها برخیزد
 مهتر قلبم بیفروزد
 ای مسیحم با نگاهت
 دهی مهر و علم و حکمت
 گرچه دشمن کینه ورزد
 رخت دلم روشن سازد

۳. من از جهان جفا بینم
 ز آغوشت شفا جویم
 بحران های این زندگی
 آرد بهرم آزرده گی
 لیک چون به آسمان رسم

تا ابد تویی مأنوسم
غمی نیازد مرا
چون مهت گیردم فرا

۱- عیسی محب جانم
 هم محیی روانم
 غیر از تو در دو عالم
 نبود پناه جانم
 گر از کشاکش دهر
 دائم در امتحانم
 با نام قدوس تو
 خود را از آن رهانم

۲- بر بحر زندگانی
 آرام چو کشتی رانی
 آرامم گر چه آید
 طوفان ناگهانی
 شادم از آنکه دارم
 همچون تو پشتیبانی
 دانم که تو سلامت
 بر بندرم رسانی

۳- ای مصدر جلال
 وی منبع عدالت
 بر درگهت ندارم
 جز توبه و خجالت

آواره بنده بودم
گم گشته در جهالت
لیکن مرا ز رحمت
برهاندی از ضلالت

۱- عیسی به تو محتاجم
 چونکه گنهکارم
 غیر از تو نبود امید
 در تو امیدوارم
 به منجی من محتاجم
 در تو پناه آرم
 خون مقدس تو
 رفع عصیان کند

۲- عیسی به تو محتاجم
 امید به تو دارم
 مسافر و غریبم
 جز تو کس ندارم
 روحت شود هادی ام
 باشد مدد کارم
 روشن نماید روحم
 راهم عیان کند

۳- عیسی به تو محتاجم
 سنگین بود بارم
 بار گناه خود را
 نزد صلیب آرم

آرامی حقیقی
بخشی امیدوارم
هر کس شود ز تو دور
دانم زیان کند

۱- شکر خدا را بهر کار عظیمش
 دنیا را دوست داشت و بخشید فرزندش
 جانش را فدا کرد بهر گناهان
 راه حیات باز شد بهر همگان

بند گردان

جلال باد بر نامش
 دنیا بیدار شود
 جلال باد بر نامش
 همه شادان شوند
 همگی بسوی خداوند آید
 شکر کنید از بهر کار عظیمش

۲- نجات کامل پاکی گناهان
 خداوند بخشیده به ایمانداران
 گناهکارترین شخص تا توبه کند
 همان لحظه خدا او را می بخشد

بند گردان

جلال باد بر نامش
 دنیا بیدار شود
 جلال باد بر نامش

همه شادان شوند
همگی بسوی خداوند آید
شکر کنید از بهر کار عظیمش

۳- خدا کارهای بس عظیمی کرده
در عیسی هر گناهی را بخشیده
یک روز همه پر از جلال می گردیم
رَبوده می شویم تا او را بینیم

بند گردان

جلال باد بر نامش
دنیا بیدار شود
جلال باد بر نامش
همه شادان شوند
همگی بسوی خداوند آید
شکر کنید از بهر کار عظیمش

۱- عیسی تویی همه چیزم
 الف و یاء خداوندم
 اولین و آخرین در زندگی ام
 طوفانها چون در می رسند
 حیاتم آشفته سازند
 در آغوش گرم تو من پناه جویم

تو را باشادی سـرایم
 گر جفاها آیند سویم
 شکنجه و درد و زحمت
 همه گیرم به خیریت
 چون عیسی در زورقم آرمیده است

۲- صلیبم را برداشته ام
 انکار نفس نموده ام
 بهر عیسی سودم زیان دانسته ام
 روانم سوی جلجتا
 تا مصلوب گـردم با عیسی
 چون پس از مرگ در قیامش شریک گـردم

کیست که ما را جدا سازد
 از محبت خداوند

خدا با ماست هلولوا
کیست به ضد ایمان ما
چون عیسی سلطان قلبها کنار ماست

۱. عیسی تویی نان و هم چشمه حیات
 هادی بسوی حق و عاطی نجات
 تویی فرزند جاودانی خدا
 تنها شفیع عاصیان اندر سما (۲)

بندگردان

تویی امید و زندگی ام ای عیسی
 تنها به فیض خود نگهداری مرا
 در من نباشد هیچ صوابی جز خطا
 تو بخشی درد جسم و روحم را شفا
 آه محبوبم عیسی، عیسی فرزند خدا

۲. عیسی تویی نور و کلمه خدا
 برتر ز فوج ملائک و انبیاء
 اینک قدرت آسمان در دست توست
 مرگ و حیات ما فقط به خواست توست (۲)

بندگردان

تویی امید و زندگی ام ای عیسی
 تنها به فیض خود نگهداری مرا
 در من نباشد هیچ صوابی جز خطا
 تو بخشی درد جسم و روحم را شفا

آه محبوبم عیسی، عیسی فرزند خدا

۳. عیسی در انتظار بازگشت توأم
هر آن خواهان دیدار روی توأم
خواهم که باشم در بهشت کنار تو
دائم سرایم هر جا شکر و حمد تو (۲)

بندگردان

تویی امید و زندگی ام ای عیسی
تنها به فیض خود نگهداری مرا
در من نباشد هیچ صوابی جز خطا
تو بخشی درد جسم و روحم را شفا
آه محبوبم عیسی، عیسی فرزند خدا

۱- خداوندا تو آگاهی
 ز اندک آرزوی من
 شناسی بنده خود را
 و دانی جمله خوی من
 (بود مهتر ز حد بیرون
 تو ای نیکو شبان من
 چنین گفتمی که آگاهی
 ز دانه دانه موی من) ۲

۲- گه فرسودگی و غم
 زمان شادی و عزت
 به درگاهت شتابانم
 که باز است آن بسوی من
 (در این دنیا تو را دارم
 یگانه مهربان من
 بود فخرم همه در تو
 تو هستی آبروی من) ۲

۱- اکنون در نور سالکم
 پر از جلال حیاتم
 مسیح خداوندم
 با من است
 سفر زندگی را
 طی می کنم با عیسی
 هلولیا تسبیحش می خوانم

بندگردان

منجی ام حفظم کند ، پیروزمندم می کند ،
 وعده آسمانی داده است
 از این رو بسی شادم ، از هر گناه بیزارم ،
 پیوسته می ستایم خدا را

۲- چون با عیسی مرده ام
 زیبا شده باطنم
 در مسیح شادمانم
 هلولیا
 گناهانم محو شده
 بندهایم نیز گسیخته
 پیروزم بر فوجهای شیطانی

بندگردان

منجی ام حفظم کند ، پیروزمندم می کند ،
وعده آسمانی داده است
از این رو بسی شادم ، از هر گناه بیزارم ،
پیوسته می ستایم خدا را

۳- غذای آسمانی

هم آب زندگانی
از مسیح همی یابم
هَلَلُویَا
به خورش مرا شسته
تاجم را نیز آراسته
راهی آسمانم کرده است

بندگردان

منجی ام حفظم کند ، پیروزمندم می کند ،
وعده آسمانی داده است
از این رو بسی شادم ، از هر گناه بیزارم ،
پیوسته می ستایم خدا را

۴- ای کاش هر پریشان حال

پیدا کند این جلال
که با صلیب عیسی
دهد خدا

تا رهد از جهنم
از مرگ جاودانی
پیدا کند نجات آسمانی

بندگردان

منجی ام حفظم کند ، پیروزمندم می کند ،
وعده آسمانی داده است
از این رو بسی شادم ، از هر گناه بیزارم ،
پیوسته می ستایم خدا را

* * *

۱- یا رب مثل عیسی شوم
 در قلبم ، در قلبم
 یا رب مثل عیسی شوم
 در قلبم
 در قلبم ، در قلبم
 یا رب مثل عیسی شوم در قلبم

۲- یارب محبت ایجادکن
 در قلبم ، در قلبم
 یارب محبت ایجادکن
 در قلبم
 در قلبم ، در قلبم
 یا رب محبت ایجادکن در قلبم

۳- یارب هر روز پاک تر شوم
 در قلبم ، در قلبم
 یا رب هر روز پاک تر شوم
 در قلبم
 در قلبم ، در قلبم
 یارب هر روز پاکترشوم در قلبم

۱- تنها عیسی باشد مالک دلم
 تنها عیسی آنجا ساکن شود
 محبت او را مانند نباشد
 تنها نزد او راحت می یابم

بندگردان

غمی ندارم گله نکنم
 خداوندم عیسی نزد من است
 خود فرموده که دستم را می گیرد
 برد آنجا که دائم راحت است

۲- تنها عیسی کرد از گناهم آزاد
 تنها او در حق من احسان کرد
 دلم را بشکافت با مهر عظیمش
 آنکه آرامی آسمانی داد

بندگردان

غمی ندارم گله نکنم
 خداوندم عیسی نزد من است
 خود فرموده که دستم را می گیرد
 برد آنجا که دائم راحت است

۳- وقتی در نبرد ناتوان می شوم
تنها عیسی به من نیرو بخشد
از چشمه حیات او می نوشم
دائم نیروی تازه می یابم

بندگردان

غمی ندارم گله نکنم
خداوندم عیسی نزد من است
خودفرموده که دستم را می گیرد
برد آنجا که دائم راحت است

۴- عیسی در این نبرد پیروزم کند
مرا نزد خود آسمان برد
در آنجا همواره شادی خواهم کرد
راحت و آرام در آغوش او

بندگردان

غمی ندارم گله نکنم
خداوندم عیسی نزد من است
خودفرموده که دستم را می گیرد
برد آنجا که دائم راحت است

۱- اعتماد بر عیسی نیکوست
 هادی و امید ما
 وعده های عالی از اوست
 در کلام او پیدا

بندگردان

بر عیسی دارم اعتماد
 آزمودم وعده اش را
 ای مسیح ، منجی عالم
 فیضت را عطا فرما

۲- اعتماد بر عیسی دارم
 بر آن خون پاک او
 خون وی زدوده جرمم
 محض فیض و رحم او

بندگردان

بر عیسی دارم اعتماد
 آزمودم وعده اش را
 ای مسیح ، منجی عالم
 فیضت را عطا فرما

۳- اعتماد بر او شیرین است
آزادم ز قید و بند
شادی و سرورم در اوست
آن مسیح خداوند

بندگردان

بر عیسی دارم اعتماد
آزمودم وعده اش را
ای مسیح ، منجی عالم
فیضت را عطا فرما

۴- ای امید و شادی جان
دوست و منجی ام عیسی
نور تو به رویم تابان
همدمم شوی هر جا

بندگردان

بر عیسی دارم اعتماد
آزمودم وعده اش را
ای مسیح ، منجی عالم
فیضت را عطا فرما

۱- پر جلال است پیروی او که گشته منجی ام
شادی و سرور من در اوست
در طریق زندگی چون با عیسی به پیش روم
رهبری کند مرا چون دوست

بندگردان

با او زیستن چه پر جلال است
با او زیستن چه پر جلال است
مرا رهبری کند هر روز مرا رهاند
با او زیستن چه پر جلال است

۲- پر جلال است در حضورش زیستن دور ز ابر غم
با دعا و ذکر فیض او
در مسیر زندگی مسیحا باشد همدمم
هادی و رهبرم از هر سو

بندگردان

با او زیستن چه پر جلال است
با او زیستن چه پر جلال است
مرا رهبری کند هر روز مرا رهاند
با او زیستن چه پر جلال است

۳- عیسی با من باشد در شهر زرین سماوی
وہ چه پر جلال و بی ہمتا
در حضورش زندگی نمایم شادان ہر دمی
تا ابد سرایم شاہم را

بندگردان

با او زیستن چه پر جلال است
با او زیستن چه پر جلال است
مرا رہبری کند ہر روز مرا رہاند
با او زیستن چه پر جلال است

۱- در طی سفر در نور سالکم
 بر اوج کوهها یا دره‌ها
 "ترکت نکنم" گوید مسیحا
 وعده ایست عالی از بهر ما

بندگردان

نور خدایی نور خدایی
 تابان در قلبم با جلالش
 ها هـلـلـوـیا مسرور و شادم
 خوانم من حمد منجی ام را

۲- چون تاریکی‌ها گیردم فرا
 منجی ام باشد هادی مرا
 نور من اوست در وی ظلمتی نیست
 همواره کنم نزد او زیست

بندگردان

نور خدایی نور خدایی
 تابان در قلبم با جلالش
 ها هـلـلـوـیا مسرور و شادم
 خوانم من حمد منجی ام را

۳- با قلبی شادان در نوری تابان
سوی آسمان باشم روان
با حمد و ثنا قلبم شادمان
باشد هادی ام نور جهان

بندگردان

نور خدایی نور خدایی
تابان در قلبم با جلالش
هاهلیویا مسرور و شادم
خوانم من حمد منجی ام را

۱- در منجی ام شادان هستم
 فیضش را سراپم هر دم
 چون بر شیطان پیروز گشتم
 آزاد شدم از درد و غم

بندگردان

مقام من بس رفیع است
 برتر از فوج شریر است
 در این نبرد روحانی
 فتح من بس نمایان است
 منجی ام عیسی بهرم شد فدا
 بر صلیبی در جلجتا
 پیروزی بخشید بر هوسهایم
 برداشت او ترس و هر گناهم را

۲- با منجی ام پیمان بستم
 او را جویم راهش پویم
 هر نوع شک را دور نمایم
 به لطف او پیروز مانم

بندگردان

مقام من بس رفیع است

برتر از فوج شریراست
در این نبرد روحانی
فتح من بس نمایان است
منجی ام عیسی بهرم شد فدا
بر صلیبی در جلجتا
پیروزی بخشید بر هوسهایم
برداشت او ترس و هر گناهم را

۳- اسلحه تام خدا
بخشد قوت در این دنیا
با تکیه بر وعده هایش
کنم شیطان را مشوش

بندگردان

مقام من بس رفیع است
برتر از فوج شریراست
در این نبرد روحانی
فتح من بس نمایان است
منجی ام عیسی بهرم شد فدا
بر صلیبی در جلجتا
پیروزی بخشید بر هوسهایم
برداشت او ترس و هر گناهم را

در دل خودتان سرود سازید
 در دل خودتان سرود سازید
 در دل خودتان سرود سازید
 برای خداوند

او را بپرسید
 او را بپرسید
 در دل خودتان سرود سازید
 برای خداوند

خداوند شاه شاهان
 خداوند شاه شاهان
 در دل خودتان سرود سازید
 برای خداوند

۱- شادان باشید ای عادلان
 در منجی و رب جهان
 یأس و غم ز خود دور کنید
 در فیض پیش روید با امید

بندگردان

شادان باشید , شادان باشید در خداوند (۲)

۲- شادان باشید , خدای ما
 وان خالق ارض و سما
 در جسم انسان گشت پدید
 به خون خود ما را خرید

بندگردان

شادان باشید , شادان باشید در خداوند (۲)

۳- گر ظلمت نمایان شود
 یا اندوه و غم در رسد
 بر عیسی بدار اعتماد
 آرامش دهد در نهاد

بندگردان

شادان باشید , شادان باشید در خداوند (۲)

۴- رنج و محنت این جهان
اندک زمانی است بی گمان
وعده داده مسیح ما
آید با جلال خدا

بندگردان

شادان باشید , شادان باشید در خداوند(۲)

۵- شادان باشید در خداوند
ای رستگان از قید و بند
با بربط و عود و سرود
خوانید شکر و حمد و درود

بندگردان

شادان باشید , شادان باشید در خداوند(۲)

۱- چون صدای منجی آید
 چون صدای منجی آید
 چون صدای منجی آید
 صلیب خود بردار و بیا

بندگردان

هر جا رهبری کندم
 هر جا رهبری کندم
 هر جا رهبری کندم
 با او روم ، روم ، همواره

۲- گر چه از دره بگذرم
 گر چه از دره بگذرم
 گر چه از دره بگذرم
 با او روم ، روم ، همواره

بندگردان

هر جا رهبری کندم
 هر جا رهبری کندم
 هر جا رهبری کندم
 با او روم ، روم ، همواره

۳- گر روم تا جتسیمانی
گر روم تا جتسیمانی
گر روم تا جتسیمانی
با او روم , روم , همواره

بندگردان

هر جا رهبری کندم
هر جا رهبری کندم
هر جا رهبری کندم
با او روم , روم , همواره

۴- او دهد فیض و جلالم
او دهد فیض و جلالم
او دهد فیض و جلالم
حفظم کند , کند همواره

بندگردان

هر جا رهبری کندم
هر جا رهبری کندم
هر جا رهبری کندم
با او روم , روم , همواره

۱- نجویم دیگر پناهی
 بجز خون و مهر عیسی
 نخواهم من دیگر قولی
 اعتماد هست بر عیسی

بندگردان

اعتماد بر صخره ایست
 که هرگز جنبش نخورد
 دیگر پایه ها باطل است

۲- چون تاریکی گیرد فرا
 فیضش بود هادی مرا
 هر چند طوفانها برخیزد
 کشتی من محفوظ بود

بندگردان

اعتماد بر صخره ایست
 که هرگز جنبش نخورد
 دیگر پایه ها باطل است

۳- از بحر تار زندگی
 می گذرم به آرامی

بر باد رود امیدهایم
ولی اوست مهر و امیدم

بندگردان

اعتماد بر صخره ایست
که هرگز جنبش نخورد
دیگر پایه ها باطل است

۴- چون وقت آخر در رسد
از مرگ آزارم نرسد
با خون او عادل شده
او را خواهیم دید پیوسته

بندگردان

اعتماد بر صخره ایست
که هرگز جنبش نخورد
دیگر پایه ها باطل است

۱- چشمان خود را بسوی کوهها بر می افرازم
 که از آنجا اعانت من می آید
 اعانت من از جانب خداوند است
 که آسمان و زمین را آفرید

۲- او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد
 او که حافظ تو است نخواهد خوابید
 اینک او که حافظ کلیسا است نمی خوابد
 خداوند بدست راستت سایه تو است

۳- آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید
 و نه ماهتاب در شب او جان تو را حفظ خواهد کرد
 خداوند تو را از هر بدی نگاه می دارد
 خداوند خروج و دخولت را نگاه خواهد داشت

۱- خدایا نور تو هر دم عیان است
 جهان در زیر فیضی رایگان است
 گنه نزدت نموده بود خوارم
 مسیح منجی است اکنون حصارم

بندگردان

چرا راهش به منت نپویم
 چرا نامش به جرأت نگویم
 غلامی او داد این آبرویم
 چو او آیم گشت من خاک اویم

۲- مسیحا آنکه نور این جهان بود
 کز او روشن زمین و آسمان بود
 به ما فرمود تا خود نور باشیم
 نه در ظلمت شب دیجور باشیم

بندگردان

چرا راهش به منت نپویم
 چرا نامش به جرأت نگویم
 غلامی او داد این آبرویم
 چو او آیم گشت من خاک اویم

۳- سلاح تمام خدا را بپوشیم
عزیزان در خدمتش بکوشیم
نه به قوت خود بلکه بیاید
چو گفت روح قدوسش بیاییم

بندگردان

چرا راهش به منت نپویم
چرا نامش به جرأت نگوییم
غلامی او داد این آبرویم
چو او آبم گشت من خاک اویم

۱- همه چیز ای منجی از توست
 از سوی تو و بهر توست
 اموال من عطای توست
 جسم و جان و روح نیز از توست

بندگردان

خالق عالم تنها تو هستی
 مالک جانم تنها تو هستی (۲)

۲- تویی صاحب و من ناظر
 در همه جا هستی حاضر
 امانتی است این جسم من
 هم ثروت و هم وقت من

بندگردان

خالق عالم تنها تو هستی
 مالک جانم تنها تو هستی (۲)

۳- تویی شبان گوسفندان
 صاحب و مالک جهان
 تو به من اموال داده‌ای

از من حسابش خواسته ای

بندگردان

خالق عالم تنها تو هستی

مالک جانم تنها تو هستی (۲)

۱- چون آواره در دنیا سرگردان
 نیست آرامی در این جهان
 در سفر زندگی پیش روم
 اوست آرامی در این جهان

بندگردان

در انتظار آن روز جلال
 وقتی عمرم رود رو به زوال
 چون آواز او به گوشم رسد
 روح و وجودم بس شادان شود

۲- دنیا پر از تلخیهاست بی گمان
 نیست آرامی در این جهان
 ترک دوستان قدیمم کنم
 باید نزد منجی روم

بندگردان

در انتظار آن روز جلال
 وقتی عمرم رود رو به زوال
 چون آواز او به گوشم رسد
 روح و وجودم بس شادان شود

۳- پیش روم در صحرای بی پایان
نیست آرامی در این جهان
طوفان و سختی حمله ور شود
خون مسیح حفظم کند

بندگردان
در انتظار آن روز جلال
وقتی عمرم رود رو به زوال
چون آواز او به گوشم رسد
روح و وجودم بس شادان شود

۱- پایدار بر وعده های شاهم عیسی
تا ابد تمجیدش کنم در هر جا
همواره ستایش کنم خدا را
بر وعده های خدا پایدار

بندگردان

پایدار ، پایدار
پایدار بر وعده های منجی ام عیسی
پایدار ، پایدار
بر وعده های خداوند پایدار

۲- وعده هایش پایه ای محکم دارد
چون طوفان شك و ترس هجوم آرد
کلام زنده اش پیروزی بخشد
بر وعده های خدا پایدار

بندگردان

پایدار ، پایدار
پایدار بر وعده های منجی ام عیسی
پایدار ، پایدار
بر وعده های خداوند پایدار

۳- از روی کلامش یقین می دانم
خون عیسی پاک نموده گناهیم
اکنون من در منجی خود آزادم
بر وعده های خدا پایدار

بندگردان

پایدار ، پایدار
پایدار بر وعده های منجی ام عیسی
پایدار ، پایدار
بر وعده های خداوند پایدار

۴- پایدار بر کلام خداوند عیسی
محبت او مجذوب کرده مرا
با شمشیر روح پیروزم بر دنیا
بر وعده های خدا پایدار

بندگردان

پایدار ، پایدار
پایدار بر وعده های منجی ام عیسی
پایدار ، پایدار
بر وعده های خداوند پایدار

۵- پایدار بر کلام او ایستاده ام
ندای روح او باشد هادی ام

در منجی خود آرامش می یابم
بر وعده های خدا پایدار

بندگردان

پایدار ، پایدار
پایدار بر وعده های منجی ام عیسی
پایدار ، پایدار
بر وعده های خداوند پایدار

۱- در پیشگاه تخت فیض مسیح سرود خوانیم (۲)
حضور خدا با ماست چون با دعاها رویم (۲)

۲- گر فقیریم یا غنی گر سالمیم یا بیمار (۲)
چون در دعا مصریم حضورش شود آشکار (۲)

۳- چون غمهای زمانه فکرم پریشان سازد (۲)
هرگز مأیوس نگردم او به دادم می رسد (۲)

۴- در بلایا و سختی تنها او ملجایم است (۲)
هرگز ترکم نکرده در طریق و راه راست (۲)

۱. قلبم شاد است چون با عیسی راه روم
 بر نامش جلال باد چون با وی همی روم
 قلبم شاد است چون با عیسی راه روم
 هر روزه با خداوند راه روم

بندگردان

هللویا با خداوند راه روم
 بر نامش جلال باد چون با وی همی روم
 هللویا با خداوند راه روم
 هر روزه با خداوند راه روم

۱. شیطان مغلوب چون با عیسی راه روم
 بر نامش جلال باد چون با وی همی روم
 شیطان مغلوب چون با عیسی راه روم
 هر روزه با خداوند راه روم

بندگردان

هللویا با خداوند راه روم
 بر نامش جلال باد چون با وی همی روم
 هللویا با خداوند راه روم
 هر روزه با خداوند راه روم

۱. ای فرزندان نور گرد هم بیایید
باشادی و سرور او را بسرایید

بند گردان

اندر حضور وی دستها بر افرازید
منجی عالم را شکر و سپاس گوید (۲)

۲. ای قوم خاص او در روح قوی باشید
پیروزی عیسی را از آن خود دانید

بند گردان

اندر حضور وی دستها بر افرازید
منجی عالم را شکر و سپاس گوید (۲)

۳. ای گله خدا نزد شبان آیید
در هر غم و سختی عیسی را بخوانید

بند گردان

اندر حضور وی دستها بر افرازید
منجی عالم را شکر و سپاس گوید (۲)

بندگردان

آری ترک کردی بهرم
 آری ترک کردی بهرم

۱- ترک کردی جلال و شکوه سما
 تا آشتی بدهی مرا با خدا

بندگردان

آری ترک کردی بهرم
 آری ترک کردی بهرم

۲- ترک کردی جان خود بر روی صلیب
 بخشیدی گناهم بدادی امید

بندگردان

آری ترک کردی بهرم
 آری ترک کردی بهرم

۳- ترک کنم پدر و مادرم بهرت
 ترک کنم خواهر و برادر بهرت

آری ترک کنم بهرت
 آری ترک کنم بهرت

۴- ترک کنم اموالم ترک کنم جانم
ترک کنم هر آنچه در دنیا دارم

آری ترک کنم بهرت
آری ترک کنم بهرت

۱- شادان هستیم در عیسی
 چون مهرش در ماست
 با چهره‌ای درخشان
 چون مهرش در ماست
 داریم در او اتحاد
 صلح و صفا در نهاد
 سعادت‌ی حقیقی است
 چون مهرش در ماست
 گر مهر او در ماست
 سعادت‌ی واقعی است
 چون مهرش در ماست

۲- در کلبه محقر
 چون مهرش در ماست
 عشق مسیح است برتر
 چون مهرش در ماست
 هر چیز گیرد رنگ و بو
 چون خلد برین نکو
 زندگی در امان است
 چون مهرش در ماست
 گر مهر او در ماست
 زندگی در امان است
 چون مهرش در ماست

۳- مسیحا رحمت فرما
چون مهـرت در ماست
فیض و قدرت کن عطا
چون مهـرت در ماست
ای فروغ پر جلال
نورت زداید مالال
روح تو هادی ماست
چون مهـرت در ماست
گر مهر تو در ماست
روح تو هادی ماست
چون مهـرت در ماست

۱- سخن گویم اگر با هر زبانی
 ولی در من نباشد مهربانی
 وجود من بود بی سود و ناساز
 فلزی پر صدا سنجی پر آواز
 اگر دانم علوم و هم نبوت
 و گر آگاهم از اسرار خلقت
 گر از ایمان کامل کوه ها را
 توانم منتقل کردن به هر جا
 برآید جمله گر اینها ز دستم
 محبت گر نباشد هیچ هستم
 گر اموالم دهم جانم ، بسوزم
 نباشد مهربانی نیست سودم

۲- محبت بس حلیم و مهربان است
 حسد شناسد ، آن آرام جان است
 نه اطوار قبیح و نی غروری
 نجوید نفع خود دارد سروری
 نگیرد خشم و سوءظن ندارد
 ز کژی خوش نگردد راست آرد
 همه باور نماید صبردار است
 تحمل می کند امیدوار است

نگردد ساقط هرگز این محبت
ولی نابود گردد هر نبوت
زبانها آخراً پایان پذیرد
علوم آخر زوال خویش گیرد

۳- کنون علم و نبوت جزئی است
چون کامل سر رسد جزئی شود نیست
زمان کودکی فکر و تعقل
چو کودک می نمودم بی تأمل
همه گفتار من گفتار طفلان
به مردی ترک کردم کار طفلان
کنون در آینه بینم مبهم
در آنوقت آشکارا جمله با هم
شناسایی من جزئی است اینجا
شناسم بعد چون گشتم شناسا
بود باقی سه چیز الحال می دان
امید است و محبت نیز ایمان
ولیکن اعظم اینها محبت
بکوش ای جان به دنیا با محبت

* * *

۱- در طریق زندگی در این جهان
سوی تو آیم با قلب و روح و جان
راه تنگ تو بود مسیر من
روح قدوست بود هادی من (۲)

بندگردان

ای مسیح , ای مسیح ,
مرکز امید و شادی ام تویی (۲)
در وجود من نباشد هیچ غمی ,
مرکز امید و شادی ام ای مسیح

۲- شادی تو ای مسیح قوت ماست
وعده های الهی ثروت ماست
تقدیمت کنم این روح و جسم و جان
تا شوم شبیه رب عالمیان (۲)

بندگردان

ای مسیح , ای مسیح ,
مرکز امید و شادی ام تویی (۲)
در وجود من نباشد هیچ غمی ,
مرکز امید و شادی ام ای مسیح

۱- آتش روح قدوست ای مسیح
شعله ور سازد وجود آدمی
جرأت و دلیری بخشد او به ما
تا اعلام نماییم پیام خدا (۲)

بندگردان

ای مسیح , ای مسیح ,
مرکز امید و شادی ام تویی (۲)
در وجود من نباشد هیچ غمی ,
مرکز امید و شادی ام ای مسیح

۱- از دل سرود حمد خوانم
 آرام و شادی چون دانم
 در هر مکان در هر زمان
 هادی خداست، رهبرم اوست

بندگردان

رهبرم اوست، رهبرم اوست
 در هرتنگی رهبرم اوست
 در پیرویش امین مانم
 مسرورم چون رهبرم اوست

۲- گر شاخ عمرم بشکند
 و رغم دل افزون شود
 طوفان عمرم چون رسد
 آرامم چون رهبرم اوست

بندگردان

رهبرم اوست، رهبرم اوست
 در هرتنگی رهبرم اوست
 در پیرویش امین مانم
 مسرورم چون رهبرم اوست

۳- در دست او این دست نهم
هرگز گله ای نکنم
خشنودم چونکه می دانم
قوتم اوست رهبرم اوست

بندگردان

رهبرم اوست، رهبرم اوست
در هرتنگی رهبرم اوست
در پیرویش امین مانم
مسرورم چون رهبرم اوست

۴- چون عمر من بسر آید
با فیض او ظفر آید
از موج مرگ هراسم نیست
با من خداست رهبرم اوست

بندگردان

رهبرم اوست، رهبرم اوست
در هرتنگی رهبرم اوست
در پیرویش امین مانم
مسرورم چون رهبرم اوست

۱- شاد باش ای روح ، خدا همراه توست
 کن تحمل صلیب رنج و درد
 بسپار به او هر درد و غم در توست
 زیرا که او با کس جفا نکرد
 شاد باش ای روح ، چون دوست تو آخر
 می کند خوش پایان این نبرد

۲- شاد باش ای روح ، خدا هادی توست
 دستت گیرد همچون که کرد در پیش
 مگذار امید و اعتبار تو
 ترک کند نه در کم نه در پیش
 شاد باش ای روح ، چون باد و موج هنوز
 یاد آورند فرمان شاه خویش

۳- شاد باش ای روح ، آن روز نزدیک شود
 ما با مسیح باشیم تا جاودان
 آنکه که ترس و غم از ما رود
 از محبت مملو شود روان
 شاد باش ای روح ، چون درد و غم گذشت
 تو را بینم پیروز و شادمان

۱- ای منجی نـزد که روم
 چون ترک مهـرت کنم
 تویی شادی اندر ماتم
 چگونه ترکـت کنم؟ (۲)

۲- جهان تو را رد می کند
 طریقت تحقیر کند
 لیک چون مهـرت چشیده ام
 چگونه ترکـت کنم؟ (۲)

۳- پیرو توام تا پایان
 هم نـزدت در آسمان
 تویی حیات نیکو شبان
 چگونه ترکـت کنم؟ (۲)

۱- گرچه انجیر شکوفه نیاورد

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

میوه در موها یافت نشود

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

بندگردان

هـلـلـو یـا هـ ، هـلـلـو یـا هـ ، هـلـلـو یـا هـ

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

۲- گر حاصل زیتون ضایع گردد

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

مزرعه ها آذوقه ندهند

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

بندگردان

هـلـلـو یـا هـ ، هـلـلـو یـا هـ ، هـلـلـو یـا هـ

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

۳- گله ها از آغل منقطع شود

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

رمة ها در طویله نباشد

هـلـلـو ، هـلـلـو یـا هـ

بندگردان

هـلـلـوـیـاـه ، هـلـلـوـیـاـه ، هـلـلـوـیـاـه
هـلـلـو ، هـلـلـو یـاـه

۴- لیکن در خداوند شادمان خواهیم شد

هـلـلـو ، هـلـلـو یـاـه
در خدای خویش وجد خواهیم نمود
هـلـلـو ، هـلـلـو یـاـه

بندگردان

هـلـلـو یـاـه ، هـلـلـو یـاـه ، هـلـلـو یـاـه
هـلـلـو ، هـلـلـو یـاـه

* * *

۱- تصمیم گرفتیم در پی اش روم
 تصمیم گرفتیم در پی اش روم
 تصمیم گرفتیم در پی اش روم
 در پی عیسی هر روزه

۲- گر چه در پی اش نرود کسی
 گر چه در پی اش نرود کسی
 گر چه در پی اش نرود کسی
 در پی عیسی هر روزه

۳- پشت بر جهان و رویم بر صلیب
 پشت بر جهان و رویم بر صلیب
 پشت بر جهان و رویم بر صلیب
 در پی عیسی هر روزه

۱. وعده های عظیم خداوندم
بخشد توان در تنگی و جفا
حضور روح قدوس خدا
تجهیز نموده دلهای ما

بندگردان

اندر جفاها و در تنگیها
مددکارم یافت شود در هر جا
همه چیز بهر خیریت ماست
تا زندگی کنیم در راه راست

۲. فرشته خدا گرداگرد ماست
تارها اند ما را از خطرها
"مویی از سرتان گم نخواهد شد"
اینست وعده خداوند عیسی

بندگردان

اندر جفاها و در تنگیها
مددکارم یافت شود در هر جا
همه چیز بهر خیریت ماست
تا زندگی کنیم در راه راست

۳. کیست که ما را از محبت عیسی
جدا سازد یا دور نماید
نه شکنجه یا قهر دشمنان ،
چون عیسی در وجود ما ماند

بندگردان

اندر جفاها و در تنگیها
مددکارم یافت شود در هر جا
همه چیز بهر خیریت ماست
تا زندگی کنیم در راه راست

بندگردان

ای برادران من خوشی دل من
خوشی دل من و دعای من

۱- چقدر دلپسند است که باهم ساکن شویم
نام عزیز او را، با هم جلال دهیم (۲)

بندگردان

ای برادران من خوشی دل من
خوشی دل من و دعای من

۲- محبت خداوند در ما چه ها کرده
همه مؤمنین را یکدلی بخشیده (۲)

بندگردان

ای برادران من خوشی دل من
خوشی دل من و دعای من

۳- خداوندم امر کرده پایت را بشویم
آنچه را که او داده با تو قسمت کنیم (۲)

بندگردان

ای برادران من خوشی دل من
خوشی دل من و دعای من

۴- خداوند فیض بده محبت نمایم
تا جانم را در ره برادران نهم (۲)

بندگردان

ای برادران من خوشی دل من
خوشی دل من و دعای من

۱- ای مقدسین ای قوم خدا
 ای که به یکدل باهم ساکنید
 خوشی من فقط شما هستید
 شما برادران من هستید

بندگردان

کیست امید من، تاج فخر من
 فقط تو هستی برادر من
 جلال و خوشی من تو هستی
 برادر من ای عزیز من

۲- فدیة جان تو گرانبه‌است
 تو هم از بنیاد راستی هستی
 جزء سنگهای زنده مسیح
 مورد اکرام و محبت هستی

بندگردان

کیست امید من، تاج فخر من
 فقط تو هستی برادر من
 جلال و خوشی من تو هستی
 برادر من ای عزیز من

۳- شما هیکل خداوند هستید

جزء اعضای بدن مسیح
هموطن مقدسین او
از اهل خانه خدا هستید

بندگردان

کیست امید من، تاج فخر من
فقط تو هستی برادر من
جلال و خوشی من تو هستی
برادر من ای عزیز من

۱- خداوند عیسی عدالت ما
روح تو جذب کرده ما را از کل دنیا
اتحاد ما با تو چه زیبا
با صلیب و قیام تو شعله ور در ما

بندگردان

ای شبان اعظم گله خداوند عیسی
داماد پر جلال سماوی بهر کلیسا

۲- پدر از سما حاضر در هر جا
فرزندان تو گشته ایم با خون عیسی
اتحاد ما با تو چه زیبا
بهر ما گمراهان کردی فرزندت فدا

بندگردان

ای شبان اعظم گله خداوند عیسی
داماد پر جلال سماوی بهر کلیسا

۳- ای روح خدا عامل احیا
حضورت بخشد لطف و شادی به کلیسا
اتحاد ما با تو چه زیبا
ساکن گشته ای ای قدوس در قلوب ما

بندگردان

ای شبان اعظم گله خداوند عیسی
داماد پر جلال سماوی بهر کلیسا

۴- ای قوم خدا عروس عیسی
جامه عدالت بر تن، زینت تقوا
اتحاد ما با تو چه زیبا
یگانگی روح باشد سر لوحه ما

بندگردان

ای شبان اعظم گله خداوند عیسی
داماد پر جلال سماوی بهر کلیسا

۱- گفت عیسی که تاک حقیقی منم
شاخه ای کز من آمد جدا بشکنم
وان چنان شاخه در آتشی افکنم
هان ز تاک حقیقی جدایی مباد

بندگردان

اتحاد، اتحاد، در مسیح
اتحاد، در مسیح، اتحاد

۲- ما همه شاخه هاییم از آن شجر
ریشه یک شاخه یک یک بود بارو بر
جمله فرزند اویم از یک پدر
او در علم و دین بر رخ ما گشاد

بندگردان

اتحاد، اتحاد، در مسیح
اتحاد، در مسیح، اتحاد

۳- فیض عیسی بود همچو بحر نجات
گشته از آن روان چشمه های حیات
جمله یک بحر جودند و در یک صفات
جز محبت ندارد کسی در نهاد

بندگردان

اتحاد، اتحاد، در مسیح

اتحاد، درمسیح، اتحاد

۴- ای مسیح ای خدای روانبخش من

دور کن جان و دل را ز رنج و محن

خود به نامت مبارک کن این انجمن

تا جهان هست فیض تو با خلق باد

بندگردان

اتحاد، اتحاد، در مسیح

اتحاد، درمسیح، اتحاد

۱- بهر ما طفلی شد مولود
 از خاندان داود
 جهان گشته پر از سرود
 در این روز مسعود (۲)

۲- بر تخت شاهی پدر
 بنشیند آن شبان
 افضل و سر از هر نظر
 نامش ورد زبان (۲)

۳- باید خوانند نامش مشیر
 پدر سـرمـدی
 چون او بود رب قدیر
 منجی ز هر بدی (۲)

۴- تخت و جلالتش پا برجا
 از حال و تا ابد
 در قدرت بی انتها
 تاج را به سر نهد (۲)

۵- شاهي و فرسيحا
يا رب نزديك نما
وانكه سراييم همه جا
هوشيحانا ، اي خدا (۲)

۱- یک شب مقدس
 آرام و نورانی
 مادر و طفل در مکانی
 طفلش نظیف و راحت
 در خواب آسمانی
 در خواب آسمانی

۲- یک شب مقدس
 با حیرت شبانان
 نزول اجلال از آسمان
 ملائک ، هلوویاه خوان
 مسیح تولد یافت
 در عالم انسانی

۳- یک شب مقدس
 با نور خدایی
 کز صورت مبارکت
 بر کاهنان بتابی
 عیسی تولد شد
 با فیض رحمانی

۱ - در شب تار و ظلمانی

فرشتگان نورانی

ظاهر شدند بر شبانان

شاد باشید, شاد باشید

زیرا که منجی جهان

ظاهر شد بر عالمیان

۲ - در قنذاقه‌ای پیچیده

در آخوری او خوابیده

به دیدنش بشتابید

شاد باشید, شاد باشید

چون منجی عالمیان

آمده اکنون به جهان

۳ - مسیح عیسی از آسمان

آمده اکنون به جهان

زانو زنید حمدش کنید

شاد باشید, شاد باشید

نام خدا را جلال باد

تا ابد او خدا باد

۱- بشنو هاتف سرايد
 انوار شاه موعود
 تاييده سوي عالم
 با رحمت آمد فرود
 ای مؤمنين برخيزيد
 با صوت و حمد و درود
 (با عرشيان گوويد شد
 در بيت لحم مسيح مولود) ۲

۲- ای عاصيان بشارت
 کز نزد رب جليل
 با جمله ملائک
 آورد اين مژده جبريل
 در جسم خاکی آمد
 عيسای عمانوئيل
 (خواست زيستن چون ما با ما
 حق را نمايد تجليل) ۲

۳- سراييد ای مؤمنين
 حمد بر روح عدالت
 کو ما را کرده آزاد
 از ظلمت جهالت
 خود را محروم کرد عيسي

از عزت و جلال
(تا ما گم گشتگان را
برهاند از ظالمت) ۲

۱- ای بیت لحم از قدر تو کاهیده کوچکیت
 سکوت آسمان تو محو کرده زندگیت
 لیکن در تو رخسانست نور هر دو عالم
 امید عمر ما همه پیدا در تاریکیست

۲- زانکه مسیحا شاه ما اکنون مولود گردید
 آن نور و آن مظهر حق اکنون بر ما رسید
 شادی و وجد بنمایید ای مؤمنان از دل
 مژدهٔ صلح به خلق دهید خدا را حمد کنید

۳- بر مؤمنان بادا نوید که نور حق عیسی
 بهر گنهکاران آمد بنماید جان فدا
 ای عاصیان بگشایید قلب پر از خطا
 تا دوست گمراهان آید در آنجا گیرد جا

۴- جلوه حق ای مسیحم در قلبم جای گیر
 لطفت عیان گردان به من دورم کن از شریر
 هر چند قلبم ناپاک است ییا ییا
 با نور پاک خود گردان این قلبم را منیر

- ۱- هل تا جهان شادان شود
 ربش سلطان شود
 منزلگهش قلب بشر
 (عرش سرایان شود) (۳)
- ۲- بر خاکیان مژده دهید
 منجی رحمان بود
 طوفان و بحرو کوه و دشت
 (همی شادان بود) (۳)
- ۳- بیخ گنه خشکیده شد
 خارش بریده شد
 حق رحمتش جاری کند
 (هر جا لعن دیده شد) (۳)
- ۴- نظم جهان از او بود
 هم او رحمان بود
 خلقش ثنا خوان کاین همه
 (عدل از سبحان بود) (۳)

۱- آمد مسیح اندر جهان
شادی کنید ای مؤمنان
تسبیح و تقدیش دهید
حمدش کنید ورد زبان

۲- پور خدای بی مکان
شد آشکار اندر جهان
از نور روی خود نمود
روشن زمین و آسمان

۳- شادی و وجد ای کودکان
بنمایید از دل و جان
امروز اندر بیت لحم
منجی عالم شد عیان

۴- اینک خدای بی مکان
کز دیده ها بودی نهان
اندر لباس بندگی
شد خلق گمره را شبان

۱- مژده عیسی به دنیا آمد
 مژده منجی بشر آمد
 اینک خدا با ما بود
 مژده روح القدس آمد

۲- در شهر داود مسیحا را
 آن خداوند کبریا را
 بین چگونه تولد شد
 منور ساخته قلب ما را

۳- طفلی در قنذاق پیچیده بین
 در آخور او را خوابیده بین
 نور عالم هویدا شده
 کلمه را مجسم بین

۴- این روز خوش از ایزد بود
 عیسی هدیه پدر بود
 او وعده داد و کرده وفا
 زندگی ما از او بود

۵- خدا را در سما بر زمین
 سلامتی باد و بیش از این

در میان ما رضامندی
بود هم در اعلیٰ علین

۱- تولد منجی من عیسی
 ظاهر کرد محبت خدا
 وقتی جهان دشمن خدا بود
 آنکه محبت طلوع نمود

۲- فرشتگان همه در تکاپو
 مجوس و شبان در جستجو
 کل جهانیان در خواب غفلت
 اندر ظهور راه و رحمت

۳- شمعون و حنا در انتظارند
 بهر ولادت روز شمارند
 جمیع تشنگان او را دیدند
 دلهایشان نثارش کردند

۴- دانید این عیسی تجسم اوست
 خداوند عادل و نیکوست
 مبارک باد هدیه الهی یاد
 او باشد دائم باقی

۱- نازل شد عیسی با جلال خدا
 منجی آمد جهان هادی گمراهان
 در آخوری پست مسیحا مولود گشت
 با اشک و آه و زجر عمرش بگذشت

بندگردان

آه دوستش دارم، او را ستایم
 اوست راه و نورم در وجودم
 خالق عظیم منجی ام گردید
 پری خدا در او بینید

۲- شاه سماوی ترک کرد تخت و تاجش
 ظاهرگشت او به مادر جسم انسانها
 نور خدایی بخشید روشنایی
 جهان را داد از ظلمت رهایی

بندگردان

آه دوستش دارم، او را ستایم
 اوست راه و نورم در وجودم
 خالق عظیم منجی ام گردید
 پری خدا در او بینید

۳- منجی ام عیسی بهر من شد فدا
خالق این جهان طرد شد از مردمان
با فیضی عظیم آن خدای رحیم
با خون خود کرد از بند آزادم

بندگردان

آه دوستش دارم، او را ستایم
اوست راه و نورم در وجودم
خالق عظیم منجی ام گردید
پری خدا در او بینید

۱- از شرق ماییم پادشاهان
چشم دوخته بسوی آسمان
دشت و کوه و دره طی کرده آمده ایم الآن

بندگردان
ای نور دلربای ما
تویی رهنمای ما
دائم رخشان نور خود را
مشو تو از ما نهان

۲- من تقدیمت می کنم هان
این طلای تاج شاهان
تا که سلطنت تو را تا ابد بیند جوان

بندگردان
ای نور دلربای ما
تویی رهنمای ما
دائم رخشان نور خود را
مشو تو از ما نهان

۳- من کندر آورده ام حال
بهر شاه ذوالجلال

او مظهر حق مسیح موعود باشد بی زوال

بندگردان

ای نور دلربای ما
تویی رهنمای ما
دائم رخشان نور خود را
مشو تو از ما نهان

۴- مر من شاهد نیکو است

طعمش تلخ و خودش بد بوست
زانکه این مولود زایل کند غم و درد از جهان

بندگردان

ای نور دلربای ما
تویی رهنمای ما
دائم رخشان نور خود را
مشو تو از ما نهان

۵- نام او را حمد و ثنا

می خوانند در ارض و سما
هللویا هللویا ملائکنند گویان

بندگردان

ای نور دلربای ما

تویی رهنمای ما
دائم رخشان نور خود را
مشو تو از ما نهان

۱- چون برای ما آمدی از بالا
 ترک کردی جلال خدا
 در آخوری خوابانیده شوی
 دیگر جا ندادند تو را

بندگردان

به قلبم بیا ای عیسی
 جاهست در قلبم برایت
 ای عیسی به قلب من بیا
 جاهست در قلبم برایت

۲- فرشتگان سرودند در آسمان
 که تو پادشاه می باشی
 اما راضی بودی به جهان بیایی
 بطور افتادگی

بندگردان

به قلبم بیا ای عیسی
 جاهست در قلبم برایت
 ای عیسی به قلب من بیا
 جاهست در قلبم برایت

۳- دارند سوراخها در زمین روباهان
مرغان هوا آشیان
اما تو ای عیسی نداشتی هیچ جا
چون ساکن شدی در جهان

بندگردان

به قلبم یا ای عیسی
جاهست در قلبم برایت
ای عیسی به قلب من یا
جاهست در قلبم برایت

۴- وقتی آمدی تا رها بکنی
مردم را از همه گناه
تو را داشتند نفرت و کردند اذیت
آخر کشتندت ای عیسی

بندگردان

به قلبم یا ای عیسی
جاهست در قلبم برایت
ای عیسی به قلب من یا
جاهست در قلبم برایت

۵- اما چون از بالا می آیی ای عیسی
در جلال عظیم خدا

مرا ای خداوند نزد خود خواهی خواند
خواهی گفت نزد من هست جا

بندگردان

به قلبم بیا ای عیسی
جا هست در قلبم برایت
ای عیسی به قلب من بیا
جا هست در قلبم برایت

۱ - گرد آید ایمانداران شادان و فیروز
 گرد آید، گرد آید، در بیت لحم
 شاه ملائک گشته مولود امروز

بندگردان

آید او را پرستیم، آید او را پرستیم
 آید او را پرستیم، مسیح عیسی

۲- ای جمله ملائک با شادی سرایید
 ای کل کائنات تسبیح بخوانید
 "خدا را مجد باد در اعلی علیین"

بندگردان

آید او را پرستیم، آید او را پرستیم
 آید او را پرستیم، مسیح عیسی

۳- آری خداوندا عزیزت می داریم
 ای عیسی ما به تو سجده می آریم
 کلمة الله اینک شد مجسم

بندگردان

آید او را پرستیم، آید او را پرستیم

آیید اورا پرستیم، مسیح عیسی

۱. امروز مسیح منجی بشر
 از عرش برین و ز نزد پدر
 آمد به زمین با فتح و ظفر
 گویند همه آن نخبه پسر
 فرزند خداست عیسی به یقین
 منجی امم هم حافظ دین

۲. چون بوده جهان در محنت و غم
 در زیر گنه با رنج و الم
 آمد به زمین منجی امم
 تا فدیة شود از راه کرم
 بخشیده حیات آن محیی دین
 از خلق جداست عیسی به یقین

۳. نور ازلی گردیده عیان
 در جسم مسیح آمد به جهان
 پس شد گله را حامی و شبان
 ره را بنمود بر این بره‌ها
 فرزند خداست عیسی به یقین
 زین خلق جداست آن محور دین

۱- خدای عظیم بهر ما خاکیان
 نمود نقشه اش را عیان
 ز بهر نجات جمیع ملل
 فرزندش را داد به جهان

بندگردان

جلال بر تو باد سرودند ملائک
 آرامی و صلح بر زمین
 رضامندی در بین آدمیان
 ره و مقصد مؤمنین (۲)

۲- مژده تولد منجی ما
 بشارت به ارض و سما
 پیام خوشی عظیم خدا
 تسلی دل‌های ما

بندگردان

جلال بر تو باد سرودند ملائک
 آرامی و صلح بر زمین
 رضامندی در بین آدمیان
 ره و مقصد مؤمنین (۲)

۳- تمامی خلقت درانده و آه
در طلب رهایی اند
شبان و مجوسیان و شمعون پیر
پی نور سـماویند

بندگردان

جلال بر تو باد سرودند ملائک
آرامی و صلح بر زمین
رضامندی در بین آدمیان
ره و مقصد مؤمنین (۲)

۱- پیروزی از توست عیسای زنده
 فرزند خالق ما را رهاننده
 در روز سوم خود از قبر برخاستی
 نیروی موت را تا ابد بشکستی
 پیروزی از توست عیسای زنده
 فرزند خالق ما را رهاننده

۲- عیسای زنده اکنون بر ماست
 با مهر و شادمانی او رهبر ماست
 اینک کلیسا با شادی سراید
 امیدوار و خوش بر غم فایق آید
 پیروزی از توست عیسای زنده
 فرزند خالق ما را رهاننده

۳- هیچ شک نداریم تو زنده هستی
 همراه ما باش در بالا و پستی
 در زندگی شو ما را یار و یاور
 از دروازه مرگ نزد خود آور
 پیروزی از توست عیسای زنده
 فرزند خالق ما را رهاننده

۱- کرده قیام مسیحا، هلوویه
 روزی است شادی افزا، هلوویه
 بهر نجات ای یار، هلوویه
 جان داد بر روی دار، هلوویه

۲- جان را به کف نهادی، هلوویه
 ما را نجات دادی، هلوویه
 درد و غم تو باری، هلوویه
 بخشیده رستگاری، هلوویه

۳- از حال و تا قیامت، هلوویه
 حمد و ثنا به نامت، هلوویه
 بهر تو ای خداوند، هلوویه
 فرشتگان سرایند، هلوویه

۱- فرشته نزول کرد
از نزد خداوند
شاد باشید همگی
مسیحا قیام کرد

بندگردان

مسیح برخاست
مسیح برخاست
از مردگان
مسیح برخاست
از قبر خود
قیام فرمود

۲- "آیید و بینیدم"
خود فرمود منجی مان
"رسانید این مژده
به اقصای جهان"

بندگردان

مسیح برخاست
مسیح برخاست
از مردگان

مسیح برخاست
از قبر خود
قیام فرمود

۳- با هم بگیریم امروز
جشن فرخنده را
با شادی حمد گوئیم
مسیح زنده را

بندگردان

مسیح برخاست
مسیح برخاست
از مردگان
مسیح برخاست
از قبر خود
قیام فرمود

۱- درخاک کردند آنها
 جسم عیسی را
 او که گردید مصلوب
 مرد بهر ما

بندگردان

کرد او ز قبرش قیام
 هان غالب شد او بر دشمنان
 فتح و پیروزی نصیب او گردید
 سلطنت از او است تا ابد جاوید
 کرد قیام , کرد قیام
 هلولیا , کرد قیام

۲- او کی ماند در قبر
 خوار کند ما را
 نیست آنجا جای آن
 پور خدا

بندگردان

کرد او ز قبرش قیام
 هان غالب شد او بر دشمنان
 فتح و پیروزی نصیب او گردید

سلطنت از او است تا ابد جاوید
کرد قیام , کرد قیام
هللویا , کرد قیام

۳- گشوده قبر خود
کرد آزاد خود را
گشت غالب او بر مرگ
شد شاه ما

بندگردان

کرد او ز قبرش قیام
هان غالب شد او بر دشمنان
فتح و پیروزی نصیب او گردید
سلطنت از او است تا ابد جاوید
کرد قیام , کرد قیام
هللویا , کرد قیام

۱- منجی قیام کرده را خدمت نمایم
 دانه که او زنده و حاضر در بین ماست
 دست پر مهرش بینم صدایش شنوم
 در وقت احتیاجم حضورش را خواهم

بندگردان

برخاست برخاست عیسی برخاست امروز
 از مردگان عیسی برخاست بر مرگ غلبه یافت
 برخاست برخاست عیسی برخاست امروز
 در قلب خود دانه مسیح برخاست از مردگان

۲- در سختیهای عمرم لطف او را بینم
 چون دلتنگ شوم آنکه جلالش را بینم
 در وقت تنگی مسیح رهبری ام کند
 تا وقت آمدنش هر روز حفظم کند

بندگردان

برخاست برخاست عیسی برخاست امروز
 از مردگان عیسی برخاست بر مرگ غلبه یافت
 برخاست برخاست عیسی برخاست امروز
 در قلب خود دانه مسیح برخاست از مردگان

۳- شاد باشید سرود خوانید مسیح را حمد گوید
هللویا به عیسی شاه شاهان گوید
امید و ملجاء را بستایید
عیسای بی نظیر را با هم برافرازید

بندگردان

برخاست برخاست عیسی برخاست امروز
ازمردگان عیسی برخاست بر مرگ غلبه یافت
برخاست برخاست عیسی برخاست امروز
درقلب خود دانه مسیح برخاست ازمردگان

۱- مژده بادا که نو شد سراسر جهان
 گشته بیدار گیتی ز خواب گران
 بین چگونه شود رنگ رنگ آسمان
 که کند گریه گه خنده بر بوستان
 بر طبیعت نگر مرده بود، زنده شد
 در جهان پرتو مهر تابنده شد
 آن مسیحی که از بهر ما بنده شد
 (مرد و برخاست و ما را رهاننده شد) ۲

۲- مژده آمد که اینک قیامش بین
 باز شد تا ابد آسمان بر زمین
 موت دیگر نبد قدرتش بیش از این
 از چه ترسم دگر از چه باشم حزین؟
 سرب بر آر از افق مهر تابان ما
 بین چسان تازه گشته تن و جان ما
 قبر خالی نگر، کار یزدان ما
 (زنده عیسی بین، اصل ایمان ما) ۲

۱- اگر این دنیا همیشه آتش
بیافروزد بر جان و دلم
نمی هراسم یک لحظه هرگز
گرچه بماند خاکسترم

بندگردان

چون روحم با شادی و صفا
پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۲- اگر در عمق دریا اسیرم
در دل صحرا سرگردانم
دست از منجیم نکشم هرگز
گرچه از کف برود جانم

بندگردان

چون روحم با شادی و صفا
پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۳- مشعل نجات منجی ما
همیشه باشد در دست من
چقدر شیرین است اگر یک روزی
فدایش گردد این جان من

بندگردان
چون روحم با شادی و صفا
پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۱- روزی آید که درد و غم نباشد دگر
 آسمان صاف و بی ابر
 چشمی گریان نی دگر
 شادمانم در سما
 در آن ساحل طلا
 روز خدا به دل دهد جلا

بندگردان

روز مبارکیست عیسای خود بینم
 ای خدا کن نصیبم
 من در ره آن راهم
 نجات داد جان مرا
 در مقام کبریا
 روز خدا به دل دهد جلا

۲- نی اندوه و نی غم نی بیماری نی الم
 تا ابد مکانم پایان جدایی ام
 نزد شاهم عیسی
 که بهرم برده جفا
 روز خدا به دل دهد جلا

بندگردان

روز مبارک‌ست عیسی‌ای خود بینم
ای خدا کن نصیبم
من در رهن آن راهم
نجات داد جان مرا
در مقام کبریا
روز خدا به دل دهد جلا

۱- فکرم و ذکرم امروز باشد حول سما
 سرزمین زیبای بالا
 چون کنار مسیح بایستم در آنجا
 تاج جلال را بخشد خدا

بندگردان

تاج نا پزمرده جلال را بخشد
 وقتی عمرم به پایان رسد
 راحت و شادمان در جمع مؤمنین
 سرایم دور ز رنج زمین

۲- بادعاها کنم جد و جهد در دنیا
 مطیع حکم منجی ما
 تا وقتی به حضورش روم آن بالا
 تاج جلال را بخشد خدا

بندگردان

تاج نا پزمرده جلال را بخشد
 وقتی عمرم به پایان رسد
 راحت و شادمان در جمع مؤمنین
 سرایم دور ز رنج زمین

۳- چه وجد و سروری چون رخس را بینم
خود را تقدیم منجی کنم
او بخشد پاداش و اجر بی انتها
تاج جلال را بخشد خدا

بندگردان

تاج نا پژمرده جلال را بخشد
وقتی عمرم به پایان رسد
راحت و شادمان در جمع مؤمنین
سرایم دور زرنج زمین

من عازم سمایم
 وطن عزیز
 گرچه راهم تاریک است
 ز محنت لبریز
 زحمتم کوتاه است
 لحظه ای بیش نیست

خداوندا حفظم کن تا رسم آنجا
 خداوندا حفظم کن تا رسم آنجا
 با حسرت به روی عیسی می نگرم
 ز غم دنیا آزاد شود روحم
 همراه مؤمنین همی سرایم
 خداوندا حفظم کن تا رسم آنجا
 خداوندا حفظم کن تا رسم آنجا

۱ - بین شکوه و جلال سما
محض ایمان بینیم آن سرا
وعده فرموده او این چنین
تا دهد ما را خلد برین

بندگردان

چه زیباست آسمان
فارغ از اشک و درد و فغان
چه زیباست آسمان
چونکه بره بود نور آن

۲ - حمد و تجلیل و شکرش کنیم
با دعاها حضورش رویم
چون خدای پدر بهر ما
بی دریغ کرد پسر را فدا

بندگردان

چه زیباست آسمان
فارغ از اشک و درد و فغان
چه زیباست آسمان
چونکه بره بود نور آن

۳- وه چه فیض عظیمی نمود
هر گناه دلم را زدود
بنگر این رحمت بی کران
خوانده از هر نژاد و زبان

بندگردان

چه زیباست آسمان
فارغ از اشک و درد و فغان
چه زیباست آسمان
چونکه بره بود نور آن

۴- چونکه ساکن شویم در سما
تاج عزت بود ارث ما
وان مسیح منجی و شاه نیک
باشد اندر سرودها شریک

بندگردان

چه زیباست آسمان
فارغ از اشک و درد و فغان
چه زیباست آسمان
چونکه بره بود نور آن

۱- ای اورشلیم ای شهر سماوی
 خانه جاودان انسان
 آنکه نامش در دفتر عیسی است
 باشد آنجا شاد و خندان

بندگردان

ای اورشلیم آسمانی
 تو ای شهر خدایی
 در تو مأوا گزینند
 پیروان نور سماوی (۲)

۲- چونکه منجی ام وعده داده است
 جایی بهرم حاضر کند
 آمده مرا نزد خود برد
 عمر جاودان عطا کند

بندگردان

ای اورشلیم آسمانی
 تو ای شهر خدایی
 در تو مأوا گزینند
 پیروان نور سماوی (۲)

۳- در تو نیست اشکی نی غم و دردی
تس و خشم و جنگ و فغان
زیرا شرارت از تو به دور است
نور و شکوهت بی کران

بندگردان

ای اورشلیم آسمانی
تو ای شهر خدایی
در تو مأوا گزینند
پیروان نور سماوی (۲)

۴- ای شهر پاکان حضور خدا
مرکز مهر صلح و صفا
اندر حضور خالق عالم
تا ابد سرایم عیسی را

بندگردان

ای اورشلیم آسمانی
تو ای شهر خدایی
در تو مأوا گزینند
پیروان نور سماوی (۲)

۱- من اینجا غریبم
 عرشم وطن
 مسیح است منجی ام
 عرشم وطن
 زمین در حقیقت
 بود رنج و محنت
 در آنجا هست عزت
 عرشم وطن

۲- باشم در این غربت
 عرشم وطن
 هستم در تجربت
 عرشم وطن
 ولی رنج مشکل
 رود جمله از دل
 رسم زود به منزل
 عرشم وطن

۳- گله پس ندارم
 عرشم وطن
 که دنیا ندارم
 عرشم وطن

مسیح عہد دارد
بہ راستش گمّارد
بہ تختّم گذارد
عرشّم وطن

۱ - يك روز اين روح خواهد گريخت
 مفتول عمر خواهد گسيخت
 ای خوش آن روز كنم قيام
 در قصر شاه گيرم مكان

بندگردان

خواهم دید او را روبرو
 گویم رهاندم فیض او (۲)

۲- بنای عمر گردد خراب
 روم چون دیگران به خواب
 دارد منزل خدای من
 در قصر خود برای من

بندگردان

خواهم دید او را روبرو
 گویم رهاندم فیض او (۲)

۳- خورشید عمر گردد نمان
 بیرون روم از این جهان
 استاد از من راضی شود
 در نزد خود مأوی دهد

بندگردان
خواهم دید او را روبرو
گویم رهاندم فیض او (۲)

۴- دارم نظر به روی او
خواهم روم به سوی او
چون بگذرد ایام من
رسد بدو پیغام من

بندگردان
خواهم دید او را روبرو
گویم رهاندم فیض او (۲)

* * *

۱- از تخت خدا و بره نهر خدایی جاریست
در ساحل پر جلالش ملائک نمایند زیست

بندگردان

در جلال آسمانی همه مؤمنین با هم سرایند
سرود عظیم بره بهر مسیح خوانند

۲- از تخت خدا و بره نهر تسلی جاریست
خدا پاک کندهر اشکی که برگونه ماباقیست

بندگردان

در جلال آسمانی همه مؤمنین با هم سرایند
سرود عظیم بره بهر مسیح خوانند

۳- از تخت خدا و بره نهر آرامش جاریست
مسیح آن شبان اعظم بهر پیروان هادیست

بندگردان

در جلال آسمانی همه مؤمنین با هم سرایند
سرود عظیم بره بهر مسیح خوانند

۴- از تخت خدا و بره نهر زندگی جاریست

پایان سرگردانیها و آغاز شادمانیست

بندگردان

در جلال آسمانی همه مؤمنین با هم سرایند
سرود عظیم بره بهر مسیح خوانند

۱- شادی و وجد نماید
 بهر عروسی بره
 او را جلال و اکرام دهید
 چون عروس او حاضر است

بندگردان

هَلَلوِیاه ، هَلَلوِیاه
 عیسی بزودی می آید
 هَلَلوِیاه ، هَلَلوِیاه
 او بزودی می آید

۲- خوشا بحال حاضرین
 در جشن عروسی بره
 ملبس به قدوسیت
 که اینست امید ما

بندگردان

هَلَلوِیاه ، هَلَلوِیاه
 عیسی بزودی می آید
 هَلَلوِیاه ، هَلَلوِیاه
 او بزودی می آید

۳- نشانه ها تایید کنند
عیسی به زودی می آید
آماده باشید ای مؤمنین
خداوند می آید

بندگردان

هَلَلِوِیَاه ، هَلَلِوِیَاه
عیسی بزودی می آید
هَلَلِوِیَاه ، هَلَلِوِیَاه
اوبزودی می آید

۱- مسیحا سلطان مهر محبت
تا ابد مسح شده با فیض و رحمت
با پدر عهد بسته تا بخشد نجات
بهر تشنه او دهد آب حیات

بندگردان

بره خدا غالب شد بر دنیا
بره خدا غالب شد بر دنیا
بره خدا غالب شد بر دنیا
مسیح خداوند بر موت و گناه

۲- شیاطین می لرزند از اسم عیسی
دیوها نیز می ترسند از منجی ما
چون نام مجیدش باشد بی همتا
با خونش خریده آزادی ما

بندگردان

بره خدا غالب شد بر دنیا
بره خدا غالب شد بر دنیا
بره خدا غالب شد بر دنیا
مسیح خداوند بر موت و گناه

۳- همه گناهکاران به خود بیایید
دنیا را در عمق هلاکت بینید
عده کثیری بی نجات مردند
از دنیای فانی سودی نبردند

بندگردان

بره خدا غالب شد بر دنیا
بره خدا غالب شد بر دنیا
بره خدا غالب شد بر دنیا
مسیح خداوند بر موت و گناه

۴- با ابرها همی آید شاه شاهان
با جلال و شکوه و فرشتگان
از عدالت پر سازد او دنیا را
داوری نماید گناهکاران را

مسیحا سلطان مهر محبت
مسیحا سلطان مهر محبت
مسیحا سلطان مهر محبت
تا ابد مسح شده با فیض و رحمت

۱- امید شادی بخشی است آن
 چون روز آخر در رسد
 شاه شاهان از آسمان
 تاج عزت همی به سر نهد

بندگردان

زود می آید زود می آید
 با شادی استقبالش کنیم
 گر صبح باشد، یا وقت عصر بود
 دانم که زود می آید

۲- آیات عجیب بر زمین
 در برو بحر آسمان
 گویند با ابر شاهدان
 که مسیح با جلالش می آید

بندگردان

زود می آید زود می آید
 با شادی استقبالش کنیم
 گر صبح باشد، یا وقت عصر بود
 دانم که زود می آید

۳- خوابندگان در مسیح

از قبر خود به پا خیزند
او وعده داده این چنین
دهد ما را بهشت جاودان

بندگردان

زود می آید زود می آید
با شادی استقبالش کنیم
گر صبح باشد ، یا وقت عصر بود
دانم که زود می آید

۴- آنگاه همه که مؤمنیم
با هم سوی سما رویم
امید مبارکی است این
پس دهید تسلی به مؤمنین

بندگردان

زود می آید زود می آید
با شادی استقبالش کنیم
گر صبح باشد ، یا وقت عصر بود
دانم که زود می آید

۱- در این دنیای بیکران
 آدمیان زار و ناتوان
 جنگ و قحطی و طوفانها
 حیران کرده پیر و جوان
 دلها طپد ز اضطراب
 آینده گشته چون سراب
 ابر تیره در آسمان
 چیره شده بر این جهان

بندگردان

آه ای مسیح بازگشت نما
 آرامی و امید ما رویم با توسوی سما
 (آه ای مسیح) ۲ بازگشت نما

۲- فرمان او را بشنویم
 کلامش هر جا رسانیم
 فرصت نباشد بیش از این
 پیش از ظهور تخت نشین
 فرموده او بیدار شوید
 انتظارها بسر رسید
 سوی ابرها نگاه کنید
 فرزند خدا را بینید

بندگردان

آه ای مسیح بازگشت نما
آرامی و امید ما رویم با توسوی سما
(آه ای مسیح) ۲ بازگشت نما

۳- این است امید پر جلال
که او زداید هر ملال
پاک نماید اشک غم را
ز چشمان گریان ما
جفاها پایان پذیرند
شادی ها جایگزین شوند
پروانه وار به دور او
گردیم و بال و پر زنیم

بندگردان

آه ای مسیح بازگشت نما
آرامی و امید ما رویم با توسوی سما
(آه ای مسیح) ۲ بازگشت نما

۱- مردمان در اضطراب
 ناامید و سرگردان
 همه جا صحبت از این است
 که مسیح می آید
 همه در اندوه و درد
 همه بی تاب و توان
 همه این را شنیده اند
 که مسیح می آید

بندگردان

مسیح می آید مسیح می آید
 خداوند محبت مسیح می آید
 مسیح می آید مسیح می آید
 خداوندم می آید

۲- بالای آسمانی
 فرو ریزد بر جهان
 روز داوری رسیده
 روز اندوه و فغان
 مردمان با رعب و وحشت
 سوی سما می نگرند
 زیرا این را همه دانند

که مسیحم می آید

بندگردان

مسیح می آید مسیح می آید
خداوند محبت مسیحم می آید
مسیح می آید مسیح می آید
خداوندم می آید

۳ - امید مبارکی است
بازگشت شاه جلال
آنگه ربوده خواهیم شد
تا مسیح را بینیم
چه شادی جاودانی
چه امید چه رحمتی
خداوند و شاه شاهان
سرور من می آید

بندگردان

مسیح می آید مسیح می آید
خداوند محبت مسیحم می آید
مسیح می آید مسیح می آید
خداوندم می آید

۱- چون شیپور خداوند کند صدا ز آسمان
دمد آن صبح پر جلال و رخشان
به عالم بالا روند همه نجات یافتگان
چون خوانند نامها را باشم در آنجا

بندگردان

چون خوانند نامهای ما را
چون خوانند نامهای ما را
چون خوانند نامهای ما را
چون خوانند نامها را من باشم آنجا

۲- مردگان در مسیح بر خیزید در آن صبح رخشان
با شکوه قیامش گردند عیان
چون گرد آیند جمله برگزیدگان در آسمان
چون خوانند نامها را باشم در آنجا

بندگردان

چون خوانند نامهای ما را
چون خوانند نامهای ما را
چون خوانند نامهای ما را
چون خوانند نامها را من باشم آنجا

۳ - تا زمان باقیست کنیم کار و کوشش بهر عیسی

مژده فیضش رسانیم در هر جا
تا چون به پایان رسد عمر و کار ما در دنیا
چون خوانند نامه‌ها را باشم در آنجا

بندگردان

چون خوانند نامه‌های ما را
چون خوانند نامه‌های ما را
چون خوانند نامه‌های ما را
چون خوانند نامه‌ها را من باشم آنجا

* * *

۱- (مسیح به آسمان رفته
 بزودی به این جهان برمی گردد) ۲
 (بزودی بر می گردد بزودی برمی گردد
 بزودی به این جهان برمی گردد) ۲

بندگردان

هـلـلـوـیـا هـلـلـوـیـا
 بزودی خواهد آمد مسیحا
 هـلـلـوـیـا هـلـلـوـیـا
 خواهد آمد مسیحا

۲- (ای مسیح چشم انتظاریم
 تا بزودی به این جهان برگردی) ۲
 (تا رویت را بینیم تا رویت را بینیم
 تا شبیه تو گردیم ای خداوند) ۲

بندگردان

هـلـلـوـیـا هـلـلـوـیـا
 بزودی خواهد آمد مسیحا
 هـلـلـوـیـا هـلـلـوـیـا
 خواهد آمد مسیحا

۳- (نشانه ها تأکید کنند

بازگشت منجی ما نزدیک شده) ۲
بازگشت منجی ما بازگشت منجی ما
بازگشت منجی ما نزدیک شده) ۲

بندگردان

هـلـلـوـیـا هـلـلـوـیـا

بـزـودـی خـواهد آمد مسیحا

هـلـلـوـیـا هـلـلـوـیـا

خـواهد آمد مسیحا

۱- چون عیسی شاه جلال با شکوه بی زوال
 بازگشت کند به این جهان
 ایماندارن حقیقی را سوی خود خواند
 در آن بهشت جاودان
 شکر و سپاس باد بر نام عیسی
 تنها امیدم در این دنیا

بندگردان

شادانم حمدش را خوانم

بازگشت منجی ام را خواهانم (۲)

۲- وقتی خداوند عیسی مظهر ذات خدا
 نازل شود ز آسمان
 همه گناهکاران از هر نقطه جهان
 گردند ترسان و پریشان
 گویند ای کوهها محو کنید ما را
 شرمنده ایم از روی عیسی

بندگردان

شادانم حمدش را خوانم

بازگشت منجی ام را خواهانم (۲)

۳- وقتی رسد به پایان کار من در این جهان

پرواز کنم سوی عیسی
تاج جلالم بخشد با شادی مرا گوید
ای فرزند نزد من بیا
در نور رویش روم به سویش
اشک شوق ریزم بهر فیضش

بندگردان

شادانم حمدش را خوانم

بازگشت منجی ام را خواهانم (۲)

ای روح حق آرام جانی ، باز آ!
 از دیده ها تا کی نهانی ، باز آ!
 ما را حیات جاودانی ، باز آ!
 باز آ و کن برما شبانی ، باز آ!
 ای منجی ما جمع هالک ، باز آ!
 با صور و آواز ملائک ، باز آ!

بندگردان

دریای رحمت ، فیض و محبت ، کن تو عنایت
 عالم منور کن ز نورت ، باز آ!
 تعجیل کن اندر ظهورت باز آ!

۱- هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه
 هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه
 هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه
 مسیح خداوند زود می آید

۲- بیدار شوید همه ایمانداران
 از روح شوید پر نجات یافتگان
 مژده دهید بهر گنهکاران
 مسیح خداوند زود می آید

۳- هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه
 هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه
 هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه هَلَلوِیاه
 مسیح خداوند زود می آید

۱- به پیش تخت سبحانی
 هزارانند طـفلان
 ز عصیان پاک و روحانی
 رخشان سیمایشان

بندگردان

خوانند درود درود
 به خدای قادر درود

۲- پوشیده رخت روحانی
 مسرورند و سفید
 به نور مسیح نورانی
 شادانند و سعید

بندگردان

خوانند درود درود
 به خدای قادر درود

۳- ریختن خون مسیحا
 باعث عفران شد
 هر کس در او شست خود را
 ظاهر به آسمان شد

بندگردان
خوانند درود درود
به خدای قادر درود

۴- می خواستند لطف عیسی را
تا در جهان بودند
اکنون که ساکنند آنجا
مشغول درودند

بندگردان
خوانند درود درود
به خدای قادر درود

۱- وقف تو این کودک کنیم
 ای رب رحمان و رحیم
 کن حفظش از جرم و خطا
 مهرش ببخشا ای کریم

۲- سالک شود بی خوف و بیم
 در شاهراه مستقیم
 گردد عفاف و راستی
 همواره اندر وی مقیم

۳- ماهم که در نزد تو ییم
 داخل به تعمیرش شویم
 با مهر و با شکر و سپاس
 عهدت همی تازه کنیم

۴- با قلب حق جوی و سلیم
 سوی خدا ره بسپاریم
 با عزم و جزم ثابتی
 ره چون مسیحیان روییم

۱- سرچشمه محبت
 تثلیث پاک یکتا
 در ماهمه ز رحمت
 عشقت مزید فرما
 اصل محبت از توست
 هرگونه نعمت از توست
 هر جا که صحبت از توست
 باشد بهشت آنجا

۲- ادراک بی نهایت
 از لذت محبت
 کردی به ما عنایت
 شکرت ز دل مسیحا
 دانیم اندر این راه
 باشد به هر طرف چاه
 ما را نما تو آگاه
 از جمله بدیها

۳- اینک ز رحمت تو
 اندر محبت تو
 یک تن شدند این دو
 همچون تو با کلیسا

در طی زندگانی
در پیری و جوانی
آن گونه که تو دانی
بر عشقشان بیفزای

۴- در روزگار سختی
در درد و تیره بختی
در فقر و تنگدستی
نزدیک کن تو دلها
در عین کامرانی
ایام شادمانی
از لطف و مهربانی
پسذیر شکر ما را

۵- این دو کنون خداوند
در تو شدند پیوند
بخشاکه در تو مانند
حیات با تو زیبا
بستند با تو پیمان
پیمان به قیمت جان
جز موت نگسلد آن
توفیق ده خدایا

۱- ده بهرم ای خداوند این نان
چنانکه دادی بهر شاگردان
مسیحا جانم در طلب توست
منبع حیات ، روحم تشنه توست

۲- تو بهرم حقیقت را کن عیان
چنانکه کردی بهر شاگردان
آنگه شود پاره هر قید و بند
آرامی خواهم یافت ای خداوند

۳- تو مرا ده تعلیم چون شاگردان
تا در زندگی ام گردی رخشان
چون جنگ عمرم رسد به پایان
بینم تو را زنده محبوب جان

۱- هستی من فدای تو
 قلب من است جای تو
 می شنوم ندای تو
 راحت من رضای تو

۲- جسم تو شد غذای من
 خون تو شد برای من
 شربت بی بهای من
 راحت من رضای تو

۳- مزد گنه سزای من
 لیک شدی فدای من
 منجی من خدای من
 راحت من رضای تو

۴- درد من و دوی تو
 رنج من و شفای تو
 دین من و ادای تو
 راحت من رضای تو

۵- خاک درت بهشت من
 مهر رخت سرشت من
 عشق تو سرنوشت من

راحت من رضای تو

۱- گفتا مسیح نور رحمت
این جسم و جان و سلامت
می سپارم در غرامت
یاد آورید این محبت

۲- این عشاء و این خون من
تسلیم جسم و جان من
تا باز آیم پیمان من
یاد آورید این محبت

۳- از بخشش کالای او
وان خلعت والای او
ز انعام جان آرای او
یاد آورید این محبت

۴- جسم او جان فزای ما
خون شربت شفای ما
ریخته در وفای ما
یاد آورید این محبت

۵- ای بنده آزاد او
غافل مباش از یاد او

ملک بقا بنیاد او
یاد آورید این محبت

۶- قیامت در قیام اوست
هستی ها در نظام اوست
هر عطایی به نام اوست
یاد آورید این محبت

۱- می رسد نوید ای دوست
جان و دل مهیا کن
پای خوان تو زانوزن
فیض حق تماشا کن

۲- گردلت شده تاریک
با ادب بیا نزدیک
نوش کن از این ساغر
قلب را مصفا کن

۳- فدیة مسیح است این
معنی محبت بین
رازهای پنهان را
نزد او توافشا کن

۴- از فلک سروش آید
این ندا به گوش آید
در عشاء ربانی
یاد خون عیسی کن

۵- جان و تن به راهت داد
فدیة بر گناهت داد

ز آنکه او پناهت داد
ترک ماسوی الله کن

۶- داده او به ما مژده
هست منزل آماده
دست شوی از پستی
میل سوی بالا کن

۷- ای مسیح ابن الله
آمدم به این درگاه
قلب نو عطا فرما
محو جرم ماها کن

۱- در شب آخر شاه شاهان
 نشسته بود بین شاگردان
 با دستها نان را پاره می کرد
 (بهرشاگردان حاضر می کرد) ۲
 آنگه شکر کرد و برکت داد
 گفت بگیری این تن من است
 بخورید این را به یاد من
 (تا بماند یادگار من) ۲

۲- بعد از شام برداشت پیاله را
 پیاله عهد جدید را
 گفت این پیاله در خون من
 (در آینده یادگار من) ۲
 هر وقت این نان را شما خورید
 این پیاله را شما نوشید
 ظاهر خواهید کرد موت مرا
 (تا من باز آییم نزد شما) ۲

۳- پس هرکس نان و پیاله را
 خورد نالایق نزد خدا
 آنگه آن شخص می گردد مجرم
 (در بدن و در خون عیسی) ۲

زیرا هر کس این عمل کند
خورد نوشد فتوای خود را
دیگر خواهد بود او گنهکار
(در آن حضور پاک خدا) ۲

سؤال: راستی شما کی هستید؟
 که اینقدر خوشبختید
 خندان و دست تو دستید
 می خوانید و می رقصید

جواب: ما ها مسیحی هستیم
 عیسی را می پرستیم
 پدر ما هست خدا
 تو هم بیا جزو ما

سؤال: چه کتابیست می خوانید؟
 آن را حفظ می نمایید
 چه چیز از آن دیده اید؟
 که دل به آن داده اید

جواب: راه و رسم زندگی
 چاره درماندگی
 در این انجیل می یابیم
 تو هم بیا بخوانیم

سؤال: علامتی که دارید
 هر جا با خود می برید
 دور کردن یا در دست
 مقصود از آن چه هست؟

جواب: جواب این مشکل است

سر و کارش با دل است
صلیب دارد افتخار
تو هم آن را دوست بدار

سؤال: دست جفت و چشمان بسته
حرف می زنی آهسته
مگر کسی می بیند؟
که با او حرف می زنی؟

جواب: این حالت دعا است
گفتگو با خدا است
راز و نیاز با اوست
تو هم بکن که نیکوست

۱. اگر شادمان هستی دست بزن
 اگر شادمان هستی دست بزن
 اگر شادمان هستی و غمی نداری
 اگر شادمان هستی دست بزن

۲. اگر شادمان هستی پا بزن
 اگر شادمان هستی پا بزن
 اگر شادمان هستی و غمی نداری
 اگر شادمان هستی پا بزن

۳. اگر شادمان هستی بگو آمین
 اگر شادمان هستی بگو آمین
 اگر شادمان هستی و غمی نداری
 اگر شادمان هستی بگو آمین

۴. اگر شادمان هستی همه با هم
 اگر شادمان هستی همه با هم
 اگر شادمان هستی و غمی نداری
 اگر شادمان هستی همه با هم

۱- مواظب باش چشمهای کوچک چه می بینی (۲) چرا؟
چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه
مواظب باش چشمهای کوچک چه می بینی

۲- مواظب باش گوشهای کوچک چه می شنوی (۲) چرا؟
چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه
مواظب باش گوشهای کوچک چه می شنوی

۳- مواظب باش زبان کوچک چه می گویی (۲) چرا؟
چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه
مواظب باش زبان کوچک چه می گویی

۴- مواظب باش دستهای کوچک چه می کنی (۲) چرا؟
چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه
مواظب باش دستهای کوچک چه می کنی

۵- مواظب باش پاهای کوچک کجا می روی (۲) چرا؟
چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه
مواظب باش پاهای کوچک کجا می روی

۱- محبت خداوند ریخته در اردوی ما
 از حضور خداوند شاد شده دلهای ما
 ما هم شاد و خندانیم با هم سرود می خوانیم
 با محبت عیسی همدیگر را دوست داریم

بندگردان

محبت محبت محبت خدا
 تنها شعار ما بچه ها بچه هاست

۲- چقدر خوب و شیرین است با یکدیگر جمع شویم
 با محبت عیسی خدا را بسراییم
 دستها را برافرازیم در حضور خداوند
 گوییم با هم یکصدا دوستت داریم مسیحا

بندگردان

محبت محبت محبت خدا
 تنها شعار ما بچه ها بچه هاست

۳- محبت خداوند ریخته در اردوی ما
 یهوه خدای مای خرامدین ما
 حضور او آشکار است به روی خیمه ما
 همه خوانیم یکصدا جلالت باد مسیحا

بندگردان

محبت محبت محبت خدا

تنها شعار ما بچه ها بچه هاست

* * *

۱- داستان ما راستیکه بچه ها بزرگا
داستان عیسای مسیح دوست ما بین ما
که تو دکان نجاری کار می کرد کار می کرد
چوبارو با اره می برید و انبار می کرد

بندگردان

مردمو دوست داشت ، چه بد و چه خوب
ازشرق و ازغرب ، شمال و جنوب (۲)

۲- می خواست همه از بدیشون آزاد بشن شاد بشن
مردمای ترسو مثل یک تیکه فولاد بشن
برای آزاد کردن ما از دست شیطان
حاضر شد که بمیره تو جنگش با شیطان

بندگردان

مردمو دوست داشت ، چه بد و چه خوب
ازشرق و ازغرب ، شمال و جنوب (۲)

۳- بعد از سه روز یکدفعه دوباره زنده شد
یه هو همه گریه ها تموم شد خنده شد
ازاون به بعد دیگه همیشه زندس و با ما می مونه
اگر بیاد به قلب ما نمی ذاره شیطان بمونه

بندگردان

مردمو دوست داشت ، چه بد و چه خوب
ازشرق و ازغرب ، شمال و جنوب (۲)

* * *

۱- دوست می داردم عیسی
 کردم از کتب افشا
 او گرفت در آغوشش
 کودکان کوچک را

بندگردان

آری دوست دارد
 آری دوست دارد
 آری دوست دارد
 کتاب مرا گوید

۲- دوست می داردم عیسی
 دعوت او کند مرا
 بهر زندگی من
 جان سپرده مردن را

بندگردان

آری دوست دارد
 آری دوست دارد
 آری دوست دارد
 کتاب مرا گوید

۳- دوست می داردم عیسی
 هادی ام بود خدا
 اوست شبان نیک من

حافظم بود هر جا

بندگردان

آری دوست دارد

آری دوست دارد

آری دوست دارد

کتاب مرا گوید

۱- عیسی یار مهربان
 منجی و آرام جان
 هر دم از دستهای او
 سرزد بس کار نیکو

بندگردان

بیماران را شفا داد
 اسیران را کرد آزاد
 بچه ها را نوازش
 خستگان را آرامش

۲- با دست خود کرد او
 پای کسان شستشو
 دست افتادگان را
 بگرفت و داشت بر پا

بندگردان

بیماران را شفا داد
 اسیران را کرد آزاد
 بچه ها را نوازش
 خستگان را آرامش

۳- این دستهای مرا
قوت بده ای خدا
تا چون دو دست عیسی
خدمت کند به دنیا

بندگردان
بیماران را شفا داد
اسیران را کرد آزاد
بچه ها را نوازش
خستگان را آرامش

۴- ما را آزاد گردان
آرام و شاد گردان
تا که کنیم ای خدا
از دل پرستش تو را

بندگردان
بیماران را شفا داد
اسیران را کرد آزاد
بچه ها را نوازش
خستگان را آرامش

باشادی بیرون روید از او هدایت شوید
 که کوهها و تپه ها با شادی ترنم خواهند نمود

آنجا فریاد شادیست ، دستک زنید با شادی
 پس با شادی برای او دست زنید

باشادی برای او دست زنید (۲)
 اگر خواهید شاد باشید

وقت کم است ای عزیزان
 مسیحا بزودی می آید

باید آماده باشید آماده
 آماده دیدن او

باشادی بیرون روید.....

۱- عیسی مسیح ، تویی خداوند ما
 منجی جانم تویی بهترین دوستم
 هرچی به اسم تو خواهیم می دهی به ما (۲)

۲- ای شاه شاهان منجی جانم
 دوستت می دارم با تمام دل
 هر جا باشیم هر جا رویم بین ما هستی (۲)

۳- شادی تو دادی قدرت تو دادی
 صبر تو دادی آرامش دادی
 تا ما گردیم سر بلند و پیروز بر شیطان (۲)

۴- تو را شکر کنیم تا ابدالابد
 تو را شکر کنیم تا ابدالابد
 دوستت داریم، دوستت داریم عیسی مسیح (۲)

۱- بیایید ای بچه ها از میان کوچه ها
 بیاید بریم کلیسا شویم شاگرد عیسی
 دستک زنیم بخوانیم سرود شادمانی
 با یکدیگر سراییم جلال بر نام عیسی

۲- بیاید ای بچه ها بشنوید قصه ما
 مژده خوش انجیل قصه نجات ما
 تولد مسیح را مرگ و قیام او را
 قصه زیبای ما بهر نجات دنیا

۳- بیاید ای بچه ها بسه دیگه بازیها
 دست به دست هم بدیم بریم خانه خدا
 دعا کنیم با ایمان به پدر مهربان
 بنام عیسی مسیح خداوند آسمان

۴- بیاید ای بچه ها ای دوستان مسیحا
 بیاید به کلیسا خانواده خدا
 پدر ما خدا هست برادر ما عیسی
 محبت الهی ریخته در قلبهای ما
 با یکدیگر بخوانیم سرود هوشیانا
 مبارک است پادشاه که می آید به دنیا

۱- دانا خانه روی صخره کرد بنا (۳)
 و باران بسیار بارید
 باران بارید و سیلاب شد (۳)
 و خانه اش ماند برقرار

۲- نادان خانه روی ماسه کرد بنا (۳)
 و باران بسیار بارید
 باران بارید و سیلاب شد (۳)
 و خانه اش ویران شد

۱- بچه ها بچه ها خداوند ما اینجاست
بین ما بین ما مسیح ما حاضر است

بندگردان

جائیکه دو یا سه نفر به اسم او جمع شویم
(خداوند ما عیسی بین ماها حاضر است) ۲

۲- مسیح جان مسیح جان تو بین ما حاضری
حرف بزنی حرف بزنی با قلب کوچک ما

بندگردان

جائیکه دو یا سه نفر به اسم او جمع شویم
(خداوند ما عیسی بین ماها حاضر است) ۲

۳- قلب ما قلب ما برای تو می طپد
اشک ما اشک ما برای تو می چکد

بندگردان

جائیکه دو یا سه نفر به اسم او جمع شویم
(خداوند ما عیسی بین ماها حاضر است) ۲

۴- کلیسا کلیسا صدایت را می شنود

کلامت ، کلامت به گوش ما می رسد

بندگردان

جائیکه دو یا سه نفر به اسم او جمع شویم
(خداوند ما عیسی بین ماها حاضر است) ۲

* * *

۱. انجیل خبر خوش مسیحا است
 انجیل پیام نجات دنیاست
 انجیل مژده همه بچه هاست
 انجیل کلام شیرین خداست

بندگردان

برای ما بچه ها انجیل داره قصه ها
 (قصه های طلایی از عیسی و از خدا) ۲

۲. انجیل داستان پسر خداست
 انجیل وعده های پدر ماست
 انجیل در قلب پاک بچه هاست
 انجیل کتاب محبوب ما هاست

بندگردان

برای ما بچه ها انجیل داره قصه ها
 (قصه های طلایی از عیسی و از خدا) ۲

۳. متی ، مرقس و لوقا ، یوحنا
 نامه های رسولان عیسی
 عهد جدید زیبای عیسی است
 همه کلام زنده خداست

بندگردان

برای ما بچه ها انجیل داره قصه ها
(قصه های طلایی از عیسی و از خدا) ۲

حمدش کنید حمدش کنید صبحگاه
 حمدش کنید در ظهر
 حمدش کنید
 حمدش کنید در شامگاه

دوست دارم سرود خوانم
 فریاد کنم چون رسولان
 خواهم چون قدیم سرود خوانم
 دعا و وعظ کنم چون رسولان

از منجی خود هر دم سخن می گویم
 هر جا که روم هر جا که روم
 از منجی خود هر دم سخن می گویم
 روحم شاد، شاد، شاد می گردد

در قلب من باشد جشن و شادی

در قلب من باشد جشن و شادی

آزادم کرد مسیح ، باشد مرا هادی

در قلب من باشد جشن و شادی

خدا نیکوست خدا نیکوست
او نیکوست بهر من خدا نیکوست

* * *

اینست روزی، اینست روزی
که خداوند ساخت که خداوند ساخت
شادی کنیم، شادی کنیم
و وجد نماییم و وجد نماییم
اینست روزی که خداوند ساخت
شادی کنیم و وجد نماییم
اینست روزی، اینست روزی
که خداوند ساخت

۱- مسرورم نجاتم داده
 مسرورم نجاتم داده
 مسرورم نجاتم داده
 جلال بر نام عیسی
 نجاتم داده

۲- مسرورم شفایم داده
 مسرورم شفایم داده
 مسرورم شفایم داده
 جلال بر نام عیسی
 شفایم داده

۳- مسرورم قوتم داده
 مسرورم قوتم داده
 مسرورم قوتم داده
 جلال بر نام عیسی
 قوتم داده

آتشی در قلبم برافروز
آتشی در قلبم برافروز
بگذار روح القدس مرا پر سازد
در قلب من آتشی برافروز

هَلَلوِيَاه ، هَلَلوِيَاه ، هَلَلوِيَاه ، هَلَلوِيَاه ،
شكر خدا را

هَلَلوِيَاه ، هَلَلوِيَاه ، هَلَلوِيَاه ، هَلَلوِيَاه ،
شكر خدا را

شكر خدا را هَلَلوِيَاه ،
شكر خدا را هَلَلوِيَاه

شكر خدا را هَلَلوِيَاه ،
شكر خدا را

در نام عیسی در نام عیسی همیشه پیروزیم
از نام عیسی از نام عیسی شیطان می‌گریزد

کیست که تواند در برابر نام قادرش بایستد
چونکه در نام اوست که ظفر و پیروزی یافته ایم

چه عجیب است عیسی منجی ام
چه عجیب است عیسی منجی ام

ندیده، نشینده، آنچه در کتاب خوانده
چه عجیب است عیسی منجی ام

چه شیرین است عیسی منجی ام
چه شیرین است عیسی منجی ام

ندیده، نشینده، آنچه در کتاب خوانده
چه شیرین است عیسی منجی ام

او شبان نیکویم است , در او حیات دارم

نزد آبهارهرم اوست در او حیات دارم

دائم ، دائم در او حیات دارم

دائم ، دائم در او حیات دارم

نزد آبهارهرم اوست , در او حیات دارم

دوستت دارم عیسی دوستت دارم عیسی
 دوستت دارم عیسی در قلبم
 به یقین همی دانم بی تو زیستن نتوانم
 دوستت دارم عیسی در قلبم

۱- سرود خوانم ، فریاد کنم
 سرود خوانم ، فریاد کنم، شکر بر او
 وقتی مسیح باز آید مرا نزد خود برد
 سرود خوانم ، فریاد کنم شکر بر او

۲- او مرد بهرم ، او زنده شد
 او مرد بهرم ، او زنده شد، شکر بر او
 وقتی مسیح باز آید مرا نزد خود بر
 او مرد بهرم ، او زنده شد، شکر بر او

۳- بر می گردد ، زود می آید
 بر می گردد، زود می آید، شکر بر او
 وقتی مسیح باز آید مرا نزد خود برد
 بر می گردد، زود می آید، شکر بر او

خداوند را از آسمان تسیح بخوانید
در اعلیٰ علین او را تسیحش بخوانید دائماً"

هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ
هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَا شُكْرَ بَرِ اَوْ

همه فرشتگان او را تسیح بخوانید
همه لشکرهای او ، او را تسیح بخوانید تا ابد

هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ
هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَا شُكْرَ بَرِ اَوْ

بادف ورقص او را با هم تسیح بخوانید
هر که روح دارد خداوند را تسیح بخواند هر روزه

هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ
هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَا شُكْرَ بَرِ اَوْ

هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَاهُ ، هَلَلُـوِیَا شُكْرَ بَرِ اَوْ

آزادم کرد آزادم کرد
عیسی آمد و مرا آزاد کرد

بارهایم افتاد نجاتم داد
عیسی آمد و مرا آزاد کرد

با قلبی آکنده از مهر عیسی
شوقی افروخته ز آتش خدا
همچو سربازان برتن پوشیده سلاح
نبرد کنیم بهر نجات مردم از گناه
عیسی مسیح شاه است ما سفیریم
به خون پاکش از گناه شسته ایم
بهر شاهمان پیوسته همی کوشیم
چون مسیح آید شبیهش می گردیم

* * *

من دارم شادی شادی شادی شادی
در قلب خود در قلب خود در قلب خود
من دارم شادی شادی شادی شادی
در قلب خود در قلب خود دائم

۱- من شمارا صیادکنم ، صیادکنم ، صیادکنم
 من شمارا صیادکنم با من بیاید
 با من بیاید با من بیاید ، من شمارا صیادکنم با من بیاید

۲- مسیح گوید نزدم بیا نزدم بیا نزدم بیا
 مسیح گوید نزدم بیا آرامش دهم
 آرامش دهم، آرامش دهم ، مسیح گوید نزدم بیا آرامش دهم

همه باید بدانند ، همه باید بدانند
همه باید بدانند این عیسی کیست
همه باید بدانند ، همه باید بدانند
همه باید بدانند این عیسی کیست
اوست سوسن وادیها ، اوست ستاره رخشان
اوست زیباتر از ده هزار ، همه باید بدانند

* * *

فرو ریخت فرو ریخت
 بار گناهان قلبم فرو ریخت
 فرو ریخت فرو ریخت
 بار گناهان قلبم فرو ریخت

هر گناه پاک شده
 با خورش بخشیده
 هلولیا فرو ریخت فرو ریخت
 بار گناهان قلبم فرو ریخت

ساکن است ساکن است
هللویا ساکن است در من
ساکن است ساکن است
هللویا ساکن است در من
شب و روز من مسرورم
گرچه تنگ بود راهم
چون روح او ساکن است در من

جان من در دست توست
در آستان قدس توست
حیاتم در دست توست
ز تو است و بهر توست
خداوند چه می خواهی
روم هر جا که خواهی
هرگز من نمی خواهم
غیر از آنچه تو خواهی

خدا راهی مهیا می کند
او راهم را مهیا می کند
اگر با او راه روم
با او زندگی کنم
او راهم را مهیا می کند

خداوند ، خداوند
ازمردگان برخاسته ، خداوند
هر زانویی خم شود، هر زبانی بگوید
عیسی خداوند است

بندگردان

چون زنده است از فردا نترسم

چون زنده است

ترسی ندارم

چون دانم آینده در دستهای اوست

و زیستن ارزش دارد

چون او زنده است

۱- خدا فرستاد ، پسرش عیسی را

با مهر شفا داد و عفو فرمود

او زیست و مرد تا آزاد سازد

قبر خالی گوید منجی ام زنده است

بندگردان

چون زنده است از فردا نترسم

چون زنده است

ترسی ندارم

چون دانم آینده در دستهای اوست

و زیستن ارزش دارد

چون او زنده است

۲- بزودی عیسی به جهان باز آید

ای عزیزان دانید وقت کم است
وقتی او آید ایمانداران را
به حضور پر جلال پدر برد

بندگردان

چون زنده است از فردا نترسم
چون زنده است
ترسی ندارم
چون دانم آینده در دستهای اوست
و زیستن ارزش دارد
چون او زنده است

۳- و روزی من از آن رود بگذرم
جنگم با رنجهای واپسین
چون پس از مرگ آید پیروزی
نور جهان گوید منجی ام زنده است

بندگردان

چون زنده است از فردا نترسم
چون زنده است
ترسی ندارم
چون دانم آینده در دستهای اوست
و زیستن ارزش دارد
چون او زنده است

* * *

عیسیٰ، نامت چہ زیبا
منجی عزیز، رب جلال

عمانوئیل، خدا بامہ
ناجی رحیم، رب قدیر

عیسی برای من همه چیز است
برای هر مشکل او جواب است

خود را فدایم کرد هر چیز را نو ساخت
او هر چیز من است، برای تو چیست

عیسی را دوست دارم (۳)
چونکه مرا دوست داشت

او مرا دوست دارد (۳)
من هم دوستش دارم

با دستهایی باز
 دهانی پر از حمد
 با قلبی شکرگزار
 تو را می ستایم

تو را می ستایم
 تو را می ستایم
 با قلبی شکرگزار
 تو را می ستایم

زیرا تو ای خداوند خالق عالمیان
برتر ز هر قدرتی در آسمان (۲)
جلال از توست جلال از توست
جلال از توست عیسی (۲)
زیرا تو ای خداوند خالق عالمیان
برتر ز هر قدرتی در آسمان (۲)

چشمانم بگشا
 عیسی را بینم
 به پای او افتم
 گویم دوستش دارم

گوشه‌ایم بگشا
 آوازش بشنوم
 چشمانم بگشا
 عیسی را بینم

مسیح برآرد هر آرزویم را
مسیح برآرد نیازم را

او دهد نجات، تعمیر و شفا
اوه هلاک‌ویاه، کافیت مرا

در جلال عبادتش کنید
جلال و اکرام باد بر نام عیسی
جلال و قدرت و برکات
جاریست ز تخت رحمت بهر مؤمنین
جلال دهید سرایید نام عیسی را
ستایید نام مسیح شاه شاهان
در جلال عبادتش کنید
او را که مرد قیام فرمود شاه شاهان

عمـانـوئـیل عمـانـوئـیل
نام عیسی است عمانوییل
او با ماست مکشوف در ما
نام عیسی است عمانوئیل

* * *

جان من خداوند را متبارک بخوان
 وجود من نامش متبارک خواند
 اوست سلطان (تا ابد هلولیاه)
 خداوند (تا ابد هلولیاه)
 اوست سلطان (تا ابد هلولیاه)
 اوست سلطان و خداوند
 جان من خداوند را متبارک بخوان
 وجود من نامش متبارک خواند

گر خواهی شادی وجد حقیقی
عیسی را در دل پذیر
گر خواهی شادی وجد حقیقی
عیسی را در دل پذیر
گناهت پاک سازد شبت را روز کند
قلبت را نوسازد دائم با تو ماند
گر خواهی شادی وجد حقیقی
عیسی را در دل پذیر

وسیع تر از دریاها
 بلندتر از آسمانها
 از دریا بی پایان تر
 مهر عیسی

گرچه نالایقیم ما
 فرزند خالقیم ما
 کلامش می گوید که مهرش می رسد
 در هر جا

عیسی عیسی
عیسی مسیح خداوندم
چقدر مرا دوست می داری
دوستت دارم دوستت دارم

گوییم هَلَلوِیا ، شکرش هَلَلوِیاه ،
 حمدش هَلَلوِیاه
 ستایش کنیم نام عیسی را (۲)

نجات داده است مرا ، بخشیده گناهم را ،
 از روح پر کرده مرا
 ستایش کنم نام عیسی را (۲)

من عیسی را دوست دارم ، عیسی مرا دوست دارد ،
 من عیسی را دوست دارم
 ستایش کنم نام عیسی را (۲)

باید سرایم تمجید نمایم
نام عیسی منجی خود را

تا آخرین لحظه عمر
باید تمجید کنیم نام او را (۲)

بر خداوند توکل نما
در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو

در خداوند تمتع ببر
پس مسألت دل تو را به تو خواهد داد

طریق خود را به خداوند بسپار
بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد

با گناهانم بسوی تو آییم
 با قلبی شکسته بسوی تو آییم

دانم که اینک قلبم را نیک می بینی
 قلب شکسته و گناهکار مرا

با گناهانم بسوی تو آییم
 با قلبی شکسته بسوی تو آییم

سخنان زبانه و تفکر دلم
منظور نظر تو باشد

ای خداوند صخره من و نجات من
صخره و نجات من

عیسی مسیح سلطنت کند سلطنت کند سلطنت کند
بر روی دنیا بر قوم خدا بر قلبهای ما سلطنت کند (۲)

خداوند عیسی سلطان قلبها (۲)
بر قوم خدا بر قلبهای ما خداوند عیسی سلطنت کند (۲)

عیسی مسیح سلطنت کند سلطنت کند سلطنت کند
بر روی دنیا بر قوم خدا بر قلبهای ما سلطنت کند (۲)

* * *

ایمان آور ، ایمان آور
همه چیز امکان دارد ایمان آور
ایمان آور ، ایمان آور
همه چیز امکان دارد ایمان آور
ایمان دارم ، می پذیرم
همه چیز امکان دارد ایمان دارم
ایمان دارم ، می پذیرم
همه چیز امکان دارد ایمان دارم

نامش عجیب است (۳)

مسیح عیسی

شاه پر جلال مالک هستی نامش عجیب است

مسیح عیسی

شبان اعظم صخره نجات

خدای قدیر اوست

زانو بزیند او را پرستید نامش عجیب است

مسیح عیسی

شکر کنیم بهر نجات
شکر کنیم بهر شفایت

شکر کنیم بهر عطایت
نجات عظیم پر بهایت

معجزه‌ای در قلبم کرده
منجی‌ام عیسی
معجزه‌ای در قلبم کرده
وقتی آمد به قلبم
فیض و محبت عظیمش
مرا عوض کرد شادی بخشید
تولدی نو حیات جاوید
مسیح به من داده

ای عزیزان پیش روید
 مژده انجیل دهید
 عیسی نجات می دهد
 از گناه آزاد سازد

سرود خوانان شادی کنان
 همه جا اعلان کنید
 عیسی نجات آزادی را
 به گناهکار می بخشد (۲)

داماد می آید

اینست امید ما امید عظیم
 که مسیح می آید
 ای ایمانداران آماده بشوید
 آماده دیدنش
 بیدار باشید دعا کنید
 در مسیح بمانید
 چونکه داماد مانند دزد
 سر زده می آید

داماد می آید

اینست امید ما امید عظیم
 که مسیح می آید
 ای ایمانداران آماده بشوید
 آماده دیدنش

داماد می آید

ای مسیحا زود بیا
 ای مسیحا زود بیا
 ای مسیحا زود بیا
 مسیحا زود بیا

هر روز در دعا گوئیم
 هر روز در دعا گوئیم
 هر روز در دعا گوئیم
 مسیحا زود بیا

اوست خدای قادر شفیع و هم ناظر
ای زمین و آسمان جمیع فرشتگان
سرائید عیسی را

تسبیحش بخوانیم بهرش دستک زنیم
با بربط و کرنا با سنجهای خوش صدا
سرائید عیسی را

۱- در حضور خداوند
 روح او در ماست
 شادان و مسروریم ما
 روح او در ماست
 ما را از روح پر کرده
 روح او در ماست
 از دل او را ستائیم
 روح او در ماست
 ها هاللوپاه روح او در ماست (۲)

۲- خداوند شبان ماست
 روح او در ماست
 او راه راستی ماست
 روح او در ماست
 ما را نیز حفظ می کند
 روح او در ماست
 هر جا ما را می برد
 روح او در ماست
 ها هاللوپاه روح او در ماست (۲)

۳- او شایسته حمد است
 روح او در ماست
 تسبیحات او را سزاست

روح او در ماست
با قوت خداوند
روح او در ماست
نامش را برافزایم
روح او در ماست
ها هاللوویه روح او در ماست (۲)

تقدیم نمایم خود را
 با حمد ای روح خدا
 شکر که هدیه نمودی
 عیسی را به ما
 ملجا و صخره من
 پدر ای سرور من
 شکر که هدیه نمودی
 عیسی را به ما
 (ضعیف گوید قوی هستم
 در فقر غنی هستم)
 (این است طریق خدای زنده) (۲)

فدیه شدگان خداوند (۳)
نجات او را اعلام کنید

خداوند گفت مرا آزاد شو (۳)
آزادم ، آزادم ، شکر بر او

به قصـرهای او داخـل شو
خداوند را سجـده کن

به قصـرهای او داخـل شو
جـلال و شـکوهش یـین

به حضـور قدوسـش بـرو
او را ستـایش کن

به قصـرهای او داخـل شو
متبـدل خواهی شد

به قصـرهای او داخـل شو
خداوند را سجـده کن

به قصـرهای او داخـل شو
جـلال و شـکوهش یـین

به حضـور قدوسـش بـرو
او را ستـایش کن

به قصـرهای او داخـل شو
متبـدل خواهی شد

۱- هلولویا، خداوند را تمجید نمائید
 کارهای عظیم او را اقرار نمائید
 رحمت تو عظیم است فوق آسمانها
 مسکن ما توهستی در جمیع نسلها

بندگردان

نام عیسی را برمی افرازیم
 با تسبیح و سرودهای شادی
 نیکو بنوازید مغنیان
 بسزائید با آهنگ شادی

۲- ضعیفان را قوت می بخشد نام عیسی
 بهر ناتوانان قدرت است نام عیسی
 برتر است نام تو از جمیع خدایان
 برتر است نام تو از کل پادشاهان

بندگردان

نام عیسی را برمی افرازیم
 با تسبیح و سرودهای شادی
 نیکو بنوازید مغنیان
 بسزائید با آهنگ شادی

۳- ردای تسبیح را بر تن من نمودی

به جای خاکستر غم، روغن شادی
شجاعان بدون خداوند افتاده اند
چون عقاب منتظرانش پرواز کرده اند

بندگردان

نام عیسی را برمی افرازیم
با تسبیح و سرودهای شادی
نیکو بنوازید مغنیان
بسـرائید با آهنگ شادی

* * *

جشن عظیمی است باید سرائیم
سرودها بهر خداوند (۲)

حمدش کنیم سرودی تازه سرائیم (۲)

هَلَلویاه ، هَلَلویاه ،
هَلَلویاه ، هَلَلویاه ،
هَلَلو ، هَلَلویاه (۲)

۱- اکنون آمده ایم
 به حضورت عیسی
 مشتاق ملاقات هستیم
 می خواهیم عیسی
 توباً ما بمانی
 منتظر هستیم محبوب جان
 مبارک نما ای عیسیای محبوب
 همه وجود ما را (۲)

۲- برکت ندهی
 نروم ، نروم
 می مانم در حضور تو
 می خواهیم با ایمان
 در ما ظاهر شوی
 قوت را ظاهر نمایی
 مبارک نما ای عیسیای محبوب
 همه وجود ما را (۲)

۳- با ایمان آمده
 به ایمان پذیرم
 برکت سماوی را
 تشنه ام تشنه
 حضور آسمان

سیرابم نما چشمه جان
مبارک نما ای عیسی ای محبوب
همه وجود ما را (۲)

آه خون عیسی (۳)
چون برف پاکم سازد

آه خون عیسی (۳)
شفایم می بخشد

آه خون عیسی (۳)
قدرتم می بخشد

دست زنید، شکر کنید، حمدش کنید
پـرستید
دست زنید، شاد باشید، تسبیح خوانید
هـلـلـهـو یـاه

* * *

شادی نمائیم، شادی نمائیم
شادی نمائیم با عیسی (۲)

مسح نمود با روحش عیسی
لبریز نمود کاسه ام را

حضورش همواره با ما
بخشیده نیکویی صفا

بیائید با هم
یک نفس یک صدا
پرستیم نام عیسی را

محبت خدا
فیض عظیمش را
بخشید حیات نو در عیسی

اوست چشمه حیات
شادی قلب پاک
مسیح است نام خدای ما

بیائید با هم
یک نفس یک صدا
پرستیم نام خدا را

(آئید خوانیم
دست زنیم، دست زنیم
پرستیم نام خدا را
او شایسته حمد و پرستشهاست
هللویاه بر عیسی) (۲)

۱- ای عیسی شاه من
 سرور و ناجی من
 حمدت بر زبان من
 طریقت حیات من

۲- ای خداوند عیسی
 تسلیمت هستم هر جا
 ملکوتت پا برجا
 جلال بیاب تو در ما

۳- شکر ای بره خدا
 نجات دادی هم شفا
 پیروزی دادی ما را
 اعلام کنیم نامت را

۴- ای پسر خدا
 عجیب و بی همتا
 جلال از توست ای عیسی
 ساکن در دل‌های ما

۵- پیروزی دادی ما را
 اعلام کنیم نامت را
 ای بره خدا

عجیب و بی ہمتا

بندگردان

(ماتم مرا به رقص تبدیل کرده ، غمهایم برداشته
 سرود می خوانم ، حال از خوشیهای سما) (۲)

وقتی تنها رنجش بود
 شفا در دستهایش بود
 وقتی تنها دردها بود
 تسلی اش یارم بود
 شیرین است محبت او
 شکافت تاریکی را
 روشنایی را می بینم
 آفتاب صبحگاهی
 خبر از شادمانیست

بندگردان

(ماتم مرا به رقص تبدیل کرده ، غمهایم برداشته
 سرود می خوانم ، حال از خوشیهای سما) (۲)

* * *

به حضور تو می آییم
 با ستایش و تمجید
 قربانیم این سرود است
 قدوس ای شاه ای حیب

تمام جلال از آن توست
 ای رهاننده من
 آزادم از سرافکنده
 عادل ، در تو زنده ام

بر افرازیم
 نام او متعال باد
 بر افرازیم
 نام او قدوس باد

بر افرازیم
 نام او متعال باد
 قدوس را تجلیل کنیم

در حضور قوم خدا
 ستایش کنیم
 آن قدوس کلیسا
 نشسته بر تخت اعلی
 ای نیکویی و ای رحمت
 پر از محبت
 نامت را می پرستیم
 با جشن و شادی می خوانیم

ای محبوب جانم عیسی
 سرور و شاهم
 ای یکتای بی همتا
 رهبر جاودانی ام
 بگذار نامت برافرازیم
 متعال خوانیم
 در آسمان و زمین
 نام عیسی را سرائیم

یهوہ یایرا کـرـدہ مہیا
فیض او کافیسـت مرا مرا

یهوہ یایرا کـرـدہ مہیا
فیض او کافیسـت مرا

تمـام نیازہـایم را
رفـع نمـودہ بر طبق جلالش

فرشتہ خدا قوت می بخشد
یهوہ یایرا قوت است مرا مرا

یهوہ یایرا قوت است

در خانه ام در خانه ام در خانه ام

با محبت عیسی (۲)

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

در خانه ام حین دعا در کلیسا

با محبت عیسی (۲)

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

* * *

(با صدای کرنا
اعلان کنیم بر کوهها
بلرزید مردم دنیا
خداوندم زود می آید) ۲
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه یشوآ پادشاه
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه مسیحا پادشاه

(این صدای آشنا
قلب انجیل خدا
بیدار شو بر خیز و بخوان
خداوندم زود می آید) ۲
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه یشوآ پادشاه
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه مسیحا پادشاه

۱- مسیح است نورم , مسیح حیاتم
راه و راستی و هم نجاتم (۲)

بندگردان

هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
حیات عیسی افزون در ما
هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
جلال عیسی افزون در ما

۲- بیائید فیضش را بسراییم
از دل و جان سرود بخوانیم (۲)

بندگردان

هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
حیات عیسی افزون در ما
هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
جلال عیسی افزون در ما

۳- اعلان نمائیم فیض عیسی را
آن ناجی و آن خداوند را (۲)
تو پر جلالی تو پادشاهی
جلالت می دهیم ای عیسی (۲)

بندگردان

هَلَلِـوِیَاه هَلَلِوِیَاه

حیات عیسی افزون در ما

هَلَلِـوِیَاه هَلَلِوِیَاه

جلال عیسی افزون در ما

* * *

شاه شاهان مالک هستی

جلال هَلَلوِیاه (۲)

عیسی خداوند قدیر

هَلَلوِیاه (۲)

ناجی عالم شان اعظم

جلال هَلَلوِیاه (۲)

عیسی خداوند قدیر

هَلَلوِیاه (۲)

ای نور عالم امید جانم

جلال هَلَلوِیاه (۲)

عیسی خداوند قدیر

هَلَلوِیاه (۲)

همه مؤمنین با هم دستک زنیم با شادی
 با فریاد شادمانی
 همه مؤمنین با هم دستک زنیم با شادی
 بهر عیسی

گوئیم هَللویاه ، هَللویاه (۲)

در این عالم یک خداوند
 عیسیای مسیح (۲)

اوست خداوند آسمانها
 خداوند همه مؤمنان

گوئیم هَللویاه ، هَللویاه (۲)

(جـلال می دهیم
 محبت می نمائیم
 ای پادشاه سما
 خداوند ما عیسی) (۲)

(عیسی شایسته جلال
 نشسته ای بر تخت آسمان
 تنها تویی خداوند قدوس بیت ئیل
 ای وعده خدا عمانوئیل) (۲)

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

۱- خدا ساکن گردد
در پرستشهای ما
آنان که خوانندش
در روح و در راستی عیسی
پس با دستهای باز
دهانی پر از حمد
بارقص و با سرور
با شادی می خوانیم

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

۲- خدا ساکن گردد
در پرستشهای ما

آنان که خوانندش
در روح و در راستی عیسی
پس بادستهای باز
دهانی پر از حمد
بارقص و با سرور
با شادی می خوانیم

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

(هللویا ، هللویا
به حضورش رویم با شادیهما
هللویا ، هللویا
ما وقفش کنیم قلبمان)(۲)

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

منجی شایسته ای تو ای شاه شاهان شایسته ای
منجی شایسته ای خداوند قدیرشاه جلال

خدای مقدس تو ای شاه شاهان تویی قدوس
خدای مقدس خداوند قدیر شاه جلال

عیسی خداوندم تو ای شاه شاهان خداوندم
عیسی خداوندم خدای خدایان شاه جلال

اوقـادر است ، او حاکـم است
جلال بر نام خداوند

زیرا خـدای قـادر مـا
سلطنت می کند

اوقـادر است ، او حاکـم است
جلال بر نام خداوند

خداوند را بسـرایید زیرا
سلطنت می کند

اوست خدای قادر شفیع و هم ناظر
ای زمین و آسمان جمیع فرشتگان
سرائید عیسی را

تسبیحش بخوانیم بهرش دستک زنیم
با بربط و کرنا با سنجهای خوش صدا
سرائید عیسی را

(او را دائماً "پرستم او را دائماً" پرستم
 سرودش بر زبانم خواهد بود) (۲)

(آئید او را با من پرستید
 نام قدوسش را برافرازید)

او را دائماً "پرستم او را دائماً" پرستم
 سرودش بر زبانم خواهد بود

۱- آسمان گوید جلال و شکوه عیسی
کیست همچون او نوبر قیام کردگان

بندگردان

(تا ابد تو هستی، بره تخت نشین
نزدت زانوزنم، و تو را پرستم) (۲)

۲- اعلان کنم زیبای خدایم
او فدیة گشت بهر نجات انسانها

بندگردان

(تا ابد تو هستی، بره تخت نشین
نزدت زانوزنم، و تو را پرستم) (۲)

آنان که منتظر باشند
 قوت تازه را از آن خود سازند
 همانند عقاب
 پرواز خواهند کرد
 بالاتر ، بالاتر
 در آسمان اوج گیرند
 بدون خسته نشوند
 خرامند درمانده نشوند

آنان که به خدا ایمان آرند
 حیات تازه را از آن خود سازند
 همچون فرشتگان
 سرود سرایند
 بلندتر ، بلندتر
 با شادی سرایند
 چون خدا را نزد خود دارند
 غم و اشک و دردی ندارند

(۱) از مهر مسیح جدا نشوم گرچه جفاها تهدیدم کند
رنج و محنت را از جان پذیرم تا ایمان پاکم را حفظ کنم

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم
صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسم)(۲)

(۲) در قعر زندان، در غل و زنجیر، زخمهای بسیار، بدن مجروح
با خون ریخته می نویسم من ترکت نکنم ای خداوندم

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم
صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسم)(۲)

(۳) نه مرگ نه حیات نه هیچ قدرتی نه چیزهای حال و نه آینده
نه هیچ بلندی و نه هیچ پستی مرا از تو جدا نسازد

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم
صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسم)(۲)

(۴) تا به آخرین قطره های خون وفاداران اقرارت کنم

عمر و نفسم به پایان رسد مسیح محبوب ترکت نکنم

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم

صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسیم)(۲)

* * *

آیید به حضور او با تسبیح

با شادی نامش سراییم

آیید نام قدوسش حمد گوئیم

در نجاتش شادی کنیم

(چون خدای ما پادشاه است

او خداوند این جهان است) (۲)

او خداوند این جهان است

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران)(۲)

۱ - (با یکدل ، همه با یکدل ، با یکدل

با محبت همواره با یکدل)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران)(۲)

۲ - (با ایمان ، همه با ایمان ، با ایمان

با محبت همواره با ایمان)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران)(۲)

۳ - (با قوت، همه با قوت ، با قوت

با محبت همواره با قوت)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است
با هم بودن ایمانداران)(۲)

۴- (با شادی، همه باشادی، با شادی
با محبت همواره باشادی)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است
با هم بودن ایمانداران)(۲)

* * *

(۱) حمد او همیشه بر زبان من است
 دهانم نیز پُر از ذکر اوست
 فروتنان شنوند صدای او را
 او محزونان را چو من شاد کند

بندگردان

آیید نام او را افزایم، ستاییم
 با هم نام او تا ابدالآباد سراییم
 او که آزاد کرد ما را
 از ترسها، از ضعفها
 با هم نام او را بسراییم

(۲) فرشتگانش گِرد ترسندگان اوست
 تا رهانندشان از خطرها
 حتی شیربچگان نیز گرسنه می مانند
 اما محبانش را کمی نیست

بندگردان

آیید نام او را افزایم، ستاییم
 با هم نام او تا ابدالآباد سراییم

او که آزاد کرد ما را
از ترسها، از ضعفها
با هم نام او را بسراییم

۳) آید شنوید از من از وعده‌های او
که عجیب است و چه پُر جلال
باید بدارید حکمش، آنچه را که گفته
تا بشنود خداوند فریادت

بندگردان

آید نام او را افزایم، ستاییم
با هم نام او تا ابدالآباد سراییم
او که آزاد کرد ما را
از ترسها، از ضعفها
با هم نام او را بسراییم

باشادی و حمد و پرستش به پیش رویم
 با لشکر آسمانی هم صدا شویم
 در این جهان نور عیسی باید افشانیم
 شادی و صلح و صفا به دلها ببخشیم

بندگردان

عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما
 عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما

با فیض عیسی پیروز گشته ایم بر دنیا
 با نام عیسی فرو می ریزیم قلعه ها
 کیست به ضد ما چو عیسی شد یاور ما
 اوست سردار لشکر سماوی خدا

بندگردان

عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما
 عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما

آیید جشنی بر پا کنیم از بهر عیسی
جشنی برای سردار لشکر خدا
چون عیسی سردار لشکر آسمانیست
پیروزی ما در این نبرد آشکار است

بندگردان

عیسی مسیح ، هست او سردار ما
عیسی مسیح ، هست او قدرت ما
عیسی مسیح ، هست او سردار ما
عیسی مسیح ، هست او قدرت ما

۱- بیایید برای خداوند
 سرودی نوباهم بسرائیم
 از دل آوای شادی افرازیم
 زیرا در خداوند عیسی پیروزیم (۲)

بندگردان

(خداوند عیسی (۲) با این سرود
 به حضورت آئیم) (۲)

۲- دستهای همدیگر بگیریم
 خداوند را در یکدیگر بینیم
 دلهای ما به حضور پاکش بریزیم
 زیرا در خداوند عیسی پیروزیم (۲)

بندگردان

(خداوند عیسی (۲) با این سرود
 به حضورت آئیم) (۲)

۳- طریق خود را به او سپاریم
 در انتظار رحمتش بمانیم
 نام قدوس او را افرازیم
 زیرا در خداوند عیسی پیروزیم (۲)

بندگردان

(خداوند عیسی (۲) با این سرود

به حضورت آئیم) (۲)

۱- پدر دوستت دارم
 وتورا می ستایم
 بر نامت جلال ، باد تا ابد
 بر نامت جلال (۲)
 بر نامت جلال ، باد تا ابد

۲- عیسی دوستت دارم
 وتورا می ستایم
 بر نامت جلال ، باد تا ابد
 بر نامت جلال (۲)
 بر نامت جلال ، باد تا ابد

۳- روح القدس دوستت دارم
 وتورا می ستایم
 بر نامت جلال ، باد تا ابد
 بر نامت جلال (۲)
 بر نامت جلال ، باد تا ابد

پدر جان محبت تو
 آنقدر عظیم است ندانم
 بدون تو حیات چه بود
 ای خداوندم
 خواندی مرا فرزند خود
 دهی هر روز محبت
 نکنی ترک خداوندم
 چون تو پدر من هستی

(حمد بر نام قدوس باد تو پادشاه هستی
 تنها تویی رب الارباب)(۲)

پیروزی هست ، آزادی هست
پیروزی در نام تو عیسی
پر جلال است ، پر قدرت است
پر جلال ، تنها نام تو عیسی
چون ترسان شوم ، جانم خم شود
باز در تو ظفر خواهم یافت

(آنگه سراییم ، باز هم سراییم
پیروزی هست در نام تو عیسی) (۲)

تو بی همتایی ، تو بی همتایی ،
تو بی همتایی ، تو بی همتایی
تو خداوندی ، پسر خدا ،
عیسای مسیح ، تو بی همتایی
تو محبتی ، تو آرامشی ،
دوستت می دارم ، تو بی همتایی
می پرستم ، می پرستم ،
پسر خدا ، تو بی همتایی

۱- تو پادشاهم هستی
 جلال برنامت
 تو بره قدوسی
 جلال بر نامت
 تو قادر مطلق
 جلال بر نامت
 تو خداوندم هستی
 جلال بر نامت

بندگردان

درنامت گناهم پاک شد
 قوت بخشید به جان من
 درنامت قدرت خواهم داشت
 جلال برنام قدوست

۲- تو راه نجاتمی
 جلال بر نامت
 تو صخره محکمی
 جلال بر نامت
 تو نور وجودمی
 جلال بر نامت
 تو امید حیاتی

جلال بر نامت

بندگردان

در نامت گناهم پاک شد
قوت بخشید به جان من
در نامت قدرت خواهم داشت
جلال بر نام قدوست

جلالت دهیم
برافرازیم
نام عظمت را
پر جلالی
شایسته ای
خدای قدوسی

جلال و قوت ، عزت و حرمت
 بر نام قدیم الایام
 تمام قومها ، همه زبانها
 سراپید قدیم الایام
 آسمان و زمین گویند
 از شکوه نامش
 هر زانویی خم می گردد
 در نزدش

نام تو ستوده گردد
 و ملکوت تو ، زایل نشود

ملکوت تو برقرار گردد
 سراپید قدیم الایام
 هیچکس جز تو سزاوار حمد نیست
 ستایید قدیم الایام

آسمان و زمین گویند
 از شکوه نامش
 هر زانویی خم می گردد
 در نزدش

نام تو ستوده گردد
و ملکوت تو ، زایل نشود
ملکوت تو برقرار گردد
سرایید قدیم الایام
هیچکس جز تو سزاوار حمد نیست
ستایید قدیم الایام

* * *

چون روی قدوست را بینم
چون عشق و مهرت را بنگرم

حضورت چون تابدم
آنگه تنها تو را بینم

چون تنها در تو شادی یافته ام
کنم تسلیم تو هر خواسته ام

حضورت چون تابدم
آنگه تنها تو را بینم

(ستایمت ، ستایمت ،

با هر نفس عیسی ستایمت) (۲)

| | |
|------------|----------------|
| خدا نیکوست | با شادی سراییم |
| خدا نیکوست | حمدش گوئیم |
| خدا نیکوست | شکی نداریم |
| خدا نیکوست | یقین داریم |

چون به یاد آرم محبتش
 قلبم حمد گوید
 از شادی می رقصم
 چون در قلبش جا هست برایم
 سویش روم با اشتیاق

| | |
|------------|----------------|
| خدا نیکوست | با شادی سراییم |
| خدا نیکوست | حمدش گوئیم |
| خدا نیکوست | شکی نداریم |
| خدا نیکوست | یقین داریم |

ای محبوبم چه زیبا هستی
 و دلپسندی خداوندم (۲)
 می سپارم من بارهایم
 با دستانی باز سویت
 شکر گزار و شادم چون منجی ام هستی
 خواهم سر فرود آرم
 و به زانو در آیم
 تو قدوسی ، تو عظیمی
 فخر من هستی

ای محبوبم چه زیبا هستی
 و دلپسندی خداوندم (۲)
 دوستت دارم

جـلال ، جـلال
 جلال باد بر شاه شاهان
 جـلال ، جـلال
 جلال باد بر شاه شاهان
 نامش را برافرازیم
 با هم سراییم
 شکوه و جلال خدا را
 جلال باد بر شاه شاهان

آنچه کهنه بود در گذشت ، همه چیز تازه شد
 در این سال جدید
 گذشته ات را فراموش کن
 بگزار در این سال نو ، قلبت تبدیل گردد
 با خواندن نام عیسی ، زندگیت شیرین شود
 و در این سال نو آرامش و صلح بخواه
 گذشته ات را به او بسپار
 و این سال را با لبخند آغاز کن

باران می بارد ، بر روی کلیسا
 پر سازد قلبت از شادیش
 بگذار خداوند در این سال با حضورش
 زندگیت را تبدیل کند
 تبدیل کند

* * *

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

۱- (آیا می خواهی ملکوتش را) (۳)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

۲- (ملکوت او پر از محبت) (۳)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

۳- (ملکوت عیسی صلح و آشتیست) (۳)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

٤- (ملکوت عیسی پر از شادایست) (٣)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس

عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

عیسی را باهم پرستیم (۴)
او زنده است ، او زنده است
تا ابد الابد
او زنده است ، او زنده است
بیائید با هم ، نجات خود را جشن گیریم

* * *

(عیسی صخره من است و من در او شادم) (۲)

(شادی ما ، شادی دنیایی نیست) (۲)

هیچ چیز آن را از من نخواهد گرفت

عیسی صخره
.....

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۱- (خداوند ما خدایست غیور) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۲- (خداوند ما خدایست مسرور) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۳- (خداوند ما خدایست نیکو) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۴- (خداوند ما خدایست قادر) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی

باشد در مسکن عادلان)(۲)

۵- (خداوند ما خدایست شفیع)(۴)

بندگردان

(فریادهای شادی و آزادی

باشد در مسکن عادلان)(۲)

* * *

کاخی ز حمد سازید او را برافرازید
باقلب و زبان با حمد و شکر گویان
بهر شاه شاهان

بهرش سرود خوانید با شادی سرائید
مهرش بی زوال آن شاه پر جلال
در وصفش سرائید بهرش سرود خوانید

کلامش می گوید
 دوستی هست از برادر چسبنده تر
 نورش در تاریکی
 از هر ستاره ای درخشنده تر
 روی دوست خود را
 با پند و اندرزها تیز می سازد او
 با راه حلهايش
 عطریست دل و جان را شاد می سازد او
 حین افتادن ها
 فوراً دست گیرد و بر خیزاند او
 ای دوست عزیزم
 دانی عیسی باشد آن یار نیکو
 روی دوست خود
 را با پند و اندرزها تیز می سازد او
 با راه حلهايش
 عطریست دل و جان را شاد می سازد او
 (عطریست دل و جان را شاد می سازد او) (۲)

[ملجای من تویی مأوای من تویی
لبریز کن قلبم از سرود رهایی
امیدم بر توست] (۲)

(امیدم بر توست ضعیف گوید قوی هستم
در تو ای خداوند) [(۲)
امیدم بر توست

۱- من آزادی دارم تو آزادی داری
 همه ما آزادی داریم
 من آزادی دارم تو آزادی داری
 همه ما آزادیم
 خداوندگفت و شد زنجیرها پاره شد
 گناهان ما پاک شد هلولیا
 من آزادی دارم تو آزادی داری
 همه ما آزادیم

۲- من آرامش دارم تو آرامش داری
 همه ما آرامش داریم
 من آرامش دارم تو آرامش داری
 همه ما آرامیم
 خداوندگفت و شد زنجیرها پاره شد
 گناهان ما پاک شد هلولیا
 من آرامش دارم تو آرامش داری
 همه ما آرامیم

۳- من شادمانی دارم تو شادمانی داری
 همه ما شادمانی داریم
 من شادمانی دارم تو شادمانی داری
 همه ما شادمانیم

خداوند گفت و شد زنجیرها پاره شد
گناهان ما پاک شد هلولیا
من شادمانی دارم تو شادمانی داری
همه ما شادمانیم

۴- من پیروزی دارم تو پیروزی داری
همه ما پیروزی داریم
من پیروزی دارم تو پیروزی داری
همه ما پیروزییم
خداوند گفت و شد زنجیرها پاره شد
گناهان ما پاک شد هلولیا
من پیروزی دارم تو پیروزی داری
همه ما پیروزییم

می بینم، من، افتادن شیطان را
 جلال بر خدا، جلال بر نام عیسی
 می بینم، من، افتادن شیطان را
 جلال بر خدا آمین

می نگرم سوی راست، شیطان سقوط نموده
 می نگرم سوی چپ، شیطان سقوط نموده
 می نگرم سوی پیش، شیطان سقوط نموده
 می نگرم پشت سر، شیطان سقوط نموده
 هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه
 هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه

می بینم، من، پیروزی عیسی را
 جلال بر خدا، جلال بر نام عیسی
 می بینم، من، پیروزی عیسی را
 جلال بر خدا آمین

می نگرم سوی راست، عیسای من پیروز است
 می نگرم سوی چپ، عیسای من پیروز است
 می نگرم سوی پیش، عیسای من پیروز است
 می نگرم پشت سر، عیسای من پیروز است
 هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه

هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ

(شكر شيطان مغلوب است) (۲)

(شكر عيسى پروز است) (۲)

هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ

هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ

* * *

۱- خالق آسمان ، زمین و این جهان
 آشکار شد جلالت در خلقت انسان
 ملائک سرایند ، مهر و محبت
 چون محبت تو زایل نگردد

بندگردان

می سراییم با تمام وجودم
 ستاییم تو را شاه شاهان عیسی
 بهرت خوانم زیباترین سرودم
 نزدت زانو زخم سر فرود آورم

۲- خالق آسمان ، زمین و این جهان
 در قلب سیاهم نورت گشت تابان
 نزدت دعا کنم ، بشنو تو صدایم
 چون بهر تو خوانم
 ای خداوندم

می سراییم با تمام وجودم
 ستاییم تو را شاه شاهان عیسی
 بهرت خوانم زیباترین سرودم
 نزدت زانو زخم سر فرود آورم

هوشیگانا ، هوشیگانا
 هوشیگانا در اعلیٰ علین
 هوشیگانا ، هوشیگانا
 هوشیگانا در اعلیٰ علین
 (نامش برافرازیم
 با هم بسراییم
 شکوه و جلال خدا
 هوشیگانا در اعلیٰ علین) ۲

(به قدسهای تو داخل شده ام
 تا بینم جمال چهره ات
 با خون بره آمده ام
 پُر شوم ز آتش روحت)(۲)

(ای معبود من محبوب من)(۲)
 (نام تو قدوس است قدوس یاه)(۲)

(با قلبی باز ، با قلبی باز ، مشتاق ملاقات تو هستم)(۲)

(ای معبود من محبوب من)(۲)
 (نام تو قدوس است قدوس یاه)(۲)

* * *

۱- (روح القدس تازه کن روحم با لمس خود
 روشن کن افکار مرا با نور خود
 پُر نما قلب مرا از نیکویی ات
 سیراب نما از نهر آب حیات) (۲)

بندگردان

جلال بر تو پدر بهر روح القدس
 جلال ای خداوند بهر روح پاکت
 جلال بر تو پدر بهر روح القدس
 جلال بر تو، جلال بر تو پدر
 هلولیاه هلولیاه هلولیاه هلولیاه
 هلولیاه هلولیاه هلولیاه هلولیاه

۲- (روح القدس تازه کن روحم با قدرتت
 روح القدس زندگی ام را تبدیل نما
 روح القدس جاری کن مهر منجی ام را
 روح القدس تقدیس کن با کلامت) (۲)

بندگردان

جلال بر تو پدر بهر روح القدس
 جلال ای خداوند بهر روح پاکت
 جلال بر تو پدر بهر روح القدس

جلال بر تو، جلال بر تو پدر

هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه

هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه

- ۱- ما همه متحدیم در مسیح یک هستیم (۲)
 دست در دست هم نهیم و کارش را پیش بریم
 و دنیا خواهد دانست ما مسیحی هستیم
 اگر محبتش را ظاهر سازیم
- ۲- در یک سنگر بجنگیم پشتیبان هم باشیم (۲)
 اسلحه کلام را با هم بکار ببریم
 و دنیا خواهد دانست ما مسیحی هستیم
 اگر محبتش را ظاهر سازیم
- ۳- به یک دل می خواهیم برای او کار کنیم (۲)
 و هر جا اعلام کنیم که نجات یافته ایم
 و دنیا خواهد دانست ما مسیحی هستیم
 اگر محبتش را ظاهر سازیم

پیروزی از آن من ، پیروزی از آن من
 با خون منجیم عیسی پیروزی از آن من
 از آن من ، از آن من با خون منجیم عیسی
 پیروزی دارم

آزادی از آن من ، آزادی از آن من
 با خون منجیم عیسی آزادی از آن من
 از آن من ، از آن من با خون منجیم عیسی
 آزادی دارم

شادمانی از آن من ، شادمانی از آن من
 با خون منجیم عیسی شادمانی از آن من
 از آن من ، از آن من با خون منجیم عیسی
 شادمانی دارم

(جایی که روح خداست آزادی آنجاست) (۴)
آنجا صلح، آنجا شادی و محبت

(چون برای آزادی آزادم کردی) (۴)
(آزادم) (۸) آزادم

۱- (هر جا روح خداست آنجا آزادیست) (۴)
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکر هلوپاه
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکرش هلوپاه

۲- (هر جا روح خداست آنجا شادمانیست) (۴)
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکر هلوپاه
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکرش هلوپاه

۳- (هر جا روح خداست آنجا پیروزیست) (۴)
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکر هلوپاه
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکرش هلوپاه

من دارم شادمانی (۳) در عیسی
من دارم شادمانی (۳) در عیسی

من دارم مهر عیسی (۳) در قلبم
من دارم مهر عیسی (۳) در قلبم

* * *

جلال دهم نامت را عیسی
نام عظیمت عیسی
چون از هر نامی
برتر است نام تو
برافرازم نامت را عیسی
نام زیبایت عیسی
چون از هر نامی
برتر است نام تو

۱- ندارم هیچ غم غصه ای در دنیا
 وقتی من هستم در سختی ها
 با شادی و سرور مشتاق بهارم
 در مسیح من آرامی یابم

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
 با گل‌های خوش بوی و زیبا
 خدایم بخشیده بهار سماوی
 همواره با صلیب جلجتا

۲- ای جوان تو بسپار زندگی خود را
 بهر خدمت خالق ما
 تا رسد در پیری روزهای آرامی
 بهار روحانی از سما

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
 با گل‌های خوش بوی و زیبا
 خدایم بخشیده بهار سماوی
 همواره با صلیب جلجتا

۳- بر قلبها بتابد خورشید بهاران

زندگی ما گردد احیا
میوه های عالی بخشد روح خدا
تا مقدس گردد کلیسا

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
با گل‌های خوش بوی و زیبا
خدایم بخشیده بهار سماوی
همواره با صلیب جلجتا

۴- می خواهیم بمانم همیشه وفادار
مقدس زندگی نمایم
ضعیف غالب شود بر هر گناهی
تا ابد بماند بهاران

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
با گل‌های خوش بوی و زیبا
خدایم بخشیده بهار سماوی
همواره با صلیب جلجتا

۱- (بسرای اقرار کن عیساست خداوندت
 بسرای اقرار کن عیساست خداوند) (۲)

اوه عیسی تویی شاه شاهان
 اوه عیسی تویی رب الارباب
 اوه عیسی همگان سرایند
 اوه عیسی شایسته جلال

۲- (بسرای اقرار کن عیسی غلبه یافته
 بسرای اقرار کن عیسی غلبه یافت) (۲)

اوه عیسی سرود ظفر ما
 اوه عیسی قدوس بی همتا
 اوه عیسی برتر از همگان
 اوه عیسی سرور کلیسا

نبرد ما با جسم و خون نیست
 نبردیست با نیروهای ظلمت
 نبرد ما با انسانها نیست
 نبردیست با دشمن خلقت

۱- من ایستاده‌ام با شمشیر روحش
 من ایستاده‌ام با سپر ایمان
 من ایستاده‌ام تا فریاد سردهم
 به نام عیسی دور شو ای شیطان
 (عیسی شاه شاهان، عیسی رب الارباب،
 عیسی سرور آسمان)(۲)

۲- ایستاده‌ام با کلاهخود نجات
 تا باز پس گیرم ارثم از اسارت
 ایستاده‌ام با زره عدالت
 تا مغلوب سازم فوجهای ظلمت
 (عیسی شاه شاهان، عیسی رب الارباب،
 عیسی سرور آسمان)(۲)

۳- ایستاده‌ام با کمر بند راستی
 با نعلین انجیل سلامتی
 ما ایستاده‌ایم به پیش ای هم‌زمان

دنيا محتاج است به ما سرداران
(عيسى شاه شاهان ، عيسى رب الارباب ،
عيسى سرور آسمان)(۲)

* * *

[(خدایم ملجا و قوت من است
در تنگیها فوراً یافت شود) (۲)

پس نخواهم ترسید
گر زمین بلرزد

و همه کوهها
به درون دریاها
فرو ریزند] (۲)

پس نخواهم ترسید
گر زمین بلرزد

و همه کوهها
(به درون دریاها) (۳)
فرو ریزند

با شادی نامش را سرائیم
 او شایسته حمد است
 دستک زنان او را ستائیم
 او شایسته حمد است

بندگردان

شایسته است ، او شایسته حمد است
 هلوپاه ، او شایسته حمد است

دوستت دارم ، دوستت دارم ، دوستت دارم ای عیسی
 هر روزه می بینم که بهر من چه نیکویی
 با قلبی شادمان حمدت گویم نامت را برافرازم
 تو را قلباً " دوست می دارم

زندگی ام ، و روحم اینک در دستان توست
 تو مرا خریده ای با مرگت در جلجتا
 با قلبی شادمان حمدت گویم نامت را برافرازم
 تو را قلباً " دوست می دارم

شبان جانم مطیع تو مانم
هر جا مرا خوانی من می آیم

تسلیم توام صدایت گوش گیرم
هر جا مرا خوانی می آیم

چه باشد چمنهای سبز
یا نهـرهای آرام

دانم شبان جانم
با من است

گرچه به کوهها برسم
وادی های تاریک

چه غم شبان جانم
با من است

چه غم شبان جانم با من است

३११

(قادر متعال کارهایش عظیم
خدای لشکرها کارهایش مهیب
خدای تازه‌ها کارهایش عجیب
محو کهنه‌ها بنای جدید)(۲)

عیسی آتشیست فرو برنده
عیسی شمشیر یست تیز و بُرنده
عیسی عجیب است
عیسی مهیب است
عیسی عظیم است
عیسی قادر است

(قادر متعال کارهایش عظیم
خدای لشکرها کارهایش مهیب
خدای تازه‌ها کارهایش عجیب
محو کهنه‌ها بنای جدید)(۲)

عیسی آتشیست فرو برنده
عیسی شمشیر یست تیز و بُرنده
عیسی عجیب است
عیسی مهیب است
عیسی عظیم است
عیسی قادر است

خداوند آسمانها را ساختی زمین را به قوت عظیم
خداوند آسمانها را ساختی زمین را با بازوی افراشته
هیچ چیز برای تو مشکل نیست
هیچ چیز برای تو مشکل نیست
قادر و هم توانا تو عظیمی

هیچ چیز هیچ چیز در حضورت هیچ چیز
هیچ چیز برای تو مشکل نیست

این است قدرت خدا
 آید بر ما
 این است دست های خدا
 بر سر ما
 این است صلیب عیسی
 بهر نجات ما
 جایی که روح خداست
 هیچ ترسی نیست
 جایی که روح خداست
 آزادی آنجاست

بندگردان

دست بزیند و فریاد یوهو
 عیسی خدای ماست
 چون او بر تخت شاهی نشسته
 خدای ما بر تختش نشسته
 بر این دنیا سلطنت کند

جلال و قوت و عظمت مال اوست
 هـلـلـو یـهـا

بندگردان

دست بزیند و فریاد یوهو
عیسی خدای ماست
چون اوبرتخت شاهی نشسته
خدای ما برتختش نشسته
بر این دنیا سلطنت کند

ای تمامی زمین خداوند را بسرایید
کارهای عظیم و جلالش را به مردم بازگو کنید

چون او عظیم است
در قوت و جلالش
شادی کنید
خداوند سلطنت می کند

۱- چنانکه آهو بهر نهرهای آب اشتیاق دارد
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند (۲)

بندگردان

تو تنها ملجایم هستی حتی قلبم خواند در تنگی
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند

۲- گرچه شاه اما دوست و برادرم , محبوب جانم
آنکه یوغ بندگی اش را چون تاج بر خود می گیرم (۲)

بندگردان

تو تنها ملجایم هستی حتی قلبم خواند در تنگی
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند

۳- چنانکه آهو بهر نهرهای آب اشتیاق دارد
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند (۲)

بندگردان

تو تنها ملجایم هستی حتی قلبم خواند در تنگی
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند

حاکم هستی تویی خدای قادر
حاکم هستی (۲)

تویی خداوند قادر پر جلالی
تویی خداوند قادر پر جلالی

تویی خداوند قادر پر جلالی
چه عظیمی

(۱) بهر خداوندمان تسبیح خوانید
 بهر فیض و محبت عظیمش
 به آواز کرنا تسبیح خوانید
 هرکه روح دارد این سرود را خواند

بند گردان

ها هلولویاه خدای قدیر حمد و سپاس بر نام قدوست
 قدرت و قوت و پادشاهی از آن توست ای قدوس تا ابد

(۲) جلالت دهیم تو ما را دوست داشتی
 بهر نجات ما جانت را دادی
 با بربط و عود تو را می سراییم
 با سرود تو را جلالت می دهیم

بند گردان

ها هلولویاه خدای قدیر حمد و سپاس بر نام قدوست
 قدرت و قوت و پادشاهی از آن توست ای قدوس تا ابد

(۳) با تمام قدرت و تمام روح
 ای مقدسین او را پرستید

اورا با دف و رقص تسبیح بخوانید
هر که روح دارد این سرود را خواند

بندگردان

هاهلولویاه خدای قدیر حمد و سپاس بر نام قدوست
قدرت و قوت و پادشاهی از آن توست ای قدوس تا ابد

بندگردان

با قوت نام عیسی آزاد کنیم اسیران
شفا دهیم بیماران را گوئیم اوست تنها سلطان

(۱) نامش فوق هر نامیست
او خدای جاودانیست
اعلام کنیم تو شاهی
در عدالت می خوانیم

بندگردان

با قوت نام عیسی آزاد کنیم اسیران
شفا دهیم بیماران را گوئیم اوست تنها سلطان

(۲) عیسای محبوب ما
منجی و آقای ما
با قوت نام تو
ملکوت پیش بریم

بندگردان

با قوت نام عیسی آزاد کنیم اسیران

شفا دهیم بیماران را گوئیم اوست تنها سلطان

* * *

عیسی عیسی
عیسی مسیح خداوندم
چقدر مرا دوست می داری
دوستت دارم دوستت دارم

گوییم هَلَلوِیا ، شکرش هَلَلوِیاه ،
 حمدش هَلَلوِیاه
 ستایش کنیم نام عیسی را (۲)

نجات داده است مرا ، بخشیده گناهم را ،
 از روح پر کرده مرا
 ستایش کنم نام عیسی را (۲)

من عیسی را دوست دارم ، عیسی مرا دوست دارد ،
 من عیسی را دوست دارم
 ستایش کنم نام عیسی را (۲)

باید سرایم تمجید نمایم
نام عیسی منجی خود را

تا آخرین لحظه عمر
باید تمجید کنیم نام او را (۲)

بر خداوند توکل نما
در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو

در خداوند تمتع ببر
پس مسئلت دل تو را به تو خواهد داد

طریق خود را به خداوند بسپار
بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد

با گناهانم بسوی تو آییم
با قلبی شکسته بسوی تو آییم

دانم که اینک قلبم را نیک می بینی
قلب شکسته و گناهکار مرا

با گناهانم بسوی تو آییم
با قلبی شکسته بسوی تو آییم

سخنان زبانه و تفکر دلم
منظور نظر تو باشد

ای خداوند صخره من و نجات من
صخره و نجات من

عیسی مسیح سلطنت کند سلطنت کند سلطنت کند
بر روی دنیا بر قوم خدا بر قلبهای ما سلطنت کند (۲)

خداوند عیسی سلطان قلبها (۲)
بر قوم خدا بر قلبهای ما خداوند عیسی سلطنت کند (۲)

عیسی مسیح سلطنت کند سلطنت کند سلطنت کند
بر روی دنیا بر قوم خدا بر قلبهای ما سلطنت کند (۲)

* * *

ایمان آور ، ایمان آور
 همه چیز امکان دارد ایمان آور
 ایمان آور ، ایمان آور
 همه چیز امکان دارد ایمان آور
 ایمان دارم ، می پذیرم
 همه چیز امکان دارد ایمان دارم
 ایمان دارم ، می پذیرم
 همه چیز امکان دارد ایمان دارم

نامش عجیب است (۳)

مسیح عیسی

شاه پر جلال مالک هستی نامش عجیب است

مسیح عیسی

شبان اعظم صخره نجات

خدای قدیر اوست

زانو بزیند او را پرستید نامش عجیب است

مسیح عیسی

شکر کنیم بهر نجات
شکر کنیم بهر شفایت

شکر کنیم بهر عطایت
نجات عظیم پر بهایت

معجزه‌ای در قلبم کرده
منجی‌ام عیسی
معجزه‌ای در قلبم کرده
وقتی آمد به قلبم
فیض و محبت عظیمش
مرا عوض کرد شادی بخشید
تولدی نو حیات جاوید
مسیح به من داده

ای عزیزان پیش روید
 مژده انجیل دهید
 عیسی نجات می دهد
 از گناه آزاد سازد

سرود خوانان شادی کنان
 همه جا اعلان کنید
 عیسی نجات آزادی را
 به گناهکار می بخشد (۲)

داماد می آید

اینست امید ما امید عظیم
 که مسیح می آید
 ای ایمانداران آماده بشوید
 آماده دیدنش
 بیدار باشید دعا کنید
 در مسیح بمانید
 چونکه داماد مانند دزد
 سر زده می آید

داماد می آید

اینست امید ما امید عظیم
 که مسیح می آید
 ای ایمانداران آماده بشوید
 آماده دیدنش

داماد می آید

ای مسیحا زود بیا
 ای مسیحا زود بیا
 ای مسیحا زود بیا
 مسیحا زود بیا

هر روز در دعا گوئیم
 هر روز در دعا گوئیم
 هر روز در دعا گوئیم
 مسیحا زود بیا

اوست خدای قادر شفیع و هم ناظر
ای زمین و آسمان جمیع فرشتگان
سرائید عیسی را

تسبیحش بخوانیم بهرش دستک زنیم
با بربط و کرنا با سنجهای خوش صدا
سرائید عیسی را

۱- در حضور خداوند
 روح او در ماست
 شادان و مسروریم ما
 روح او در ماست
 ما را از روح پر کرده
 روح او در ماست
 از دل او را ستائیم
 روح او در ماست
 ها هاللوپاه روح او در ماست (۲)

۲- خداوند شبان ماست
 روح او در ماست
 او راه راستی ماست
 روح او در ماست
 ما را نیز حفظ می کند
 روح او در ماست
 هر جا ما را می برد
 روح او در ماست
 ها هاللوپاه روح او در ماست (۲)

۳- او شایسته حمد است
 روح او در ماست
 تسبیحات او را سزااست

روح او در ماست
با قوت خداوند
روح او در ماست
نامش را برافزایم
روح او در ماست
ها هاللوویه روح او در ماست (۲)

تقدیم نمایم خود را
 با حمد ای روح خدا
 شکر که هدیه نمودی
 عیسی را به ما
 ملجا و صخره من
 پدر ای سرور من
 شکر که هدیه نمودی
 عیسی را به ما
 (ضعیف گوید قوی هستم
 در فقر غنی هستم)
 (این است طریق خدای زنده) (۲)

فدیه شدگان خداوند (۳)
نجات او را اعلام کنید

خداوند گفت مرا آزاد شو (۳)
آزادم ، آزادم ، شکر بر او

به قصـرهای او داخـل شو
خداوند را سجـده کن

به قصـرهای او داخـل شو
جالال و شکـوهش یـین

به حضـور قدوسـش بـرو
او را ستـایش کن

به قصـرهای او داخـل شو
متبـدل خواهی شد

به قصـرهای او داخـل شو
خداوند را سجـده کن

به قصـرهای او داخـل شو
جالال و شکـوهش یـین

به حضـور قدوسـش بـرو
او را ستـایش کن

به قصـرهای او داخـل شو
متبـدل خواهی شد

۱- هلولویا، خداوند را تمجید نمائید
 کارهای عظیم او را اقرار نمائید
 رحمت تو عظیم است فوق آسمانها
 مسکن ما توهستی در جمیع نسلها

بندگردان

نام عیسی را برمی افرازیم
 با تسبیح و سرودهای شادی
 نیکو بنوازید مغنیان
 بسزائید با آهنگ شادی

۲- ضعیفان را قوت می بخشد نام عیسی
 بهر ناتوانان قدرت است نام عیسی
 برتر است نام تو از جمیع خدایان
 برتر است نام تو از کل پادشاهان

بندگردان

نام عیسی را برمی افرازیم
 با تسبیح و سرودهای شادی
 نیکو بنوازید مغنیان
 بسزائید با آهنگ شادی

۳- ردای تسبیح را بر تن من نمودی

به جای خاکستر غم، روغن شادی
شجاعان بدون خداوند افتاده اند
چون عقاب منتظرانش پرواز کرده اند

بندگردان

نام عیسی را برمی افرازیم
با تسبیح و سرودهای شادی
نیکو بنوازید مغنیان
بسـرائید با آهنگ شادی

* * *

جشن عظیمی است باید سرائیم
سرودها بهر خداوند (۲)

حمدش کنیم سرودی تازه سرائیم (۲)

هَلَلویاه ، هَلَلویاه ،
هَلَلویاه ، هَلَلویاه ،
هَلَلو ، هَلَلویاه (۲)

۱- اکنون آمده ایم
 به حضورت عیسی
 مشتاق ملاقات هستیم
 می خواهیم عیسی
 توباً ما بمانی
 منتظر هستیم محبوب جان
 مبارک نما ای عیسیای محبوب
 همه وجود ما را (۲)

۲- برکت ندهی
 نروم ، نروم
 می مانم در حضور تو
 می خواهیم با ایمان
 در ما ظاهر شوی
 قوت را ظاهر نمایی
 مبارک نما ای عیسیای محبوب
 همه وجود ما را (۲)

۳- با ایمان آمده
 به ایمان پذیرم
 برکت سماوی را
 تشنه ام تشنه
 حضور آسمان

سیرابم نما چشمه جان
مبارک نما ای عیسیای محبوب
همه وجود ما را (۲)

آه خون عیسی (۳)
چون برف پاکم سازد

آه خون عیسی (۳)
شفایم می بخشد

آه خون عیسی (۳)
قدرتم می بخشد

دست زَنید، شکر کنید، حمدش کنید
 پِـرستید
 دست زَنید، شاد باشید، تسبیح خوانید
 هَلَلِـوِیاه

* * *

شادی نمائیم، شادی نمائیم
شادی نمائیم با عیسی (۲)

مسح نمود با روحش عیسی
لبریز نمود کاسه ام را

حضورش همواره با ما
بخشیده نیکویی صفا

بیائید با هم
یک نفس یک صدا
پرستیم نام عیسی را

محبت خدا
فیض عظیمش را
بخشید حیات نو در عیسی

اوست چشمه حیات
شادی قلب پاک
مسیح است نام خدای ما

بیائید با هم
یک نفس یک صدا
پرستیم نام خدا را

(آئید خوانیم
دست زنیم، دست زنیم
پرستیم نام خدا را
او شایسته حمد و پرستشهاست
هللویاه بر عیسی) (۲)

۱- ای عیسی شاه من
 سرور و ناجی من
 حمدت بر زبان من
 طریقت حیات من

۲- ای خداوند عیسی
 تسلیمت هستم هر جا
 ملکوتت پا برجا
 جلال بیاب تو در ما

۳- شکرای بره خدا
 نجات دادی هم شفا
 پیروزی دادی ما را
 اعلام کنیم نامت را

۴- ای پسر خدا
 عجیب و بی همتا
 جلال از توست ای عیسی
 ساکن در دل‌های ما

۵- پیروزی دادی ما را
 اعلام کنیم نامت را
 ای بره خدا

عجیب و بی ہمتا

بندگردان

(ماتم مرا به رقص تبدیل کرده ، غمهایم برداشته
 سرود می خوانم ، حال از خوشیهای سما) (۲)

وقتی تنها رنجش بود
 شفا در دستهایش بود
 وقتی تنها دردها بود
 تسلی اش یارم بود
 شیرین است محبت او
 شکافت تاریکی را
 روشنایی را می بینم
 آفتاب صبحگاهی
 خبر از شادمانیست

بندگردان

(ماتم مرا به رقص تبدیل کرده ، غمهایم برداشته
 سرود می خوانم ، حال از خوشیهای سما) (۲)

به حضور تو می آییم
 با ستایش و تمجید
 قربانیم این سرود است
 قدوس ای شاه ای حیب

تمام جلال از آن توست
 ای رهاننده من
 آزادم از سرافکنده
 عادل ، در تو زنده ام

بر افرازیم
 نام او متعال باد
 بر افرازیم
 نام او قدوس باد

بر افرازیم
 نام او متعال باد
 قدوس را تجلیل کنیم

در حضور قوم خدا
 ستایش کنیم
 آن قدوس کلیسا
 نشسته بر تخت اعلی
 ای نیکویی و ای رحمت
 پراز محبت
 نامت را می پرستیم
 با جشن و شادی می خوانیم

ای محبوب جانم عیسی
 سرور و شاهم
 ای یکتای بی همتا
 رهبر جاودانی ام
 بگذار نامت برافرازیم
 متعال خوانیم
 در آسمان و زمین
 نام عیسی را سرائیم

یهوہ یایرا کـرـدہ مہیا
فیض او کافیسـت مرا مرا

یهوہ یایرا کـرـدہ مہیا
فیض او کافیسـت مرا

تمـام نیازہـایم را
رفع نموده بر طبق جلالش

فرشتہ خدا قوت می بخشد
یهوہ یایرا قوت است مرا مرا

یهوہ یایرا قوت است

در خانه ام در خانه ام در خانه ام

با محبت عیسی (۲)

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

در خانه ام حین دعا در کلیسا

با محبت عیسی (۲)

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

(زندگی چقدر شیرین است) (۲)

با عیسی در خانه ام

(با صدای کرنا
اعلان کنیم بر کوهها
بلرزید مردم دنیا
خداوندم زود می آید) ۲
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه یشوآ پادشاه
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه مسیحا پادشاه

(این صدای آشنا
قلب انجیل خدا
بیدار شو بر خیز و بخوان
خداوندم زود می آید) ۲
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه یشوآ پادشاه
ها ها هلولویاه خدا قادر مطلق
ها ها هلولویاه مسیحا پادشاه

۱- مسیح است نورم , مسیح حیاتم
راه و راستی و هم نجاتم (۲)

بندگردان

هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
حیات عیسی افزون در ما
هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
جلال عیسی افزون در ما

۲- بیائید فیضش را بسراییم
از دل و جان سرود بخوانیم (۲)

بندگردان

هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
حیات عیسی افزون در ما
هَلَلُـوِیَاہ هَلَلُوِیَاہ
جلال عیسی افزون در ما

۳- اعلان نمائیم فیض عیسی را
آن ناجی و آن خداوند را (۲)
تو پر جلالی تو پادشاهی
جلالت می دهیم ای عیسی (۲)

بندگردان

هَلَلِـوِیَاه هَلَلِوِیَاه

حیات عیسی افزون در ما

هَلَلِـوِیَاه هَلَلِوِیَاه

جلال عیسی افزون در ما

* * *

شاه شاهان مالک هستی

جلال هَلَلوِیاه (۲)

عیسی خداوند قدیر

هَلَلوِیاه (۲)

ناجی عالم شان اعظم

جلال هَلَلوِیاه (۲)

عیسی خداوند قدیر

هَلَلوِیاه (۲)

ای نور عالم امید جانم

جلال هَلَلوِیاه (۲)

عیسی خداوند قدیر

هَلَلوِیاه (۲)

همه مؤمنین با هم دستک زنیم با شادی
 با فریاد شادمانی
 همه مؤمنین با هم دستک زنیم با شادی
 بهر عیسی

گوئیم هَللویاه ، هَللویاه (۲)

در این عالم یک خداوند
 عیسیای مسیح (۲)

اوست خداوند آسمانها
 خداوند همه مؤمنان

گوئیم هَللویاه ، هَللویاه (۲)

(جـلال می دهیم
 محبت می نمائیم
 ای پادشاه سما
 خداوند ما عیسی) (۲)

(عیسی شایسته جلال
 نشسته ای بر تخت آسمان
 تنها تویی خداوند قدوس بیت ئیل
 ای وعده خدا عمانوئیل) (۲)

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

۱- خدا ساکن گردد
در پرستشهای ما
آنان که خوانندش
در روح و در راستی عیسی
پس با دستهای باز
دهانی پر از حمد
بارقص و با سرور
با شادی می خوانیم

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

۲- خدا ساکن گردد
در پرستشهای ما

آنان که خوانندش
در روح و در راستی عیسی
پس بادستهای باز
دهانی پر از حمد
بارقص و با سرور
با شادی می خوانیم

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

(هللویا ، هللویا
به حضورش رویم با شادیها
هللویا ، هللویا
ما وقفش کنیم قلبمان)(۲)

بندگردان

(با شادی با شادی به نزد او رویم
تا وقف او کنیم قلبمان
باشادی با شادی به نزد او رویم
تا تقدیمش کنیم عشقمان)(۲)

منجی شایسته ای تو ای شاه شاهان شایسته ای
منجی شایسته ای خداوند قدیرشاه جلال

خدای مقدس تو ای شاه شاهان تویی قدوس
خدای مقدس خداوند قدیرشاه جلال

عیسی خداوندم تو ای شاه شاهان خداوندم
عیسی خداوندم خدای خدایان شاه جلال

اوقـادر است ، او حاکـم است
جلال بر نام خداوند

زیرا خـدای قـادر مـا
سلطنت می کند

اوقـادر است ، او حاکـم است
جلال بر نام خداوند

خداوند را بسـرایید زیرا
سلطنت می کند

اوست خدای قادر شفیع و هم ناظر
ای زمین و آسمان جمیع فرشتگان
سرائید عیسی را

تسبیحش بخوانیم بهرش دستک زنیم
با بربط و کرنا با سنجهای خوش صدا
سرائید عیسی را

(او را دائماً "پرستم او را دائماً" پرستم
 سرودش بر زبانم خواهد بود) (۲)

(آئید او را با من پرستید
 نام قدوسش را برافرازید)

او را دائماً "پرستم او را دائماً" پرستم
 سرودش بر زبانم خواهد بود

۱- آسمان گوید جلال و شکوه عیسی
کیست همچون او نوبر قیام کردگان

بندگردان

(تا ابد تو هستی، بره تخت نشین
نزدت زانوزنم، و تو را پرستم) (۲)

۲- اعلان کنم زیبای خدایم
او فدیة گشت بهر نجات انسانها

بندگردان

(تا ابد تو هستی، بره تخت نشین
نزدت زانوزنم، و تو را پرستم) (۲)

آنان که منتظر باشند
 قوت تازه را از آن خود سازند
 همانند عقاب
 پرواز خواهند کرد
 بالاتر ، بالاتر
 در آسمان اوج گیرند
 بدون خسته نشوند
 خرامند درمانده نشوند

آنان که به خدا ایمان آرند
 حیات تازه را از آن خود سازند
 همچون فرشتگان
 سرود سرایند
 بلندتر ، بلندتر
 با شادی سرایند
 چون خدا را نزد خود دارند
 غم و اشک و دردی ندارند

(۱) از مهر مسیح جدا نشوم گرچه جفاها تهدیدم کند
رنج و محنت را از جان پذیرم تا ایمان پاکم را حفظ کنم

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم
صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسم)(۲)

(۲) در قعر زندان، در غل و زنجیر، زخمهای بسیار، بدن مجروح
با خون ریخته می نویسم من ترک نکنم ای خداوندم

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم
صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسم)(۲)

(۳) نه مرگ نه حیات نه هیچ قدرتی نه چیزهای حال و نه آینده
نه هیچ بلندی و نه هیچ پستی مرا از تو جدا نسازد

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم
صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسم)(۲)

(۴) تا به آخرین قطره های خون وفادارانه اقرارت کنم

عمر و نفسم به پایان رسد مسیح محبوب ترکت نکنم

بندگردان

(ایمانم را حفظ کنم منجی را ترک نکنم

صلیب بر دوش می روم تا به مسیح برسیم)(۲)

* * *

آیید به حضور او با تسبیح

با شادی نامش سراییم

آیید نام قدوسش حمد گوئیم

در نجاتش شادی کنیم

(چون خدای ما پادشاه است

او خداوند این جهان است) (۲)

او خداوند این جهان است

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران)(۲)

۱ - (با یکدل ، همه با یکدل ، با یکدل

با محبت همواره با یکدل)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران)(۲)

۲ - (با ایمان ، همه با ایمان ، با ایمان

با محبت همواره با ایمان)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است

با هم بودن ایمانداران)(۲)

۳ - (با قوت، همه با قوت ، با قوت

با محبت همواره با قوت)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است
با هم بودن ایمانداران)(۲)

۴- (با شادی، همه باشادی، با شادی
با محبت همواره باشادی)(۲)

بند گردان

(اینک چه خوش و چه دلپسند است
با هم بودن ایمانداران)(۲)

* * *

(۱) حمد او همیشه بر زبان من است
 دهانم نیز پُر از ذکر اوست
 فروتنان شنوند صدای او را
 او محزونان را چو من شاد کند

بندگردان

آیید نام او را افزایم، ستاییم
 با هم نام او تا ابدالآباد سراپیم
 او که آزاد کرد ما را
 از ترسها، از ضعفها
 با هم نام او را بسراییم

(۲) فرشتگانش گِرد ترسندگان اوست
 تا رهانندشان از خطرها
 حتی شیربچگان نیز گرسنه می مانند
 اما محبانش را کمی نیست

بندگردان

آیید نام او را افزایم، ستاییم
 با هم نام او تا ابدالآباد سراپیم

او که آزاد کرد ما را
از ترسها، از ضعفها
با هم نام او را بسراییم

۳) آید شنوید از من از وعده‌های او
که عجیب است و چه پُر جلال
باید بدارید حکمش، آنچه را که گفته
تا بشنود خداوند فریادت

بندگردان

آید نام او را افزایم، ستاییم
با هم نام او تا ابدالآباد سراییم
او که آزاد کرد ما را
از ترسها، از ضعفها
با هم نام او را بسراییم

باشادی و حمد و پرستش به پیش رویم
 با لشکر آسمانی هم صدا شویم
 در این جهان نور عیسی باید افشانیم
 شادی و صلح و صفا به دلها ببخشیم

بندگردان

عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما
 عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما

با فیض عیسی پیروز گشته ایم بر دنیا
 با نام عیسی فرو می ریزیم قلعه ها
 کیست به ضد ما چو عیسی شد یاور ما
 اوست سردار لشکر سماوی خدا

بندگردان

عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما
 عیسی مسیح ، هست او سردار ما
 عیسی مسیح ، هست او قدرت ما

آیید جشنی بر پا کنیم از بهر عیسی
جشنی برای سردار لشکر خدا
چون عیسی سردار لشکر آسمانیست
پیروزی ما در این نبرد آشکار است

بندگردان

عیسی مسیح , هست او سردار ما
عیسی مسیح , هست او قدرت ما
عیسی مسیح , هست او سردار ما
عیسی مسیح , هست او قدرت ما

۱- بیایید برای خداوند
 سرودی نوباهم بسرائیم
 از دل آوای شادی افرازیم
 زیرا در خداوند عیسی پیروزیم (۲)

بندگردان

(خداوند عیسی (۲) با این سرود
 به حضورت آئیم) (۲)

۲- دستهای همدیگر بگیریم
 خداوند را در یکدیگر بینیم
 دلهای ما به حضور پاکش بریزیم
 زیرا در خداوند عیسی پیروزیم (۲)

بندگردان

(خداوند عیسی (۲) با این سرود
 به حضورت آئیم) (۲)

۳- طریق خود را به او سپاریم
 در انتظار رحمتش بمانیم
 نام قدوس او را افرازیم
 زیرا در خداوند عیسی پیروزیم (۲)

بندگردان

(خداوند عیسی (۲) با این سرود

به حضورت آئیم) (۲)

۱- پدر دوستت دارم
 وتورا می ستایم
 بر نامت جلال ، باد تا ابد
 بر نامت جلال (۲)
 بر نامت جلال ، باد تا ابد

۲- عیسی دوستت دارم
 وتورا می ستایم
 بر نامت جلال ، باد تا ابد
 بر نامت جلال (۲)
 بر نامت جلال ، باد تا ابد

۳- روح القدس دوستت دارم
 وتورا می ستایم
 بر نامت جلال ، باد تا ابد
 بر نامت جلال (۲)
 بر نامت جلال ، باد تا ابد

پدر جان محبت تو
 آنقدر عظیم است ندانم
 بدون تو حیات چه بود
 ای خداوندم
 خواندی مرا فرزند خود
 دهی هر روز محبت
 نکنی ترک خداوندم
 چون تو پدر من هستی

(حمد بر نام قدوس باد تو پادشاه هستی
 تنها تویی رب الارباب) (۲)

پیروزی هست ، آزادی هست
پیروزی در نام تو عیسی
پر جلال است ، پر قدرت است
پر جلال ، تنها نام تو عیسی
چون ترسان شوم ، جانم خم شود
باز در تو ظفر خواهم یافت

(آنگه سراییم ، باز هم سراییم
پیروزی هست در نام تو عیسی) (۲)

تو بی همتایی ، تو بی همتایی ،
تو بی همتایی ، تو بی همتایی
تو خداوندی ، پسر خدا ،
عیسای مسیح ، تو بی همتایی
تو محبتی ، تو آرامشی ،
دوستت می دارم ، تو بی همتایی
می پرستم ، می پرستم ،
پسر خدا ، تو بی همتایی

۱- تو پادشاهم هستی
 جلال برنامت
 تو بره قدوسی
 جلال بر نامت
 تو قادر مطلق
 جلال بر نامت
 تو خداوندم هستی
 جلال بر نامت

بندگردان

درنامت گناهم پاک شد
 قوت بخشید به جان من
 درنامت قدرت خواهم داشت
 جلال برنام قدوست

۲- تو راه نجاتمی
 جلال بر نامت
 تو صخره محکمی
 جلال بر نامت
 تو نور وجودمی
 جلال بر نامت
 تو امید حیاتی

جلال بر نامت

بندگردان

در نامت گناهم پاک شد
قوت بخشید به جان من
در نامت قدرت خواهم داشت
جلال بر نام قدوست

جلالت دهیم برافرازیم

نام عظیمت را

شایسته ای پر جلالی

خدای قدوسی

جلال و قوت ، عزت و حرمت
 بر نام قدیم الایام
 تمام قومها ، همه زبانها
 سراپید قدیم الایام
 آسمان و زمین گویند
 از شکوه نامش
 هر زانویی خم می گردد
 در نزدش

نام تو ستوده گردد
 و ملکوت تو ، زایل نشود

ملکوت تو برقرار گردد
 سراپید قدیم الایام
 هیچکس جز تو سزاوار حمد نیست
 ستایید قدیم الایام

آسمان و زمین گویند
 از شکوه نامش
 هر زانویی خم می گردد
 در نزدش

نام تو ستوده گردد
و ملکوت تو ، زایل نشود
ملکوت تو برقرار گردد
سرایید قدیم الایام
هیچکس جز تو سزاوار حمد نیست
ستایید قدیم الایام

* * *

چون روی قدوست را بینم
چون عشق و مهرت را بنگرم

حضورت چون تابدم
آنگه تنها تو را بینم

چون تنها در تو شادی یافته ام
کنم تسلیم تو هر خواسته ام

حضورت چون تابدم
آنگه تنها تو را بینم

(ستایمت ، ستایمت ،

با هر نفس عیسی ستایمت) (۲)

| | |
|------------|----------------|
| خدا نیکوست | با شادی سراییم |
| خدا نیکوست | حمدش گوئیم |
| خدا نیکوست | شکی نداریم |
| خدا نیکوست | یقین داریم |

چون به یاد آرم محبتش
 قلبم حمد گوید
 از شادی می رقصم
 چون در قلبش جا هست برایم
 سویش روم با اشتیاق

| | |
|------------|----------------|
| خدا نیکوست | با شادی سراییم |
| خدا نیکوست | حمدش گوئیم |
| خدا نیکوست | شکی نداریم |
| خدا نیکوست | یقین داریم |

ای محبوبم چه زیبا هستی
 و دلپسندی خداوندم (۲)
 می سپارم من بارهایم
 با دستانی باز سویت
 شکر گزار و شادم چون منجی ام هستی
 خواهم سر فرود آرم
 و به زانو در آیم
 تو قدوسی ، تو عظیمی
 فخر من هستی

ای محبوبم چه زیبا هستی
 و دلپسندی خداوندم (۲)
 دوستت دارم

جـلال ، جـلال
 جلال باد بر شاه شاهان
 جـلال ، جـلال
 جلال باد بر شاه شاهان
 نامش را برافرازیم
 با هم سراییم
 شکوه و جلال خدا را
 جلال باد بر شاه شاهان

آنچه کهنه بود در گذشت ، همه چیز تازه شد
 در این سال جدید
 گذشته ات را فراموش کن
 بگزار در این سال نو ، قلبت تبدیل گردد
 با خواندن نام عیسی ، زندگیت شیرین شود
 و در این سال نو آرامش و صلح بخواه
 گذشته ات را به او بسپار
 و این سال را با لبخند آغاز کن

باران می بارد ، بر روی کلیسا
 پر سازد قلبت از شادیش
 بگذار خداوند در این سال با حضورش
 زندگیت را تبدیل کند
 تبدیل کند

* * *

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

۱- (آیا می خواهی ملکوتش را) (۳)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

۲- (ملکوت او پر از محبت) (۳)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

۳- (ملکوت عیسی صلح و آشتیست) (۳)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس
عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

٤- (ملکوت عیسی پر از شادایست) (٣)

همگی بیاید

بندگردان

عدالت سلامتی ، خوشی روح القدس

عدالت سلامتی خداوند ، خوشی روح القدس

عیسی را باهم پرستیم (۴)
او زنده است ، او زنده است
تا ابد الابد
او زنده است ، او زنده است
بیائید با هم ، نجات خود را جشن گیریم

* * *

(عیسی صخره من است و من در او شادم) (۲)

(شادی ما ، شادی دنیایی نیست) (۲)

هیچ چیز آن را از من نخواهد گرفت

عیسی صخره
.....

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۱- (خداوند ما خدایست غیور) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۲- (خداوند ما خدایست مسرور) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۳- (خداوند ما خدایست نیکو) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی
 باشد در مسکن عادلان)(۲)

۴- (خداوند ما خدایست قادر) (۴)

بند گردان
 (فریادهای شادی و آزادی

باشد در مسکن عادلان)(۲)

۵- (خداوند ما خدایست شفیع)(۴)

بندگردان

(فریادهای شادی و آزادی

باشد در مسکن عادلان)(۲)

* * *

کاخی ز حمد سازید او را برافرازید
باقلب و زبان با حمد و شکر گویان
بهر شاه شاهان

بهرش سرود خوانید با شادی سرائید
مهرش بی زوال آن شاه پر جلال
در وصفش سرائید بهرش سرود خوانید

کلامش می گوید
 دوستی هست از برادر چسبنده تر
 نورش در تاریکی
 از هر ستاره ای درخشنده تر
 روی دوست خود را
 با پند و اندرزها تیز می سازد او
 با راه حلهايش
 عطریست دل و جان را شاد می سازد او
 حین افتادن ها
 فوراً دست گیرد و بر خیزاند او
 ای دوست عزیزم
 دانی عیسی باشد آن یار نیکو
 روی دوست خود
 را با پند و اندرزها تیز می سازد او
 با راه حلهايش
 عطریست دل و جان را شاد می سازد او
 (عطریست دل و جان را شاد می سازد او) (۲)

[ملجای من تویی مأوای من تویی
لبریز کن قلبم از سرود رهایی
امیدم بر توست] (۲)

(امیدم بر توست ضعیف گوید قوی هستم
در تو ای خداوند) [(۲)
امیدم بر توست

۱- من آزادی دارم تو آزادی داری
 همه ما آزادی داریم
 من آزادی دارم تو آزادی داری
 همه ما آزادیم
 خداوندگفت و شد زنجیرها پاره شد
 گناهان ما پاک شد هلولیا
 من آزادی دارم تو آزادی داری
 همه ما آزادیم

۲- من آرامش دارم تو آرامش داری
 همه ما آرامش داریم
 من آرامش دارم تو آرامش داری
 همه ما آرامیم
 خداوندگفت و شد زنجیرها پاره شد
 گناهان ما پاک شد هلولیا
 من آرامش دارم تو آرامش داری
 همه ما آرامیم

۳- من شادمانی دارم تو شادمانی داری
 همه ما شادمانی داریم
 من شادمانی دارم تو شادمانی داری
 همه ما شادمانیم

خداوند گفت و شد زنجیرها پاره شد
گناهان ما پاک شد هلولیا
من شادمانی دارم تو شادمانی داری
همه ما شادمانیم

۴- من پیروزی دارم تو پیروزی داری
همه ما پیروزی داریم
من پیروزی دارم تو پیروزی داری
همه ما پیروزییم
خداوند گفت و شد زنجیرها پاره شد
گناهان ما پاک شد هلولیا
من پیروزی دارم تو پیروزی داری
همه ما پیروزییم

می بینم، من، افتادن شیطان را
 جلال بر خدا، جلال بر نام عیسی
 می بینم، من، افتادن شیطان را
 جلال بر خدا آمین

می نگرم سوی راست، شیطان سقوط نموده
 می نگرم سوی چپ، شیطان سقوط نموده
 می نگرم سوی پیش، شیطان سقوط نموده
 می نگرم پشت سر، شیطان سقوط نموده
 هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه
 هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه

می بینم، من، پیروزی عیسی را
 جلال بر خدا، جلال بر نام عیسی
 می بینم، من، پیروزی عیسی را
 جلال بر خدا آمین

می نگرم سوی راست، عیسای من پیروز است
 می نگرم سوی چپ، عیسای من پیروز است
 می نگرم سوی پیش، عیسای من پیروز است
 می نگرم پشت سر، عیسای من پیروز است
 هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه، هلولویاه

هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ

(شكر شيطان مغلوب است) (۲)

(شكر عيسى پيروز است) (۲)

هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ

هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ ، هاللوياہ

* * *

(نام مسیح پر جلال است
 بی نظیر و بی همتاست
 اوست خدای تسلیات
 قادر است در تنگیها) (۲)

او است پر از محبت و فیض
 که احسان کند هر انسانی را
 دهد آرامی و سلامتی
 در طوفانها و در سختیها
 اوست فقط صخره نجات ما
 (چه پُر جلالی ، چه پُر شکوهی
 پر از محبت و راستی) (۲)

۱- خالق آسمان ، زمین و این جهان
 آشکار شد جلالت در خلقت انسان
 ملائک سرایند ، مهر و محبت
 چون محبت تو زایل نگردد

بندگردان

می سراییم با تمام وجودم
 ستاییم تو را شاه شاهان عیسی
 بهرت خوانم زیباترین سرودم
 نزدت زانو زخم سر فرود آورم

۲- خالق آسمان ، زمین و این جهان
 در قلب سیاهم نورت گشت تابان
 نزدت دعا کنم ، بشنو تو صدایم
 چون بهر تو خوانم
 ای خداوندم

می سراییم با تمام وجودم
 ستاییم تو را شاه شاهان عیسی
 بهرت خوانم زیباترین سرودم
 نزدت زانو زخم سر فرود آورم

هوشیگانا ، هوشیگانا
 هوشیگانا در اعلیٰ علین
 هوشیگانا ، هوشیگانا
 هوشیگانا در اعلیٰ علین
 (نامش برافرازیم
 با هم بسراییم
 شکوه و جلال خدا
 هوشیگانا در اعلیٰ علین) ۲

(به قدسهای تو داخل شده ام
 تا بینم جمال چهره ات
 با خون بره آمده ام
 پُر شوم ز آتش روحت)(۲)

(ای معبود من محبوب من)(۲)
 (نام تو قدوس است قدوس یاه)(۲)

(با قلبی باز ، با قلبی باز ، مشتاق ملاقات تو هستم)(۲)

(ای معبود من محبوب من)(۲)
 (نام تو قدوس است قدوس یاه)(۲)

۱- (روح القدس تازه کن روحم با لمس خود
 روشن کن افکار مرا با نور خود
 پُر نما قلب مرا از نیکویی ات
 سیراب نما از نهر آب حیات) (۲)

بندگردان

جلال بر تو پدر بهر روح القدس
 جلال ای خداوند بهر روح پاکت
 جلال بر تو پدر بهر روح القدس
 جلال بر تو، جلال بر تو پدر
 هلولیاه هلولیاه هلولیاه هلولیاه
 هلولیاه هلولیاه هلولیاه هلولیاه

۲- (روح القدس تازه کن روحم با قدرتت
 روح القدس زندگی ام را تبدیل نما
 روح القدس جاری کن مهر منجی ام را
 روح القدس تقدیس کن با کلامت) (۲)

بندگردان

جلال بر تو پدر بهر روح القدس
 جلال ای خداوند بهر روح پاکت
 جلال بر تو پدر بهر روح القدس

جلال بر تو، جلال بر تو پدر

هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه

هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه

- ۱- ما همه متحدیم در مسیح یک هستیم (۲)
دست در دست هم نهیم و کارش را پیش بریم
و دنیا خواهد دانست ما مسیحی هستیم
اگر محبتش را ظاهر سازیم
- ۲- در یک سنگر بجنگیم پشتیبان هم باشیم (۲)
اسلحه کلام را با هم بکار ببریم
و دنیا خواهد دانست ما مسیحی هستیم
اگر محبتش را ظاهر سازیم
- ۳- به یک دل می خواهیم برای او کار کنیم (۲)
و هر جا اعلام کنیم که نجات یافته ایم
و دنیا خواهد دانست ما مسیحی هستیم
اگر محبتش را ظاهر سازیم

پیروزی از آن من ، پیروزی از آن من
 با خون منجیم عیسی پیروزی از آن من
 از آن من ، از آن من با خون منجیم عیسی
 پیروزی دارم

آزادی از آن من ، آزادی از آن من
 با خون منجیم عیسی آزادی از آن من
 از آن من ، از آن من با خون منجیم عیسی
 آزادی دارم

شادمانی از آن من ، شادمانی از آن من
 با خون منجیم عیسی شادمانی از آن من
 از آن من ، از آن من با خون منجیم عیسی
 شادمانی دارم

(جایی که روح خداست آزادی آنجاست) (۴)
آنجا صلح، آنجا شادی و محبت

(چون برای آزادی آزادم کردی) (۴)
(آزادم) (۸) آزادم

۱- (هر جا روح خداست آنجا آزادیست) (۴)
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکر هلوپاه
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکرش هلوپاه

۲- (هر جا روح خداست آنجا شادمانیست) (۴)
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکر هلوپاه
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکرش هلوپاه

۳- (هر جا روح خداست آنجا پیروزیست) (۴)
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکر هلوپاه
 هلوپاه شکر هلوپاه هلوپاه شکرش هلوپاه

من دارم شادمانی (۳) در عیسی
من دارم شادمانی (۳) در عیسی

من دارم مهر عیسی (۳) در قلبم
من دارم مهر عیسی (۳) در قلبم

* * *

جلال دهم نامت را عیسی
نام عظیمت عیسی
چون از هر نامی
برتر است نام تو
برافرازم نامت را عیسی
نام زیبایت عیسی
چون از هر نامی
برتر است نام تو

۱- ندارم هیچ غم غصه ای در دنیا
 وقتی من هستم در سختی ها
 با شادی و سرور مشتاق بهارم
 در مسیح من آرامی یابم

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
 با گل‌های خوش بوی و زیبا
 خدایم بخشیده بهار سماوی
 همواره با صلیب جلجتا

۲- ای جوان تو بسپار زندگی خود را
 بهر خدمت خالق ما
 تا رسد در پیری روزهای آرامی
 بهار روحانی از سما

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
 با گل‌های خوش بوی و زیبا
 خدایم بخشیده بهار سماوی
 همواره با صلیب جلجتا

۳- بر قلبها بتابد خورشید بهاران

زندگی ما گردد احیا
میوه های عالی بخشد روح خدا
تا مقدس گردد کلیسا

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
با گلهای خوش بوی و زیبا
خدایم بخشیده بهار سماوی
همواره با صلیب جلجتا

۴- می خواهیم بمانم همیشه وفادار
مقدس زندگی نمایم
ضعیف غالب شود بر هر گناهی
تا ابد بماند بهاران

بندگردان

بهاران چه زیباست عیسی
با گلهای خوش بوی و زیبا
خدایم بخشیده بهار سماوی
همواره با صلیب جلجتا

۱- (بسرای اقرار کن عیساست خداوندت
 بسرای اقرار کن عیساست خداوند) (۲)

اوه عیسی تویی شاه شاهان
 اوه عیسی تویی رب الارباب
 اوه عیسی همگان سرایند
 اوه عیسی شایسته جلال

۲- (بسرای اقرار کن عیسی غلبه یافته
 بسرای اقرار کن عیسی غلبه یافت) (۲)

اوه عیسی سرود ظفر ما
 اوه عیسی قدوس بی همتا
 اوه عیسی برتر از همگان
 اوه عیسی سرور کلیسا

نبرد ما با جسم و خون نیست
 نبردیست با نیروهای ظلمت
 نبرد ما با انسا نها نیست
 نبردیست با دشمن خلقت

۱- من ایستاده ام با شمشیر روحش
 من ایستاده ام با سپر ایمان
 من ایستاده ام تا فریاد سردهم
 به نام عیسی دور شو ای شیطان
 (عیسی شاه شاهان ، عیسی رب الارباب ،
 عیسی سرور آسمان)(۲)

۲- ایستاده ام با کلاهخود نجات
 تا باز پس گیرم ارثم از اسارت
 ایستاده ام با زره عدالت
 تا مغلوب سازم فوجهای ظلمت
 (عیسی شاه شاهان ، عیسی رب الارباب ،
 عیسی سرور آسمان)(۲)

۳- ایستاده ام با کمر بند راستی
 با نعلین انجیل سلامتی
 ما ایستاده ایم به پیش ای همزمان

دنيا محتاج است به ما سرداران
(عیسی شاه شاهان ، عیسی رب الارباب ،
عیسی سرور آسمان)(۲)

* * *

[(خدایم ملجا و قوت من است
در تنگیها فوراً یافت شود) (۲)

پس نخواهم ترسید
گر زمین بلرزد

و همه کوهها
به درون دریاها
فرو ریزند] (۲)

پس نخواهم ترسید
گر زمین بلرزد

و همه کوهها
(به درون دریاها) (۳)
فرو ریزند

با شادی نامش را سرائیم
 او شایسته حمد است
 دستک زنان او را ستائیم
 او شایسته حمد است

بندگردان

شایسته است ، او شایسته حمد است
 هلوپاه ، او شایسته حمد است

دوستت دارم ، دوستت دارم ، دوستت دارم ای عیسی
 هر روزه می بینم که بهر من چه نیکویی
 با قلبی شادمان حمدت گویم نامت را برافرازم
 تو را قلباً " دوست می دارم

زندگی ام ، و روحم اینک در دستان توست
 تو مرا خریده ای با مرگت در جلجتا
 با قلبی شادمان حمدت گویم نامت را برافرازم
 تو را قلباً " دوست می دارم

شبان جانم مطیع تو مانم
هر جا مرا خوانی من می آیم

تسلیم توام صدایت گوش گیرم
هر جا مرا خوانی می آیم

چه باشد چمنهای سبز
یا نهـرهای آرام

دانم شبان جانم
با من است

گرچه به کوهها برسم
وادی های تاریک

چه غم شبان جانم
با من است

چه غم شبان جانم با من است

۳۹۱

(قادر متعال کارهایش عظیم
خدای لشکرها کارهایش مهیب
خدای تازه‌ها کارهایش عجیب
محو کهنه‌ها بنای جدید)(۲)

عیسی آتشیست فرو برنده
عیسی شمشیر یست تیز و بُرنده
عیسی عجیب است
عیسی مهیب است
عیسی عظیم است
عیسی قادر است

(قادر متعال کارهایش عظیم
خدای لشکرها کارهایش مهیب
خدای تازه‌ها کارهایش عجیب
محو کهنه‌ها بنای جدید)(۲)

عیسی آتشیست فرو برنده
عیسی شمشیر یست تیز و بُرنده
عیسی عجیب است
عیسی مهیب است
عیسی عظیم است
عیسی قادر است

خداوند آسمانها را ساختی زمین را به قوت عظیم
خداوند آسمانها را ساختی زمین را با بازوی افراشته
هیچ چیز برای تو مشکل نیست
هیچ چیز برای تو مشکل نیست
قادر و هم توانا تو عظیمی

هیچ چیز هیچ چیز در حضورت هیچ چیز
هیچ چیز برای تو مشکل نیست

این است قدرت خدا
 آید بر ما
 این است دست های خدا
 بر سر ما
 این است صلیب عیسی
 بهر نجات ما
 جایی که روح خداست
 هیچ ترسی نیست
 جایی که روح خداست
 آزادی آنجاست

بندگردان

دست بزیند و فریاد یوهو
 عیسی خدای ماست
 چون او بر تخت شاهی نشسته
 خدای ما بر تختش نشسته
 بر این دنیا سلطنت کند

جلال و قوت و عظمت مال اوست
 هـلـلـو یـهـا

بندگردان

دست بزیند و فریاد یوهو
عیسی خدای ماست
چون اوبرتخت شاهی نشسته
خدای ما برتختش نشسته
بر این دنیا سلطنت کند

ای تمامی زمین خداوند را بسرایید
کارهای عظیم و جلالش را به مردم بازگو کنید

چون او عظیم است
در قوت و جلالش
شادی کنید
خداوند سلطنت می کند

۱- چنانکه آهو بهر نهرهای آب اشتیاق دارد
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند (۲)

بندگردان

تو تنها ملجایم هستی حتی قلبم خواند در تنگی
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند

۲- گرچه شاه اما دوست و برادرم , محبوب جانم
آنکه یوغ بندگی اش را چون تاج بر خود می گیرم (۲)

بندگردان

تو تنها ملجایم هستی حتی قلبم خواند در تنگی
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند

۳- چنانکه آهو بهر نهرهای آب اشتیاق دارد
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند (۲)

بندگردان

تو تنها ملجایم هستی حتی قلبم خواند در تنگی
همچنان جان من بهر خداوند صیحه می زند

حاکم هستی تویی خدای قادر
حاکم هستی (۲)

تویی خداوند قادر پر جلالی
تویی خداوند قادر پر جلالی

تویی خداوند قادر پر جلالی
چه عظیمی

(۱) بهر خداوندمان تسبیح خوانید
 بهر فیض و محبت عظیمش
 به آواز کرنا تسبیح خوانید
 هرکه روح دارد این سرود را خواند

بند گردان

ها هلولویاه خدای قدیر حمد و سپاس بر نام قدوست
 قدرت و قوت و پادشاهی از آن توست ای قدوس تا ابد

(۲) جلالت دهیم تو ما را دوست داشتی
 بهر نجات ما جانت را دادی
 با بربط و عود تو را می سراییم
 با سرود تو را جلالت می دهیم

بند گردان

ها هلولویاه خدای قدیر حمد و سپاس بر نام قدوست
 قدرت و قوت و پادشاهی از آن توست ای قدوس تا ابد

(۳) با تمام قدرت و تمام روح
 ای مقدسین او را پرستید

اورا با دف و رقص تسبیح بخوانید
هر که روح دارد این سرود را خواند

بندگردان

هاهللویاه خدای قدیر حمد و سپاس بر نام قدوست
قدرت و قوت و پادشاهی از آن توست ای قدوس تا ابد

بندگردان

با قوت نام عیسی آزاد کنیم اسیران
شفا دهیم بیماران را گوئیم اوست تنها سلطان

(۱) نامش فوق هر نامیست
او خدای جاودانیست
اعلام کنیم تو شاهی
در عدالت می خوانیم

بندگردان

با قوت نام عیسی آزاد کنیم اسیران
شفا دهیم بیماران را گوئیم اوست تنها سلطان

(۲) عیسای محبوب ما
منجی و آقای ما
با قوت نام تو
ملکوت پیش بریم

بندگردان

با قوت نام عیسی آزاد کنیم اسیران

شفا دهیم بیماران را گوئیم اوست تنها سلطان

* * *

کیست خداوند ما (عیسی مسیح)
 کیست پادشاه ما (عیسی مسیح)
 رهاننده ما (عیسی مسیح)
 صخره نجات ما (عیسی مسیح)
 کیست نور این عالم (عیسی مسیح)
 کیست کاهن اعظم (عیسی مسیح)
 خورشید عدالت (عیسی مسیح)
 نهایت و غایت (عیسی مسیح)

بندگردان

عیسی مسیح اکنون میان ماست
 خداوند و سلطان و شاه ماست
 عیسی مسیح اکنون میان ماست
 او سرور و رهبر و شاه ماست

کیست در دل‌های ما (عیسی مسیح)
 کیست آرامی ما (عیسی مسیح)
 ساکن در قلب ما (عیسی مسیح)
 راه او راه ما (عیسی مسیح)
 کیست او که بازآید (عیسی مسیح)
 بر ابرها می‌آید (عیسی مسیح)
 ما را با خود برد (عیسی مسیح)

به آغوش پدر (عیسی مسیح)

بندگردان

عیسی مسیح اکنون میان ماست

خداوند و سلطان و شاه ماست

عیسی مسیح اکنون میان ماست

او سرور و رهبر و شاه ماست

بندگردان

خداوند راهی بهرم مهیا سازد
 در جایی که امیدی نیست ،
 او راهی ایجاد کند
 هادیم بود ، هر دم همراه و همدرد
 با مهر خود قوت بخشد ، مهیا سازد ،
 راهی مهیا سازد

در راه زندگی بود هادیم
 در صحرا ها نهر آب یابم
 هستی محو شود اما کلامش ماند
 او کاری تازه کند امروز

بندگردان

خداوند راهی بهرم مهیا سازد
 در جایی که امیدی نیست ،
 او راهی ایجاد کند
 هادیم بود ، هر دم همراه و همدرد
 با مهر خود قوت بخشد ، مهیا سازد ،
 راهی مهیا سازد

* * *

جان من خداوند را متبارک بخوان
 وجود من نامش متبارک خواند
 اوست سلطان (تا ابد هلوپاه)
 خداوند (تا ابد هلوپاه)
 اوست سلطان (تا ابد هلوپاه)
 اوست سلطان و خداوند
 جان من خداوند را متبارک بخوان
 وجود من نامش متبارک خواند

(چشمان قلبم را بگشا
چشمان قلبم بگشا
تا تو را بینم
تا تو را بینم) ۲

(در جلال آسمان
نور رویت درخشان
مهر و قوت از توست
توهستی قدوس قدوس قدوس) ۲

(قدوس قدوس قدوس) ۳
چشمانم بگشا

تنها زیبایی نور توست عیسی
 که در این زمان ما را امید می بخشد
 در آسمان و هم بر روی زمین
 بر نام تو جلال ای پسر خدا

(امروز بر ما بریز ای روح القدس
 کلیسای خود را بیدار بساز
 جلال عیسی را ظاهر گردان
 و به قدرت خود ما را

از نو تبدیل بساز

خدای پدر آمده ایم به زمین قدوست
خدای قدوس پرستیمت خم شویم درحضورت

می پرستیم می پرستیم
می پرستیم خدای ما (۲)
دوستت داریم

* * *

تنها امید برای ما مسیحاست
 تنها امید برای ما عیسی ست
 گرباز گردیم ز گناه بدور از ریا
 او بخشد و پاک سازد ما را
 (او بخشد و پاک سازد) ۳
 او بخشد و پاک سازد ما را

حس کنم عیسی را حس کنم عیسی را
 حس کنم عیسی را در اینجا
 آری در وجودم جانم می سوزد
 حس کنم عیسی را در اینجا

(بگذار آتش روحت
 بگذار آتش روحت آید) ۲
 خدای روح القدس
 جاری کن قدرتت را
 پر کن حضورت در کلیسایت

بگذار جلال
 ما را فرو گیرد
 بگذار آب حیات
 جاری شود
 قلبهای ما از عدالتت
 لبریز شود
 (بگذار آتش روحت
 بگذار آتش روحت آید) ۲

اکنون در حضورت
 ایستاده ایم
 رویت را می طلبیم
 ما تو را خواهیم تو را طلبیم
 یا عیسی خدا یا

۱. روح القدس از آسمان آتش به پا کن
تبدیلمان گردان و از عصیان جدا کن
(باران آخر را تو بر جان کلیسا
جاری بساز و پر ز عیسای خدا کن

۲. روح القدس آیات خود را شعله ور کن
در نام عیسی درد و غمها را دوا کن
(آری خداوندا دگر طاقت نداریم
روح القدس را ای پدر همراه ما کن) ۲

۳. روح القدس آه ای شراب آسمانی
با عشق عیسی تشنگان را آشنا کن
(اینک کلیسایت دگر بیدار گردان
روح القدس با فیض خود ما را صدا کن) ۲
(در جان ما از آسمان آتش به پا کن
ما را تو با خود، روح عیسی همنوا کن) ۲

روح القدس از آسمان آتش به پا کن

- ۱- از آسمان آمد نزد ما
 نام اوست (عیسی)
 طفلی کوچک در آخوری
 نام اوست (عیسی)
 فرشتگان سرایند همه
 نام اوست (عیسی)
 قدوس قدوس قدوس قدوس
 نام اوست (عیسی)
- (برافرازیم نام عیسی را با هم (۲)
 شایسته است ، شایسته است
 شایسته است او را با هم پرستیم) ۲

- ۲- اوست خدای زنده ما
 نام اوست (عیسی)
 بره پاک خدا
 نام اوست (عیسی)
 اوست که ما را نجات داده
 نام اوست (عیسی)
 امروز بهرش شادی کنید
 نام اوست (عیسی)

(هلولویاه نجات داد مرا عیسی (۲)
ترس و گناه ، ترس و گناه ،
ترس و گناه و شك و اشتباه) ۲

(برافرازیم نام عیسی را با هم (۲)
زنده است ، زنده است ،
زنده است و ما را با خود برد) ۲

زنده است ، زنده است ،
زنده است و ما را با خود برد
زنده است

۱- محزون و شرمگین نزدش آمدم
 (گناههم را بخشید)
 عریان و خسته نزدش آمدم
 گناههم را بخشید

گناههم را بخشید گناههم را بخشید
 حال از شادی سراییم (هلولویاه)
 مسرورم چون گناهانم را
 بر صلیب بخشیده

۲- گر امروز نزد عیسی بیایی
 (گناهت را بخشید)
 و آرامش و شادی می یابی
 گناهت را بخشید

گناههم را بخشید گناههم را بخشید
 حال از شادی سراییم (هلولویاه)
 مسرورم چون گناهانم را
 بر صلیب بخشیده

(او مرا بخشید)
 حال از شادی سراییم (هلولویاه)

مسرورم چون گناهانم را
بر صلیب بخشیده (۲)
بر صلیب بخشیده
بر صلیب بخشیده

بیا با شادی حمدش کنیم
بهر صخره نجاتمان فریاد زنیم

بیا با تسیحات نزدش رویم
و با سرودها او را ستائیم

بندگردان

(گو هل هللویاه گو هللویاه
گو هل هللویاه گو هللویاه) ۲

بیا با هم زانو زنیم
بنزد خالق و خدای مان

زیرا که اوست خداوند ما
ما قوم او و از آن او هستیم

بندگردان

(گو هل هللویاه گو هللویاه
گو هل هللویاه گو هللویاه) ۲

(قدوس - قدوس است خداوند)

* * *

(کیست مانند او؟ در این جهان
 کیست مانند او؟ اوست خدای قادر
 کیست مانند او؟ شاه جلال
 برخیز نامش را برافراز) ۲

ستاییم خداوند نامش سزاوار حمد است
 از طلوع آفتاب تا به غروب آن
 بر نام خداوند جلال باد
 (۲)

کیست مانند او؟ در این جهان
 کیست مانند او؟ اوست خدای قادر
 کیست مانند او؟ شاه جلال
 برخیز نامش را برافراز

برخیز بسرا و نامش برافراز (۴)
 چون قدوس است شاه ما

کیست مانند او؟ در این جهان
 کیست مانند او؟ اوست خدای قادر
 کیست مانند او؟ شاه جلال
 برخیز نامش را برافراز

روح القدس در من ساکن شو
وجودم را پر ساز (۲)

لمس کن قلبم را
لمس کن فکرم را
پر ساز وجودم با قدرتت (۲)

هَلَلِـوِیَاه هَلَلِـوِیَاه
قَدُوس هَسْتِی

پر جلالی شایسته‌ای
ای روح القدوس

بندگردان

به حضور آمده‌ام
 سیراب ساز وجودم را تشنه‌ام
 قلب و جانم مشتاق توست
 لبریز ساز وجودم را خالی‌ام

۱- نیاز من حضور توست
 تا که پاک شوم با آتش روحت
 نیاز من قوت توست
 تا که مسکینان را کنم محبت

بندگردان

به حضور آمده‌ام
 سیراب ساز وجودم را تشنه‌ام
 قلب و جانم مشتاق توست
 لبریز ساز وجودم را خالی‌ام

۲- نیاز من قوت توست
 تا که بجا آرم احکام کلامت
 نیاز من حضور توست
 تا که آرامی یابم در حضورت

بندگردان

به حضورت آمده‌ام
سیراب ساز وجودم را تشنه‌ام
قلب و جانم مشتاق توست
لبریز ساز وجودم را خالی‌ام

بار دگر مرا بشوی، با خون پر بها
بار دگر آزادم ساز، در نام عیسی
بار دگر مرا بگیر، در آغوش گرمت
بار دگر تو، بشنوان آواز شیرینت

۱. (خداوندا هر وقت لمس می نمایی
 از اشکها پر شود چشمانم
 خداوندا هر وقت لمس می نمایی
 از ستایش پر شود دهانم) ۲

بندگردان

در انتظار دیدارت هستم خداوند
 در انتظارتم تو ای شاه شاهان
 با اشتیاق منتظر بازگشت توام
 که در آغوشت آرامی یابم

۲. (خداوندا هر وقت لمس می نمایی
 از رویا پر شود چشمانم
 خداوندا هر وقت لمس می نمایی
 از نبوت پر شد دهانم) ۲

بندگردان

در انتظار دیدارت هستم خداوند
 در انتظارتم تو ای شاه شاهان
 با اشتیاق منتظر بازگشت توام
 که در آغوشت آرامی یابم

خداوند ای روح القدس اکنون
تقدیس کن وجود ما (۲)

بندگردان

هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه

خداوند ای روح القدس اکنون
وسیع کن وجود ما (۲)

بندگردان

هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه

خداوند ای روح القدس اکنون
آزاد کن وجود ما (۲)

بندگردان

هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه هَلَلِوِیَاه

خداوند ای روح القدس اکنون
تبدیل کن وجود ما (۲)

بندگردان

هَلَلَوِيَا هَلَلَوِيَا هَلَلَوِيَا هَلَلَوِيَا هَلَلَوِيَا

* * *

(عشقی افزون قدرتی بیش
 بیشتر عیسی تو در من) ۲
 تو را می جویم با تمام قلبم
 تو را می جویم با تمام فکرم
 تو را می جویم با تمام جانم
 تو خداوندی
 تو خداوندی
 تو خداوندی

(عشقی افزون قدرتی بیش
 بیشتر عیسی تو در من) ۲
 تو را می جویم با تمام قلبم
 تو را می جویم با تمام فکرم
 تو را می جویم با تمام جانم
 تو خداوندی
 تو خداوندی
 تو خداوندی

مسیح صخره حوریب است که می جوشد
آب حیات است سلامتی بهر ما (۲)

بیا بنوش از عسل شیرین تر است او
تا سیراب گردد ، وجود و جان و روح

مسیح صخره حوریب است که می جوشد
آب حیات است سلامتی بهر ما

* * *

(پسر خدا تو شایسته ای
 حمدت سرایم بر زمین و آسمان) ۲
 (عیسی عجیب و بی همتا
 ظاهر نمود فیض خود را
 ستایمت تنها تورا ای عیسی) ۲
 ای خداوندم با قوت تورا پرستم
 ای خداوندم با روح تورا پرستم
 ای خداوند تا ابد با قوت تورا پرستم
 ای خداوند تا ابد با روح تورا پرستم

در حضور تو زانو زنم
 قلب و روحم را تقدیم می نمایم
 در حضور تو زانو زنم
 و سرودی نو بهرت می سرایم

و سرودی نو بهرت

می سرایم

خداوندا تو را از خود
 هم اکنون فرسنگها دور می بینم
 گرچه به تو ایمان دارم
 اقرار می نمایم سخت است دعا کنم
 ندانم چه بگویم ، با چه آغاز کنم ،
 اما با فیض تو قلبم باز کنم

بندگردان

سرایم حمد گویم در دشوارترین اوقات
 در درد و هم تنگی
 سرایم حمد گویم دستها بهرت برافرازم
 چون کلامت راست است
 سرایم

خداوندا نقشه هایت را
 بهر زندگیم ندانم
 اما چون جان دادی بهرم
 اطمینان خود را عیسی بر تو نهادم
 ندانم چه بگویم ، با چه آغاز کنم ،
 اما با فیض تو قلبم باز کنم

بندگردان

سراییم حمد گویم در دشوارترین اوقات

در درد و هم تنگی

سراییم حمد گویم دستها بهرت برافرازم

چون کلامت راست است

سراییم

می آیم تا در حضور تو بینم رویت روبرو (۲)

زانو زخم در حضورت، فیضت را می طلبم (۲)

قدوس ، قادر ، پر جلال ، خداوند (۲)

قدوس ، قدوس ، تنها تویی قدوس

قدوس ، قدوس ، ای عیسی تنها تویی قدوس (۲)

تقدیم نمایم قلبم را
 تسلیمت کنم وجودم را
 تقدیم نمایم قلبم را
 تسلیم توام ای پادشاه

بگو هر آنچه خواهی
 بگو هر آنچه خواسته توست
 تقدیمت کنم وجودم را

خواهم هر آنچه خواهی
 خواهم هر آنچه خواسته توست
 تسلیم توام ای پادشاه

آمین هلولیاه
 آمین هلولیاه
 آمین هلولیاه
 ای عیسی

لیک هلولیاه
 لیک هلولیاه
 لیک هلولیاه
 پادشاه

آمین هلویاه ای عیسی
لیک هلویاه پادشاه

* * *

۱- همیشه متبارک خوانم
 نام قدوست خدا
 گرچه از دره‌ها بگذرم
 تمجید کنم تو را

بندگردان

چه خدای قادری هستی خداوند قادر
 مبارک خوانم نامت تا ابد
 ای خدای قادر (۲)

۲- در صبحگاه تو را حمد
 می گویم در ظهر و در شامگاه
 چون شادی نجات خدا
 لبریز کرده مرا

بندگردان

چه خدای قادری هستی خداوند قادر
 مبارک خوانم نامت تا ابد
 ای خدای قادر (۲)

۱- شادی ام از اوست نجاتم از اوست
وجد خواهم نمود آنچه دارم از اوست

۲- شادی ام از اوست حیاتم از اوست
وجد خواهم نمود آزادی ام در اوست

۳- شادی ام از اوست آرامش از اوست
وجد خواهم نمود زندگی ام از اوست

۴- شادی ام عیساست نجاتم عیساست
وجد خواهم نمود آنچه دارم از اوست

۵- شادی ام عیساست حیاتم عیساست
وجد خواهم نمود آزادی ام در اوست

۶- شادی ام عیساست آرامم عیساست
وجد خواهم نمود زندگی ام از اوست

(مرا بخشیدی امید و عشق
بخشیدی رهایی

برداستی هر ترس و غم
بخشیدی شادمانی (۲)

تاییده نورت در قلبم نهادی محبت در من
اکنون با سرور و شادی برایت سرود می خوانم

جلال بر نامت تو قدوس و پاکی
تو ملجای من صخره ابدی

بندگردان

می پرستمت ، تو بی مانندی ، شایسته ای
عیسی (۲)

سراییم بهرت تو سلطان و شاهی
تو بی مانندی عشق آسمانی

بندگردان

می پرستمت ، تو بی مانندی ، شایسته ای
عیسی (۲)

(در شکوه و جلال تو نزد تخت رحمت
می ایستیم در نور تو و بهرت می خوانیم) ۲

(ای عیسی چشمه حیات هستی
و در تو حیات داریم) ۲

در توست زندگیم
در توست قوت من
در توست امید من
در توست عیسی
در توست زندگیم
در توست قوت من
در توست امید من
در توست عیسی

با تمام وجودم شکر کنم
با تمامی قلبم حمدت گویم
با جان و دلم
قدرت و روحم
تمامی امیدم بر توست
بر توست

ایمان داریم ما به خدا ، خالق ارض و سما
و به فرزند او عیسی ، گشت ز باکره پیدا

ایمان داریم مرد بهر ما ، مصلوب گشت به جای ما
با پیروزی برخاست عیسی ، صعود کرد نزد خدا

عیسی ، خداوند ، خداوند (۴)
رفیع است نامت (۳)

ایمان داریم ما به روحش ، هدیه اش به کلیسا
بهر تایید کلامش ، بخشد قوت و عطا

باز آید او در جلالش ، هر کس را دهد جزا
هر زانو خم در حضورش ، هر زبان کند ندا

عیسی ، خداوند ، خداوند (۴)
رفیع است نامت (۳)

ای مسیح تو منجی عالمی
 تو هستی شبان نیکوی ما
 ما بره های سرگردان بودیم
 که تو آمدی در وجود ما

بندگردان

دست بزنید، شادی کنید
 زیرا که مسیح منجی ماست
 منتظر هستیم، منتظر هستیم
 چون او حیات تازه ماست

لیکت گوید عالم هستی
 که تو برگردی در میان ما
 تا که تو باشی نوری در حیات
 تا ما هم باشیم در نور تو

بندگردان

دست بزنید، شادی کنید
 زیرا که مسیح منجی ماست
 منتظر هستیم، منتظر هستیم
 چون او حیات تازه ماست

مسیح آید ظلمت را بکشد
تا ظلمتی نباشد در عالم
مسیح آید ظلمت را بکشد
تا بخشد روشنایی در عالم

بندگردان

دست بزنید, شادی کنید
زیرا که مسیح منجی ماست
منتظر هستیم, منتظر هستیم
چون او حیات تازه ماست

آیید نامش بسرایید (۴)

گویید خدای ما نیکوست
 آیید نامش بسرایید
 عادل و رحیم و راستگوست
 آیید نامش بسرایید

جلالش بستایید تسبیحش بخوانید نامش را برافرازید
 آیید نامش بسرایید (۲)

همه امته‌ها و قوم‌ها
 آیید نامش بسرایید
 پیر و جوان مرد و زنها
 آیید نامش بسرایید

جلالش بستایید تسبیحش بخوانید نامش را برافرازید
 آیید نامش بسرایید (۲)

ای جهان شادی کن در نجات خدا
 در عیسی او می بخشد
 هر گناهی را هر گناهی را
 آیید نامش بسرایید

عظیم است نام تو عیسی
جلال بر نام تو عیسی

قدرت از آن تو عیسی
ستایم نام قدوست عیسی

هللویاه هلولیاه هلولیاه هلولیاه
هللویاه هلولیاه
ستایم نام قدوست عیسی

* * *

تو طرد شدی تا بخشیده شوم
بهر گناهم محکوم شدی
من زنده ام و روح در وجودم
چون بعد از مرگ قیام کردی
چه عجیب است چگونه ممکن است
که شاهم بهرم بمیرد
اما می دانم که حقیقت دارد
فخر من جلال توست
شادی من جلال توست
پادشاهم ، عیسی
پادشاهم

(ای روح القدس مرا لمس نما
 ای روح القدس مرا لمس نما
 ریزد بر قلبم روحش از سما
 مقدس گردد اینک کلیسا
 ریزد بر قلبم روحش از سما
 تا وارث مسح گردد کلیسا)

(روح القدس ریزد،
 روح القدس ریزد،
 بر روح و بر جانم) (۲)

(چون نسیم ز کوهساران
 می وزد روحش بر ما
 همچون باران بهاران
 می ریزد روحش بر ما
 همچون آتشی مشتعل
 گرم نماید قلبم را) (۲)

۱- ای محبوب دل من چه زیباست آواز تو
 ای حبیب جان من دلرباست عطرهای تو
 محبت تو نیکوست نیکو تر از شراب مو
 نامت چه عجیب است چه شیرین است به کام من (۲)

محبوبم از آن من و من از آن وی هستم (۲)

۲- مرا نزد خود بخوان تا سویت بدوم
 روزها در سایه تو به آرامی خواهم نشست
 مرا به حجله هایت آور تا شادان شوم
 بیا ای محبوب من ، نجات من ، امید من (۲)

محبوبم از آن من و من از آن وی هستم (۲)

۳- جام مرا پر بساز از شراب روح القدس
 بگذار تا جاری شود از آسمان به باغ خود
 برگرد ای حبیب من جانم در انتظار است
 بیا ای محبوب من ، نجات من ، امید من (۲)

محبوبم از آن من و من از آن وی هستم (۲)

* * *

(۱) با دیدن آسمون و ستاره‌ها
آفتاب قشنگ و مهتاب زیبا
از بودن کوه و دشت و جنگلها
ماهیهای دریا و آبرهای هوا

بندگردان

دیدیم که شیرینی ، دیدیم مهربونی
دیدیم بهترینی ، بالا ترینی
دوستت داریم خدا ، دوستت داریم خدا
دوستت داریم ، دوستت داریم

(۲) از شادی دلها و زیبای گلها
از رقص قشنگ پروانه‌ها
از خوردن میوه روی درختها
آواز قشنگ پرنده‌ها

بندگردان

دیدیم که شیرینی ، دیدیم مهربونی
دیدیم بهترینی ، بالا ترینی
دوستت داریم خدا ، دوستت داریم خدا
دوستت داریم ، دوستت داریم

(۳) از کارهای عجیب توی دنیا
محبت زیادت به بچه‌ها
با ریختن خونت برای ما
کرده‌ای جانت را فدای ما

بندگردان

دیدیم که شیرینی ، دیدیم مهربونی
دیدیم بهترینی ، بالاترینی
دوستت داریم خدا ، دوستت داریم خدا
دوستت داریم ، دوستت داریم

با قلبی شادان با پرستشها به حضورت می آیم
حضور تو پر ز قدرت و فیض راه های تو عجیب است

رحمت و امانت تو از یادم نخواهد رفت

نیکویی و محبت با من است در تمامی عمرم
سرشار از لطف و مهر تو خداوند
تا ابدالابد

من آزادم من آزادم
آزادم در نام خداوندم عیسی

من آزادم من آزادم
آزادم از لعنت ترس و اسارت

* * *

چقدر زیباست تولد منجی آسمانی ام
پر از فیض و پر از رحمت حضور منجی خوبم

۱- من همان گوسفند گم گشته کوهم
جدا از گله خود آواره بودم
توی صحرای دنیا گمشده بودم
صدای تو را عیسی آنروز شنیدم

(تولدت ای شبان من مبارک
تولدت ای محبوب من مبارک) ۲

۲- من همان درهم بی ارزش و پستم
که در تاریکی شب گم شده بودم
با چراغ افروخته دنبالم گشتی
یادمه آن شب تو بودی مرا یافتی

(تولدت ای شبان من مبارک
تولدت ای محبوب من مبارک) ۲

۳- من همان گرازبان سرگشته هستم
دور شده از پدر و کاشانه خویش
یادمه آنروز تو بودی دوان دوان
آمدی مرا در آغوش کشیدی

(تولدت ای شبان من مبارک
تولدت ای محبوب من مبارک) ۲

* * *

حاضر است خداوند
می خواهد که تو را لمس کند

{ می خواهد لمست کند تو را آرامی بخشد
قلب خود را به رویش (تو بگشا) ۲ { (۲)

حاضر است خداوند
می خواهد که تو را لمس کند

{ در حضورت خداوند ، خود را تقدیم نمایم
می ستایم نامت را (ای عیسی) ۲ { (۲)

غرق در ظلمت و غم نجاتم دادی
بی پناه و نا امید پناهم دادی
ابری بود آسمانم خورشیدی نداشت
هر کسی در قلب من خنجری می کاشت
تو آسمانم شدی خورشیدی تابان
مرحم قلبم تویی ای آرام جان
می سپارم دست تو زندگیم را
جای من آغوش توست
منجیم عیسی

کبوتر آسمانی خدا بر قلب های ما تو فرود آی
بگشا چشمان دلهای ما را
تا ببینیم سر کلامت را

(ای روح القدس جاری شو در ما) (۲)

* * *

۱- گفت عیسی در شب آخر به شاگردان خویش
 روز دیگر میشود این جسم من مجروح و ریش
 بر سر سفره گرفت او نان و آنرا پاره کرد
 بر گرفت آنکه شراب و رو به شاگردان بکرد
 این شراب و نان بود خون من و این جسم من
 بهر آمرزش بود این خون هم این جسم و تن
 (خون من شوید گناه خون من بخشد شفا
 یادگار من بجا آرید این رسم عشا) ۲

۲- آنکه عیسی شال خدمت بر کمر بست و بدست
 پای شاگردان خود را او بشست و در نشست
 بود استاد و لیکن پای شاگردان بشست
 درس خدمت به ایشان اینچنین داد از نخست
 هر که خواهد برتری یابد میان دیگران
 باید او کوچک شود گردد فروتن نزدشان
 (پس چو خواهید از پی ام آید و شاگردم شوید
 همچو من باید محبت بهر یکدیگر کنید) ۲

۳- کوه زیتو باغ جتسیمانی و وقت دعا
 خفته شاگردان و تنها مانده آن ابن خدا
 آنچنان رنج گناهان بشر بر دوش کشید
 کز پیشانی او جای عرق خون بر چکید

در دعا می گفت عیسی با پدر در عمق درد
گر شود این جام تلخ از پیش رویم بگرد
(لیکن اول طالب خواست و اراده توام
گر اراده ات بود این جام را سر می کشم) ۲

* * *

ای مسیحا زود بیا (۳)
مسیحا زود بیا

هر روز در دعا گوئیم (۳)
مسیحا زود بیا

* * *

نجات از آن خدای ماسست
که بر تخت نشسته است و بر آن بره
جلال و حرمت شکر و حکمت قدرت و ستایش باد
تا به ابد بر خداوند ما (۲) آمین (۳)

(قدوس ، قدوس ، قدوس)(۲)

۱- تو تنها عادل ، تنها تویی راستی ،
خداوند قدوس

(قدوس ، قدوس ، قدوس)(۲)

۲- ای نهر زندگی ، ای روح آرامی ،
وجودم در بگیر

(قدوس ، قدوس ، قدوس)(۲)

۳- تقدیس کن جانم را ، تازه کن روحم را ،
خداوند قدوس

(قدوس ، قدوس ، قدوس)(۲)

(۱) حمد و ستایش ، شکر و پرستش
 تقدیم تو ای مسیحا
 قلب و وجودم بود و نبودم
 تقدیم تو عیسی

بندگردان

ها هلولویاه ، ها هلولویاه جلال بر نامت مسیحا
 ها هلولویاه ، ها هلولویاه خداوند عیسی

(۲) با دستهایی باز ، با ساز و آواز
 سراییم تو را ای عیسی
 سپاست گویم ، تمجید نمایم
 پُر جلالی عیسی

بندگردان

ها هلولویاه ، ها هلولویاه جلال بر نامت مسیحا
 ها هلولویاه ، ها هلولویاه خداوند عیسی

(۳) با قلبی شادان ، با لبی خندان
 پرستم تو را مسیحا

نامت افرازم ، تکریم نمایم
پُر شِکوهی عیسی

بندگردان

ها هَللویاه ، ها هَللویاه جلال بر نامت مسیحا
ها هَللویاه ، ها هَللویاه خداوند عیسی

* * *

(نیست هیچ قصاصی بر آنانی
که در مسیح عیسایند) (۲)
زیرا شریعت روح که در مسیحاست آزادم کرد
ز قید مرگ و گناه

نیست هیچ قصاصی بر آنانی
که در مسیح عیسایند
نیست هیچ قصاصی

قلب من دست توست جانم سر مست توست
 گر اسیر دنیاام آزادییم دست توست
 وقتی یار ندارم تو هستی یار من
 وقتی من بیمارم تویی درمان من
 ای عیسی می دونی به عشقت اسیرم
 تو اگه نباشی بی تو من می میرم

(ای عیسی ، ای عیسی خداوند و شاهم
 تو هستی سرور و تو هستی نجات من) ۲

چون روم در دعا در حضور خدا
 با مهر عظیمش گوید فرزند بیا
 گر شادی می خواهی من شادی آوردم
 برکت و قوت بهر تو آوردم
 فیض عجیب او آرام جان من
 ای عیسی صلیبت فخر است و تاج من

(ای عیسی ، ای عیسی خداوند و راهم
 تو هستی امید و تو هستی حیات من) ۲

* * *

(پر نما قلبم را از محبت و قوت
لبریز کن وجودم را
از حضورت خداوند) ۲

می پرستم با تمام جان
می ستایمت با روح و روان
می پرستم چون می دانم که

(تو خداوندی) ۳

عیسی
تو خداوندی

بندگردان

آه خداوند شبان من است
 محتاج به هیچ چیزی نخواهم بود
 تا ابد در خانه خداوند
 ساکن خواهم بود
 ساکن خواهم بود

۱- در مرتعهای سبزی خواباند
 سوی آبهای آرام می برد
 او جان مرا تازه گرداند
 آه خداوند شبان من است

بندگردان

آه خداوند شبان من است
 محتاج به هیچ چیزی نخواهم بود
 تا ابد در خانه خداوند
 ساکن خواهم بود
 ساکن خواهم بود

۲- به خاطر نام پر جلالش
 به راههای راست هدایت کند
 هرگز از بدی نخواهم ترسید

حتی در وادی سایهٔ موت

بندگردان

آه خداوند شبان من است
محتاج به هیچ چیزی نخواهم بود
تا ابد در خانهٔ خداوند
ساکن خواهم بود
ساکن خواهم بود

۳- چون تو با منی نمی هراسم
با آن عصای آهنین تو
با قوت تو، با قدرت تو
تسلی دارم، تسلی دارم

بندگردان

آه خداوند شبان من است
محتاج به هیچ چیزی نخواهم بود
تا ابد در خانهٔ خداوند
ساکن خواهم بود
ساکن خواهم بود

۴- در برابر چشم دشمنان
سفره‌ای بهرم گسترانیدی
مرا چون مهمان پذیرفته‌ای

و جام مرا لبریز کرده‌ای

بندگردان

آه خداوند شبان من است
محتاج به هیچ چیزی نخواهم بود
تا ابد در خانه خداوند
ساکن خواهم بود
ساکن خواهم بود

۵- آه خداوند شبان من است
نیکویی و رحمت همه عمر
همراه من است همراه من است
آه خداوند شبان من است

بندگردان

آه خداوند شبان من است
محتاج به هیچ چیزی نخواهم بود
تا ابد در خانه خداوند
ساکن خواهم بود
ساکن خواهم بود

بند گردان
 هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه
هـلـلـوـیـاه

(۱) بهر رحمت تو بهر محبت
شکرت گویم، ای مسیح

بند گردان
 هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه
هـلـلـوـیـاه

(۲) بهر قوت تو بهر قدرت تو
حمدت گویم، ای مسیح

بند گردان
 هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه هـلـلـوـیـاه
هـلـلـوـیـاه

(۳) بهر سلامتی بهر شفا در تو
تو را سراییم، ای مسیح

بند گردان
هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه
هللویاه

٤) بهر حیات در تو بهر نجات در تو
تو را ستایم، ای مسیح

بند گردان
هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه
هللویاه

٥) خداوندم عیسی اسم عجیبیت را
می سرایم، ای مسیح

بند گردان
هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه
هللویاه

بندگردان

(عشقی تازه در قلبم ، ایجاد کن خداوند ،
تا تو را دائما " در کنارم بینم)

شوقی تازه ، شوری تازه ، آوازی نو ، حیاتی نو
روحي تازه ، قلبی تازه ، قوتی نو ، خدمتی نو

بندگردان

(عشقی تازه در قلبم ، ایجاد کن خداوند ،
تا تو را دائما " در کنارم بینم)

مسحی تازه ، سری تازه ، از گنج تو ، رؤیایی نو
لمسی تازه ، مهری تازه ، امیدی نو ، ایمانی نو

بندگردان

(عشقی تازه در قلبم ، ایجاد کن خداوند ،
تا تو را دائما " در کنارم بینم)

بندگردان

نام مسیح مرا کافیت
 هر جا که باشم
 نام مسیح مرا کافیت
 هر جا که روم
 در نام او پیروزی است
 عجیب و عظیم
 نام مسیح مرا کافیت
 اسمیست بی نظیر

۱- در سختی و در تنگی
 اوست امید و آرامی
 با او زندگی زیباست
 اوست سرچشمهٔ حیات

بندگردان

نام مسیح مرا کافیت
 هر جا که باشم
 نام مسیح مرا کافیت
 هر جا که روم
 در نام او پیروزی است
 عجیب و عظیم

نام مسیح مرا کافیت
اسمیست بی نظیر

۲- تمامی غمهایم
به شادی تبدیل گردید
مسکین و محتاج اما
در نامش غنی هستم

بندگردان

نام مسیح مرا کافیت
هر جا که باشم
نام مسیح مرا کافیت
هر جا که روم
در نام او پیروزی است
عجیب و عظیم
نام مسیح مرا کافیت
اسمیست بی نظیر

(۱) شاه شاهان عیسی سلطان
 آمدی از سما بهر نجاتمان
 شفا دادی ما را بخشیدی گناهان را
 نجات دادی تبدیل کردی ما را

بندگردان

تویی شاه دلها سردار لشکرها
 هلولویاه هوشیعانا عیسی ، عیسی
 تویی شاه دلها سردار لشکرها
 هلولویاه هوشیعانا عیسی

(۲) پُر جلال و با شکوه هستی
 بر تخت جلال ای خدا نشستی

تویی ما را هادی تاج را به ما دادی
 کاهن و شاهیم با قوت و شادی

بندگردان

تویی شاه دلها سردار لشکرها
 هلولویاه هوشیعانا عیسی ، عیسی

تویی شاه دلها سردار لشکرها
هللویاه هوشیعانا عیسی

خداوند ، خداوند ، خداوند ، تو عظیمی
 خداوند ، خداوند ، خداوند ، تو عظیمی
 باشد جویندگان تو شادی کنند
 باشد جویندگان تو شادی کنند
 باشد جویندگان تو شادی کنند
 در تو

آنکه طالب نجات است
 دائماً سراید
 آنکه طالب نجات است
 دائماً بسراید

خداوند عظیم است
 خداوند عظیم است
 خداوند عظیم است
 او عظیم است

خداوند ، خداوند ، خداوند ، تو عظیمی
 خداوند ، خداوند ، خداوند ، تو عظیمی

او پایان داد و ظفر یافت
شیطان شکست خورد
قدرت موت محو گردید

عیساست خداوند اوه هلا—ویاه
پادشاه پادشاهان است تا ابد

به سوی آبهای آرام
به سوی مرتعهای سبز
به سوی شادی
رهبری کندم عیسی

چون خداوند است شبانم
محتاج به چیزی نمانم
تویی شبانم
تویی مسیحم خداوندم

۱ - (عیسی منجی من شبان نیکوی من
حافظ جان من تویی غمخوار من)(۲)
(تویی یاور من تو مددکار من تویی آن صخره استوار من)(۲)

۲- (تو فروغ جهان آب حیات و زمان
تو ازلی هستی ، ابدی ، جاودان)(۲)
(تویی یاور من تو مددکار من تویی آن صخره استوار من)(۲)

۱. محبت و قوت از روح خود عطا کن
 قلبم را از چشمه روح خود سیراب کن

بندگردان

می پرستم با تمام دل
 می طلبمت با تمام جان
 می ستایمت با روح و روان
 تو خداوندی (۳) خداوندی

۲. شفقت، و حکمت از روح خود عطا کن
 قلبم را، جانم را، با نور خود تابان کن

بندگردان

می پرستم با تمام دل
 می طلبمت با تمام جان
 می ستایمت با روح و روان
 تو خداوندی (۳) خداوندی

۳. صبر و تحمل از روح خود عطا کن
 چشمانم را به اراده خود بینا کن

بندگردان

می پرستمت با تمام دل
می طلبمت با تمام جان
می ستایمت با روح و روان
تو خداوندی (۳) خداوندی

۱. قلب سنگی کی باید بیایی
به سرور مصلوب که ایمان آوری (۲)

بندگردان

با آغوشی باز می خواند تو را
بشنو صدایش گنهکار بیا (۲)

۲. کی بیایی به او تسلیم گردی
از گناهانم رهایی یابی (۲)

بندگردان

با آغوشی باز می خواند تو را
بشنو صدایش گنهکار بیا (۲)

۳. بخوان مسیح را به قلبت بیاید
خواهی چشید آن نجات عظیمش (۲)

بندگردان

با آغوشی باز می خواند تو را
بشنو صدایش گنهکار بیا (۲)

۴. گر خواهی تو از آتش کردی

فرزند محبوب خداوند شوی (۲)

بندگردان

با آغوشی باز می خواند تو را
بشنو صدایش گنهکار بیا (۲)

۱. چون روح در پنطیکاست نزول فرمود
 با قوت و پری روح
 ایمانداران را شاهدان نمود
 صیاد جانها از هر سو
 مقدسین مسیح در جهان
 بی ترس بشارت رساندند
 با جفا و سختی فراوان
 با پیروزی به پیش تاختند

بندگردان

بیا ای روح پاک خدا
 محتاج پری ومهر وقوت توئیم
 بیدار ساز اینک کلیسا را
 بیا ای روح تا ما خدمت کنیم

۲. چون قرون تاریکی سر رسید
 عدالت از ایمان تایید
 روح القدس تولدی نو داد
 بر کلیسا روحش دمید
 مؤمنین در هر جا کردند دعا
 آغاز شدند بیداریها
 امروز نیز ما را شعله ور فرما

ای روح و آتش خدا

بندگردان

بیا ای روح پاک خدا

محتاج پری ومهر وقوت توئیم

بیدار ساز اینک کلیسا را

بیا ای روح تا ما خدمت کنیم

۱- (من هستم شاد از دیدارت) (۳)
من هستم شاد شاد شاد شاد ، شاد از دیدارت

۲- (سلام خدا بر تو باد) (۳)
بر تو ای دوست دوست دوست دوست ، سلام خدا

بندگردان

(ملاقات کن ای پادشاه مبارک ساز تو مرا)

۱- تقدیس کن این وجودم را
 با روح خود ای عیسی
 دستم بگیر در دستهایت
 شادی ام ده ای خدا

بندگردان

(ملاقات کن ای پادشاه مبارک ساز تو مرا)

۲- جاری نما نهر حیات
 با روح خود خداوند
 پر کن ظرف خاکی ام
 با روح خود خداوند

بندگردان

(ملاقات کن ای پادشاه مبارک ساز تو مرا)

۳- مشتاق هستم تو را بینم
 چهره ات را بنما
 ای تخت نشین شاه سما

تابه ابد جاودان

بندگردان

(ملاقات کن ای پادشاه مبارک ساز تو مرا)

(شادی کنم وجد نمایم
 در خداوند نجات خود
 شادی کنم وجد نمایم
 در تمام ایام عمرم

چون با اعمال عظیمت
 مرا شادی داد
 در همه نبردهایم
 تو پیروزی دادی (۲)

شادی کنم وجد نمایم
 در خداوند نجات خود
 شادی کنم وجد نمایم
 (در تمام ایام عمرم) (۳)

عیسی بتاب پر ساز از نور پدر , ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روحت میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را

•
(فریاد پیروزی و شادمانی بر لبهای ماست بهر رهایی)(۲)
دست خداوند بخشد نجات فرزندانش را در کلیسا

دست خداوند بخشد نجات با زندگی ام دهم او را جلال
(فریاد پیروزی و شادمانی بر لبهای ماست بهر رهایی)(۲)

* * *

(۱) با شادی داریم آواز می خونیم
انگار داریم از شادی پرواز می کنیم
چقدر قشنگه شادی با دوستان
(دوستهای زیبا در هر جای دنیا) (۲)

بندگردان

(همه با هم دست دست دست ، دست دست دست
دستهامون تو دست هم ،
می خونیم و می خندیم و شاد هستیم با هم) (۲)

(۲) گلهای زیبا توی باغچه ها
تازگی میدن به زندگی ما
شادی می آرن توی خونه ها
هر کدوم یک جور و هر کدوم یک رنگ
همشون قشنگ و همه رنگارنگ

بندگردان

(همه با هم دست دست دست ، دست دست دست
دستهامون تو دست هم ،
می خونیم و می خندیم و شاد هستیم با هم) (۲)

(۳) برف سفید که روی زمین می شینه

چقدر قشنگه و چه دلپذیره
بازی کردن تو برفها چه کیفی داره
(هم مزه داره و هم خنده داره)(۲)

بندگردان

(همه با هم دست دست دست ، دست دست دست
دستهامون تو دست هم ،
می خونیم و می خندیم و شاد هستیم با هم)(۲)

۴) زندگی ما همراه با عیسی
چه شوری داره و چه شوقی داره
شاد بودن و خندیدن برای عیسی
(شیرینی داره و پیروزی داره)(۲)

بندگردان

(همه با هم دست دست دست ، دست دست دست
دستهامون تو دست هم ،
می خونیم و می خندیم و شاد هستیم با هم)(۲)

(۱) گویند خدای ما نیکوست
آیند نامش بسرایید
عادل و رحیم و راستگوست
آیند نامش بسرایید

بندگردان

جلالش بستایید تسبیحش بخوانید
نامش را برافرازید
(آیند نامش بسرایید)(۲)

(۲) همه اُمتهَا و قومها
آیند نامش بسرایید
پیر و جوان مرد و زنها
آیند نامش بسرایید

بندگردان

جلالش بستایید تسبیحش بخوانید
نامش را برافرازید
(آیند نامش بسرایید)(۲)

ای جهان شادی کن در نجات خدا
در عیسی او می بخشد هر گناهی را ، هر گناهی را
(آید نامش بسرایید)(۴)

بندگردان
جلالش بستایید تسبیحش بخوانید
نامش را برافرازید
(آید نامش بسرایید)(۲)

۱) ای تمامی روی زمین
او را آواز شادی دهید
به خانه اش با حمد بیاید
به صحنه‌ایش با تسبیح

بندگردان

(شادی کنید در نجات خدا
شادی کنید در خالق ما
شادی کنید در قدیم الایام
شادی کنید در نور جهان)(۲)

۲) او را آواز شادی دهید
زیرا خداوند نیکو است
رحمتش تا ابدالآباد
امانتش ثابت چون کوهها

بندگردان

(شادی کنید در نجات خدا
شادی کنید در خالق ما
شادی کنید در قدیم الایام
شادی کنید در نور جهان)(۲)

شهری متروک گشته نیستیم
ما شهری پایداریم

برخاسته تا آسمان
محبت خداوند پاسدارش

(شهری آسمانی شهری پرز شادی)

قوم خدا مقدسینش
می پرستند نام عظیمش (۲)

(از هر قوم و ملت ، هر زبان
هر رنگ که هستیم در این جهان
تو شستی بر روی صلیب
بایک رنگ گناهانمان) (۲)

(ای عیسی ای آرام جان
ای قدوس تو ای مهربان
مُهر شد عشقت بر روی صلیب
خون تو شد گواه آن) (۲)

(خالق هستی و آسمان
تو ای پناه خستگان
پُرکن از روح القدس
دلهای خسته ، جانهایمان) (۲)

بندگردان

یک چیز می خواهم از خداوندم
آن را دائماً خواهم طلبید
تا همه عمر در خانه او
ساکن بگردم، ساکن بگردم

۱- نیکویی و رحمت همه عمر
همراه من است، مسرورم سازد

بندگردان

یک چیز می خواهم از خداوندم
آن را دائماً خواهم طلبید
تا همه عمر در خانه او
ساکن بگردم، ساکن بگردم

۲- تا شاهد جمال او باشم
در هیکل او تفکر کنم

بندگردان

یک چیز می خواهم از خداوندم
آن را دائماً خواهم طلبید
تا همه عمر در خانه او
ساکن بگردم ، ساکن بگردم

۳- در روز بلا سایبان من اوست
در خیمه او محفوظ خواهم بود

بندگردان

یک چیز می خواهم از خداوندم
آن را دائماً خواهم طلبید
تا همه عمر در خانه او
ساکن بگردم ، ساکن بگردم

۴- بر صخره مرا بلند خواهد ساخت
سرود و تسبیح بهرش سردهم

بندگردان

یک چیز می خواهم از خداوندم
آن را دائماً خواهم طلبید
تا همه عمر در خانه او
ساکن بگردم ، ساکن بگردم

(او را پرستيم ، او را پرستيم ، او را پرستيم)

نامش بر افرازيم (۲)

(خوانيم هـلـلـوـيا خوانيم هـلـلـوـيا)

خوانيم هـلـلـوـيا جـلـال بر نام

خداوند عيسى (۲)

۱- (ای خدای من تو زنده ای سخن گویم با تو
آه دعای من عطر آگین است چو می شنوم از تو) (۲)

بندگردان

آه چه عالیست و دلنشین گفت و شنود با تو پدر
آه چه شیرین آه چه شیرین
(هر لحظه اش عمریست دگر) (۲)

۲- (با آتشدان پُر از بخور به قُدست آمدم
آه درون من شعله ور است به دیدارت آمدم) (۲)

بندگردان

آه چه عالیست و دلنشین گفت و شنود با تو پدر
آه چه شیرین آه چه شیرین
(هر لحظه اش عمریست دگر) (۲)

۳- (هان بربط من بیدار شده با سرودی تازه
از نغمه تو احیا شود عشق و مسحی تازه) (۲)

بندگردان

آه چه عالیست و دلنشین گفت و شنود با تو پدر
آه چه شیرین آه چه شیرین

(هر لحظه اش عُمَرِيسْت دَگر) (۲)

•
(هوشيعانا ، هوشيعانا ، هوشيعانا ، هوشيعانا) (۲)

(مبارک باد پادشاه کليسا ، که به اسم خداوندمی آيد) (۲)

(هوشيعانا ، هوشيعانا ، هوشيعانا ، هوشيعانا) (۲)

* * *

هللویا حمدش کنید (۲)
گوئیم هللویا ، گوئیم هللویا
هللویا ، حمدش کنید

از مردگان قیام فرمود
مسیحا زنده شد، مسیحا زنده شد
از مردگان قیام فرمود

غالب شد بر موت و گناه
غالب شد بر موت، غالب شد بر گناه
غالب شد بر موت و گناه

اوست خداوند، شاه شاهان
عیسی خداوند است ، عیسی خداوند است
اوست خداوند ، شاه شاهان

قلبیت را به رویش بگشا
قلب خود را بگشا ، قلب خود را
بگشا قلبت را به رویش بگشا

آیید او را پیرستیم
نزدش زانو زنیم ، نزدش زانو زنیم

آئید او را پرستیم

شاه شاهان بازمی گردد
عیسی بر می گردد ، عیسی بر می گردد
شاه شاهان بازمی گردد

پدر رוחت را جاری ساز، پسر رוחت را جاری ساز
روح را جاری ساز ، رוח را جاری ساز
روح را بر ما جاری ساز

مهيا شد از سما بهرم
قوتی الهی
تا گویم خدایم قادر است
در هر جا که روم

مهيا شد از سما بهرم
قوتی الهی
تا که ظاهر گردد معجزات
از این وجود من

مهيا شد از سما بهرم
قوتی الهی
تا که یابند مردمان شفا
توسط من

سردار سپاه ما عیسا است
او خدای لشکرهاست
جنگ از آن خداوند ماست (۲)

ای روح القدس ای چشمه خدا
جاری شو درون قلب ما
سیراب کن زمین تشنه قلبم
تا بهرت ثمرات آورم

بندگردان

کبوتر آسمانی خدا بر قلبهای ما تو فرود آ
بگشا چشمان دلهای ما را تا ببینیم سرکلامت را
ای روح القدس جاری شو در ما

ای روح القدس ای هادی راهم
امید و شادی و سرورم
از سرگردانی از پریشانیم
رستگاری ده ، باش رهبرم

بندگردان

کبوتر آسمانی خدا بر قلبهای ما تو فرود آ
بگشا چشمان دلهای ما را تا ببینیم سرکلامت را
ای روح القدس جاری شو در ما

ای روح القدس تسلی روحم
در غمهایم تو باش همدمم

در تنهایی و در ضعف درونم
شادی ده همی باش قوتم

بندگردان

کبوتر آسمانی خدا بر قلبهای ما تو فرود آ
بگشا چشمان دلهای ما را تا بینیم سرکلامت را
ای روح القدس جاری شو در ما

محبت و خوشی سلامتی
حلم و مهربانی نیکویی
ایمان و تواضع و پرهیزگاری
میوه های روح الهی

بندگردان

کبوتر آسمانی خدا بر قلبهای ما تو فرود آ
بگشا چشمان دلهای ما را تا بینیم سرکلامت را
ای روح القدس جاری شو در ما

کلام علم و هم کلام حکمت
ایمان و معجزات و شفا
نبوت تمییز روح و زبانها
عطایای روح مسیحا

بندگردان

کبوتر آسمانی خدا بر قلبهای ما تو فرود آ
بگشا چشمان دلهای ما را تا ببینیم سرکلامت را
ای روح القدس جاری شو در ما

با مهرت سویم آمدی
مرا نجات بخشیدی
و در کنار تو من آرامی دارم
اینک برای اینهمه
لطف و مهر فراوان
با تسلیم قلب خود می سرایم
(می خوانم شکر بهرت ، شکر بهرت
شکر بهرت ، خداوند) ۲

به جایم فدا شدی
بر صلیب مصلوب گشتی
و زندگی جاودان عطا کردی
اینک به بهای خونت قادرم نزدت آیم
و به چشمان تو من خیره شوم

(می خوانم شکر بهرت ، شکر بهرت
شکر بهرت ، خداوند) ۲

(می خوانم شکرت ای عیسی ، شکرت پادشاه
شکرت منجیم عیسی) ۲

۱-انتظارت را می کشم امروز و فردا
گرچه چشمان من گردد خسته زهر جا
گرچه تاریکی کردم سنگین تر شود
می دانم که فیضت کافی است باز روز گردد
هرگز چیزی نخواهم تو شبان منی
هرگز تنها نمانم تو همراه منی
نامت را می ستایم در شبهای زندگی
تا همه اینرا دانند
تو خداوند منی تو خداوند منی

۲-گرچه بر زمین بیافتم باز برخیزم
سرود شادی ترا از سر گیرم
گرچه نورم ظلمت گردد باز می سرایم
می دانم که فیضت کافی است باز روز گردد
هرگز چیزی نخواهم تو شبان منی
هرگز تنها نمانم تو همراه منی
نامت را می ستایم در شبهای زندگی
تا همه اینرا دانند
تو خداوند منی تو خداوند منی

۳-آنچه بینم را باور نکنم آنچه شنوم را گوش نکنم
تنها صدایت تنها رویت
راستی و راه است تنها حقیقت

هرگز چیزی نخواهم تو شبان منی
هرگز تنها نمانم تو همراه منی
نامت را می ستایم در شبهای زندگی
تا همه اینرا دانند
تو خداوند منی تو خداوند منی

۴- تویی کافی بلکه بیشتر از خواسته هایم
تویی قادر در هر تنگی بتو ایمان دارم
خدای آخرین لحظات خدای معجزات
خدای فروتنان خدای مسکینان
اسیران آزاد کردند تو کافی هستی
کوران بینا کردند تو کافی هستی
لنگان در حضور تو رقص و پایکوبی کنند
مردگان زنده کردند
مخلوقات نو شوند مخلوقات نو شوند

* * *

آرامی دل‌هایی سازنده دریاها
روشنی خورشیدی زیبایی رویاها
از تو امنیت دارم در کشمکش طوفان
من قایق پوسیده تو رهبر این سکان

(تا مقصد آزادی سرباز تو می مانم
نعمت نجاتم را از فیض تو می دانم) ۲

* * *

متبارک باد نام یاه ای قدوس سلطان ابدی
متبارک باد نام یاه خالق و پادشاه ازلی

بندگردان

به تمامی قلب فکر وقوت تورا محبت نمایم
به تمامی قلبم ای ادونای تو را محبت نمایم

درهای آسمان بروی این جهان
گشوده می شود
خالق شادیهها سرور سلامتی
تو هستی ای خداوند

بندگردان

به تمامی قلب فکر وقوت تورا محبت نمایم
به تمامی قلبم ای ادونای تو را محبت نمایم

جلال بر نام تو نام قدوس تو
خداوند لشگرها
ای خدای زنده تو بر ما فرمان ده
اکنون تا به ابد

بندگردان

به تمامی قلب فکر وقوت
تورا محبت نمایم

به تمامی قلبم ای ادونای
تورا محبت نمایم

بگذار در بر گیرد وجودت
با روح القدس و نورش
روح و جانت را لبریز کند از خود

بیا آزاد شو از اسارت
تا روح او چون کبوتر
فرود آید بر تو و زندگیت

(عیسی ، ای عیسی ، بیا پر ساز ما را) ۲

اکنون سرودی دیگر سر ده
با قلبی لبریز از عشق
با دستانی باز بسپار خود را به او

غمهایت را بریز به پایش
اشکهای تلخ گناهت
و حیات نو یاب در نام عیسی

(عیسی ، ای عیسی ، بیا پر ساز ما را) ۲

یکروز بر تپه ای اسمش جلجتا
برای گناهان ما مجروح شد
او را نه صورتی و نه جمالی
مظلوم بود تواضع نمود بر صلیب
که بود این مسیح کار او چه بود
می گفتند به او مرهم دردها
مضروبان شیطان را شفا داد
کوران را بینا ابرصان ظاهر
مردگان زنده می کرد این عیسی
(عجیب است عجیب نجات دهنده
خودش بر صلیب میان دو دزد)
(عجیب است عجیب نجات دهنده
خودش بر صلیب میان دو دزد)

میان افسرهای رومی بود
به صورت او کشیده زدند
تاج خاری بر سرش نهادند
عجیب است عجیب
که بود آن مسیح
می گفتند به او پسر خدا
ندیده بگو نبوت بکن
بگو که ترا کشیده زده

خوار و نزد مردمان مردود شد
لیکن او گرفت غمهای ما را
پسر خدا خاری بر سرش
لباس قرمز را کردند تنش
میخ ها را بر دست او کوبیدند
ایلی ایلی لما سبقتنی
باور بکنید او بود آن مسیح
پسر خدا او گفت تمام شد
نجات عظیمش مهیا شد
روز سوم از مردگان برخاست
گفت قدرت آسمان و زمین به من داده شد
(کنون من تا انقضای عالم منم با شما فرزند خدا)
(کنون من تا انقضای عالم منم با شما فرزند خدا)
توبه را به جمیع امتها موعظه کنید موعظه کنید
برگشت از دنیا و رو بر صلیب
بشارت دهید بشارت دهید
حیات جاوید به وسیله عیسی مسیح
۲۰۰۰ سال پیش آماده می شد بر روی صلیب
۲۰۰۰ سال پیش بر تپه ای به اسم جلجتا
خداوند ما مصلوب شد عیسی

* * *

ترا می ستایم به حضورت آیم با قلبی شادان
زیرا نیکو هستی محبت و رحمت تو بی پایان
سرود شادمانی از زبان من جاری ست بهر تو
چون سعادت من در اطاعت از اوامر توست

بند گردان

با نغمه سُرنا ، بربط و عود نام قدوست را می ستایم
تو را با ساز و بانوی ، با رقص با فریاد شادی می سرایم
خدای قدوس را ستایید در حضورش وجد و شادی کنید
هر که جان در بدن دارد خدای قدوس را سپاس گوید
چون او نیکوست

کلامت موجب شادی است پیوسته هدایت می کند
احکام کلامت از عدل و انصاف سرشار می باشد
کلامت را دوست دارم شب و روز فکرم را پُر سازد
چون کلامت نور است راه را پیش رویم روشن سازد

بند گردان

با نغمه سُرنا ، بربط و عود نام قدوست را می ستایم
تو را با ساز و بانوی ، با رقص با فریاد شادی می سرایم
خدای قدوس را ستایید در حضورش وجد و شادی کنید
هر که جان در بدن دارد خدای قدوس را سپاس گوید

چون او نیکوست

آرامم در حضورت
می خوانم دائم حمدت
تو سلطانی عیسی
تو حاکمی عیسی

نام قدوست و هم قدرتت
لا یزال بود تا ابد
شکوه و فیضت و عظمتت
لا یزال بود تا ابد

سخن بگو از عمقهای وجود خود تو با ما (۲)

بند گردان

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

بنا نما نمونه آسمان را بر زمین (۲)

بند گردان

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

انجیل شود آشکار در وجود همه ما (۲)

بند گردان

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

داود می گوید زبانهای آتش را می شکافی (۲)

بند گردان

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۱- در زندگی ام خیمه ای من دارم
گر چه فقیرم من راضی ام
اما در سما مؤمنین خدا
دارند خانه ها شاد و زیبا

بند گردان

خانه آسمان رفیع و درخشان
جمع مؤمنان شادند جاودان
هان در آن زمان نباشیم سرگردان
بلکه با ایمان در آسمان

۲- با او غنی ام تنها نمانم
راه تنگ روم نومید نیستم
رنج این دنیا دارد انتها
از رب در سما یابم تاج را

بند گردان

خانه آسمان رفیع و درخشان
جمع مؤمنان شادند جاودان
هان در آن زمان نباشیم سرگردان
بلکه با ایمان در آسمان

پدر آسمانی جلال باد بر نام تو
از حال تا ابد الآباد
از حال تا ابد الآباد

زانوها در نزدت خم شوند
چون بینند جلال و شکوهت
دستها به سویت گشوده
تا ابد تو را ستایند

تا ابد الآباد ، تا ابد الآباد
تو را پرستم ، تو را پرستم

* * *

تویی قوتم چون ضعیفم
تویی آن نور عظیمم
تویی همه چیزم

در پی ات چون یک جواهر
همیشه دارم در خاطر
تویی همه چیزم

بند گردان
عیسی مصلوب نامت چه عظیم
عیسی محبوب نامت چه شیرین

گرفتی شرم و گناهم
بر صلیبت تا بدانم
تویی همه چیزم

وقتی افتم بر خیزانی
وقتی خشکم تو حیاتی
تویی همه چیزم

بند گردان
عیسی مصلوب نامت چه عظیم

عیسی محبوب نامت چه شیرین

تویی همراه و نجاتم
در سختی ها در کنارم
تویی همه چیزم

شبان نیکو در سختی
گنج مخفی در تنگدستی
تویی همه چیزم

بند گردان
عیسی مصلوب نامت چه عظیم
عیسی محبوب نامت چه شیرین

۱- هلولویاه حمدش کنید (۲)
گوییم هلولویاه ، گوییم هلولویاه
هلولویا حمدش کنید

۲- اوست خداوند شاه شاهان (۲)
عیسی خداوند است ، عیسی خداوند است
اوست خداوند شاه شاهان

۳- قلبت را به رویش بگشا (۲)
قلب خود را بگشا ، قلب خود را بگشا
قلبت را به رویش بگشا

۴- آید او را پرستیم (۲)
نزدش زانو زنیم ، نزدش زانو زنیم
آید او را پرستیم

۵- پدر روحت را جاری ساز (۲)
روحت را جاری ساز ، روحت را جاری ساز
روحت را بر ما جاری ساز

* * *

۱- عیسی محبوب من ای هستی من
ترا دارم در قلبم چون دیگر کس نباشد
همانندت

فرزند خدا هستی ، سلطان قلبها هستی
آرام روانمی ، دانم تویی مسیحا
دانم تویی مسیحا

۲- دنیای آشفته من طلبد تو را
هر کس شنود نامت ، گوید بیا مسیحا
در جلالت
خود را فدایم کردی ، مرا مدیونت ساختی
دانم که تویی تنها نجات همه ما
نجات همه ما

۳- آرزویم هست ای خدا ، شناسم تو را
ظاهر کرده ای خود را در وجود مسیحا
برای ما
امید من تو هستی ، چون در کلامت گفתי
با تایید روح تو ، با ایمان به نام تو
با ایمان به نام تو

* * *

۱- کاش امسال باشد در کریسمس کلیسا سپید همچو برف
تا داماد سماوی نبیند گناهی
بر ردای عروس خود

....

کاش امسال باشد در کریسمس کودکان دل‌بند ما
صاحب رویا و برکت شاداب - پر از شادی خدای ما

.....

۲- کاش امسال باشد در کریسمس جوانان پاک و مقدس
تا در دنیای تاریک در این ظلمت غلیظ
درخشد همچون نیرها

....

کاش امسال باشد در کریسمس خادمین پر زفیض و مسح
چون شعله های آتش سوزان - در خدمت شاه شاهان

.....

۳- کاش امسال باشد در کریسمس خانه هایمان پر زصفا
در سرمای این جهان خانه های مومنان
باشد گرم و پر محبت

....

کاش امسال باشد در کریسمس همه چیز سپید همچو برف
روزهایت شاد و عالی با او - زیبا و بیاد ماندنی

* * *

این روزها روزهای ایلیا است
وقت آیات و معجزات است
و این روزهای خادم تو موسی است
کلامت اعلام می گردد
و گرچه این روزهای سخت
قحطی و جنگ و طوفانهاست
ما چون صدایی در بیابان، گوئیم
راه خدا را راست سازید

بند گردان
او می آید بر روی ابرها
تابان چو خورشید
با آواز شیپورها
بسرا این سال یوبیل است
از خانه خدا نجات آید

روزها روزهای حزقیال است
مردگان حیات می یابند
این روزها روزهای خادمیت، داود است
تسیحات دایم اوج گیرد
اما این روزهای حصاد است
زمان درو رسیده

و تا در پایان این جهان، باقوت
کلامش را اعلام کنیم

بند گردان
او می آید بر روی ابرها
تابان چو خورشید
با آواز شیپورها
بسرا این سال یوبیل است
از خانه خدا نجات آید

* * *

این روزها روزهای ایلیاست
وقت آیات و معجزات است
این روزها روزهای موسی است
کلام خدا اعلام گردد
وگرچه این روزهای سخته
قحطی و جنگ و طوفانهاست
ما چون صدایی در بیابان
گوییم راه خدا را راست سازید

بند گردان
او می آید بر روی ابرها
تابان چو خورشید
با آواز شیپورها
بسرا این سال یوبیل است
از خانه خدا نجات آید

روزها روزهای حزقیال است
مردگان حیات می یابند
این روزها ایام داود است
تسیحات دایم اوج گیرد
اما این روزهای حصاد است
زمان درو رسیده

و تا در پایان این جهان
کلامش را اعلام کنیم

بند گردان
او می آید بر روی ابرها
تابان چو خورشید
با آواز شیپورها
بسرا این سال یوبیل است
از خانه خدا نجات آید

* * *

حضور نوازشگرت
اشک ز چشمانم جاری سازد

حضور پر محبت
وجودم را شعله ور سازد

حضور پر جلال تو
حمد بر زبانم جاری کند

حضور پر از فیض تو
شفا را در من جاری کند

تشنه ام تشنه حضور شیرینت
مشتاقم مشتاق دیدار رویت
ای پدر ای پدر آغوش گرم تو
پر محبت پر از رحمت و فیض است

* * *

تو بزرگی مثل کوه‌ها تو لطیفی مثل گلها
تو عمیقی مثل دریا تو سپیدی مثل برفها
تو مثل ستاره صبح تو شبهام پیشم می‌مونی
تو توی باغچه قلبم نهال عشقو می‌نشونی) ۲ بار

(توی این دنیای کهنه همیشه تازه و سبزی
توی طوفانهای دریام یه صخره استواری
توی بن‌بستهای فکرام همیشه راه نجاتی
از پس ابرهای تیره تو خورشید با وقاری) ۲ بار

(تو مثل نم نم بارون توی خشکیام می‌باری
تو مثل به باد خنک به صحرا امید می‌آری
راه‌های تو چه عجیبه مثل رقص برگ تو هوا
از زمین انتظارم می‌کشی منو به سما) ۲ بار

توی این دنیای کهنه همیشه تازه و سبزی
توی طوفانهای دریام یه صخره استواری
توی بن‌بستهای فکرام همیشه راه نجاتی

از پس ابرهای تیره تو خورشید با وقاری

* * *

•

{ در توست زندگیم از توست قوت من
برتوست امید من در توست عیسی } (۲)

با تمام وجودم شکر کن
با تمامی قلبم حمدت گویم

با جان و دلم ، قدرت و روحم
تمامی امیدم بر توست { ۲ }
برتوست

شالوم شالوم سلامتی ای کلیسا شادی نما
شالوم شالوم سلامتی تنها تو را سزااست

شادم شادم در حضور خداوندم وجد نمایم
شادم شادم نام او را از دل سرایم

بند گردان

چون خداوند در میان توست وجد و شادی نما
آری او عیسی است ، صاحب دلهاست
قادر مطلق ، زود می آید

شالوم شالوم سلامتی ای کلیسا شادی نما
شالوم شالوم سلامتی تنها تو را سزااست

شادم شادم در حضور خداوندم وجد نمایم
شادم شادم نام او را از دل سرایم

از دل سرایم ، از دل سرایم ، از دل سرایم
از دل سرایم

* * *

تو بزرگی مثل کوه‌ها تو لطیفی مثل گلها
تو عمیقی مثل دریا تو سپیدی مثل برفا
تو مثل ستاره صبح تو شبام پیشم می‌مونی
تو توی باغچه قلبم نهال عشقو می‌شونی) ۲ بار

(توی این دنیای کهنه همیشه تازه و سبزی
توی طوفانهای دریام یه صخره استواری
توی بن‌بستهای فکرام همیشه راه نجاتی
از پس ابرای تیره تو خورشید با وقاری) ۲ بار

(تو مثل نم نم بارون توی خشکی ام می‌باری
تو مثل یه باد خنک به صحرا امید می‌آری
راه‌های تو چه عجیبه مثل رقص برگ تو هوا
از زمین انتظارم می‌کشی منو به سما) ۲ بار

توی این دنیای کهنه همیشه تازه و سبزی
توی طوفانهای دریام یه صخره استواری
توی بن‌بستهای فکرام همیشه راه نجاتی

از پس ابرای تیره تو خورشید با وقاری

روزی آمد در عمر من ، آزاد شدم در روح و تن
شنیدم ندای مسیح ، یافتیم در خونش خلاصی

بند گردان

روز شاد ، روز شاد ، شدم من از گنه آزاد

چرا دلتنگ باشم الان

نجات یافتیم تا جاودان

روز شاد ، روز شاد ، شدم من از گنه آزاد

خون مسیح ظاهر فرمود ، شدم از سر نو مولود
دارم امروز حیات نو ، دادم آنرا در دست او

بند گردان

روز شاد ، روز شاد ، شدم من از گنه آزاد

چرا دلتنگ باشم الان

نجات یافتیم تا جاودان

روز شاد ، روز شاد ، شدم من از گنه آزاد

ای جان من سپاس بخوان راحت شدی تا جاودان
دیگر کجاست بار گناه ، صلیب اوست مرا پناه

بند گردان

روز شاد ، روز شاد ، شدم من از گنه آزاد

چرا دلتنگ باشم الان

نجات یافتیم تا جاودان

روز شاد ، روز شاد ، شدم من از گنه آزاد

* * *

بندگردان:

ال شداى الشداى ال الیون آدونای
نامهای تو چه بسیار لیکن قدرتت یکسان
ال شداى الشداى ال الیون آدونای
حمدت خوانیم تا ابد الشداى

(الشداى:خدای قادر مطلق - ال الیون:خدای متعال - آدونای:آقا، پادشاه
و خداوند)

۱- رهانیدی قوم خود با دست عظیم خود
شکافتی تو دریا را با قوت نام خود
در جهان نمایان شد شکوه جلال تو
چون رهانیدی فرزندان را

بندگردان

ال شداى الشداى ال الیون آدونای
نامهای تو چه بسیار لیکن قدرتت یکسان
ال شداى الشداى ال الیون آدونای
حمدت خوانیم تا ابد الشداى

(الشداى:خدای قادر مطلق - ال الیون:خدای متعال - آدونای:آقا، پادشاه
و خداوند)

۲- در سرتاسر تاریخ قومها منتظر بودند
تا آن مسیح موعود خود را ظاهر سازد
گرچه کلام خدا شاهد بوده بر عیسی
نپذیرفتند آنها مسیح خداوند را

بندگردان

ال شداى الشداى ال الیون آدونای
نامهای تو چه بسیار لیکن قدرتت یکسان
ال شداى الشداى ال الیون آدونای
حمدت خوانیم تا ابد الشداى

(الشدای:خدای قادر مطلق - ال الیون:خدای متعال - آدونای:آقا، پادشاه
و خداوند)

جلال جلال بر شاه شاهان (۲)
کیست این پادشاه جلال
عیسی شاه شاهان
زمین و آسمان در دستهای اوست
اعلام کنیم نامش را

یابید برکت و شادی و آرامش من
یابید ایمان و فیض من محبت من
یابید رویا از آسمان رازها و اسرار
یابید معرفت مهر پدر را بسیار

بند گردان

برکت از من یابید برکت از سما
پر سازم قلبتان از امید پر جلال
و فیض بی پایان

یابید برکت فیض بهر روزهای دشوار
یابید حکمت تا بمانید همیشه بیدار
یابید زندگی شگفت انگیز با من
یابید ایمان ساده را یابید آرامم

بند گردان

برکت از من یابید برکت از سما
پر سازم قلبتان از امید پر جلال
و فیض بی پایان

یابید برکت دلیری یابید شجاعت
یابید در مشکلات از هم مهر و رفاقت

یابید ایمان و جسارت در وقت خطر
یابید لبخند رضایت بر لب پدر

بند گردان

برکت از من یابید برکت از سما

پر سازم قلبتان از امید پر جلال

و فیض بی پایان

۱- نامت را بر افرازیم با تمام جهان خوانیم
قبر تو فقط خالیست ملکوت تو جاودانیست

بند گردان

تو آمدی از سما میان ما
بر صلیب گرفتی تو جرم ما

از بین مردگان برخاستی تا آسمان
محبت بی پایان

۲- نامت را بر افرازیم تو را تا ابد ستاییم
تویی بره خدا فدیة گناه دنیا

بند گردان

تو آمدی از سما میان ما
بر صلیب گرفتی تو جرم ما

از بین مردگان برخاستی تا آسمان
محبت بی پایان

بند گردان

تمجید کنید سرودها بسرایید
اندر حضور آن مولود زانو زنید
در حضور آن مولود زانو زنید

در آن شب مقدس و فروزان
منجی من مولود گشت در این جهان
تشنگان عالم در انتظارش
تا او ظاهر شود در جلالش
کلمه جسم گردید و آشکار شد
نوری عظیم بر ما طلوع نمود

بند گردان

تمجید کنید سرودها بسرایید
اندر حضور آن مولود زانو زنید
در حضور آن مولود زانو زنید

حکم مسیح محبت حقیقی
انجیل او مژده سلامتی است
در قوت نام مسیح شود دور
غم و اندوه و آنگه بخشد سرور
سرودهای شادمانی نعمت اوست
همه از رحمت و فیض خداست

بند گردان

تمجید کنید سرودها بسرایید
اندر حضور آن مولود زانو زنید
در حضور آن مولود زانو زنید

چیزهای کهنه اینک در گذشته
با لطف او همه چیز تازه شده
معنی و عطر زندگی در عیسی است
او محور خوشبختی دنیاست
در او باشد جواب هر تقاضا
چون اوست یگانه فرزند خدا

بند گردان

تمجید کنید سرودها بسرایید
اندر حضور آن مولود زانو زنید
در حضور آن مولود زانو زنید

میان بند

تمجید کنید سرودها بسرایید
اندر حضور آن مولود زانو زنید
در حضور آن مولود زانو زنید

منجی ام عیسی ای شاه جلال
می ستایمت با تمام جان
(اوه هلولویاه) ۴

در غم و سختی تنگی و جفا
تنها امیدم تویی ای عیسی
(اوه هلولویاه) ۴

وعده داده ای زود بر می گردی
فرزندانت را نزدت می خوانی
(اوه هلولویاه) ۴
(اوه هلولویاه) ۴

(اوه هلولویاه) ۲

ای عیسی با مرگت
لعنت و موت را برداشتی
ای مسیح شاه من
با خونت مرا شستی

بر صلیب جلجتا
عشقت را ثابت کردی
روز سوم پس از مرگ
خداوندم قیام کردی

تمام شد

مسیح بر خاست

از مردگان

او قیام کرد

ای عیسی با مرگت
لعنت و موت را برداشتی
ای مسیح شاه من
با خونت مرا شستی

بر صلیب جلجتا
عشقت را ثابت کردی
روز سوم پس از مرگ
خداوندم قیام کردی

تمام شد

مسیح بر خاست

از مردگان
او قیام کرد

ای عیسی با مرگت
لعنت و موت را برداشتی
ای مسیح شاه من
با خونت مرا شستی

بر صلیب جلجتا
عشقت را ثابت کردی
روز سوم پس از مرگ
خداوندم قیام کردی

تمام شد
مسیح برخاست
از مردگان
او قیام کرد

بندگردان

(ما مسیحی هستیم
او را می پرستیم)
در سختی ها او را می پرستیم
در شادیاها حمدش سراییم (۲)

۱- ای همسپاه با روح یا
بهرش بجنگیم
در اتحاد و قوتش
پیروز بمانیم
سرود و آهنگ بخوانیم
او را بسراییم
در کار و در خدمت او
امین بمانیم

بندگردان

(ما مسیحی هستیم
او را می پرستیم)
در سختی ها او را می پرستیم
در شادیاها حمدش سراییم (۲)

۲- ای دوست یا با همدیگه

تا او را خوانیم
با فیض او در قلبمان
شانادان بمانیم
دستها را با هم بگیریم
او را پرستیم
در رنج و در شادی خود
نامش ستاییم

بندگردان

(ما مسیحی هستیم
او را می پرستیم)
در سختی ها او را می پرستیم
در شادیاها حمدش سرااییم)(۲)

•

تو عظیمی ای خدا
تو عظیمی ای خدا
فرشتگان سرایند
ایمانداران بگویند
تو عظیمی ای خدا

* * *

من مشتاقم همیشه صدایت را بشنوم
گرچه مانند ایلیا از سختی ها بگذرم
ای کوزه گر سما بساز وجود مرا
آنکه تو به من بگو بخرام و کامل شو

* * *

۱- خادمتم را خداوند مسح نما
بهر خدمت در کلیسایت
راه خدمت بر او هموار نما
با پیری از حضورت

بندگردان

(امداد کن دائم در تو مانم

تا هرگز از تو دور نشوم

جلالت را بینم

در کلامت مانم

چون تو هستی خداوند راستی) ۲

۲- هر جا روم دائم در تو مانم

با اعتماد بر وعده هایت

در راه راست دائم به پیش روم

تا من هرگز نلغزم

بندگردان

(امداد کن دائم در تو مانم

تا هرگز از تو دور نشوم

جلالت را بینم

در کلامت مانم

چون تو هستی خداوند راستی (۲

* * *

خوش بحال پاک دلان خواهند دید خدا را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید او را

خواهند دید، ابتدا و انتها

خواهند دید، سازنده دنیا را

خواهند دید، باور کن که این

امکان پذیر است

امکان پذیر است، امکان پذیر است

خوش بحال پاک دلان خواهند دید خدا را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید او را

خواهند دید، پدر سرمدی را

خواهند دید، آن عشق ابدی را

خواهند دید،

چقدر شگفت انگیز است فکر کنی

می بینیم او را، می بینیم او را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید خدا را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید او را

خواهند دید، او که حرف زد با موسی

خواهند دید، سر چشمه خوبی ها

خواهند دید، چه موهبتی بهتر از این که

خواهیم دید او را، خواهیم دید او را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید خدا را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید او را

خواهند دید، عشق بی پایانم را

خواهند دید، پدر سرورم را

خواهند دید، رویاها به حقیقت پیوستند

خواهند دید او را، خواهند دید او را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید خدا را

خوش بحال پاک دلان خواهند دید او را

غرق نورم و در تو شادم

پر ز روحت، من می سرایم

در پی تو می خرامم، من آزادم

غرق نورم و در تو شادم

بامدادان یکشنبه شد و روز خدا
پاسبانان همچنان ایستاده بر قبر بیا
ناگه آمد زلزله فرشته ای از سما
سنگ قبرش را غلطاند و جنباندش زجا
ترس و وحشت بر قلوب هر یک از ایشان بریخت
هریکی از ترس جانش رو به سوی می گریخت

بند گردان

زنده شد عیسی برخاست از میان مردگان
زنده جاوید شد عیسی خداوند جلال (۲)

چونکه مریم بر در قبر خداوند رسید
در تحیر شد که سنگ بر در قبرش ندید
با تعجب او درون قبر عیسی رفت و دید
خالی افتاد کفن گشته مسیح ناپدید
شد فرشته ای به مریم ظاهر و گفتا چنان
از چه می جویی تو زنده را میان مردگان

بند گردان

زنده شد عیسی برخاست از میان مردگان
زنده جاوید شد عیسی خداوند جلال (۲)

گفت عیسی من قیامت هستم و راه نجات
فدیه کردم جان خود تا ز من بیاید حیات
پس بیا با شادمانی دست خود بالا بریم
بهر پیروزی عیسی حمد و تسبیحش کنیم
نام عیسی برتر از هر قدرتی است در این جهان
بر شکست او قدرت مرگ و بود سرورمان

بند گردان

زنده شد عیسی برخاست از میان مردگان
زنده جاوید شد عیسی خداوند جلال (۲)

خواهم هر روز با تو راه روم
صدایت را بشنوم
مژده خوش نجاتت را همه جا رسانم

بندگردان
(سلطان قلبم تویی عیسی
مهر تویی همتا
خواهم هر روز با تو راه روم
صدایت بشنوم) ۲

چون اراده ات را نجویم
بخش مرا مسیح
خواهم سویت شتابان دوم
با، تو راه روم

بندگردان
(سلطان قلبم تویی عیسی
مهر تویی همتا
خواهم هر روز با تو راه روم
صدایت بشنوم) ۲

۱- چون دائم سرود حمد خوانیم
با فیضش نورانی می شویم
من در تو تو در من
پری روح القدس را بینیم
هَلَلو هَلَلو با شوق دست زنیم
هَلَلو هَلَلو فریاد بر آریم
هَلَلو هَلَلو دست بر افرازیم
خدا را بسراییم

۲- چون دائم شکر و سپاس گوییم
با فیضش نورانی می شویم
من در تو تو در من
پری روح القدس را بینیم
هَلَلو هَلَلو با شوق دست زنیم
هَلَلو هَلَلو فریاد بر آریم
هَلَلو هَلَلو دست بر افرازیم
خدا را بسراییم

۳- چون دائم محبت نماییم
با فیضش نورانی می شویم
من در تو تو در من
پری روح القدس را بینیم

هَلَلو هَلَلو با شوق دست زَنیم
هَلَلو هَلَلو فریاد بر آریم
هَلَلو هَلَلو دست بر افرازیم
خدا را بسراییم

۴- چون دائم در دعا بمانیم
با فیضش نورانی می شویم
من در تو تو در من
پری روح القدس را بینیم
هَلَلو هَلَلو با شوق دست زَنیم
هَلَلو هَلَلو فریاد بر آریم
هَلَلو هَلَلو دست بر افرازیم
خدا را بسراییم

* * *

روح قدوس خدا
با قدرت و جلالت بیا ساکن شو در کلیسا
روح قدوس خدا
با حضور و آتش بیا تبدیل کن تو ما را

شکوه و جلالت ما را بپوشاند
نهرهای آب حیات جاری شود
(۲) در دلها عدالت ساکن گردد
تا باران آخر (۲) آید

اینک در حضورت ایستاده ام
رویت را می طلبیم
تو را می جوئیم از دل می خوانیم
عیسی جلال بر تو عیسی

شکوه و جلالت ما را بپوشاند
نهرهای آب حیات جاری شود
(۲) در دلها عدالت ساکن گردد
تا باران آخر (۲) آید

شکوه و جلالت ما را بپوشاند

نهرهای آب حیات جاری شود
در دلها عدالت ساکن گردد (۲)
تا باران آخر (۲) آید

۱-بخشندهٔ روح پاک ما را پر ساز

با نهر سماوی خود

سیراب ساز تشنگی ما

از منبع آسمانی خود

ای آتش روح خدا

شعله ور ساز وجود ما را

سوزان در ما ریشه هر گناهی

تا شویم شبیه تو ای عیسی

۲-تعمید دهندهٔ آتش روح

قرار ده بر ما مسح خود

بهر تو ثمر آوریم

قوت یافته شاهدانت شویم

ای آتش روح خدا

شعله ور ساز وجود ما را

سوزان در ما ریشه هر گناهی

تا شویم شبیه تو ای عیسی

۳- با آتش مه‌رت ای روح خدا
گرم ساز قلبهای سرد ما
از عشق تو لبریز شویم
پاک شده همچون مسیحا گردیم

ای آتش روح خدا
شعله ور ساز وجود ما را
سوزان در ما ریشه هر گناهی
تا شویم شبیه تو ای عیسی

۴- با آتش مه‌رت ای روح خدا
گرم ساز قلبهای سرد ما
از عشق تو لبریز شویم
پاک شده همچون مسیحا گردیم

زمین و آسمان پر از رحمت خداوند است
او با کلامش دریا و خشکی و کوه و صحرا را آفرید

(خداوند را ستاییم با آوای موسیقی
خداوند را ستاییم با رقص و شادی
خداوند را ستاییم با رقص و با پایکوبی
بهر او سرودی نو خوانیم) (۲)

روح القدس (فروریز) ۲
تسلی دهنده و دوست به لمس تو محتاجم
روح القدس - (فروریز) ۲
قدرت بینم صدايت شنوم
لمس کن قلبم را پایدار بر وعده ات
روح القدس فروریز

چشمی ندید گوشی نشنید کس نفهمید
چه مهیا کرد
پس آسمان بگشا وسیعتر بگشا
برکت بر ما و کلیسا
روح القدس فروریز
تسلی دهنده و دوست به لمس تو محتاجم
روح القدس - (فروریز) ۲
قدرت بینم صدايت شنوم
لمس قلبم را پایدار بر وعده ات
روح القدس فروریز

چشمی ندید گوشی نشنید کس نفهمید
چه مهیا کرد

پس آسمان بگشا وسیعتر بگشا
برکت بر ما و کلیسا
روح القدس فرو ریز (۳ بار)

جلال بر تو جلال بر تو
پدر پدر پدر در سما پدر پدر در سما

جلال بر تو جلال بر تو
پسر پسر پسر خدا پسر پسر خدا

جلال بر تو جلال بر تو
روح القدس روح خداوند روح خداوند ما

جلال بر تو جلال بر تو
پدر پدر پدر در سما پدر پدر در سما

جلال بر تو جلال بر تو
پسر پسر پسر خدا پسر پسر خدا

جلال بر تو جلال بر تو
روح القدس روح خداوند روح خداوند ما

۱- پدر نور مهرت درخشد
در عمق تاریکی ها بتابد
عیسی نور جهان بر ما تابد
با راستی اش به آزادی آرد

بندگردان

عیسی بتاب (۲)

عیسی بتاب

پر ساز از روح پدر ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روح میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را

۲- به حضور مهیبت می آییم
از ظلمت به جلال می آییم

با خون بره به قدست آییم
هستی مان طاهر کن چون مانیم

عیسی بتاب (۲)

عیسی بتاب

پر ساز از روح پدر ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روحت میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را

۳- چون بینیم جلالت را ای پادشاه
نور رویت بر ما ظاهر نما
تبدیل نما از جلال به جلال
روح و جانم گویند محبوبیم عیسی
عیسی بتاب (۲)
عیسی بتاب

پر ساز از روح پدر ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روحت میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را (۳بار)

۱- روح القدس از آسمان آتش بپا کن
تبدیلمان گردان و از عصیان جدا کن

باران آخر را تو بر جان کلیسا
جاری بساز و پر ز عیسی خدا کن (۲)

۲- روح القدس آیات خود را شعله ور کن
در نام عیسی درد و غم ها را دوا کن

آری خداوندا دگر طاقت نداریم
روح القدس را ای پدر همراهمان کن (۲)

۳- روح القدس آه ای شراب آسمانی
با عشق عیسی تشنگان را آشنا کن

اینک کلیسایت دگر بیدار گردان
روح القدس با فیض خود ما را صدا کن (۲)

در جان ما از آسمان آتش بپا کن
ما را تو با خود روح عیسی همنا کن (۲)

۱- روح القدس از آسمان آتش بپا کن
تبدیلمان گردان و از عصیان جدا کن

باران آخر را تو بر جان کلیسا
جاری بساز و پر ز عیسی خدا کن (۲)

۲- روح القدس آیات خود را شعله ور کن
در نام عیسی درد و غم ها را دوا کن

آری خداوندا دگر طاقت نداریم
روح القدس را ای پدر همراهمان کن (۲)

۳- روح القدس آه ای شراب آسمانی
با عشق عیسی تشنگان را آشنا کن

اینک کلیسایت دگر بیدار گردان
روح القدس با فیض خود ما را صدا کن (۲)

در جان ما از آسمان آتش بپا کن
ما را تو با خود روح عیسی همنا کن (۲)

•

بریزد بریزد
بگشا درهای آسمان
بریزد
بگشا درهای آسمان
تا ریزد برکت
بگشا درهای آسمان
تا ریزد قوت
بگشا درهای آسمان بریزد
بریزد
* * *

بشنو دعایم بشنو دعایم
چون تو را می خوانم (۲)
بشنو صدایم بشنو صدایم
چون تو را می خوانم (۲)
بشنو آوازم بشنو آوازم
چون تو را می خوانم (۲)

* * *

شالوم ای مومنین
شالوم شالوم
شالوم قوم خدا
شالوم شالوم
با حمد و با تسبیح
با شادی و سرور
به هم شالوم گوید
شالوم شالوم

* * *

به حضورت آیم
عشقم را ابراز نمایم
تو را من می خواهم
خداوند پر م ساز
خداوندم دوستت دارم
جلال بر تو تو هستی شادم
خداوندم دوستت دارم
همه چیزم ای خداوندم

* * *

هوای تازه ایست ۲
حضور قدوست زنده در من
این نان تازه ایست ۲
کلام زنده گوید با من
ومن بی تو تشنه ام
و من بی تو گمشده ام

* * *

ای ماه تابان خورشید نوران
ای چرخ و فلک ای باد و باران
ای کوه بلند رنگین و کمان
ای وعده بداده بهر انسان
او هست خالق ما ، او هست یزدان ما
اسم او همیشه بر زبان ما
او هست خالق ما ، یار و یاور ما
لطف و محبتش همیشه بر ما

عیسی عیسی عیسی
عیسی اوست مسیح ما ، فرزند خالق ما
عیسی اوست آقای ما ، تا ابد کنار ما
مسیحا او عیسی است
او عیسی مسیحا است

* * *

حضور نواز شگر تو

اشک ز چشمانم جاری می کند

حضور پر جلال تو

حمد بر زبانم جاری می سازد

حضور پر محبت تو

عشقت را در من جاری می سازد

تشنه ام تشنه حضور شیرینت

مشتاقم مشتاق دیدار رویت

ای پدر ای پدر آغوش گرم توست

پر محبت پراز رحمت و فیض تو

ای پدر

(اشتیاق و انتظار من و تو) (۲)

ای پدر

برخیز وقت پرستش اوست
برخیز پرستش محبوب نیکوست
برخیز پنهان نشو از نزدش
برخیز امروز او تو را پذیرد
برخیز

روزی همه گویند تو خداوندی
در حضورت زانو زنند
اما خوشابحال آنانکه
امروز تو را ستایند

امروز تو را با شادی می پرستیم
فریاد شادمانی زنییم
به حضورت ای شاه آسمانی
با شادی می شتابیم

برخیز وقت پرستش اوست
برخیز پرستش محبوب نیکوست
برخیز پنهان نشو از نزدش
برخیز امروز او تو را پذیرد
برخیز (۵)

عیسی مسیح، شاه شاهان

رب الارباب، سرور ما

عمانوئیل، خدا با ما

شایسته پرستش ها

شکر بر نام عیسی (۳)

جلال بر نام عیسی

مسیح عیسی، او زنده است

خدای ما، منجی ما

قیام کرد او از مردگان

قبرش خالیست، پیروزیم ما

شکر بر نام عیسی (۶)

جلال بر نام عیسی

ای خداوند مهربان مسیح من تویی
در تو بود نور و حیات ، تویی شبان آسمانی

بندگردان

تنها ملجایم تو هستی
حامی و راهم تو هستی
جز تو هیچ یاری ندارم
مسیح من تویی

(۲) با اشتیاقی بس عظیم حضورت را خواهیم
با حمد و تسبیح و سرود اندر حضور تو سراییم

بندگردان

تنها ملجایم تو هستی
حامی و راهم تو هستی
جز تو هیچ یاری ندارم
مسیح من تویی

(۳) ای خالق کل هستی تنها تو را جویم
ای شفیع عالمیان مسیح من تنها توهستی

بندگردان

تنها ملجایم تو هستی
حامی و راهم تو هستی
جز تو هیچ یاری ندارم
مسیح من تویی

* * *

می نهیم (برتر و بالا تر) ترا ای (کاهن اعظم)

برتر از هر انسان یا هر چیز

چون تویی تنها کاهن جان ما

شادی کنید ای فرزندان
چون پدر آسمانی
در آسمان
حاکم است او و هم بر زمین

چون خدای ما در میان ما
قادر است نامش
با سرودهایش مرا پوشاند ماتم مرا پایکوبی سازد

شادی کنید ای فرزندان
چون پدر آسمانی
در آسمان
حاکم است او و هم بر زمین

ملجایی در نزد دشمنان
صخره نجات
شاه کلیسا در میان ما می خرامد جلال بر نامش

شادی کنید ای فرزندان
چون پدر آسمانی
در آسمان
حاکم است او و هم بر زمین

* * *

۱- مسکن تو دلپذیر است چه زیباست روی تو

ملائک نامت سرایند

(و جلال خداوند پر کرده این خانه) (۲)

۲- تخت تو چه با شکوه است گردش رنگین کمان

چه روح انگیز است صحن هایت

(و جلال خداوند پر کرده این خانه) (۲)

۳- ما را چون سنگهای زنده در خانه ات بکار بر

بر قلب ما جلوس فرما

(تا جلال خداوند پر سازد این خانه) (۲)

۱- مسکن تو دلپذیر است چه زیباست روی تو

ملائک نامت سرایند

(و جلال خداوند پر کرده این خانه) (۲)

(و جلال خداوند پر کرده این خانه) (۲)

(و جلال خداوند پر کرده این خانه) (۲)

۱- پدر نور مهرت درخشد
در عمق تاریکی ها بتابد
عیسی نور جهان بر ما تابد
با راستی اش به آزادی آرد

بندگردان

عیسی بتاب (۲)

عیسی بتاب

پر ساز از روح پدر ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روح میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را

۲- به حضور مهیبت می آییم
از ظلمت به جلال می آییم

با خون بره به قدست آییم
هستی مان طاهر کن چون مانیم

عیسی بتاب (۲)

عیسی بتاب

پر ساز از روح پدر ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روحت میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را

۳- چون بینیم جلالت را ای پادشاه
نور رویت بر ما ظاهر نما
تبدیل نما از جلال به جلال
روح و جانم گویند محبوبیم عیسی
عیسی بتاب (۲)

عیسی بتاب

پر ساز از روح پدر ما را
ای روح بگذار بر آتش قلب ما
جاری نما نهر روحت میان قومها
با کلامت بیفشان نورت را (۳بار)

دست زنید بگویند هلولویا
شاه ما قادر است
روح اوست که ما را پیروز سازد
شاه ما قادر است
خدای ما پادشاه است
مهرش بی زوال است
عظمتش سراپید
شاه ما قادر است (۲)
جلال جلال هلولویا
شاه ما قادر است
روح اوست که ما را پیروز سازد
شاه ما قادر است

* * *

غرق نورم و در تو شادم

پر ز روحت، من می سرایم

در پی تو می خرامم، من آزادم

غرق نورم و در تو شادم

عیسی دوستت دارم
عیسی دوستت دارم
قاصر است زبانم ابرازش نکنم
اما دوستت دارم
عیسی حمدت گویم
عیسی حمدت گویم
قاصر است زبانم ابرازش نکنم
اما دوستت دارم
عیسی تسبیح خوانم
عیسی تسبیح خوانم
قاصر است زبانم ابرازش نکنم
اما دوستت دارم

۱. (دلہم بہ کلام نیکو می جوشد
بہرت ای شاہ شاہان می سرایم) (۲)
تو جمیلتری از آدمیان
لبہایت پُر از نعمت از آسمان
(اَبَدی ہستی ، ماندنی ہستی) (۲)

۲. (پُر جلال و عظیمی شاہ شاہان
بہر عدالت برخیز ای کبریا) (۲)
ہر زانویی خم در حضور تو
ہر زبان گوید تویی خداوند
(اَبَدی ہستی ، ماندنی ہستی) (۲)

۳. (من مشتاق دیدار روی توأم
تا بینم جمال زیبای تو را) (۲)
تو جمیلتری از آدمیان
بہ شادی بہرت سر دہم آواز
(اَبَدی ہستی ، ماندنی ہستی) (۲)

با خدا با قوت پیش رویم؛
شیطان را با شدت سر کوب کنیم.
آواز پیروزی سراییم؛
مسیح منجی ام.
عیسی است نجات دهنده ام؛
عیسی است پیروزیم.
کلام خدا سلاحم؛
دنیا باشد شاهدم.

با خدا با قوت پیش رویم؛
شیطان را با شدت سر کوب کنیم.
آواز پیروزی سراییم؛
مسیح منجی ام

با خدا با قوت پیش رویم؛
شیطان را با شدت سر کوب کنیم.
آواز پیروزی سراییم؛
مسیح منجی ام.
عیسی است نجات دهنده ام؛
عیسی است پیروزیم.
کلام خدا سلاحم؛
دنیا باشد شاهدم.

با خدا با قوت پیش رویم؛

شیطان را با شدت سر کوب کنیم.
آواز پیروزی سراییم؛
مسیح منجی ام

چون پیروزی و آزادی در نام اوست
حیات و مرگ اختیار تام اوست
پس به فرمان باش مثل یه سرباز خوب
اصرار کن و تو دعا تو درُ بکوب
خبردار و استا جلو فرمانده عیسی
خواست اوست واسه ما همه خوبی ها
آواز سر دهم چون عیسی است منجی ام
در اوست آزادی و اوست پیروزی ام

پیروزی هست ، آزادی هست
پیروزی در نام تو عیسی
پر جلال است ، پر قدرت است
پر جلال ، تنها نام تو عیسی
چون ترسان شوم ، جانم خم شود
باز در تو ظرفر خواهم یافت

(آنگه سراییم ، باز هم سراییم
پیروزی هست در نام تو عیسی) (۲)

۱- به جای غمها رنج و غصه ها

می پذیرم شادی خدا
به جای گناه شک و اشتباه
آزادی یابم در نام عیسی

می پذیرم خداوند (۲)
می پذیرم در نام عیسی

در برابر دشمنان تسلیم نشوم
من از فوجها نترسم
نیروهای تاریکی بر من می گریزند
در او قوت می یابم
شاید غم تا شب بماند
دانم شادی با صبح آید

* * *

خداى قادر (۳) بالاترينى تا ابد
خداى قادر (۳) تو پرشكوهى تا ابد

قدوس است الشدى (۳) الشدى

خداوند ما (۳) با قوت مى پرستيمت
خداوند ما (۳) با قوت مى پرستيمت

قدوس است الشدى (۳) الشدى
قدوس است تا ابد (۳) الشدى (۳)

* * *

بگذار چون در نام قدوست جمع گشتیم
نام با شکوهت را جلال دهیم
می دانیم که چون حمد تو آغاز گردد
جلال تو فرود آید وجودمان فرو گیرد (۲)

* * *

(۱) مسیح خداوندم
مسیح خداوندم
ازلی ابدی
مسیحم خداوندم
آری تو خالق
بهرم منجی تویی
حافظ جان من
مسیحم خداوندم

بندگردان

حاکم بر جان من
آرام قلب من
تویی مسیح من
مسیحم
تنها همدم من
تا ابد همراه من
خداوندم
مسیحم

(۲) شاه و سلطان من
صخره نجاتم
کاهن ابدی

مسیحم خداوندم
شبانم تو هستی
طریقم تو هستی
هادی ام در سما
مسیحم خداوندم

بندگردان

حاکم برجان من
آرام قلب من
تویی مسیح من
مسیحم
تنها همدم من
تا ابد همراه من
خداوندم
مسیحم

(۳) در نامت پیروزیست
در خونت آزادیست
تو مهیا کننده
مسیحم خداوندم
صدایت آشناست
مهرت بی انتهاست
روحنت رهنماست
مسیحم خداوندم

بندگردان

حاکم بر جان من
آرام قلب من
تویی مسیح من
مسیح

تنها همدم من
تا ابد همراه من
خدای من
مسیح
